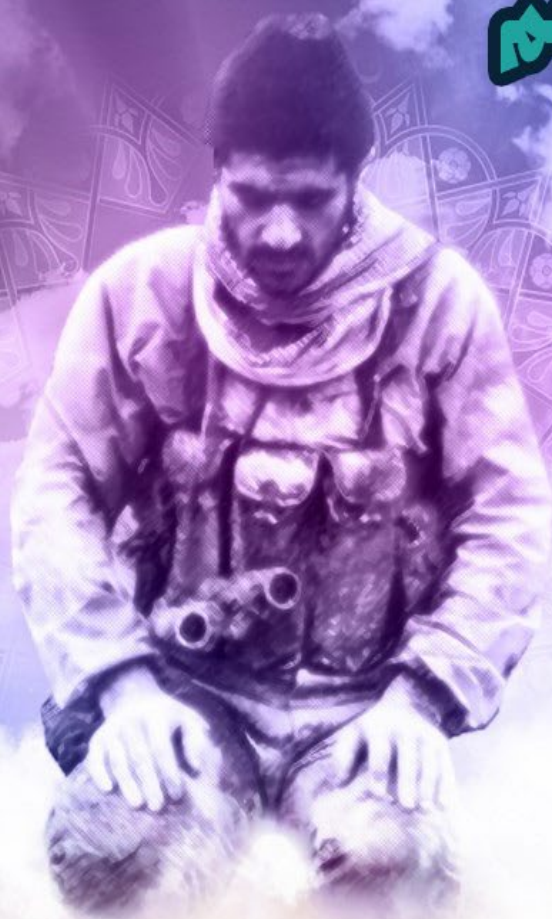


هشتاد و یک

کتاب ششم



ناصر کاوه



این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)

امام خمینی (ره)، شهدای ایران اسلامی از صدر اسلام تا شهدای جبهه ی مقاومت

رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است. خاطره نویسان جنگ مقتل خوانان دفاع مقدس هستند که، صحنه‌های جنگ را دیدند و نوشتند. اگر این دسته از نویسندگان این کار را انجام ندهند شاید نسل‌های بعدی حقایق را باور نکنند و کارهای بزرگ در زمان خود خفه شوند، چرا که ترس‌ها، امیدها و فداکاری‌ها در تاریکی و گمنامی جبهه‌ها اتفاق افتاده که جز خدا هیچ کس از آن خبر ندارد. هیچ کس این حقایق و بهجت‌هایی که رزمندگان هنگام عملیات‌ها داشتند را نمی‌بینند، مگر اینکه جهاد بزرگی رخ دهد و آن ثبت خاطرات برای دیگران است... ((امام خامنه ای))

کتاب هشتاد به یک؟! (جلد ششم)

مدیر پروژه و نویسنده: ناصر کاوه

هوش مصنوعی، گرافیک و طراح: علی کربلائی

رسانه و فضای مجازی: مهدی کاوه

تایپ و حروف نگار و مشاور طرح: نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: اول

فهرست مطالب

مقدمه/ ۹

پشت پرده چند معامله پنهانی با صدام/ ۱۶

مشخصات جنگ ایران و عراق / ۲۰

نخستین حمله عراق به ایران/ ۲۹

صدور قطعنامه ۳۶/۵۹۸

تشدید درگیری ها/ ۵۶

کارنامه مهدوی و یارانش / ۶۵

درگیری با نیروی دریایی آمریکا / ۹۲

حماسه نادر مهدوی و یارانش تا شهادت/ ۱۰۲

یادی از حماسه جاوید سهند و سبلان و جوشن/ ۱۲۰

بمباران شیمیایی حلبچه/ ۱۲۵

طرح صلح عراق / ۱۴۰

جنگ نفتکش ها/ ۱۵۹

شرایط خاص منطقه / ۱۶۷

حمله جدید عراق در منطقه فاو/ ۱۸۶

پیام امام خمینی/ ۱۹۱

فهرست منابع/ ۱۹۴

فهرست کشورها و مناطق بر پایه پهناوری/ ۲۳۱

نقش ژاپن در تسلیح صدام و کاهش قدرت دفاعی ایران/ ۲۳۵

کوچک ترین کشورهای دنیا/ ۲۴۵

جمعیت جهان به تفکیک کشورها/ ۲۶۷

مروری بر تعداد قطعنامه های صادر شده توسط/ ۲۹۱

دلیل برتری ارتش بعث عراق در ماه های پایانی جنگ/ ۲۹۹

ناگفته هایی از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/ ۳۰۶

هیلاری کلینتون، داعش را خودمان ساختیم/ ۳۳۸

شاهکار سردار سپهبد شهید، حاج قاسم سلیمانی/ ۲۴۲

سخن آخر/ ۳۸۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَا تُسَبِّحُوا لِلَّهِ حُجُجًا كَمَا سَبَّحُوا لِلَّهِ حُجُجًا



امام خمینی (رحمة الله عليه)

بدخواهان ما گمان نکنند که جوانان ما از مردن از شهادت
باکی دارند! شهادت ارثی است که از اولیاء به ما می
رسد. آنهایی باید از مردن بترسند که بعد از مرگ، موت را فنا
می دانند. ما که بعد از موت را حیات بالا تر از این حیات می
دانیم، چه باک داریم؟



بسم الله الرحمن الرحيم
 ولا تحسبوا اننا قد اقمنا
 الايمان الا بالبرهان



امام خامنه ای (مد ظله العالی)

آن عالم است که می تواند محتوای ذهن انسانی را تبدیل به چیزی کند که از این جسم، به اصطلاح رایج امروز، از این سخت افزار وجود بشری، یک انسان متعالی، یک انسان پیشرو و یک انسان فعال و پیشرو بسازد. یک عالم می تواند این کار را بکند



هفته
 دفاع مقدس
 گرامی



مقدمه

... این نوشته جات را قدر بدانید. این پدیده‌ها و این فرآورده‌های تاریخ انقلاب را، تاریخ دفاع مقدّس را قدر بدانید؛ این‌ها را باید خیلی قدر دانست و بین مردم هم منتشر بشود... «امام خامنه ای»

۸۰ کشور تجهیزکننده صدام در جنگ با ایران

هنگامی که عراق در شهریور ۱۳۵۹ حمله به ایران را آغاز کرد، شرایط دو کشور با یکدیگر کاملاً متفاوت بود؛ با آغاز جنگ ایران از هرگونه حمایت خارجی بی‌نصیب بود ولی رژیم بعثی عراق با پشتیبانی‌های جهانی وارد جنگ با ایران شده بود و کشورهای متعدد غربی و عربی به صدام هواپیما و امکانات راداری و پدافندی می‌دادند و مدرن‌ترین وسایل و تجهیزات را در اختیارش می‌گذاشتند.

علاوه بر این کمک‌های نظامی، انواع کمک‌های اقتصادی نیز عراق را پوشش می‌داد. در این نوشتار حامیان اصلی عراق در جنگ با ایران را در دو گروه حامیان غربی و پشتیبانان عربی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بر اساس اسناد ارائه شده در کتاب «جنگ ایران و عراق»، نوشته «پیرازوکس»، که توسط «انتشارات دانشگاه هاروارد» منتشر شده است، مجموع کمک‌های نظامی خارجی در دوره جنگ هشت ساله به عراق ارزشی در حدود ۸۰ میلیارد دلار و مجموع کمک‌های نظامی خارجی به جمهوری اسلامی در حدود ۲۴ میلیارد دلار بوده است. منظور از کمک نظامی معادل ارزش دلاری کلیه کمک‌ها و مساعدت‌های نظامی اعم از، تدارکاتی و مستشاری، آموزشی و خدماتی، فروش مستقیم و غیرمستقیم سلاح و تجهیزات نظامی و تعمیرات و قطعات یدکی آن، کالاهای غیرنظامی که به نوعی در جنگ و در پشتیبانی از نظامیان از آن‌ها استفاده می‌شود (مثل امکانات درمانی و بیمارستانی)، کمک‌های نقدی و اعتباری و هرگونه تسهیلات مشابه دیگر مثل وام برای خریدهای مورد نیاز نظامیان است که در جریان جنگ به دولت پذیرنده ارائه می‌شود.

جنگ ایران و عراق، مبتنی بر قاعده هژمونی و رویارویی مستقیم نبود و رویکرد توازن قوا (در کنار دو رویکرد برخورد مستقیم یا هژمونی و رویکرد چندجانبه گرایی) از اصول انکارناپذیر این جنگ خصوصا در حمایت از طرف عراقی برای مهار انقلاب بود.

اتحاد جماهیر شوروی در راس کشورهای کمک‌کننده به عراق در جنگ با ایران قرار داشت. ارزش مجموع کمک‌های نظامی شوروی به عراق دست کم ۳۰ میلیارد دلار بوده که در برخی از منابع تا ۴۰ میلیارد هم تخمین زده شده است. این رقم نشان می‌دهد نیمی از همه کمک‌های خارجی که صدام برای جنگیدن با ایران دریافت کرده، از سوی شوروی تامین شده است.

پس از شوروی، فرانسه با ۱۷ میلیارد دلار، چین ۶ میلیارد، ایتالیا نزدیک به ۴ میلیارد، مصر ۳ میلیارد، برزیل ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار و یوگسلاوی ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، در ردیف‌های بعدی کمک نظامی به عراق هستند.

کشورهایی که کمتر از یک میلیارد دلار به صدام در زمان جنگ با ایران کمک کردند عبارتند از رومانی، لهستان، چکسلواکی، اتریش، مجارستان، آفریقای جنوبی، آلمان غربی، اسپانیا، سوئیس و سوئد. بر اساس کتاب جنگ ایران و عراق، نوشته رازوکس، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی، کویت، امارات، بحرین، قطر و عمان کمک‌های بسیار ناچیزی به صدام کردند که رقم آن‌ها کمتر از ۵۰ میلیون دلار بوده است.

از طرف دیگر با وجود اینکه کشورهای حوزه خلیج فارس، خصوصا عربستان سعودی یکی از تامین‌کنندگان مالی عراق در جنگ با ایران معرفی می‌شوند. بر اساس آرشیو اسناد ملی عراق پس از سقوط صدام حسین و تطبیق با اسناد وزارت دفاع آمریکا مشخص می‌شود که، کمک‌های مالی کشورهای خلیج فارس به صدام در حدی است که در مقایسه با کمک عظیم شوروی، می‌توان از آن‌ها صرف نظر کرد.

اما در ۲۴ میلیارد کمک خارجی به ایران در زمان جنگ چه کشورهایی نقش اصلی را داشته‌اند؟ چین و کره شمالی با کمک مالی هریک به ارزش تخمینی ۳ میلیارد دلار (در مجموع ۶ میلیارد) در بالای فهرست کمک‌کنندگان به جمهوری اسلامی قرار داشته‌اند. لیبی با ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، شوروی ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، کره جنوبی ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیارد دلار، دیگر کمک‌کنندگان اصلی به ایران بوده‌اند. بلغارستان، سوریه، پرتغال، اسپانیا، بریتانیا، سوئد، ایتالیا، فرانسه، اتریش، برزیل، سوئیس، یونان، آفریقای جنوبی و اتیوپی، در ردیف کشورهایی هستند که کمتر از یک میلیارد در طول جنگ هشت ساله به ایران کمک کرده‌اند.

سوریه مهم‌ترین هم‌پیمان جمهوری اسلامی در این جنگ معادل ۸۰۰ میلیون دلار کمک کرد که کمتر از کمک کره جنوبی محسوب می‌شود که رابطه نزدیکی هم با جمهوری اسلامی ندارد.

ارزش مالی کمک‌های ایالات متحده به ایران در این جنگ هشت‌ساله معادل ۶۵۰ میلیون دلار بوده است. در مقابل کمک آمریکا به عراق ۲۵۰ میلیون دلار بوده است؛ یعنی ارزش مساعدت‌های نظامی آمریکا به ایران، تقریباً سه برابر ارزش کمک به عراق بوده است. بر خلاف آنچه تبلیغات رسمی جمهوری اسلامی می‌گوید ارزش کمک‌های نظامی ایالات متحده به ایران بیش از عراق بوده است و اتحاد جماهیر شوروی که جمهوری اسلامی وارث آن؛ یعنی روسیه را، «متحد استراتژیک» خود می‌داند، بیشترین مساعدت‌های نظامی به عراق را بر عهده داشته است؛ مساعدت‌هایی که به معنی نیمی از کمک‌های خارجی به عراق بوده‌اند.

از نکات بسیار قابل توجه تاریخ جنگ ایران و عراق این است که در جریان این نبرد هشت ساله، بیش از ۶۰ درصد از کمک‌های خارجی به عراق را کشورهای بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی تامین کردند، در حالی که کمک‌های مالی و مساعدت‌های نظامی این گروه از کشورها به ایران در حدود ۱۰ درصد را تشکیل می‌دهند و آمریکا سهم بیشتری در کمک مستقیم و غیرمستقیم به جمهوری اسلامی دارد تا عراق تحت رهبری صدام که در نهایت توسط ایالات متحده سرنگون شد.

آمریکا در ابتدای جنگ گفت که مستقیماً از صدام حمایت نمی‌کنم، ولی امام(ره) از همان اول گفتند صدام یک دیوانه است که مهره آمریکاست و بعد با او رفتن پایگاه‌های آمریکا در عراق و مصر معلوم شد که همین‌طور بوده است. در کربلای ۴ و ۵ شوروی ۱۵۰ تانک در اختیار عراق قرار داد؛ فرانسوی‌ها نخستین هواپیماهای دور پرواز خود را به عراق دادند و آلمانی‌ها در حوزه شیمیایی و هسته‌ای هم سلاح و هم تکنولوژی‌اش را به عراق دادند.

کویت، امارات و عربستان هر سه با هم ۸۰ میلیارد دلار به صدام کمک کردند در حالی که ما در دوران جنگ سالانه فقط ۷ میلیارد دلار درآمد داشتیم و این در مقام قیاس نشان می‌دهد که ما در مقابل آن‌ها در چه وضعی بودیم و تنها با ایستادگی و جهاد و تلاش بود که در برابر این‌ها ایستادیم و پیروز شدیم.

باحول وقوه الهی، باتوسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل‌های معطر و تهیه خوش‌بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک امام زمان (عج) و با رمزی زهرا (س) نوشتن «**کتاب هشتاد به یک؟! جلد ششم**»، را شروع می‌کنیم تا انشاءالله مورد رضایت و خشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد...

ارادتمند: ناصر کاوه



دشمن دشمن دشمن!

یک عده‌ای ناراحت می‌شوند که چرا فلانی مدام می‌گوید دشمن! بله، باید تأکید کرد تا مردم فراموش نکنند که دشمنشان در کمین است؛ به‌طور دائم دارد کار می‌کند برای اینکه جوان‌ها را مأیوس کند، منحرف کند، از راه باز بدارد؛ آنهایی را که معتقد نیستند، غرق در فساد کند؛ و آنهایی را که معتقدند، منحرف و زاویه‌دار از خط انقلاب کند؛ دشمن دائم دارد برنامه‌ریزی می‌کند.



۱۳۹۹/۱۲/۲۵
رهبر انقلاب

پشت پرده چند معامله پنهانی با صدام

کنت آر. تیمرمن. در کتاب «سوداگری مرگ» که به ناگفته‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اختصاص دارد درباره خریدهای تسلیحاتی صدام و کمک‌های آشکار و پنهان کشورهای غربی به عراق در زمان جنگ تحمیلی توضیح می‌دهد: «جنگی که صدام حسین علیه آیت الله‌ها (ملت ایران) به راه انداخت، موجب پیدایش بزرگترین بازار اسلحه در تاریخ جهان شد. طی هشت سال جنگ خونین ۳۹ کشور به ایران و عراق اسلحه می‌فروختند. در اغلب موارد این کشورها در آن واحد، به هر دو طرف سلاح می‌دادند. در سال ۱۹۸۴، به دنبال عملیات «استانج» بسیاری از کشورها از فروش سلاح و قطعات یدکی به ایران خودداری ورزیدند و عراق تنها نقطه امید فروشندگان بین‌المللی اسلحه شد. در سراسر این هشت سال جنگ، عراق به چشم خریدار کاملاً قانونی سلاح نگریسته می‌شد، در حالی که ایران در صحنه بین‌المللی [بخصوص بازار اسلحه] مطرود و رانده شده بود. عراق علاوه بر خرید اسلحه از فرانسه و غرب با استفاده از دلارهای نفتی سرشار به صنایع

تسلحاتی جهان سوم نیز کمک می‌کرد، در حالی که پاره‌ای از این کشورها از عهده سیر کردن شکم مردم خود نیز بر نمی‌آمدند. برزیل، شیلی چین آفریقای جنوبی و مصر از تجارت اسلحه با عراق به سودهای بادآورده‌ای دست یافتند. بعضی مثل، چین هم توپ ارزان به عراق می‌فروختند و هم از آن کشور حمایت سیاسی به عمل می‌آوردند. پاره‌ای پا را از این حد فراتر می‌نهادند تا اشتهای سیری ناپذیری صدام را ارضا کنند. آنها به طور غیر مستقیم تکنولوژی پیشرفته غربی و عمدتاً آمریکایی را در اختیار عراق قرار می‌دادند. آمریکا به مصر چراغ سبز داد تا این کشور مقادیر عظیمی اسلحه به عراق بدهد. معامله هلیکوپترهای هیوز (Hughes Helicopters) راه‌هایی که از سال ۱۹۶۷ بین دو کشور عراق و آمریکا بسته شده بودند را به روی عراق گشود. شرکت «ام بی بی» آلمان چند فقره فروش عمده هلیکوپتر به عراق را از طرق مختلف مخفی ساخت نخستین فقره معامله شامل ۲۰ فروند هلیکوپتر BO۱۰۵ را مؤسسه پژوهشی استکهلم در زمینه صلح بین المللی (SIPRI) در سال ۱۹۸۱ ردیابی کرد.

ظاهراً هلیکوپترهای عراقی در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳، از مونیخ به بغداد ارسال شده‌اند. البته این محموله‌ها را مستقیماً به عراق نمی‌فرستادند، بلکه ابتدا آنها را به سوئیس منتقل کردند و شرکتی به نام «سوئیس ترانسار» تفنگ‌های آتش سریع ساخت سوئیس و سایر سلاح‌های لازم را بر آنها نصب کرد. سپس به مرز اتریش فرستاده شدند و شرکت «دنتسل» وسایل مخابراتی و دستگاه کنترل آتش مخصوص عملیات نظامی را بر روی آنها سوار کرد. یک گروه صلح طلب اتریشی آخرین این هلیکوپترها را در سال ۱۹۸۴ در فرودگاه پیچلینگ اتریش شناسایی کرد در حالی که در پوشش استتاری بودند و با هواپیمای باری عراقی حمل می‌شدند تا به مقصد نهایی یعنی بغداد فرستاده شوند. عراق علاوه بر خرید اسلحه از فرانسه و غرب با استفاده از دلارهای نفتی سرشار به صنایع تسلیحاتی جهان سوم نیز کمک می‌کرد، در حالی که پاره‌ای از این کشورها از عهده سیر کردن شکم مردم خود نیز بر نمی‌آمدند. برزیل، شیلی چین آفریقای جنوبی و مصر از تجارت اسلحه با عراق به سودهای بادآورده‌ای دست یافتند. به گزارش ایسنا



۱ - مشخصات جنگ ایران و عراق

تلاش ایران برای بیرون راندن دشمن و بازپس‌گیری مناطق اشغالی و غلبه بر عراق، بن‌بست جنگ و فرسایشی شدن آن، گسترش جنگ شهرها، استفاده گسترده عراق از سلاح‌های شیمیایی و نهایتاً دخالت نیروهای بیگانه در منطقه خلیج فارس، رویارویی امریکا با ایران، گسترش جنگ نفتکش‌ها و بین‌المللی شدن ابعاد جنگ و نیز عملکرد شورای امنیت سازمان ملل در طول جنگ و پس از آن در معرفی عراق به عنوان آغازگر جنگ و پذیرش مجدد قرارداد الجزایر از سوی این کشور، از جمله مشخصه‌های بارز آن به شمار می‌آید.

۲ - تاریخ سیاسی

در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط حکومت پهلوی در بهمن ۱۳۵۷ و متعاقب آن وقوع تغییرات اساسی در موقعیت امریکا در منطقه، مناسبات ایران و عراق نیز (که در سال‌های پایانی حکومت پهلوی،

با میانجیگری الجزایر، در قالب سازوکار معروف به قرارداد الجزایر. (۱۳۵۴ ش/۱۹۷۵) به صورت همزیستی مسالمت‌آمیز همراه با رقابت نیمه‌پنهان در عرصه‌های سیاسی و نظامی و تسلیحاتی درآمده بود) دستخوش دگرگونی و تیرگی شد. ۱

۳ - ریشه و زمینه‌ها

با روی کارآمدن صدام حسین ، و کناره‌گیری حسن‌البکر از ریاست جمهوری عراق در ۲۵ تیر ۱۳۵۸ / ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹، فعالیت‌های دولت بعث در خوزستان و کردستان افزایش یافت و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی وابسته به عراق سازماندهی شدند و تشکیلات خود را به داخل ایران منتقل کردند.

دولت عراق تبلیغات گسترده‌ای بر ضد ایران کرد مبنی بر ضرورت خروج نیروهای ایران از سه جزیره ایرانی ابوموسی و تنب بزرگ و تنب کوچک و نیز درگیری‌های مرزی را تشدید نمود به طوری که تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹/

۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، ۶۳۶ بار مرزهای ایران مورد تجاوز عراق قرار گرفت. عراق در صحنه بین‌المللی نیز برضد جمهوری اسلامی ایران تبلیغات گسترده‌ای کرد. [۲][۳][۴]

همزمان، دولت عراق در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ / ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ با تسلیم یادداشتی رسمی به سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد، اعلام کرد که اعلامیه الجزایر و عهدنامه‌های مربوط به مرز مشترک و حسن هم‌جواری و سه پروتکل و پیوسته‌های آن و دیگر موافقت‌نامه‌ها و یادداشت‌های انضمامی به این عهدنامه را یکجا و یک‌جانبه فسخ کرده است.

دولت عراق دلیل اتخاذ این تصمیم را چنین اعلام کرد: نقض مُفاد قرارداد الجزایر از سوی ایران و دخالت مداوم ایران در امور داخلی جمهوری عراق، پناه دادن به عناصر مخالف عراق از اولین روزهای سرنگونی حکومت پهلوی، دخالت در امنیت داخلی عراق، سوءاستفاده از روابط حسن هم‌جواری، تعدی به سرزمین عراق و قصور در بازگرداندن سرزمینهایی از عراق که تحت تصرف ایران است.

همچنین اظهار داشت چون در اعلامیه‌ها و اظهارات مقامات مسئول ایران، آشکارا یا ضمنی، ابراز شده است که از اجرای توافقات اجتناب می‌ورزند، دولت عراق قرارداد الجزایر و ملحقات آن را بی‌اعتبار اعلام می‌کند و از مقامات ایران می‌خواهد وضع جدید را بپذیرند و در برابر عراق و حاکمیت این کشور و حق قانونی آن در سرزمینهای خاکی و آبی در اروندرود. (به تعبیر دولت عراق: شط العرب) نگرش مسئولانه و عاقلانه‌ای اتخاذ نماید.

۳.۱ - پاره کردن قرارداد

همزمان با ارسال این یادداشت، صدام حسین در نطقی در مجلس ملی عراق، متن قرارداد الجزایر را پاره کرد و الغای این قرارداد را تصمیم شورای فرماندهی انقلاب عراق اعلام نمود. ۵

گفتنی است که این قرارداد، پس از پیمان چهار جانبه سعدآباد در ۱۳۱۶ ش، نخستین عهدنامه رسمی بین ایران و کشور عراق بعد از استقلال

آن به‌شمار می‌آمد. پیش از آن، چند قرارداد بین ایران و حکومت عثمانی، که عراق قبل از استقلال، بخشی از آن بود، منعقد شده بود.

از دوره صفوی به بعد، ۲۴ جنگ بین ایران و عثمانی روی داد و از ۹۶۳، که عهدنامه معروف به آماسیه به امضای طرفین رسید، تا قرارداد الجزایر در ۱۹۷۵. (۱۳۵۴ ش)، حدود بیست عهدنامه بین دو طرف برای حل و فصل اختلافات مرزی تنظیم شد. [۶][۷] پاسخ وزارت امور خارجه ایران در برابر این اقدام دولت عراق، با تأخیر و عملاً پس از حمله عراق. (سه روز بعد از تسلیم یادداشت) صورت گرفت.

۳.۲ - موارد نقض قرارداد

در یادداشت ۴ آبان ۱۳۵۹ وزارت امور خارجه ایران، که در پاسخ به یادداشت دولت عراق تنظیم شده، آمده است: «وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به شدت به اقدامهای تجاوزکارانه و غیرانسانی دولت عراق اعتراض کرده، اعلام می‌دارد که این دولت عراق است که

مفاد قرارداد الجزایر و به خصوص پروتکل مربوط به امنیت در مرز را نادیده گرفته است. از جمله با فرستادن مأموران و گروههای مسلح به استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان به اقدامات خرابکارانه و کمک به ضدانقلاب مبادرت ورزیده و امنیت داخلی ایران را نقض کرده و به روابط همجواری دو کشور لطمات جبران ناپذیری وارد ساخته است.

از نظر دولت جمهوری اسلامی ایران، عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق، مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ و ۳ پروتکل ضمیمه و نامه‌های مبادله شده و صورت جلسات مشترک و ملحقات آن و همچنین موافقتنامه‌های چهارگانه تکمیلی که متعاقباً در تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ به امضا رسیده و اسناد تصویب آنها در ۱۲ ژوئن ۱۹۷۶ مبادله شده همچنان معتبر و نافذ است. ۸

اقدام صدام حسین و اظهار دولت عراق، وجاهت حقوقی نیز نداشت، زیرا در حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی معاهدات، اصل تداوم معاهدات و خصوصیت لایتغیر بودن آنها از اصول قطعی، دائم و ذاتی

عهدنامه‌ها محسوب می‌شود و استناد به تغییراتِ فاحشِ اوضاع و احوال در معاهدات مرزی و کأن لم یکن دانستن و بی‌اثر نمودن یا تعلیق مفاد یا انقضای اصول عهدنامه‌ها، مردود است. [۹][۱۰]

حتی از نظر حقوق بین‌الملل با آنکه کشورهای تازه استقلال یافته حق دارند قراردادهای منعقد شده از سوی دولتهای استعماری را، بر اساس اصل نیل به استقلال کشورهای جدید، تغییر دهند، لیکن اجرای این حق در مورد عهدنامه‌های مرزی استثناست و در این خصوص بر اصل تداوم معاهدات تأکید شده است. ۱۱

در قرارداد الجزایر به صراحت بر همین اصل تأکید شده و در ماده ششم آن بر تغییرناپذیر بودن مرزها و لزوم احترام کامل به تمامیت ارضی دو کشور تصریح شده است و «طرفین معظّمین متعاهدین» تأکید کرده‌اند که خط مرز زمینی و رودخانه‌ای آنان لایتغیر و دائمی و قطعی است. [۱۲][۱۳] بدین ترتیب، لغو یک جانبه قرارداد الجزایر، نادیده گرفتن اصل مهمی از اصول حقوق بین‌الملل بوده است.

در قرارداد مذکور، ساز و کار کامل و جامعی برای حل اختلاف در باره تفسیر یا اجرای عهدنامه و سه پروتکل و ضمایم آن پیش‌بینی شده بود و دولت عراق بی‌آنکه به هیچ یک از راههای پیش‌بینی شده در آن‌ها. (شامل مذاکرات مستقیم، مساعی جمیله دولت ثالث دوست، دادگاه داوری و تعیین داورها یا سر داورها توسط رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری) متوسل شود، این اصول را نقض نمود: اصل احترام به تمامیت ارضی و تغییرناپذیر بودن مرزها، اصل وفاداری به عهد و حرمت معاهدات و حل مسالمت‌آمیز اختلافات و متوسل نشدن به زور، و اصل تناسب. به علاوه، در حقوق بین‌الملل نیز راههای متعددی برای حل اختلافات پیش‌بینی شده است که می‌بایست به آن‌ها رجوع می‌شد [۱۴][۱۵][۱۶][۱۷]

بر اساس مفاد قرارداد الجزایر و همچنین موافقت‌نامه‌های تکمیلی در ۵ دی ۱۳۵۴، و باتوجه به صورت جلسه مربوط به حل و فصل مطالبات متقابل، که در اول تیر ۱۳۵۵ در تهران به امضا رسیده بود، مقرر شده بود تحویل و تحول املاک، ساختمان‌ها و تأسیسات عمومی یا

خصوصی (که تعلق ملی آن‌ها، در پی علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی، تغییر یافته است) تحت نظارت هیئتی مختلط از کارشناسان دو کشور، در مدت شش ماه. (از اول تیر ۱۳۵۵) به صورت رسمی انجام گیرد، ولی به‌رغم آمادگی طرف ایرانی برای تحویل و تحول اراضی، مقامات عراقی به بهانه‌های مختلف از انجام دادن کار طفره رفتند. [۱۸][۱۹][۲۰]

۴ - علل تجاوز صدام

به‌طورکلی، تمایل حزب بعث عراق به توسعه‌طلبی و انگیزه قوی حکومت عراق برای تشکیل دولت ملی - عربی، با ضمیمه کردن منطقه خوزستان ایران به عراق و قدرت‌طلبی مشهود صدام‌حسین، مهم‌ترین علل اقدامات دولت عراق بر ضد ایران بود؛ هرچند بهانه‌های دیگری نیز مطرح می‌شد. نگرانی‌های دولتهای منطقه از شرایط جدید ایران پس از انقلاب اسلامی و به‌مخاطره افتادن منافع و امتیازات دولتهای بزرگ غربی در منطقه و از سوی دیگر، نوپایی حکومت جدید ایران و آماده نبودن قوای نظامی برای مقابله با حملات مرزی نیز در تصمیم‌گیری دولت بعث عراق برای حمله به ایران مؤثر بوده است.

۵ - نخستین حمله عراق به ایران

از نخستین حمله رسمی به ایران تا بازپس‌گیری خرمشهر (۳۱ شهریور ۱۳۵۹ - ۳ خرداد ۱۳۶۱) در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله سراسری و رسمی عراق، با به کارگیری حداکثر توان نظامی و با عبور از مرزهای بین‌المللی و تجاوز به خاک ایران، شروع شد. ۲۱

۵.۱ - نخستین قطعنامه

در ساعات پایانی همان روز، کورت والدهایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، از دو دولت خواست که در حل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌ان دو کشور مساعی جمیله خویش را به کار بندند.

روز بعد، در اول مهر، در حالی که عراق، مناطق وسیعی از غرب و جنوب کشور را به اشغال درآورده بود، شورای امنیت پس از مذاکرات غیر رسمی، نخستین بیانیه را صادر کرد.

در این بیانیه، به هیچ‌روی عراق برای نقض منشور ملل متحد و برهم زدن صلح و امنیت منطقه و تجاوز نظامی به خاک ایران محکوم نشد و حتی از عراق نخواستند که نیروهای خود را به مرزهای شناخته شده بین‌المللی برگرداند، فقط توصیه شد که هر دو طرف از هرگونه اقدام نظامی و هر عملی که وضع خطرناک فعلی را تشدید نماید، خودداری کنند. [۲۲] با ادامه حملات عراق به ایران و با شدت یافتن جنگ، شورای امنیت نخستین قطعنامه را در ۶ مهر ۱۳۵۹ صادر کرد و از دو کشور درگیر خواست ضمن پرهیز از توسل به زور، اختلافات خود را از راههای مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند.

دولت عراق بلافاصله این قطعنامه را پذیرفت و در نامه‌ای خطاب به دبیر کل آمادگی خود را برای اجرای آن، در صورتی‌که طرف ایرانی نیز چنین کند، اعلام نمود، اما دولت ایران موارد نقض مکرر قرارداد الجزایر توسط عراق و سوءاستفاده این دولت از خویشتنداری ایران را اعلام و تصریح کرد تا زمانی که نیروهای عراق در داخل خاک ایران به اقدامات تجاوزکارانه ادامه می‌دهند، ایران قطعنامه را نمی‌پذیرد.

نکته درخور توجه این است که در این قطعنامه هم، مانند بیانیه پیشگفته، به تجاوز عراق به خاک ایران هیچ اشاره‌ای نشده و موضوع صرفاً با عنوان «وضعیت میان ایران و عراق»، به مثابه امری که ممکن است در آینده به افزایش تنش در سطح بین‌المللی یا اختلافات شدید بینجامد، مطرح گردیده است. ۲۳

از نظر ایران، به‌رغم اینکه شورای امنیت، وقوع جنگ را احراز کرده بود، شروع‌کننده آن را تعیین و اعلام ننموده و سخنی از تجاوز و نیز کشور متجاوز و تنبیه آن به میان نیاورده بود. انتقاد ایران از قطعنامه نه تنها بی‌پاسخ ماند، بلکه همچنان قطعنامه‌های متعدد پس از آن نیز، متأثر از آن، فاقد این سه عنصر اساسی بود. ۲۴

دولت عراق سعی کرد تجاوز نظامی را تحت عنوان دفاع از خود توجیه کند؛ وزیر خارجه عراق در یک سخنرانی در شورای امنیت در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ اعلام کرد که حکومت عراق ناگزیر است برای حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی و پس گرفتن اراضی‌اش از خود دفاع کند و به زور

متوسل شود، زیرا حکومت ایران راه را بر تمامی راه‌حلهای قانونی، برای حل موضوعاتی که از تعهداتش سرچشمه می‌گیرد، بسته است. ۲۵

جمهوری اسلامی ایران نیز در پاسخ تأکید نمود که دولت عراق به توسل به زور اعتراف کرده و دلیل یورش به ایران را رعایت نکردن روندهای حقوقی از سوی ایران دانسته و به هیچ‌وجه تجاوز ایران به عراق مطرح نمی‌باشد. در این صورت با فرض اینکه ایران روندهای حقوقی را رعایت نکرده باشد، باز هم تناسب میان حمله و دفاع به‌وجود نیامده است و تجاوز عراق و توسل آن دولت به زور، همانا شکستن اراده عمومی سازمان ملل متحد و مغایر با حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شود. [۲۶][۲۷]

در برابر، جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر قطعیت تجاوز نظامی عراق به ایران، مقابله با این تجاوز را دفاع از خویش تلقی نمود و اعلام کرد تا زمانی که شورای امنیت تدابیر اجرایی برای دفع تجاوز اتخاذ نکند،

ایران حق دفاع را برای خود محفوظ می‌دارد و از نظر حقوقی این دفاع می‌تواند حتی در داخل خاک کشور متجاوز نیز مصداق داشته باشد.

[۲۸][۲۹][۳۰][۳۱]

در ۲۸ مهر ۱۳۵۹، حبیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی، به همراه محمد ضیاء الحق (رئیس‌جمهوری وقت پاکستان) و یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، برای جلب رضایت جمهوری اسلامی ایران نسبت به عملکرد کمیته حسن نیت زیر نظر سازمان کنفرانس اسلامی، به ایران آمدند. ایشان علاوه بر دیدار با چند تن از مقامات مسئول، به حضور امام خمینی (ره) نیز رسیدند.

امام خمینی در این ملاقات، ضمن انتقاد از موضع محافظه‌کارانه کشورهای اسلامی، از آمدن سران ممالک اسلامی به ایران به منظور مشاهده جنایات صدام استقبال کردند. [۳۲][۳۳]

سازمان ملل متحد نیز پس از صدور قطعنامه ۴۷۹ تا صدور قطعنامه ۵۱۴ در تیر ۱۳۶۱/ ژوئیه ۱۹۸۲ تقریباً به مدت ۲۲ ماه سکوت کرد و رفتار سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد نیز دنباله‌روی از همان سیاست سازمان ملل بود. در این فاصله زمانی، عراق نیز با بهره‌برداری از سکوت بین‌المللی، در حالی که بخش‌های مهمی از خاک جمهوری اسلامی ایران را اشغال کرده بود، به تحکیم مواضع خود در این مناطق پرداخت. در این میان، به تدریج موفقیت‌های نیروهای نظامی ایران در چند عملیات نظامی، که به آزادسازی خرمشهر انجامید، فصل جدیدی در تاریخ جنگ عراق با ایران به وجود آورد که در صحنه سیاسی نیز بسیار مؤثر بود. ۳۴.

۶ - بازپس‌گیری خرمشهر

آزادسازی خرمشهر، ایران را در موقعیت برتر قرارداد و عراق، به‌ویژه شخص صدام حسین، با دشواری‌های جدی روبه‌رو شد. موقعیت صدام

در میان مردم عراق، به ویژه مسئولان حزب بعث، متزلزل شد، کشورهای عربی کمک مالی خود را برای مدتی به عراق متوقف ساختند و از اواسط ۱۳۶۱ ش نشانه‌های بحران اقتصادی در این کشور، به‌طور جدّی بروز کرد. [۳۵][۳۶]

نگرانی‌هایی در سطح بین‌المللی و به ویژه در کشورهای منطقه پدید آمد، بیم سرنگونی دولت عراق و برقراری حکومتی از نوع حکومت ایران و مورد تأیید آن، برای دولت امریکا خوشایند نبود و به‌ویژه قدرت سیاسی زمامداران کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را، که عموماً در ارتباط نزدیک با امریکا بودند، به شدت دچار مخاطره می‌کرد. اتحاد شوروی نیز با از دست دادن عراق مخالف بود زیرا پایگاهش در کشورهای عربی به مخاطره می‌افتاد. به‌علاوه، بیم آن میرفت که افزایش قدرت ایران، زمینه‌های نفوذ مبانی فکری آن را در میان مسلمانان جمهوریهای شوروی تقویت کند، که به زیان وحدت سیاسی اتحاد شوروی بود. [۳۷][۳۸] دولت امریکا نیز پس از شکست عراق، دامنه تحریم‌ها را برضد ایران افزایش داد و مانع از دستیابی ایران به

تجهیزات دفاعی شد. این تحریم‌ها به طور چشمگیری گسترش یافت تا حدی که تقریباً شامل کلیه اقلام مصرفی و تجاری می‌گردید. از طرفی رونالد ریگان نماینده ویژه خود، ریچارد فربانکس، را مأمور کرد تا با مذاکره با دولتهای مختلف، آنها را به نفروختن تسلیحات نظامی به ایران متقاعد کند. وزارت خارجه امریکا نیز اعلام کرد تا زمانی که ایران با آتش‌بس مخالفت می‌کند و مذاکره با عراق را نمی‌پذیرد، سیاست خارجی دولت امریکا همین خواهد بود. ۳۹

۷ - صدور قطعنامه ۵۹۸

پس از بازپس گرفتن خرمشهر، دولت امریکا و دولتهای اروپایی و برخی از کشورهای منطقه خلیج فارس کوشیدند به جنگ پایان دهند و از سقوط صدام حسین و حکومت بعثی عراق جلوگیری کنند. امریکا به طرق مختلف از کشورهای اسلامی خواست که ایران را، برای نیل به توافق با بغداد، تحت فشار قرار دهند؛ اما، کشورهای منطقه با

پیش‌بینی اینکه نیروهای ایرانی با نفوذ به داخل قلمرو عراق، احتمالاً متوجه بصره خواهند شد، پیشنهاد پرداخت بخشی از غرامت‌های ناشی از جنگ و آتش‌بس را به ایران مطرح ساختند. ۴۰

در این میان، شورای امنیت سازمان ملل، به درخواست اردن، در ۲۱ تیر ۱۳۶۱. قطعنامه ۵۱۴ را به تصویب رساند و در آن با اظهار نگرانی عمیق از ادامه برخورد دو کشور، خواستار آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی و تلاش در جهت دستیابی به راه حلی جامع و عادلانه و شرافتمندانه براساس اصول منشور ملل متحد شد.

۷.۱ - عدم پذیرش ایران

دولت ایران این قطعنامه را که جنبه توصیه‌ای داشت. [۴۱] نپذیرفت و وزارت امور خارجه آن را تلاشی هماهنگ و سازمان‌یافته از سوی قدرتهای جهانی در جهت ممانعت از دستیابی ایران به خواسته‌های قانونی خود و جلوگیری از سقوط رژیم بعثی عراق تلقی کرد و اعلام

داشت جمهوری اسلامی ایران تا تحقق خواسته‌های خود و دفع کامل
قوای متجاوز عراق، به دفاع مشروع خود ادامه خواهد داد. ۴۲.

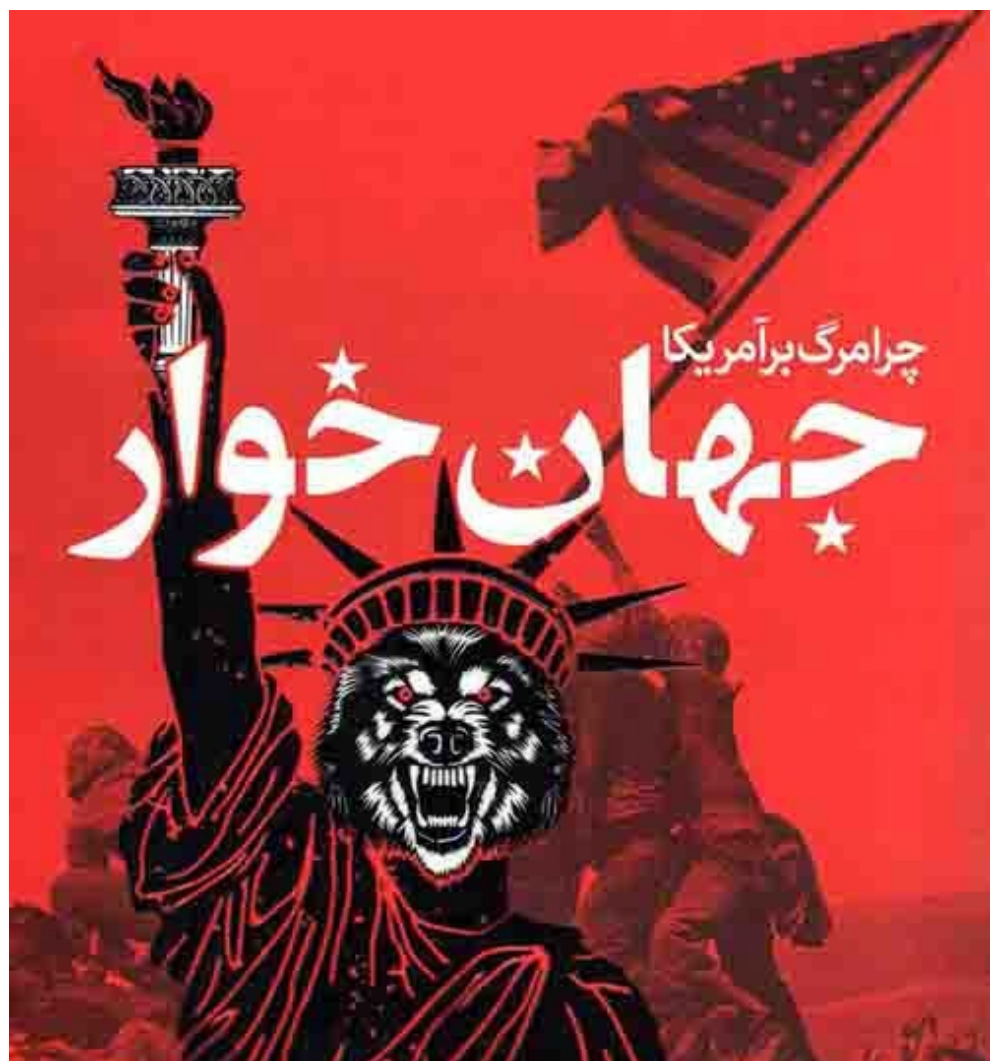
۸ - حمایت قدرتها

در پی این موضع‌گیری صریح ایران و ادامه مقابله نظامی با عراق،
قدرت‌های بزرگ ارسال سلاح‌ها و تجهیزات جنگی را برای تقویت بنیه
دفاعی عراق و جلوگیری از شکست آن تشدید کردند.

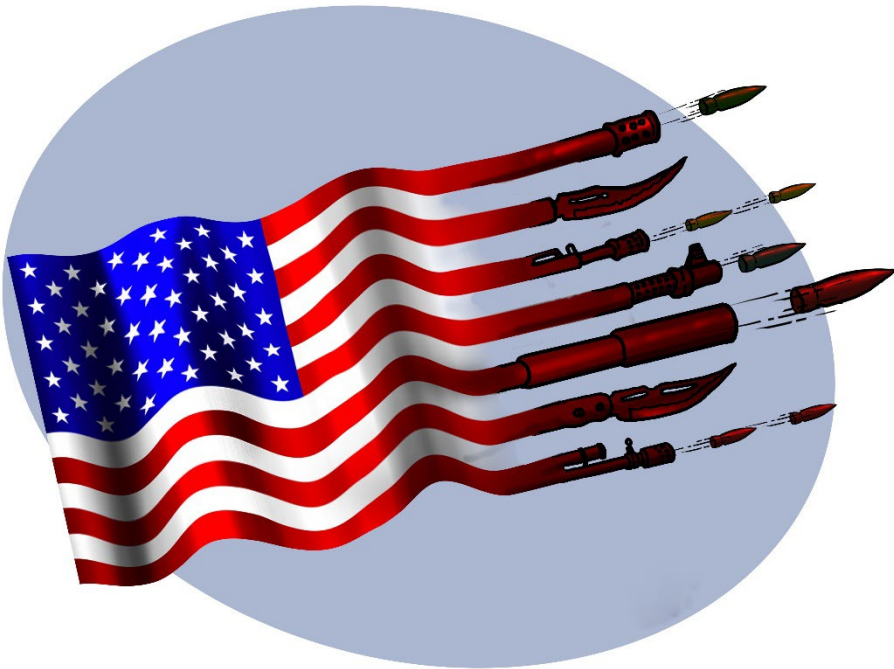
۸.۱ - فرانسه

دولت فرانسه که بعد از شوروی، دومین کشور تأمین کننده سلاح‌های
عراق بود (هنگامی که ایران از نظر نظامی در موقعیت برتری قرار گرفت،
به طور علنی حمایت خود را از عراق تشدید نمود.) این کشور از مهر
۱۳۵۹/ سپتامبر ۱۹۸۰ تا اواخر ۱۳۶۱/ اوایل ۱۹۸۳، ۵۶ میلیارد دلار اسلحه

و ۴۷ میلیارد دلار کالای غیرنظامی به دولت عراق فروخت که از کل این مبلغ. (۱۰۳ میلیارد دلار)، حداقل هفت میلیارد دلار آن به صورت وام بود و همین بدهی عراق به فرانسه سبب شد تا حمایت‌های فرانسه برای جلوگیری از سقوط صدام افزایش یابد. [۴۳][۴۴]



دولت امریکا نیز که از همان آغاز جنگ سیاستی به ظاهر بی طرف در پیش گرفته بود، پس از حمله ایران به عراق در ۲۲ تیر ۱۳۶۱ ش/ ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۲، علناً به نفع عراق موضع گرفت.



این کشور، از طریق هواپیماهای جاسوسی آواکس و ماهواره‌ها، در جبهه زمینی نقل و انتقال نیروهای ایران و در جنگ نفتکش‌ها موضع کشتی‌ها را در خلیج فارس به اطلاع مقامات عراقی می‌رساند [۴۵][۴۶]

دولت شوروی نیز ضمن چرخش تدریجی به سمت حمایت از عراق برای جلوگیری از سقوط صدام حسین، علاوه بر کمکهای نظامی و اقتصادی، در مواضع سیاسی به آن کشور نزدیک شد.

تقویت مناسبات امریکا و شوروی با عراق، احتمال گسترش جنگ و رو در رویی قدرتهای بزرگ در خلیج فارس را کاهش داد.

شوروی از روابط نزدیک با عراق، در سطح منطقه نیز منافعى به دست آورد و مناسباتش را با مصر، که از تأمین کنندگان اسلحه برای عراق بود، و نیز با کشورهای خلیج فارس، مانند عمان، امارات متحده عربی و کویت، بهبود بخشید و موافقتنامه‌هایی برای تحویل سلاحهای خود به کویت منعقد کرد. ۴۷

در پی انجام دو عملیات از سوی ایران، یکی در ۲۳ تیر ۱۳۶۱ در محور جنوب و دیگری در ۹ مهر ۱۳۶۱ در منطقه سومار، که منجر به آزادسازی بخشهای مهمی از خاک ایران و تسلط نیروهای ایران بر شهر مندلی عراق شد. [۴۸] شورای امنیت به درخواست عراق، در ۱۲ مهر ۱۳۶۱ / ۴ اکتبر ۱۹۸۲ قطعنامه ۵۲۲ را به تصویب رساند و خواستار آتش بس فوری و عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی شد و از دولت عراق، به سبب آمادگی اش برای همکاری در اجرای قطعنامه ۵۱۴، استقبال نمود. دو قطعنامه مذکور تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند. ۴۹

دولت عراق اعلام کرد که قطعنامه ۵۲۲ را پذیرفته است، ولی جمهوری اسلامی ایران آن را نپذیرفت و در پی آن حملات هوایی عراق به شهرها و مناطق مسکونی و کشتیهای تجاری و نفتکشهای ایران آغاز شد. ۵۰

در ۹ آبان ۱۳۶۲ / ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳، به دنبال گسترش دامنه جنگ به خلیج فارس و حملات عراق به نفتکش‌ها و انتشار گزارش نمایندگان ویژه دبیرکل سازمان ملل پس از بازدید از مناطق اشغالی توسط عراق و شهرهای بمباران شده در ایران و عراق، چهارمین قطعنامه شورای امنیت به شماره ۵۴۰ صادر شد و در آن به گزارش واقع‌بینانه نمایندگان دبیرکل در بررسی مناطق مسکونی و تأیید لزوم بررسی دقیق علل جنگ اشاره گردید. این قطعنامه نقض حقوق انسانی را محکوم کرد و خواستار توقف کلیه اقدامات نظامی برضد اهداف غیر نظامی شد و از دبیرکل خواست تا به تلاش‌های میانجیگرانه خود ادامه دهد.

۹.۱ - نقص قطعنامه

دولت ایران نقص مهم این قطعنامه را کاربرد تعبیر «خلیج» به جای «نام اصیل و تاریخی خلیج فارس اعلام کرد و در عین حال لزوم بررسی واقع‌بینانه جنگ و عدم اشاره به قطعنامه‌های قبلی و اشاره نکردن به

آتش‌بس و خروج نیروها و اشاره به گزارش هیئت بازرسی و تلاش دبیرکل برای دستیابی به راه حلی عادلانه و شرافتمندانه و قابل قبول برای هر دو طرف را، که در قطعنامه آمده است، مثبت ارزیابی نمود.[۵۱][۵۲] دولت عراق با اعلام پذیرش قطعنامه، جمهوری اسلامی ایران را تهدید کرد که در صورت رد آن، با تمام قوا، به هر اقدامی برای حفظ منافع حیاتی عراق و دفاع از آن‌ها، دست خواهد زد.

اما دولت ایران همچنان از تأیید و قبول قطعنامه امتناع ورزید و سه روز پس از تصویب قطعنامه، در ۱۲ آبان ۱۳۶۲ / ۳ نوامبر ۱۹۸۳ در جبهه شمالی به پُنجوین حمله کرد و عراق نیز حمله به مناطق مسکونی را شدت بخشید.

ایران حمله‌های عراق به مناطق مسکونی را به اطلاع دبیرکل رساند و عراق نیز، بی‌اعتنا به بیانیه‌های سازمان ملل، به حملات خود به مناطق مسکونی ادامه می‌داد.[۵۳][۵۴][۵۵]

در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۳ / ۲۱ مه ۱۹۸۴، اعضای شورای همکاری خلیج فارس، در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت برای بررسی تعرض ایران به آزادی کشتی‌رانی در مسیر بندرهای کشورهای خود، خواستار تشکیل جلسه فوری شورای امنیت شدند و در پی آن در ۱۱ خرداد ۱۳۶۳ / اول ژوئن ۱۹۸۴، شورای امنیت طرح پیشنهادی شورای همکاری را به صورت قطعنامه ۵۵۲ تصویب کرد. در این قطعنامه، ضمن اظهار نگرانی از حمله به کشتیهای تجاری و محکوم کردن این حملات از هر دو کشور، خواسته شد طبق حقوق بین‌الملل، به حق کشتی‌رانی آزاد احترام گذاشته شود و حملات بی‌درنگ متوقف گردند. به کلیه دولت‌ها نیز توصیه شد «حداکثر خویشتن داری را مبذول دارند».

این بار نیز دولت عراق برای پذیرش قطعنامه اعلام آمادگی کرد اما ایران با انتشار بیانیه‌ای، به دلیل عدم محکومیت عراق به عنوان آغازگر و ادامه‌دهنده حملات به نفتکش‌ها، قطعنامه ۵۵۲ را فاقد اعتبار و آن را با اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد مغایر دانست. ۵۶

گسترش حملات عراق به مناطق مسکونی، به صدور بیانیه‌های دیگری از سوی شورای امنیت در ۱۴ و ۲۴ اسفند ۱۳۶۳/ ۵ و ۱۵ مارس ۱۹۸۵ انجامید. مضمون این دو بیانیه، تقاضای قطع حملات و احتراز از حمله به هدفهای غیر نظامی بود. [۵۷] در ۲۱ بهمن ۱۳۶۴/ ۱۰ فوریه ۱۹۸۶، ایران در یک اقدام سریع، شبه‌جزیره فاو در دهانه اروندرود را در کمتر از ۲۴ ساعت تسخیر کرد. دولت عراق، که نگران تأثیر منفی این شکست در روحیه سربازان بود، با حمله‌های سنگین برای خارج کردن آن از تصرف نیروهای ایران به‌کوششی نافرجام دست زد. [۵۸] و سرانجام، همراه با اتحادیه عرب، پیگیری موضوع را از شورای امنیت خواستار شد که به صدور قطعنامه ۵۸۲. (۵ اسفند ۱۳۶۴) انجامید. در این قطعنامه، که جنبه توصیه‌ای داشت، بار دیگر از تشدید حملات به مناطق غیر نظامی، حمله به کشتیهای بی‌طرف و هواپیماهای کشوری و استفاده از سلاحهای شیمیایی ابراز تأسف و از طرفین خواسته شد آتش‌بس را رعایت، و مبادله جامع اسیران را آغاز نمایند و همه جنبه‌های منازعه را با میانجیگری حل و فصل کنند.

۹.۲ - واکنش ایران به قطعنامه

وزارت امور خارجه ایران، در واکنش به قطعنامه ۵۸۲، با انتشار بیانیه‌ای، نظر شورای امنیت را درباره جنگ و نیز خاتمه مناقشه، ناقص و بی‌اعتبار و غیر قابل اجرا دانست. [۵۹] در برابر، عراق اعلام داشت چنانچه ایران قطعنامه ۵۸۲ را رسماً و بدون هرگونه شرطی قبول و اجرا کند، عراق نیز آماده است آن را اجرا کند. [۶۰] اما جمهوری اسلامی ایران، به استناد دلایل پیشین، از پذیرش قطعنامه تن زد.

در این میان، استمرار و تشدید کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق به اندازه‌ای بود که شورای امنیت (پس از ملاحظه گزارش هیئت اعزامی مأمور معاینه از مصدومان ناشی از کاربرد بمبهای شیمیایی که در بیمارستانهای اروپا بستری بودند) در ۲ فروردین ۱۳۶۵ / ۲۲ مارس ۱۹۸۶ بیانیه‌ای در محکومیت عراق صادر کرد و آن را ناقض صریح پروتکل ۱۹۲۵ / ۱۳۰۴ ش ژنو دانست. ۶۱

بار دیگر در ۱۶ مهر ۱۳۶۵ / ۸ اکتبر ۱۹۸۶، در پی گزارش صریح کارشناسان اعزامی دبیرکل از کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق، شورا قطعنامه ۵۸۸ را به اتفاق آرا صادر کرد و در آن، دو کشور را به اجرای کامل و بی‌درنگ قطعنامه ۵۸۲ فراخواند. دولت ایران، این قطعنامه را (که عنوان آن، همچنان وضعیت میان ایران و عراق بود) صرفاً نوعی تهدید تلقی کرد و لحن آن را جهت‌گیرانه و به زیان ایران ارزیابی نمود.

این بار نیز عراق موافقت خود را اعلام کرد و فقط در باره موفقیت طرح ۸ ماده‌ای دبیرکل ابراز بدبینی نمود.

همچنین وزیر خارجه ایران در نامه مفصلی به دبیرکل، از قطعنامه‌های شورا، از آغاز تا آن زمان، انتقاد کرد و بر آمادگی ایران برای اجرای قوانین بین‌المللی و انسانی تأکید نمود و طرح ۸ ماده‌ای دبیرکل را مبنای مناسبی برای این کار دانست. ۶۲

۱۰ - شکل‌گیری و تصویب و پذیرش قطعنامه ۵۹۸

در ۱۳۶۵ ش / ۱۹۸۶ یک رویداد مهم سبب شد تا سیاستهای امریکا بیش از پیش به عراق متمایل، و تنش در مناسبات امریکا و ایران تشدید شود. دولت امریکا، که از ۱۳۶۲ ش / ۱۹۸۳ تحریم فروش تسلیحات به ایران را تشدید کرده بود. [۶۳][۶۴]

به امید وساطت ایران برای آزادی هفت گروگان امریکایی که در بازداشت جهاد اسلامی لبنان بودند، تصمیم به فروش مخفیانه سلاح به ایران گرفت و در ۱۲ آبان ۱۳۶۵ / ۳ نوامبر ۱۹۸۶ مک فارلین ، رئیس شورای امنیت ملی امریکا، در رأس هیئتی وارد تهران شد.

افشای خبر این سفر انتقاد شدید کشورهای متحد امریکا را در پی داشت، به گونه‌ای که امریکا برای جلب اعتماد، آشکارا تا پایان جنگ سیاست حمایت از عراق را در پیش گرفت.

در ۱۶ دی ۱۳۶۵ / ۶ ژانویه ۱۹۸۷، نیروهای ایرانی، طبق یک برنامه‌ریزی دقیق نظامی، به اطراف بصره رسیدند. [۶۵] احتمال سقوط بصره و

پیروزی ایران تقویت شد و این باور پدید آمد که موازنه نظامی در صحنه نبرد به نفع ایران تغییر کرده است.

نگرانی قدرتهای بزرگ و کشورهای عربی، آن‌ها را به این نتیجه رساند که تنها راه پایان دادن به جنگ، تلاش مشترک امریکا و شوروی در چارچوب همکاری بین‌المللی است؛ حتی عراق نیز خواستار آن شد که قدرتهای بزرگ چاره‌ای برای پایان جنگ بیندیشند.

بدینسان، در این مقطع از جنگ، یک بار دیگر بر اثر تحولات صحنه نبرد، سیاست قدرتهای بزرگ تغییر کرد.

این بار، پایان دادن به جنگ مطمح نظر بود و جلوگیری از پیروزی ایران برای همه قدرت‌ها امری جدی بود، زیرا اقدام ایران در منطقه‌ای به وقوع پیوست که نقطه قوت ارتش عراق محسوب می‌شد و بعد از شلمچه، احتمال سقوط خطوط دفاعی دیگر، چندان دشوار به نظر نمی‌رسید. [۶۶] به همین منظور، خاویر پرزدکوئیار، دبیرکل سازمان ملل، در ۲۲ دی ۱۳۶۵ / ۱۲ ژانویه ۱۹۸۷ اعلام کرد که اعضای شورای امنیت

برای پایان دادن به جنگ مصمم‌اند و نظریات و دیدگاه‌ها باید برای تحقق این هدف به یکدیگر نزدیک شوند و شکل اجرایی به خود گیرند. وی نمایندگان پنج عضو دائم شورا را گرد آورد و آن‌ها را به اقدامات هماهنگ ترغیب نمود.

جمهوری اسلامی ایران، از همان ابتدای تهیه پیش‌نویس قطعنامه ۵۹۸، کوشید در مذاکره با دبیرکل و دیگر اعضای شورای امنیت، دیدگاه‌های خود را به اطلاع آن‌ها برساند. از سوی دیگر، اعضای شورای امنیت نیز در طرح اولیه، عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی را به دنبال برقراری آتش‌بس پیش‌بینی کردند به نحوی که رضایت ایران فراهم شد.

از طرف دیگر، جمهوری اسلامی ایران توانست با جلب نظر برخی از اعضای غیردائم، شماری از اصلاحات مورد نظر خود — نظیر بند ششم. (در باب بررسی مسئولیت محاصره)، بند هفتم. (مسئله بازسازی خسارات ناشی از جنگ) و بند هشتم. (در مورد افزایش امنیت و ثبات منطقه‌ای) را در متن پیش‌نویس قطعنامه بگنجاند.

پیش‌نویس متن تهیه شده، سرانجام در قالب طرح قطعنامه ۵۹۸، که امریکا پیشنهاد کرده بود، در ۳۱ خرداد ۱۳۶۶ / ۲۷ ژوئن ۱۹۸۷ به تصویب اعضای شورای امنیت رسید. [۶۷]

این قطعنامه در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ / ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ به تصویب رسید و در آن، ضمن تکرار مفاد قطعنامه‌های قبلی، شروع و تداوم جنگ، بمباران مراکز غیرنظامی، حمله به کشتیهای بی‌طرف در خلیج فارس و هواپیماهای غیرنظامی، نقض اصول بشردوستانه و استفاده از سلاح شیمیایی نکوهش شد.

۱۰.۱ - مهم‌ترین امتیاز قطعنامه

یکی از مهم‌ترین امتیازهای این قطعنامه در مقایسه با قطعنامه‌های پیشین این بود که در بند ششم آن، طبق نظر ایران از دبیرکل خواسته شد تا هیئت بی‌طرفی را برای مشورت با ایران و عراق و تحقیق در باره مسئولیت شروع جنگ تعیین کند. ۶۸

به اعتقاد ایران، بند هفتم قطعنامه مزبور، در موارد چگونگی انجام گرفتن کمک بین‌المللی و تقسیم آن میان دو کشور و جبران خسارت وارده ابهام داشت. ۶۹

بند هشتم آن، در باره حفظ امنیت منطقه خلیج فارس، موافق با نامه وزیر امور خارجه ایران به دبیرکل در ۸ خرداد ۱۳۶۵ / ۲۹ مه ۱۹۸۶ تنظیم شد و در آن بدین نکته تصریح گردید که صلح و امنیت منطقه منوط به احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی و خودداری از مداخله در امور داخلی و حفظ بی‌طرفی کامل همه کشورهاست.

از دیگر امتیازات قطعنامه ۵۹۸ بر قطعنامه‌های پیشین این بود که جنبه توصیه‌ای نداشت و تصمیمی براساس اعتقاد شورای امنیت بود. تا آن زمان، از نظر حجم، این مفصل‌ترین قطعنامه شورا درباره جنگ به‌شمار می‌آمد که به اتفاق آرا صادر گردید. نه ماه و نیم، فاصله زمانی قطعنامه مزبور با قطعنامه پیشین، نشانه آن است که شورای امنیت، جنگ عراق

با ایران را به عنوان یک موضوع جدی پیگیری می‌کرده و به ویژه هنگامی که بیم تشدید و گسترش جنگ می‌رفته، مبادرت به تصویب و صدور قطعنامه جدید نموده است. ۷۰

به اعتقاد ایران، از نقاط ضعف قطعنامه ۵۹۸، بند سوم قسمت مقدماتی آن بود که از شروع و ادامه طولانی منازعه توأماً ابراز تأسف شده بود. دولت ایران، به استناد مدارک موجود، شروع‌کننده جنگ، گسترش دهنده آن به مواضع غیرنظامی. (بمباران و موشک باران شهرها و حمله به کشتیهای تجاری و نفتکش‌ها) و توسعه دامنه آن به خلیج فارس را عراق و بنابراین دفاع را حق مشروع خود می‌دانست. [۷۱][۷۲]

دبیرکل سازمان ملل به استناد قطعنامه ۵۹۸، از طرفین درگیر خواست تا با قطع جنگ وارد روند مذاکره و عمل شوند. وی همچنین بر ضرورت همکاری کامل ایران و عراق، برای دستیابی به راه حل جامع و عادلانه و شرافتمند، تأکید کرد و از اعضای شورا خواست که از تلاشهای وی حمایت کنند. انتظار می‌رفت ایران و عراق به فاصله چند روز در قبال قطعنامه واکنش نشان دهند.

دبیرکل نیز در مذاکره با طرفین، ترتیبات ضروری را برای تشکیل نیروهای حافظ صلح و ناظر بر آتش‌بس پیش‌بینی کرد. عراق بلافاصله پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸، با ارسال نامه‌ای به دبیرکل، قطعنامه مذکور را پذیرفت، اما ایران، بدون مخالفت با قطعنامه، با آتش‌بس موافقت نکرد. ۷۳

پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸، به دنبال درخواست دولت کویت از آمریکا و شوروی برای حفاظت از نفتکشهای این کشور، که در معرض بیشترین مخاطرات قرار داشت، اولین کاروان از نفتکشهای کویت در ۳۰ تیر ۱۳۶۶ / ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۷ وارد خلیج فارس شد. حمایت ناوهای جنگی‌امریکایی از نفتکش‌ها، ایران را برای اقدام تلافی‌جویانه در برابر حمله‌های عراق با دشواریهای جدی روبه‌رو کرد. **این اقدام به منزله دخالت مستقیم آمریکا در جنگ بود.**

دولت عراق نیز که از همان آغاز کوشش می‌کرد از فشار مستقیم‌جنگ بر روی نیروهای خود بکاهد با دخالت کشورهای دیگر در منطقه می‌توانست به مقصد نایل آید.



۱۰.۲ - تشدید درگیری ها

در کنار این اقدامات، دولت امریکا برای جلب موافقت اعضای شورای امنیت در تصویب قطعنامه تحریم فروش سلاح به ایران تلاش بی وقفه‌ای را آغاز کرد و در نظر داشت بندهای ایران را به محاصره نیروهای خود درآورد، اما شورای امنیت اصرار داشت که تا ۱۳ شهریور ۱۳۶۶ / ۴ سپتامبر ۱۹۸۷ به ایران مهلت داده شود و پس از آن، در صورت عدم پذیرش قطعنامه، تحریم آغاز شود. با مذاکره‌های پیگیر ایران با چین و شوروی و مخالفت این دو کشور در شورای امنیت، تلاش امریکا

ناکام ماند. ۷۴

در همین حال تشنج در منطقه افزایش یافت و در اوایل شهریور ۱۳۶۶
اواخر اوت ۱۹۸۷، نیروی دریایی امریکا ۴۶ کشتی در منطقه مستقر کرد
و فرانسه و انگلیس نیز اعلام کردند که آن‌ها نیز نیروهای دریایی
بیشتری به منطقه اعزام خواهند کرد.

عراق نیز، با برخورداری از حمایت وسیع دیپلماتیک، حمله به تأسیسات
نفتی دریایی ایران را آغاز کرد. به دنبال آن در ۳۰ شهریور ۱۳۶۶ / ۲۱
سپتامبر ۱۹۸۷، با حمله یک بالگرد جنگی امریکایی به کشتی کوچک
ایرانی به نام «ایران اجر» در هشتاد کیلومتری شمال شرقی بحرین،
امریکا رسماً وارد جنگ با ایران شد. [۷۵] با ورود نیروهای نظامی آمریکا
به خلیج فارس، آنان قصد داشتند که ضمن معرفی کردن ایران به عنوان
کشور جنگ طلب، قطعنامه شدیدالحنی را به تصویب برسانند که
شامل مجازات علیه کشور متخاصمی بشود که از اجرای مفاد قطعنامه
۵۹۸ شورای امنیت خودداری کند. در مقابل، ایران نیز، ضمن اقدامات
تلافی جویانه در برابر عراق، تلاش‌های دیپلماتیک خود را برای تغییر و
جابجایی بندهای قطعنامه ۵۹۸ انجام می‌داد. بنابراین تشدید حملات

عراق نیز در چهارچوب سیاست‌های این کشور و آمریکا معنا و مفهوم داشت. از این رو، دولت آمریکا به دنبال بهانه‌ای بود تا بتواند ایران را کشوری جنگ طلب به دنیا معرفی کند. بنابراین پس از چندین روز کنترل و شناسایی، اقدام به حمله به کشتی ایران اجر نمود. در ۳۰ شهریور ۱۳۶۶، کشتی تدارکاتی و لجستیکی ایران، موسم به «ایران اجر» متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که از بندرعباس به سوی بندر بوشهر در آب‌های بین‌المللی در حرکت بود، از سوی دو فروند هلی‌کوپتر آمریکایی به اتهام مین‌گذاری، بدون هیچ هشدارى مورد حمله قرار گرفت که طی آن، ۴ تن از خدمه کشتی شهید و چهار تن نیز مجروح شدند، همچنین ده ملوان دیگر این کشتی را به ناو فرماندهی آمریکا در منطقه منتقل کردند.



پس از این حادثه، سفیر آمریکا در سازمان ملل اعلام کرد که چون این کشتی در حال مین گذاری بوده است، بر اساس قوانین متعارف، مستلزم برخورد بود. چند روز بعد، مجلس سنای آمریکا با حمایت از اقدام نظامی نیروی دریایی آمریکا، قانونی تصویب کرد که به موجب آن، نیروی دریایی آمریکا، حق داشت هر کشتی ایرانی را که سعی کند مانع از عبور کشتی‌های آمریکا شود، غرق نماید. تمامی این کارها، برای فشار به ایران برای قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران و منزوی ساختن آن بود که به شکست منجر گردید.

آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت ایران آن روزها در سازمان ملل

بود و در سخنرانی عمومی اش گفت: «من مایلم از این تربیون این سوال را مطرح کنم که چرا دولتهایی که به روشنی و قاطعیت دانسته‌اند که رژیم عراق برافروزنده آتش جنگ و اقدام کننده به تجاوز است- و کم نیستند کسانی که این حقیقت را می‌دانند- در مقابل این جرم بزرگ و گناه بین المللی سکوت کرده‌اند و چرا رسانه‌های گروهی عالم مسئولیت عظیم خود را در برابر وجدان بشریت و استیضاح تاریخ را در این مورد

چرا مرگ بر آمریکا؟!

بخشی از جنایات آمریکا علیه ایران:

نفت:

دزدیدن نفت ایران بزرگترین سرمایه ملی کشور



کابیتولاسیون:

برتری آمریکایی ها و حتی سگهایشان از مردم ایران در کشور



تحمیلی:

حمایت همه جانبه نظامی و سیاسی از تجاوز صدام به ایران



جنگ اقتصادی:

حمله مستقیم به سکوهای نفتی خلیج فارس در سال ۶۷



ورود نظامی به طیس:

با هدف حمله نظامی به ایران



حمله به هواپیمای مسافربری:

کشتن ۲۹۰ نفر با شلیک موشک



ایجاد اغتشاشات:

دست داشتن در اغتشاشات برای برهم زدن امنیت و کشته سازی در اعتراضات توسط منافقین



تحریم اقتصادی:

تحریم داد و ستد با کشورها به هدف فقیر کردن ایران و ضربه اقتصادی و ضرر ۲۳۰ میلیارد دلاری ایران از اجرای برجام و بدقولی آمریکا



جنایت انسانی:

منع ورود اقلام مهم مثل دارو و به خطر انداختن جان مردم



جنگ نرم:

نشان دادن چهره ترسناک از ایران در رسانه ها و هالیوود و تخریب وجهه ایران در جوامع بین المللی



۱۷ هزار شهید ترور بعد از انقلاب:

به شهادت رساندن ژنرال سلیمانی و افسران ارشد نظامی همچنین دانشمندان مهم انرژی هسته ای در این برهه



به فراموشی سپرده‌اند؟ ممکن است آشنایی به وضع رابطه سیاسی در دنیای امروز و هندسه معیوبی که سلطه قدرتهای بزرگ در روابط جهانی به وجود آورده کلید حل این معما باشد. این از نظر ملت ما پوشیده نیست. این بدان معنا بود که بخشی از وجود خود و بخشی از شرف خود را در زیر دست و پای دشمن رها کنیم و به امید بازگرداندن آن به دریوزگی این یا آن کمیته بین المللی برویم.

لازم میدانم در مجمع عمومی سازمان ملل و نیز افکار عمومی ملت آمریکا را به خطر بسیار بزرگ و بسیار نزدیکی که اکنون رژیم آمریکا با اقدام اخیر خود در خلیج فارس همه دنیا را- و نه فقط منطقه را- با آن تهدید می‌کند معطوف سازم. دیروز ناوهای امریکایی یک کشتی تجاری ایرانی به نام «ایران اجر» را مورد حمله قرار دادند که پنج کشته و چهار مجروح به جای نهاد. کشتی را تصرف و تعدادی را دستگیر کردند و به گروگان گرفتند. دیروز تلویزیون آمریکا این را به عنوان زدن یک قایق در حال مین ریزی پخش کرد و طبق معمول به افکار عمومی دنیا دروغ گفت. اما من اینک اعلام می‌کنم که این یک کشتی تجاری و موسوم

به «ایران اجر» بوده است و نه یک قایق تندرو جنگی. این آغازی است برای حوادثی که بی شک عواقب تلخ آن به خلیج فارس منحصر نخواهد ماند و مسئولیت همه پیشامدهای بعدی به عهده شروع کننده یعنی آمریکاست. آیا ادعاهای بی تابانه آمریکا برای صلح در خلیج فارس را باید باور کرد یا این آتش افروزی عملی یا آشکار را؟ من صریحاً اعلام می‌کنم که آمریکا پاسخ این اقدام زشت را دریافت خواهد کرد.»



آمریکایی‌ها در پاسخ اعلام کردند که صحنه‌های جدیدی را نمایش می‌دهند که خدمه کشتی «ایران اجر» را در حال انداختن مین در دریا نشان می‌دهد. اما بعد اعلام کردند که فیلم‌هایشان سوخته است. وزیر خارجه ایران به شدت به آمریکایی‌ها حمله کرد که دروغ می‌گویند و اگر فیلمی داشتند آن را پخش می‌کردند.



۱۶ مهر خلیج فارس دوباره میدان رویارویی ایران و آمریکا شد. شب ۱۶ مهر گروهی از نیروی دریایی سپاه در جزیره فارسی مشغول گشت زنی بودند که بالگردهای امریکایی به قایق‌ها و شناورهای شان حمله کردند.

هشت نفر از رزمندگان شهید شدند و شش نفر اسیر. چهار شناور ایرانی را هم نابود کردند.

رزمنده‌های ایرانی هم با تنها موشک استینگرشان یک بالگرد آمریکایی را زدند. بیژن گرد، نادر مهدوی و چند نفر از بهترین نیروهای ایران در این درگیری شهید شدند. ایران اعلام کرد که آن قدر موشک استینگر دارند که پس از این هر وقت خواستند آمریکایی‌ها را بزنند. ایران اعلام کرد حمله آمریکایی‌ها به نیروهای گشتی ایران را تلافی خواهد کرد.



کارنامه مهدوی و یارانش تا پیش از شکل‌گیری نیروی مقابله به مثل

وجوه مختلف شخصیت نادر

مهدوی از جمله شهدای جوان جنگ و دارای شخصیتی جالب و جذاب است. به گفته همراهان و راویان خاطراتی که از او به جا مانده، فردی قاطع و مصمم بوده که هنگام کار با کسی شوخی نداشته است. به گفته شهرام ذوالقدر یکی از هم‌زمان مهدوی، «نادر مهدوی نسبتاً قدکوتاه بود و چهره‌ای بشاش و مهربان داشت. صدای بمی داشت و خیلی با اعتماد به نفس حرف می‌زد. اغلب خنده‌ای بر لب داشت. همیشه به گویش دشتی، که اهل آن‌جا بود، حرف می‌زد و هنگام حرف زدن، به نشانه مهربانی دست بر شانه افراد می‌گذاشت.

همیشه در صحبت‌هایش از چاشنی طنز استفاده می‌کرد. آدم خشکی نبود. بین بچه‌ها وجهه خوبی داشت. خودش را نمی‌گرفت. در هر کاری، خودش نفر اول بود. کم می‌شد کاری باشد و نادر خودش در آن شرکت نکند. همیشه با بچه‌ها بود.»

هفته حقوق بشر آمریکایی



US-Style Human Rights Week

۱۳۶۶

28 June
1987

هزاران شیمیایی شهرسردشت و قتل عام مردم بی گناه رژیم عراق که از پیروزی در جبهه های جنگ نا امید شده بود، تصور می کرد که می تواند خواسته های خود را با حملات شیمیایی به ملت ایران تحمیل نماید. حمله به مردم بی گناه سردشت با آماج گازهای کشنده شیمیایی، فجیع ترین تهاجم شیمیایی بود که آثار و پیامدهای منفی زیادی به بار آورد.

۷
تیر

مهدوی خاطراتش را در دفتر یا تقویمی یادداشت می‌کرده و از روایت خاطراتش برای دوستان و آشنایانش، به‌شدت پرهیز داشته است. به‌قول یکی از دوستانش، دلش نمی‌خواست کسی بداند او چه می‌کند و مشغول چه کاری است. نادر، به‌گفته همه راویان خاطرات، هنگام کار و ماموریت، بسیار جدی و حتی گاهی خشن می‌شده و علاقه‌ای به کارهای اداری و ستادی نداشته است. علی احمدی‌پور که در برهه‌ای فرمانده تیپ بوده و مهدوی به‌عنوان فرمانده گردان در خدمتش بوده، درباره شخصیت این شهید گفته است: «پسری با وقار، ساکت و اهل کار و تلاش بود. خیلی اهل عبادت بود. با وجودی که با زیردستانش با قاطعیت رفتار می‌کرد، اما نیروهای تحت امرش از او راضی بودند.» نادر مهدی متولد سال ۱۳۴۲ در نوکار، مرکز روستای زایرعباسی است. این روستا در شش‌کیلومتری شهر خورموج مرکز شهرستان دشتی از توابع استان بوشهر قرار دارد. او در برهه آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران، یعنی سال ۵۹، هفده‌ساله بوده است. در شناسنامه نادر، و بین خانواده، دوستان و آشنایان به‌نام حسین مشهور بوده است. نام این شهید به‌احترام امام حسین (ع) انتخاب شده است. به‌هرحال دوران کودکی

و نوجوانی وی در محرومیت گذشته و پدر و برادرش ناچار بوده‌اند برای کارگری به شهرهای اطراف و کشورهای مثل کویت و قطر بروند. شجاعت، قاطعیت و جدی بودن هنگام کار و عشق زیاد به دعاومناجات، ازجمله ویژگی‌های بارز نادر مهدوی هستند که به کرات توسط راویان نقل شده‌اند. قاطع بودن مهدوی در کار، به قدری زیاد بوده که به گفته برخی دوستانش، بعضی افراد، این جدیت را حمل بر غرور می‌کردند. با این وجود، راویان این نکته را هم گفته‌اند که مهدوی، هنگام شوخی، مرد شوخی بوده اما به محض پیش آمدن کار یا ماموریت، کاملاً جدی می‌شده است. مهدوی را شخصیتی با شرم و حیا معرفی کرده‌اند. به گفته اعضای خانواده‌اش، از سن ۴ سالگی حاضر نبوده جلوی کسی لباس عوض کند. او در دوران نوزادی، به دلیل محرومیت‌های خانواده و ضعف و سرما، در آغوش مادر می‌میرد اما به واسطه اتفاقی شگرف و در واقع معجزه‌ای که رخ می‌دهد، زندگی دوباره پیدا می‌کند. درباره سال‌های نوجوانی نادر مهدوی هم روایاتی از برادرش به جا مانده که نشان‌دهنده روحیه انقلابی او هستند.

مثلاً وقتی ابوالحسن بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور معرفی می‌شود، نادر مهدوی در خورموج به مخالفت و ضدیت با او می‌پردازد و بیشتر اوقات با هوادارانش در بحث و مناظره بوده است. این مناظرات گاهی به زد و خورد و کتک‌کاری هم کشیده می‌شده است. مثلاً مهدوی یک‌مرتبه با یکی از مغازه‌داران طرفدار بنی‌صدر درگیر شده و چند ضربه رد و بدل می‌کند. برادر مهدوی که چندسالی از او بزرگ‌تر بوده، در خاطره‌اش در این باره، بنی‌صدر را فردی مغرور و از خودراضی معرفی کرده که هیچ‌کس را جز خودش قبول نداشته است.

به‌گفته دوستان و آشنایان، نادر مهدوی پس از ازدواج و تشکیل زندگی و همچنین حضور در جبهه و سپس نیروهای مقابله به مثل، خیلی کم به فکر خانواده و زندگی بوده چون همه فکر و ذکرش، جنگ و دریا بوده است. طبق یکی از روایات به‌جا مانده از این شهید، اواخر سال ۶۵ که همسرش پس از چندسال انتظار برای بچه‌دار شدن، بارداری می‌شود، مدتی بوده که حالات عرفانی خاصی پیدا کرده و مدام در نمازهای خود از خدا طلب شهادت می‌کرده است. منصور زارعی هم از هم‌زمان

مهدوی درباره او گفته همت بلندی داشته و کارها را با ایمان پیش می‌برده است. مهدوی به گفته این هم‌رمز خود، از دشواری نمی‌ترسیده و راز موفقیتش در کار، همین بوده است. به‌قول دیگر راویان، نادر مهدوی مانند بسیاری دیگر از شهدای سال‌های جنگ و البته شهیدی مثل حاج‌قاسم سلیمانی، عرفان را با مبارزه درهم‌آمیخته بوده است.



مهدوی در سال ۶۰، یعنی در سن ۱۸ سالگی به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و همان‌سال در جنگ‌های سپاه و سازمان مجاهدین خلق در تهران، شرکت کرد و حضور پررنگی هم در این درگیری‌ها داشت.

یکی از گواهان حضور پررنگ مهدوی در جنگ شهری با منافقین، برادرش است. او در سال ۶۱ راهی جبهه‌های جنوب می‌شود و به گفته راویان خاطرات، از همان دوران، خودش را برای شهادت آماده کرده بود؛ اتفاقی که ۵ سال بعد در مقابله با نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس رخ داد. نادر مهدوی نیمه دوم سال ۶۱، فرمانده سپاه منطقه جم و ریز در شهرستان کنگان شد. جم، آن سال‌ها منطقه‌ای ناآرام و پر از درگیری بوده است. یعنی سپاه در آن برهه با یاغیان مختلف منطقه مذکور درگیر بوده است. مهدوی سال ۶۱ ازدواج کرد و اواخر بالافاصله سال ۶۲ یا به قولی اوایل سال ۶۳ از منطقه جم به جزیره خارک منتقل شد.



یکی از خواسته‌های مردم بوشهری در سال ۶۲، داشتن یک‌یگان رزمی مستقل بوده است. به این ترتیب این خواسته، اواخر سال ۶۲ منجر به تشکیل تیپ ۱۳ امیرالمومنین (ع) می‌شود که اولین فرمانده آن، فتح‌الله محمدی از اهالی گناوه بوده است.

این فرمانده، پیش از پیروزی انقلاب، از کارمندان آموزش و پرورش بوده است. تیپ ۱۳ امیرالمومنین (ع)، در بدو تاسیس، متشکل از ۵ گردان رزمی بوده که نادر مهدوی در آن برهه، فرمانده یکی از گردان‌های آن می‌شود. تیپ مورد اشاره، همزمان با عملیات خیبر که اسفند سال ۶۲ در منطقه هورالعظیم بین ایران و عراق انجام شد مامور به اجرای یک عملیات ایذایی برای فریب دشمن می‌شود و این کار را در منطقه علی‌شرقی انجام می‌دهد.

نادر مهدوی در عملیات‌های خیبر و بدر که از جمله عملیات‌های آبی‌خاکی ایران در جنگ بودند (خیبر اولین عملیات آبی‌خاکی بود)، کار گذاشتن کاتیوشا روی قایق‌های فایبرگلاس نسبتاً کوچک را آموزش می‌بیند و تجربه حضور در این دو عملیات، در سال‌های بعد بسیار به

کارش می‌آید. یکی از مهم‌ترین این تجربیات، جنگ و استفاده از قایق‌های کوچک و سریع، برای عملیات‌های دریایی بود.

یکی از مسئولیت‌های مهم نادر مهدوی، پیش از حضور در راس نیروهای مقابله به مثل، مربوط به بهمن سال ۶۴ و عملیات والفجر ۸ است که در خط اول این عملیات یعنی منطقه فاو، نیاز به رساندن پل‌های شناور (پل‌های خیبری) وجود داشته و این کار به مهدوی و نیروهایش سپرده می‌شود. کار او در واقع، انتقال تجهیزات دریایی و پل‌های متحرک و شناور از بندر امام خمینی (ره) به فاو و نصب‌شان روی اروندرود بوده است. اما پیش از اجرای عملیات والفجر ۸ هم، تصرف سکوهای نفتی البکر و العمیه، یکی از مهم‌ترین اهدافی بود که توسط نیروهای ایرانی انجام شد. این سکوها، رادارهای پیشرفته‌ای داشتند و نادر مهدوی در گروه ضربتی بود که قرار شد به این دو سکو حمله کنند. در نتیجه غافلگیری نیروهای عراقی در شب، سکوهای البکر و العمیه به تصرف نیروهای ایرانی درآمد و همه تجهیزات راداری‌شان منهدم یا به غنیمت گرفته شدند.



نادر مهدی تابستان سال ۶۵ را در خط فاو می ماند و پس از آن بوده که مامور به حضور در بین نیروهای مقابله به مثل در خلیج فارس می شود. اما در زمینه ایثارگری و تلاش های بی وقفه اش در فاو، روایتی از برادرش وجود دارد که می گوید به قدری در گرمای فاو و آفتاب آن منطقه کار کرده بوده که پوست شانهاش از بین رفته و نمی توانسته روی کمر بخوابد. در سال های جنگ ایران و عراق، جزیره خارک، تنها محل صدور نفت ایران بوده و دشمن یا بهتر بگوییم دشمنان، چند شبکه جاسوسی خود را متوجه این منطقه کرده بودند. به قول راویانی که

درباره نادر مهدوی خاطره گفته‌اند، نیروهای سازمان منافقین خلق، هم در خارک جاسوس داشته‌اند. شرایط در سال‌های جنگ تا جایی پیش می‌رود که در نتیجه جاسوسی‌ها و حمایت‌های مختلف از عراق، نیروهای این کشور، طی یک‌روز، جزیره خارک را ۷ تا ۸ بار بمباران می‌کرده و در آب هم نفتکش‌های ایران را می‌زدند. نادر مهدوی هم پیش از تشکیل نیروهای مقابله به مثل در سال ۶۵، در سال ۶۲ یا ۶۳ به‌عنوان جانشین فرمانده خارک، عازم این منطقه شده بود.



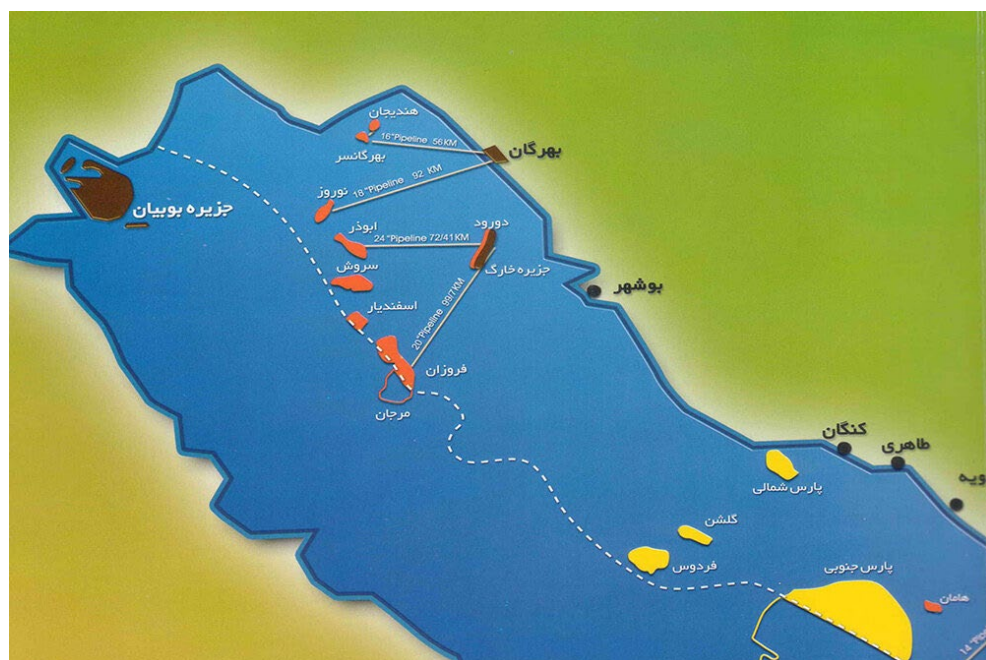
بایستی کاری کنیم که مردم احساس کنند که دنباله‌ی راه اینها [شهید و مجاهدان]، راه نجات است. اگر کشوری که امکانات گوناگون و جایگاه حساس جغرافیایی دارد، که مورد طمع قدرتها است، نتواند از خودش دفاع کند، نتواند جهاد کند، خب عزت و حیثیت او لگدکوب خواهد شد... باید اینها را برای آینده نهادینه کرد تا راه جهاد، راه ایستادگی، راه مقاومت، راه قطعی نسلهای پی‌درپی قرار بگیرد.



در سال‌های جنگ، سختی‌ها و کمبودها همیشه باعث می‌شده، کارگران و کارمندان شرکت نفت برای خاموش کردن آتش تانک‌های بمباران‌شده توسط عراق، از نیروهای سپاه کمک بگیرند. یکی از خاطرات مربوط به خاموش کردن تانک‌های نفت ایران، مربوط به منصور زارعی از هم‌زمان مهدوی است که می‌گوید در یکی از بمباران‌های عراق که آسیب زیادی به تانک‌های نفت ایران وارد می‌شود، مهدوی و هم‌زم‌هایش در سپاه و همچنین نیروهای شرکت نفت مشغول خاموش کردن آتش می‌شوند و گرمای هوا به قدری بوده که نمی‌شده بیش از فاصله ۱۰۰ یا ۱۵۰ متری تانک‌های آتش‌گرفته نزدیک شد و چون نیروها با زبان روزه مشغول مهار آتش بوده‌اند، امام‌جمعه خارک که خودش را به محل حادثه رسانده بوده، به نیروهای شرکت نفت و سپاه می‌گوید روزه خود را افطار کنند. به گواه اسناد و روایت راویان، آمریکا و فرانسه در سال‌های دفاع مقدس، همراه با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، علیه کشتی‌های نفت‌کشی که به سمت ایران می‌آمدند، جنگی دریایی راه انداخته بودند. عراق هم به‌طور مرتب جزیره خارک را با امکانات مختلف از جمله موشک‌های اگزوست مورد هدف قرار می‌داده است.



حتی عربستان و کویت به نیابت از عراق، نفت صادر می‌کردند و عراق هم به جز جزیره خارک، کشتی‌های نفت‌کش ایران و اسکله‌های مطاف، جزیره لاوان، جزیره سیری و جزیره فارسی را بمباران می‌کرد. به علاوه کشتی‌های اطلاعاتی نیروی دریایی آمریکا در پوشش نفت‌کش در منطقه حضور داشتند و شرکت‌های بیمه نیز با توجه به ناامنی خلیج فارس برای ایران، نرخ بیمه خود را در این منطقه، به طور نامتعادلی افزایش داده بودند. این میان نفت‌کش‌های ایران به طور مرتب از ناحیه سکوهای البکر و العمیه عراق مورد هدف قرار می‌گرفتند. در نتیجه صادرات نفت ایران که محل مهمی برای درآمد و بودجه کشور بود، در آن برهه به طور جدی در خطر افتاد. جمیع این عوامل باعث می‌شود به دستور امام خمینی (ره) سپاه پاسداران دارای نیروی دریایی شود. تا پیش از این دستور، سپاه ساختاری یکپارچه داشت. البته کمی پیش از آن، قرارگاه نوح نبی سپاه فعال شده بود که نطفه اولیه نیروی دریایی سپاه محسوب می‌شود. مقر این قرارگاه در بوشهر بوده و شاخه‌ای هم در بندرعباس داشته است.



کار نیروی دریایی سپاه در قدم اول، حفاظت از کشتی‌های نفت‌کشی بوده که از تنگه هرمز عبور می‌کرده‌اند. این کشتی‌ها تا بندر امام خمینی (ره) اسکورت می‌شدند. به روایت علی احمدی‌پور، وقتی بحث مقابله به مثل در خلیج فارس پیش می‌آید، عراق با همکاری آشکار و پنهان عربستان و کویت و دیگر کشورهای عربی، به‌طور مرتب کشتی‌های نفتی و حامل کالای ایران به مقاصد مختلف را هدف قرار می‌داده و کویت، بندر بویان خود را به‌طور کامل در اختیار نیروی دریایی عراق قرار داده بود. در ادامه اتفاقات، موضع مهمی که در نتیجه تصمیم امام

خمینی (ره) و مقامات ایرانی اتخاذ می‌شود، این است که «اگر بناست خلیج فارس برای ایران ناامن باشد، باید برای همه ناامن باشد.»

در نتیجه، بنای نیروهای مقابله به مثل در خلیج فارس گذاشته شده و اواسط سال ۶۵، چند فروند کشتی طارق نو به بوشهر منتقل می‌شوند. به گفته شهرام ذوالقدر، در آن برهه، فتح‌الله محمدی فرمانده وقت سپاه بوشهر در جمع نیروهای سپاه منطقه، اعلام می‌کند «به تعدادی نیرو نیاز داریم که بتوانند قید زندگی و زن و بچه را بزنند. در این کار، احتمال مرگ و شهادت خیلی زیاد است.» به این ترتیب هسته اولیه گروه مقابله به مثل با ۳۰ نفر پرسنل رسمی و ۱۰ نفر سرباز وظیفه تشکیل می‌شود. اولین فرمانده گروه مقابله به مثل، پرویز قوسی بوده که هم به عنوان فرمانده عملیات و هم فرمانده ناوگروه ۲۱ رعد فعالیت می‌کرده است. اما پس از چندماه، قوسی در سمت فرماندهی عملیات مانده و نادر مهدوی، فرمانده ناوگروه ۲۱ رعد می‌شود. تذکر این نکته هم بی‌لطف نیست که سرعت کشتی‌های طارق نو، ۳۵ گره دریایی در ساعت بوده است.



قسمتی از وصیت نامه شهید نادر مهدوی

امروز دشمن ما صدام نیست؛ امروز دشمن ما حزب
بعث نیست؛ این‌ها عروسک‌های کوکی استکبارند و
ما دشمن واقعی خود را استکبار جهانی، به سرکردگی
آمریکا می‌دانیم. شرق و غرب، گذشته از اختلافات
درونی خود، متحدانه موضعی خصمانه در برابر
اسلام گرفته‌اند. بدانید که امروز، شرافت و عزت، در
سایه‌ی جهاد و ایثار و شمشیر است. بکشید دشمنان
اسلام و دین خدا را؛ تا فکر تجاوز و غارت را در سر
نپرورانند.

پس از مدتی که از تشکیل گروه مقابله به مثل می‌گذرد، گروه عملیاتی دیگری تشکیل می‌شود که بیژن گرد به‌عنوان مسئول واحد تخریب آن منصوب می‌شود که یکی از مغزهای متفکر عملیات‌های دریایی نیروهای مقابله به مثل بوده است. به‌جز گروه نادر مهدوی در بوشهر، چند گروه دیگر هم در عسلویه و بندرعباس شکل می‌گیرند که آموزش فشرده مین‌ریزی، خنثی‌کردن مین‌های دریایی و دیگر روش‌های جنگ دریایی را می‌بینند. در ادامه تشکیل نیروهای مقابله به مثل، ناوچه‌هایی تحویل نادر مهدوی داده می‌شود تا در عملیات‌های هجومی مورد استفاده قرار بگیرند. گروهی که نادر مهدوی به‌طور مستقیم فرماندهی‌اش را به‌عهده داشته، عبارت بوده از ۲ قایق شماره ۱۲۸ و ۱۲۹ به فرماندهی حسن شریفی و بیژن گرد که تحت فرماندهی مهدوی عمل می‌کرده‌اند. کار این گروه، به‌طور رسمی از اواخر سال ۶۵ آغاز شد. این نیروها با رادارهای ارتش؛ هدف، سمت و فاصله را شناسایی کرده و ملیت کشتی‌ها را مشخص می‌کردند. سپس با ثبت اطلاعات، آماده عملیات می‌شدند. بیشتر عملیات‌های گروه هم در شب انجام می‌شدند؛ به‌این‌ترتیب که نیروهای درون قایق‌ها، درحالی که دو

تا سه مایل از یکدیگر فاصله داشتند، در موقعیت کمین به انتظار می‌نشستند. سپس در موقعیت مناسب اقدام می‌کردند. تا رسیدن به نقطه کمین هم، ابتدا از بوشهر به جزیره فارسی رسیده و سپس عملیات را آغاز می‌کردند.



منطقه عملیاتی گروه مقابله به مثل در خلیج فارس، از جزیره فارسی تا شمال خلیج فارس و نزدیکی بندر احمدی کویت بوده و همه عملیات های این گروه توسط بیژن گرد فیلمبرداری شده‌اند. هلی‌کوپترهای

آمریکایی هم که در جنگ‌های دریایی، در تقابل با این نیروها اقدام می‌کرده‌اند، قایق‌ها را شناسایی و از آن‌ها فیلمبرداری می‌کرده‌اند.

یکی از عملیات‌های مهم نیروهای مقابله به مثل در خلیج فارس، عملیات صاعقه است که مرداد سال ۶۶ انجام شد و یکی از نتایجش، انفجار در نفت‌کش غول‌پیکر بریجتون با اسکورت ناوگان جنگی آمریکا بود. این سوپر تانکر کویتی که با پرچم آمریکا حرکت می‌کرد، در نتیجه اقدام نیروهای نادر مهدوی، تا ۲۴ ساعت شعله‌ور بود و آسیب بسیار جدی دید و برای تعمیر به سنگاپور منتقل شد. پس از انفجار در این نفت‌کش، بلافاصله به بوشهر و تهران پیام موفقیت عملیات مخابره شد. سپس رادیوها و رسانه‌های بیگانه خبر انفجار نفت‌کش بریجتون را منتشر کردند که تاثیر زیادی در رفتار حامیان رژیم عراق با ایران داشت. به‌قول فرماندهان و رزمندگان ایرانی آن سال‌ها، دشمنان غربی فهمیدند که ما مشت را با مشت جواب می‌دهیم. نکته مهم و تاریخی درباره عملیات صاعقه، این است که در پاسخ به عملیات اراده جدی آمریکایی‌ها (حفاظت از نفت‌کش‌های کویتی و عربی) در خلیج فارس

انجام شد و ضربه‌ای مهم به نفت‌کش بیش از ۴۰۰ هزار تنی بریجتون که تحت چتر حمایتی اراده جدی بود، محسوب می‌شد.

امام خامنه‌ای:

شهید نادر مهدوی

می‌تواند یک چهره مبارز بین‌المللی شود

همین شهید نادر مهدوی که [شما] آقایان چند بار اسمش را اینجا آوردید، کسی از دوستان ما که وارد در این موضوعات است میگفت اگر ایشان متعلق به کمونیست‌ها بود، یک چگوارا از او درست میکردند؛ یعنی [یک] چهره‌ی بین‌المللی مبارز. این جوان کم‌سال یک چهره‌ی این‌جوری دارد؛ حضورش در منطقه‌ی خلیج فارس، آن درگیری‌اش با آمریکایی‌ها، بعد هم دستگیری و شکنجه و شهادتش؛ یعنی یک شخصیت‌های این‌جوری‌ای در پوشه هستند.

عزیزان
رهبر انقلاب اسلامی
۱۳۸۸/۱/۲۲

در نتیجه عملیات صاعقه که در واقع مین‌ریزی نیروهای نادر مهدوی در خلیج فارس بود، چند کشتی خارجی با مین‌های ایرانی برخورد کرده و جنجالی جهان شکل گرفت که متعاقب آن، غربی‌ها اعلام کردند خلیج فارس دیگر محل امنی نیست. نکته مهم درباره مین‌های مورد استفاده ایران در این عملیات، این است که به دلیل تحریم ایران،

مین‌ها همگی ساخت داخل بودند و ایران، از چندی پیش، اقدام به تولید آزمایشی مین‌های دریایی کرده بود. این مساله، همان‌طور که خواهیم دید یکی از سوالات مهم بازجویان آمریکایی‌ها از اعضای گروه نادر مهدوی بوده است. به‌هرحال مین‌های دریایی ایران، هرکدام ۵۰۰ کیلوگرم TNT داشتند. نیروهای مقابله به مثل، پس از این عملیات، چندبار دیگر نیز اقدام به مین‌ریزی در مناطق مختلف خلیج فارس از جمله سواحل کویت کردند که آن زمان، با حمایت آمریکا، اصطلاحاً برای ایران، شاخ‌وشانه می‌کشید. یکی از موارد این شاخ‌وشانه‌کشیدن، همان استفاده کشتی‌های کویت از پرچم آمریکا بود؛ همچنین دیگر کشتی‌هایی که به مقصد کویت می‌رفتند. مین‌ریزی‌های ایران در خلیج فارس باعث شد یک ناو متعلق به شوروی هم دچار حادثه شود.

زمانی‌که عملیات صاعقه انجام شد، نیروی دریایی آمریکا، به‌طور مستقیم و آشکار، از نفت‌کش‌های کویت و عربستان حمایت و آن‌ها را اسکورت می‌کردند و طبق روایت راویان، امام خمینی (ره) از این وضعیت ناراضی بوده است. پس از پیروزی در عملیات هم نیروهای

عمل‌کننده را برای بازدید با امام (ره) به جماران و سپس مشهد بردند. کمی پیش‌تر، وقتی کشتی بریجتون وارد خلیج فارس شد، مقامات سپاه موضوع را به امام خمینی (ره) گزارش و کسب تکلیف کردند که به‌گفته شاهدان امام (ره) گفته بود: «اگر من بودم کشتی را می‌زدیم!» در عملیات صاعقه، در مجموع ۱۲ مین دریایی توسط دو شناور والفجر، بارگیری و در دریا رها شدند. با توجه به صحبتی که از کویت شد، بد نیست اشاره‌ای به گردن‌کشی‌های عربستان هم در آن برهه داشته باشیم که کشتی‌هایش با پشتیبانی ناوهای آمریکا، به‌طور عمد در محدوده جزیره فارسی و جزیره عربی خلیج فارس حرکت می‌کردند تا مقابل نیروهای ایرانی قدرت‌نمایی کنند.



حسن شریفی دوست و هم‌رزم نادر مهدوی در روایت خود از عملیات صاعقه گفته تا پیش از انفجار بریجتون، معمولاً مسیر عبور کشتی‌های خارجی، حد فاصل جزیره فارسی و جزیره عربی بود که پس از عملیات، مسیرشان تغییر کرد و کشتی‌هایی که برای دولت‌های عربی بار داشتند و در خط ساحلی آن‌ها حرکت می‌کردند، فاصله خود از ساحل ایران را زیاد کردند. از دیگر تبعات عملیات صاعقه، این بود که آمریکا اعلام کرد برای ایجاد امنیت در منطقه و حفاظت از نفت‌کش‌های کویت و دیگر کشورهای عربی، در خلیج فارس دخالت نظامی می‌کند. روی عرشه ناوهای آمریکایی اعزام‌شده به خلیج فارس هم تعداد زیادی خبرنگار حضور داشتند که بنا بود پیروزی‌های آمریکا را منعکس کنند. پس از برخورد بریجتون با مین ایرانی، آمریکا اعلام کرد حمله به کشتی بریجتون به مثابه اعلان جنگ ایران به آمریکا در خلیج فارس است.

در عملیات صاعقه، امداد غیبی هم به کمک ایرانی‌ها آمده و طبق روایتی که حسن شریفی در صفحه ۱۳۸ کتاب «بار دیگر نادر» دارد، این‌چنین تعریف شده است: «با آن‌که خلیج فارس پر از ناوهای

آمریکایی و انگلیسی بود و رادارهای قوی آن‌ها همه‌چیز را زیر نظر داشتند، ما را ندیدند. واقعاً احساس کردم خداوند پرده‌ای مقابل چشم آنان قرار داده است.» به این ترتیب مین‌ریزی ایرانی‌ها در خلیج فارس در حالی انجام می‌شود که هوا و دریا آرام و آسمان صاف بوده است. با این وجود رادارهای دشمن، اثری از قایق‌های ایرانی نشان نداده‌اند. از دیگر واقعیت‌های تاریخی عملیات صاعقه هم عکس العمل امام خمینی (ره) پس از شنیدن انفجار در کشتی بریجتون است که به گفته شاهدان، این عکس‌العمل، تنها یک تبسم بوده است.



کی از طرح‌های عملیاتی گروه مقابله به مثل در خلیج فارس، عملیاتی به نام مانور شهادت بود که اوایل شهریور ۶۶ طراحی شد و بنا بود بیش از ۳۰۰ قایق ایرانی در آن شرکت داشته باشند. همه نیروهای حاضر در این عملیات به دلیل امکان بالای شهادت، (که علت اصلی نامگذاری عملیات هم بوده) شهادتین گفته و با وضو، آماده مرگ شده بودند. به گفته راویان و حاضرانی که در آن اتفاق حضور داشته‌اند، بعید بوده کسی از حمله طراحی شده جان سالم به در ببرد.

اما سر راه اجرای این عملیات مانعی به وجود می‌آید که ناشی از حرکات آمریکایی‌ها در خلیج فارس بوده است. بنای اصلی در این عملیات بر این بوده که نیروهای مقابله به مثل، خود را به منابع و چاه‌های نفتی دشمن رسانده و به سرعت مواد منفجره را کار گذاشته و سپس با قایق‌های خود، مواضع دشمن را زیر آتش بگیرند. اما با افشاشدن طرح حمله ایرانی‌ها توسط آمریکایی‌ها، عملیات اصطلاحاً لو می‌رود و با توجه به پایین آمدن شانس پیروزی در عملیات، فرماندهان، تصمیم به لغو آن می‌گیرند.

عبدالکریم مظفری یکی از هم‌زمان و نیروهای تحت فرمان نادر مهدوی در عملیات آخر، درباره چگونگی لو رفتن مانور شهادت گفته: «دیدیم کل منطقه به محاصره ناوهای آمریکایی در آمده است.» یا «رادار را که روشن می‌کردیم، از آنچه می‌دیدیم، وحشت می‌کردیم. صفحه رادار پر بود از ناوها و کشتی‌های آمریکایی که در حالت آماده‌باش کامل بودند.»

مانور شهادت، بزرگ‌ترین عملیاتی دریایی بود که نیروهای ایرانی تا آن مقطع بنا بود در دریا انجام دهند اما لغو شد و به گفته راویان، اگر این اتفاق یعنی لغو عملیات رخ نمی‌داد، فاجعه بزرگی به وقوع می‌پیوست. به هر حال یکی از نیروهای مقابله به مثل که در عملیات حاضر بوده، پس از لغو حمله، به رادیوهای بیگانه از جمله بی‌بی‌سی گوش داده بوده و به شوخی به هم‌زمان خود می‌گوید: «قبل از اینکه ما عملیات انجام دهیم، رادیو بی‌بی‌سی اعلام کرده است!»



مدلی از هلی کوپتر رزمی کبرا در نیروی دریایی آمریکا که در درگیری با

قایق‌های گروه نادر مهدوی منهدم شد

حادثه شهادت نادر مهدوی، چندروز پس از عملیات نافرجام مانور شهادت در ۱۶ شهریور ۶۶ رخ داد. این عملیات با دو قایق بعثت و یک ناوچه طارق، با مجموع ۱۲ نفر نیروی عمل‌کننده انجام شد. از ۱۲ نفر حاضر در عملیات، ۲ نفر از سپاه تهران به بوشهر آمده بودند که با خود، موشک‌های استینگر را برای هدف قراردادن هلی‌کوپترهای آمریکایی آورده بودند. محل عملیات نیز در ۱۲ مایلی پشت جزیره فارسی بوده

که یکی از آبراه‌های بین‌المللی محسوب می‌شده است. به روایت عبدالکریم مظفری _ یکی از بازماندگان این عملیات _ نادر مهدوی پیش از شروع عملیات به دوستان و هم‌زمانش می‌گوید: «هلی‌کوپترهای آمریکایی در این‌جا مرتب در حال پرواز هستند. غالباً جزیره‌ها یا کشتی‌های ما را مورد حمله و هدف قرار می‌دهند. ما در این ماموریت باید این هلی‌کوپترها را هدف قرار بدهیم و سرنگون کنیم.» عبدالکریمی در خاطرات خود از آن عملیات، تعبیر جالبی دارد که بد نیست در این نوشتار هم مرورش کنیم: «این، اولین باری بود که در چنین ماموریتی شرکت می‌کردم؛ ماموریتی رو در رو با هلی‌کوپترهای آمریکایی؛ رو در روی شیطان.» به گفته راویان، به‌جز نیروهای عمل‌کننده، تنها کسی که از اجرای این ماموریت خبر داشته، فتح‌الله محمدی بوده است. آمریکایی‌ها، در این عملیات مکالمات نیروهای مقابله به مثل را شنود و ضبط می‌کرده‌اند و چون از قصد و نیت ایرانی‌ها آگاه بودند، هلی‌کوپترهای حاضر در منطقه به محض نزدیک شدن قایق‌های ایرانی، دور شده و بهانه شلیک را از آن‌ها می‌گرفته‌اند. در نتیجه مهدوی به همراهانش می‌گوید:

آزمایش‌های دارویی آمریکا بر روی مردم جهان

گاهی به جنایات بی‌تورریستی آمریکا که بیشتر آنها را در قالب روش‌های درمانی و برای تحقیق، روی مردم و کشورهای مختلف آزمایش کرده است.



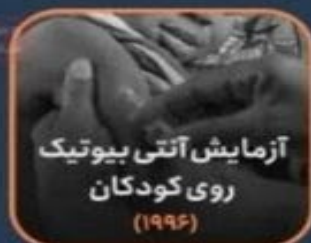
آزمایش واکسن
سرخک
(۱۹۹۰)

۱۵۰۰ نوزاد اسپانیایی و سیاه



آزمایش پنی سیلین
برای درمان سفلیس
(۱۹۴۶-۱۹۴۸)

گوآتمالا



آزمایش آنتی بیوتیک
روی کودکان
(۱۹۹۶)

نیجریه



مبتلا کردن مردم
به سرطان
(۱۹۳۱)

پورتوریکو



آزمایش
پرتو دهی
(۱۹۶۰)

سیاه‌پوستان آمریکایی



آزمایش
ایدز
(۱۹۵۹)

آفریقا



تزریق عامل شیمیایی
تارنجی به زندانیان
(۱۹۶۵)

آمریکا و ویتنام



ویروس
ابولا
(۱۹۷۵)

ژئیر در آفریقا



انتشار
ویروس دنگو
(۱۹۸۱-۱۹۸۲)

افغانستان، پاکستان و کوبا



رها کردن پشه‌های
ناقل تب زرد
(۱۹۵۶)

ایالت فلوریدا در آمریکا



جایگزینی بیماران
جای خوکچه
(۱۹۴۶)

بیماران بیمارستان ارتش آمریکا



آزمایش گاز خردل
روی سربازان
(۱۹۴۶)

آمریکا

«ظاهرا می‌دانند ما چه کار می‌خواهیم بکنیم. شما باید بروید در مسیری قرار بگیرید که تا هلیکوپتر از ناو بلند شد، شما آن را مورد اصابت قرار بدهید.»

طبق روایت راویان، هلی‌کوپترهای آمریکایی صدای کمی تولید می‌کرده‌اند و تا بالای سر نیروهای عمل‌کننده نمی‌رسیدند، کسی از حضورشان آگاه نمی‌شده است. طبق خاطرات رزمندگان ارتش و سپاه در سال‌های جنگ هم، باید به این مساله اذعان کرد که ملخ هلی‌کوپترهایی مثل ۲۱۴ بسیار پرسروصدا و ملخ هلی‌کوپترهای جنگنده‌ای چون کبرا آلودگی صوتی کمتری داشته است. بنابراین منظور روایان و هم‌زمان نادر مهدوی، باید هلی‌کوپترهای تهاجمی آمریکایی به‌ویژه کبرا باشد که حضورشان در بالای سر قایق‌های سپاه، ناگهانی و غافلگیرکننده بوده است. به‌هرحال در لحظه‌ای از عملیات آخرِ نادر مهدوی، موقعیتی پیش می‌آید که مواجهه مستقیم و چهره به چهره هلی‌کوپترهای آمریکایی و قایق‌های ایرانی رخ می‌دهد و هم‌زمان با شلیک راکت از طرف هلی‌کوپترها، موشک استینگر ایرانی‌ها هم

به سمت هدف شلیک می‌شود که در نتیجه یکی از کبراهای آمریکایی ساقط می‌شود. اما پیش از شلیک استیونگر دوم، آمریکایی‌ها یکی از قایق‌ها و سپس با فاصله‌ای کم از اولی، قایق دوم را مورد اصابت راکت قرار می‌دهند و تنها قایق نادر مهدوی سالم باقی می‌ماند. مهدوی به گفته همزمانی که از آن عملیات زنده برگشته‌اند، می‌توانسته از صحنه فرار کرده و جان به در ببرد، اما برای نجات نیروهای در آب افتاده، سعی کرده با شلیک تیربار دوشکا، هلی‌کوپترها را مشغول کند تا همزمانش از محوطه آتش دور شده و جان‌پناهی پیدا کنند.



در نهایت، ناوچه مهدوی هم مورد اصابت موشک هلی کوپتر آمریکایی قرار می‌گیرد. با وجود آسیب دیدن ناوچه طارق که مهدوی در آن بوده، هنوز تیربار ناوچه فعال بوده است؛ تا این که ناوچه با شلیک ۳ موشک دیگر، منفجر می‌شود.



از ۱۲ نفری که در این عملیات شرکت داشته‌اند، تنها ۴ نفر یعنی عبدالکریم مظفری و افرادی با نام‌های خانوادگی باقری، رسولی و کریمی زنده می‌مانند که ابتدا به اسارت آمریکایی‌ها در آمده و سپس آزاد می‌شوند. نادر مهدوی و بیژن گرد هم که بین کشته‌شدگان بوده‌اند، ابتدا به اسارت نیروهای آمریکایی درمی‌آیند اما پس از شکنجه در ناو آمریکایی، به شهادت می‌رسند.

طبق صحبت‌ها و وعده‌هایی که مهدوی و گرد پیش‌تر به یکدیگر داده بودند، گرد موفق می‌شود پیش از عملیات، دختر تازه‌متولد شده خود را چند ساعت ببیند اما مهدوی همان‌طور که خود گفته بود، موفق نمی‌شود پس از ۵ سال انتظار برای فرزنددار شدن، نوزادش را ببیند و فرزندش پس از شهادتش به دنیا می‌آید.



بازماندگان ایرانی عملیات پایانی نیروهای مقابله به مثل، توسط آمریکایی‌ها از آب گرفته شده و به یک ناو آمریکایی در خلیج فارس منتقل می‌شوند. این افراد مورد بازجویی و شکنجه‌های روحی و جسمی قرار می‌گیرند. جالب است که فردی ایرانی بین نیروهای

آمریکایی بوده که ابتدا خود را دلسوز پاسداران نشان می‌دهد و در نهایت، با زبان سیلی و تهدید، قصد به‌حرف‌آوردنشان را می‌کند.



کاری کنید که یاد شهدا و این اشخاص [مجاهد] در ذهن نسلهای جدید ماندگار بشود. مثلاً رئیس‌علی دلواری، آدم به این عظمت، در بین نسل جوان ما چند درصد او را می‌شناسند؟ کاری باید کرد تا این نامها زنده بمانند؛ اینها الگو هستند. مثلاً روی کتابچه‌های بچه‌ها، دفترهای بچه‌ها، روی پشت جلد کتابها، در خود کتابهای درسی، روی لباسها، عکس اینها، خصوصیت اینها، اسم اینها [چاپ و] نوشته بشود.



عملیات انتقامی ایرانی‌ها بسیار زود انجام شد. ۲۳ مهر ایران بچه‌های رزمنده ما یک نفتکش غول پیکر آمریکایی را در ترمینال الحمدی کویت با موشک کرم ابریشم زد و روز بعد هم یک نفتکش کویتی دیگر که پرچم آمریکا داشت. در همان اسکله با همان نوع موشک جدید آسیب دید. فشارهای داخلی بر آمریکا بسیار بیشتر شد و این بار ریگان شخصاً دستور داد تا آمریکایی‌ها عملیات ایرانی‌ها را تلافی کنند.



آنها چند روز بعد به تلافی سکوی نفتی رشادت ایران حمله کردند و با چهار ناو جنگی این سکو را به توپ بستند و سکو را نابود کردند. سکوها نظامی نبودند و حمله به آنها نشانه ضعف آمریکایی‌ها بود. در نهایت ایران ۲۸ مهر نامه‌ای اعتراض آمیز به سازمان ملل نوشت که آمریکا به سکوهای غیرنظامی اش حمله کرده است و ایران این حمله را بی جواب نخواهد گذاشت. ایران چند موشک دیگر به ترمینال نفتی کویت پرتاب کرد و خسارت زیادی به کویت وارد شد. آمریکا هیچ واکنشی نشان نداد و اعلام کرد که این حمله علیه کویت صورت گرفته است نه

کشتی‌های حامل پرچم آمریکا. آمریکایی‌ها از درگیری‌هایشان در خلیج فارس کم کردند و به رایزنی‌های سیاسی برای منزوی کردن بیشتر ایران پرداختند. سوم آبان ۱۳۶۶ آمریکا هم زمان با تحریم اقتصادی ایران قطعات رایانه‌ای پیشرفته‌ای را به عراق داد که با آنها عراقی‌ها می‌توانستند برد موشک‌های اسکاد بی را به ۱۲۰۰ کیلومتر برسانند. روز چهارم آبان ریگان لایحه تحریم اقتصادی ایران را برای ممنوعیت خرید نفت و کالاهای دیگر از ایران امضا کرد.

منبع: جنگ و ایران و عراق، جعفر شیرعلی نیا



حماسه نادر مهدوی و یارانش تا شهادت

نادر با مرکز فرماندهی تماس گرفت. مجید با فلاسک چای از کابین بیرون آمد. بیژن سکان را رها کرد. دوربین را برداشت. هیچ نقطه سیاه یا متحرکی ندید. گفت: «فرمانده، منطقه کاملاً آرام است.» خورشید تا نیمه در آب فرو رفته بود. آسمان به رنگ دریا بود و دریا به رنگ آسمان. نادر لبخند زد: «نکنه آرامش قبل از طوفان است؟ راستی خبر داری؟ هواشناسی اعلام کرده، هوای همدیگر رو داشته باشین!» بیژن گفت: «برای اینکه کوتاه است یا واقعاً امشب، طوفانی ست؟» نادر دوربین را از بیژن گرفت: «به خاطر هردوش». در افق، جز تعدادی مرغ ماهی خوار، چند ستون دود و ابرهای سرگردان پاییزی، چیزی ندید. بیژن ناوچه را به سوی اسکله هدایت کرد. نادر، سریع از روی پل چوبی گذشت و خودش را به لنجی رساند که در اسکله پهلو گرفته بود. نگاهی به وسایل و تجهیزات داخل لنج انداخت. بچه ها به کمکش آمدند و وسایل مورد نیازشان را به داخل قایق ها و ناوچه بردند. خورشید دقایقی قبل، آخرین اشعه های قرمزش را از روی لنج و خلیج ربوده بود. همگی قبل

از حرکت به نماز ایستادند که ناگاه صدای انفجاری مهیب نگاه‌ها را به سمت پایگاه فرماندهی کشاند. در میان مه سفیدی که فضا را احاطه کرده بود، دود غلیظی از پایگاه بالا رفت. بیژن به نادر گفت: «فرمانده، رادار را زدن!» مجید بی‌سیم را پرت کرد: «ارتباطمون با مرکز قطع شد.» نادر از دودی که به تدریج در ابرها حل می‌شد، چشم برداشت. به طرف ناوچه دوید: «سریع سوار شوید.»

از روی عرشه نگاه کرد به نقطه خاکستری‌رنگی که آسمان و دریا را به هم ملحق ساخته بود. جز هیاهوی امواج و صدای موتور قایق‌ها، هیچ صدایی نمی‌شنید؛ درحالی‌که می‌دانست، بالگردهای بی‌صدای آمریکایی جایی در دل آسمان تاریک به دنبال آن‌ها هستند. هنوز از اسکله، خیلی فاصله نگرفته بودند که یکی از قایق‌ها منفجر شد. تکه‌های قایق؛ چون مشعل‌هایی فروزان، محل آن‌ها را به دشمن نشان می‌داد. حالا، آن سنجاقک‌های خاموش، درست بالای سرشان حرکت می‌کردند و موشک‌ها سخت و بی‌رحم یکی پس از دیگری، سینه آب را می‌شکافتند. نادر، بیژن و مجید، بیهوده سیاهی شب را سوراخ سوراخ

می‌کردند که ناگهان یکی از بالگردها منفجر شد. صدای «الله اکبر» یازده مرد جوان به گوش سرنشینان بالگردی که در فضا معلق بودند، رسید. نادر پرسید: «کی گل زد؟» بیژن گفت: «به گمانم آقای کریمی بود.» نادر بلندتر پرسید: «کی بود؟» بیژن فریاد زد: «کریمی.» باد سردی می‌وزید و دریا متلاطم بود. صدای انفجار دومین قایق، به گردش خون در رگ‌های بیژن و نادر سرعت بخشید. نادر طناب را دور سرش چرخاند و پرت کرد طرف آقای کریمی. گفت: «دیگه شلیک نمی‌کنن.» بیژن نور چراغ‌قوه را به اطراف چرخاند: «زنده‌مون رو می‌خوان.» مجید، زخم مجروحی را بست: «دارند انتقام کشتی بریجتون رو می‌گیرن.» نادر، نواری از فشنگ در دوشکا گذاشت: «می‌دونم؛ اما این کجا و آن کجا!» بیژن جسم بی‌حرکتی را روی آب دید و سکان را به آن طرف چرخاند. گفت: «حق دارن بسوزن؛ وقتی شبکه CNN هفتاد و دو ساعت از اسکورت نفت‌کش‌هاشون رو توسط شش ناو، به‌طور مستقیم پخش کنه...» جملات، ناشنیده و ناتمام در سیاهی شب و غرش انفجارها گم می‌شد؛ اما آن‌ها دوست داشتند خاطره‌انهدام کشتی بریجتون را به یاد بیاورند. نادر دست کریمی را گرفت و او را به داخل ناوچه کشید. گفت:

آمریکا رو به افول است

این را همه بدانند. آن کسانی هم که به
پشتیبانی آمریکا حاضرند مسئله‌ی فلسطین
را در این منطقه بکلی فراموش کنند، بدانند
آمریکا رو به افول است

عبدالله



«کشتی با اون همه پرچم، خبرنگار و خدم و حشم، مثل بوقلمون باد کرده‌ای که توی قلمروی خودش مانور می‌ده، حسابی توی آب‌های خلیج ما جولان می‌داد...». ادامه حرفش در سروصدای شلیک‌ها شنیده نشد. کریمی که از همه‌جای بدنش آب می‌چکید، کف ناوچه افتاد. خنده بلندی سر داد: «الان قیافه ما شده شبیه همون خبرنگارهایی که از روی عرشه، شیرجه می‌رفتند توی آب.» بیژن پیکر بی‌جان رزمنده‌ای را از آب بیرون کشید. مجید گفت: «ولی فرقش اینه که ما روی آنتن نیستیم. کسی هم حمایت‌مون نمی‌کنه.» نادر گفت: «همه‌اش هم کار ما نبود. اینکه در دریای به این عظمت، یک کشتی راست بره روی مینی که ما کاشته بودیم...!»

صدایی از بلندگو گفت: «تسلیم شوید.» نوری قوی از نورافکن ناوچه دشمن بر روی آن‌ها افتاد. بالگردی بالای سرشان پرواز می‌کرد. چاره‌ای جز تسلیم نداشتند. کریمی گفت: «شما که می‌تونستین خودتون رو نجات بدین، باید می‌رفتین.» نادر از بطری، روی تن سوخته مجروحی آب ریخت. گفت: «نه برادر. ما رفیق نیمه‌راه نیستیم.» از بیژن پرسید:

«اسم دخترت رو چی گذاشتی؟» بیژن گفت: «فاطمه.» مجید نگاه کرد به ناوچه دشمن که لحظه به لحظه نزدیک تر می شد: «مبارک باشه. مگه دوباره بابا شدی؟» بیژن خندید: «آره. دیروز به دنیا اومد. به خانمم گفتم فرمانده آمده دنبالم. مأموریتم ۲۴ ساعته است. برمی گردم.» نادر گفت: «من به خانمم گفتم، اگه بچه مون دختر بود، اسمش رو بذار زهرا.» و با افسوس به صدایی که مرتب می گفت: «تسلیم شوید»، گوش داد و دست هایش را بالا برد. دقایقی بعد، همگی شان داخل ناوچه دشمن بودند. بازجویی از لحظه اول آغاز شد.

چهار سرباز مسلح دست ها، پاها و چشم های نادر را بستند. او را با مشت و لگد زدند؛ سپس به ناو یو.اس.اس منتقلش کردند. چشمی را از چشمانش برداشتند. به پشت، بر کف دک خواباندند. تشنه بود و بدن لختش از سرما، کوفتگی، بریدگی و سوختگی می سوخت. مردی قد بلند، بور و تنومند پرسید: «what is your name?»

نادر، محکم و بلند پاسخ داد: «نادر مهدوی.»



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مِنَ الْجَاهِلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مِنَ الْجَاهِلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مِنَ الْجَاهِلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مِنَ الْجَاهِلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مِنَ الْجَاهِلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مِنَ الْجَاهِلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مِنَ الْجَاهِلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مِنَ الْجَاهِلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مِنَ الْجَاهِلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مِنَ الْجَاهِلِينَ

شهید

قادر

مهدوی

طنین قهقههٔ مستانهٔ مرد تنومند تا دوردست‌ها رفت. مرد دیگری با صورت تراشیده، عینکِ دسته‌طلایی، چهره‌ای گرد و سبیل‌های نازک پیش آمد. لگدی به پهلوی نادر کوبید: «نادر تو هستی؟» مرد قدبلند و تنومند پرسید: «how old are you?» نادر سرش را از روی دک برداشت. سعی کرد روی زانوهایش قرار گیرد. تاول‌های تنش ترکید و سوزشی عمیق در بدنش دوید. گفت: «بیست و چهار سال.» مرد عینکی با لگدی دیگر نادر را بر زمین غلتاند. از خشم یا حسادت، غرش بلندی سر داد: «چرا نفتکش بریجتون را منهدم کردی؟»

نادر با بازوی راستش خون دور دهانش را پاک کرد و سرش را بالا گرفت. مرد عینکی منتظر پاسخ نماند. ادامه داد: «و نفتکش‌های دیگر را؟» نادر با لب‌های فشرده و صورتِ خونین گفت: «به‌خاطر دفاع از وطنم.» چند سرباز با میخ‌های بلند آهنین به‌طرف نادر هجوم بردند. مردان دیگری دورش حلقه زدند. مرد عینکی پرسید:

«ناو گروه کجاست؟ مین‌ها را کجا مونتاز می‌کنید؟»

از لای دندان‌های کلیدشدهٔ نادر، صدایی خارج نشد. سربازی که
چهره‌اش را پوشانده بود، میخ بلندی را روی سینه نادر گذاشت. مرد
عینکی پرسید: «پادگان‌های نظامی بوشهر کجاست؟ اسم فرمانده سپاه
بوشهر چیست؟» تبسمی کرد. به نادر نزدیک‌تر شد: «اگر با ما همکاری
کنی، اگر به سؤالات ما پاسخ بدهی، به تو پناهندگی می‌دهیم و در
امان خواهی بود.» نادر با چشم‌های سیاه ازهم‌گشوده و لب‌های
نیمه‌باز به او نگاه کرد. مرد عینکی از پشت‌سر، موهای خیس نادر را
چنگ زد: «از کی دستور می‌گیری؟» نادر نفس عمیقی کشید: «رهبرم.»
مرد عینکی زل زد توی چشم‌های نادر: «بگو که پشیمانی.» نادر همهٔ
خشم و نفرتش را توی نگاهش ریخت. مرد عینکی از نگاه سخت و
سرد نادر، وحشت‌زده موهای او را رها کرد. عقب‌عقب رفت. نادر گفت:
«اگر هزار بار دیگر هم به دنیا بیایم، بازهم همین راه را ادامه می‌دهم.»
مرد قدبلند به سرباز اشاره کرد. سرباز میخ بلند آهنین را به سینهٔ نادر
کوبید. نادر فریاد زد: «یا زهرا!» چهرهٔ مقتدر و مصمم رهبرش را با
امیدهای بزرگ مجسم کرد. میخ دیگری سینه‌اش را شکافت. مرد
قدبلند خندید: «NO SMOKING» مرد عینکی گفت:



بوشهر، پایتخت مقاومت همگام با سردار مقاومت

به علمداری شهید نادر مهدوی
همگام با حاج قاسم ، در میدان
مبارزه با استکبار ایستاده ایم

شهید نادر مهدوی ، فرمانده ناوگروه ذوالفقار در نبرد مستقیم با ارتش آمریکا



«موجود خطرناکی است. اگر زنده بماند، بازهم مخزن گاز کشتی‌ها را
به آتش می‌کشد.»

میخ دیگری قلب نادر را سوراخ کرد. نادر موشک‌ها را می‌دید که به طرف
نقطهٔ NO SMOKING کشتی‌ها رها می‌شوند. کشتی‌ها در آتش
می‌سوزند. لبخند زد:

«اگر من بودم، می‌زدم.»

سربازی که کنار مرد تنومند ایستاده بود، شلیک کرد. خونِ نادر به اطراف
پاشید. ناگاه احساس کرد صاحب بال‌هایی شده است؛ بال‌هایی که او
را دور از آنجا، دور از خانواده به سوی ابدیت می‌کشاند.

تیر دیگری قلبش را درید؛ در آن حال، نوری دید و همهٔ نارحتی‌ها و
رنج‌هایش از میان رفت. تیر سوم پیشانی‌اش را شکافت. در آن هنگامه
که دشمن از جسم بی‌جان او می‌هراسید، او نادرها و بیژن‌هایی را
می‌دید که پرچم ایران را بر بلندای قایق‌های کوچکِ تندروی شان
افراشته‌اند و به مأموریت می‌روند.



کمانگیر چابک (به انگلیسی: Operation Nimble Archer) (در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۶۶ - ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷) حمله نیروی دریایی آمریکا به دو سکوی نفتی ایران در خلیج فارس بود که به تلافی حمله سه روز قبل نیروهای ایران (توسط موشک کرم ابریشم) به کشتی کویتی (با پرچم آمریکا) سی آیل سیتی (به انگلیسی: MV Sea Isle City) انجام شد.

امریکا در ۲۷ مهر به بهانه ناامنی خلیج فارس از طرف ایران، در اقدامی تلافی‌جویانه سکوهایی نفتی رشادت و رسالت واقع در ۱۱۵ کیلومتری جزیره لاوان را منهدم می‌کند. در این روز چهار ناوشکن امریکایی «کید»، «هل»، «یانگ» و «لفت ویچ» در معیت ناوچه «ناچ» و رزم‌ناو «استندلی» به جزیره «رستم» که پایانه نفتی «رشادت» در آن قرار داشت حمله کردند و با توپ‌های سنگین طی ۸۵ دقیقه، ۱۰۰۰ گلوله به آن شلیک کردند و چون هنوز بخشی از تأسیسات نفتی پابرجا بود گروه ویژه تخریب "seal" را به جزیره اعزام داشتند و بقایای سکوی «رشادت» را با دینامیت منهدم کردند.

در این حمله، تنها ۲۰ دقیقه مهلت داده شد که کارکنان آنجا را تخلیه کنند. سپس یک گروه از کماندوهای امریکایی به میدان نفتی «رسالت» در شمال جزیره رستم که مدعی بودند در آن میدان نفتی، تأسیسات رادار و مخابرات وجود دارد حمله کرده، تأسیسات مستقر در جزیره را نابود کردند. این در حالی است که هیچ گونه تأسیسات نظامی و راداری روی سکوهایی نفتی مذکور وجود نداشت. تحلیل‌گران و

نظاره‌کنندگان روابط بین‌الملل اعتقاد داشتند آمریکا به منظور اعاده حیثیت از دست رفته در درگیری‌های گذشته، اقدام به انهدام این سکو کرد. ۹۰ دقیقه پس از انتشار خبر این تجاوز آشکار آمریکا به تمامیت ارضی ایران و دخالت مستقیم و آشکار این کشور در جنگ علیه ایران، ارزش سهام شرکت‌ها در بازار «وال استریت» با کاهش بی‌سابقه ۲۰۰ واحدی مواجه شد.



سایر بازارهای اصلی بورس در دیگر نقاط جهان به تبع این سقوط ارزش‌ها در «وال استریت» نیز دچار رکورد بی‌سابقه‌ای شدند. این واقعه

چنان ضربه بی‌سابقه‌ای به اقتصاد آمریکا و سایر دول غربی وارد ساخت که محافل آمریکایی از آن به عنوان «بحران دوشنبه سیاه» نام بردند. به دنبال این حملات ایران خواستار انتقام‌گیری با يك «ضربه خردکننده» شد و اعلام کرد که «پس از ضربه‌های تلافی‌جویانه، حساب‌ها تسویه خواهد شد». اندکی قبل از حمله به سکوهای نفتی گروه برنامه‌ریزی امنیت ملی آمریکا که گاسپار واین‌برگر وزیر دفاع و دریادار ویلیام کرو فرمانده ستاد مشترك از اعضایش بودند لیست کاملی از اقدامات نظامی ممکن علیه ایران را به رئیس‌جمهور آمریکا تسلیم می‌کنند. گفته می‌شد که خواسته ریگان انجام عملیاتی مشابه عملیات علیه کشور لیبی در فروردین سال ۶۵ بود که در این میان گاسپار واین‌برگر تندترین موضع را علیه ایران گرفت و خواهان خشکاندن ریشه ملت ایران می‌شود.

ایران ۲۸ مهر نامه اعتراض‌آمیزی به سازمان ملل نوشت که آمریکا به سکوهای غیرنظامیش حمله کرده است و ایران این حمله را بی‌جواب نخواهد گذاشت.



ایران چند موشک دیگر به ترمینال نفتی کویت پرتاب کرد و خسارت زیادی به کویت وارد شد. آمریکا هیچ واکنشی نشان نداد و اعلام کرد که این حمله علیه کویت صورت گرفته است نه کشتی‌های حامل پرچم آمریکا، آمریکایی‌ها از درگیری‌هایشان در خلیج فارس کم کردند و به رایزنی‌های سیاسی برای منزوی کردن بیشتر ایران پرداختند. ۳ آبان ۱۳۶۶ آمریکا هم زمان با تحریم اقتصادی ایران قطعات رایانه‌ای پیش‌رفته‌ای را به عراق داد که با آنها عراقی‌ها می‌توانستند برد موشک‌های اسکادبی را به ۱۲۰۰ کیلومتر برسانند. روز ۶ اکتبر ۱۹۸۷

۴آبان) ریگان لایحه تحریم اقتصادی ایران را برای ممنوعیت خرید نفت و کالاهای دیگر از ایران امضا کرد.



پس از حملات آمریکا به سکوهای رشادت و رسالت در ۲۷ مهر ۱۳۶۶ برابر با ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ دوباره به سکوهای سلمان و نصر در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ برابر با ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ حمله کرد... صبح ۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۷ آمریکا با استفاده از دو ناوشکن ، یک کشتی و چند بالگرد تهاجمی اقدام به حمله نظامی به سکوهای نفتی نصر و سلمان کشورمان کرد. در پی این حملات سکوها بصورت صد درصد منهدم و تخریب شدند و تعداد کثیری از پرسنل نیز زخمی و به شهادت رسیدند.



بهانه آمریکایی‌ها برای این حمله نیز برخورد ناوچه موشک‌انداز آمریکایی با یک مین دریایی بوده که منجر به ایجاد حفره‌ای به طول بیش از ۴/۵ متر در آن شد و این ناوچه را تقریباً غرق کرده است.

جدا از رد ادعای آمریکا از سوی دیوان دادگستری بین‌المللی اما آنچه مهم است این‌که آمریکا با این جنایت در حوزه نفتی و انهدام تاسیسات «نصر» و «سلمان» و سکوهای مستقر در آن‌ها که شامل ۳۸ حلقه چاه برای تولید روزانه حدود ۳۲۰ هزار بشکه نفت بود، در طول جنگ

تحمیلی بارها خسارات زیادی را بر کشور و ملت ایران تحمیل و سران جنایتکار آمریکایی نه تنها از این کار خود اظهار پشیمانی نکرده بلکه جنایت‌های ننگین خود را بارها توجیه و قانونی اعلام کرده است. با نگاهی ساده به اصول حقوق بین‌الملل می‌توان دریافت که جنایات آمریکا به ویژه در این سال‌ها از پیروزی انقلاب اسلامی (دهه ۶۰) نه در چارچوب دفاع مشروع و نه در چارچوب اقدام متقابل برای ملت ایران قابل پذیرش نیست؛ چون آمریکا زیرپوشش ادعاهای دروغین خود مانند دفاع از حقوق بشر و یا مبارزه با تروریسم پنهان شده است.

یادی از حماسه جاوید سهند و سبلان و جوشن در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷

یکی از مأموریت‌های مهم نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، قطع خطوط مواصلاتی دشمن بعثی بود که در اجرای این مأموریت، نیروی دریایی اقدام به گشت گسترده دریایی، متوقف نمودن شناورها و کشتی‌های مشکوک، بازرسی

محموله‌هایی که به مقصد کشور عراق حمل می‌شد، می‌نمود. در این مرحله چون دشمن بعضی از طریق کشتی‌ها و شناورهای خود ناکام ماند تصمیم گرفت از طریق کشتی‌های کشور کویت اقدام به حمل سلاح و جابه جایی بار نماید. نیروی دریایی آگاه و هوشیار ایران، این ترفند دشمن را نیز شناسایی و اقدام به مقابله با آن کرد. دشمن بعضی چون در این تاکتیک نظامی خود نیز با شکست مواجه شد از امریکای جنایتکار استمداد کرد تا با حضور نظامی خود در منطقه خلیج فارس، اسکورت کشتی‌های کویتی را برعهده گیرد. امریکا نیز به جهت منافع اقتصادی و سیادت نظامی خود بر منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس این مأموریت را بر عهده گرفت. کشتی نفتکش کویتی که در اسکورت رزم ناوهای امریکایی در حال عبور از خلیج فارس بود بر اثر برخورد با مین دریایی به شدت صدمه دید و یکی از ناوهای امریکایی نیز دچار حادثه شد. این حادثه دریایی که دشمن آن را از ناحیه ایران اعلام کرد، باعث گردید تا امریکای جهانخوار با اقدامی تلافی‌جویانه درصدد گرفتن انتقام برآید. برای همین در صبحگاه روز ۲۹ فروردین سال ۶۷ اقدام به حمله نظامی به سکوها‌های نفتی رشادت و نصر و

سلمان کشورمان نمود. سکوی نفتی رشادت به کلی منهدم و سکوهای نصر و سلمان نیز در خطر جدی قرار گرفتند و تعدادی از پرسنل مستقر در این سکوها به شهادت رسیدند. نیروی دریایی توانمند و وفادار ارتش جمهوری اسلامی ایران جهت مقابله با حمله نظامی امریکا و حفظ سکوهایی که در آتش می‌سوختند اقدام به اعزام دو ناوشکن سهند و سبلان و همچنین ناوچه جوشن نمود ولی زمانی که ناوهای ایرانی در مقابل تهدید ناوگان جنایتکار امریکا قرار گرفتند جهت دفاع از خود ناچار تن به درگیری با ناوگان پنجم امریکا دادند که در این درگیری نابرابر و ناجوانمردانه ناوشکن سهند و ناوچه جوشن آماج موشک‌های دوربرد امریکا قرار گرفتند و در دریا غرق شدند و به ناوشکن سبلان نیز خسارات عمده‌ای وارد آمد. در مقابل، دشمن امریکایی چون وفاداری و از جان گذشتگی نیروهای دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران را به عینه دیدند با از دست دادن یک بالگرد و چند یگان شناور خود، منطقه را برای چندین سال ترک گفتند و دشمن بعثی عراق نیز در این سیاست نظامی خود نیز برای بار چندم با شکست مواجه شد.

مرگ بر آمریکا

امروز شما ببینید در کشورهای متعددی در این منطقه و حتی فراتر از این منطقه «مرگ بر آمریکا» می گویند، پرچم آمریکا را آتش می زنند. ملت ایران نشان داد که می تواند مقاومت بکند، ملتهای دیگر [هم] یاد گرفتند و سر رشته از دست آمریکا خارج شده است.



۱۳۹۵/۰۱/۰۱



ناوشکن سبلان که مورد اصابت سه فروند موشک دوربرد ناوگان پنجم امریکا قرار گرفته و از ناحیه میانی مورد خسارت شدید بود با تلاش و همت بی‌همتای فرمانده و سایر کارکنان که برخی حتی به شدت مجروح شده بودند با برنامه ریزی و پشتیبانی یدک کش‌های منطقه یکم نداجا، به ساحل خودی آورده شد و پس از گذشت مدت زمانی، با تلاش‌های مهندسان و متخصصین فنی کارخانجات ناوگان منطقه یکم، بازسازی و مجدد به مرحله بهره برداری رسید که هم اینک پس از گذشت مدت زمان طولانی، یکی از فعال‌ترین و عملیاتی‌ترین یگان شناور نیروی دریایی ارتش است که مشغول انجام مأموریت در آب‌های سرزمینی و آب‌های بین‌المللی در خلیج عدن می‌باشد. لازم به ذکر است در این نبرد نابرابر تعداد ۵۶ نفر از کارکنان جان‌برکف ناوشکن سهند و ناوچه جوشن به مقام عظمای شهادت نائل آمدند، شهدای سرافرازی چون علی زارع نعمتی، ابراهیم حرآبادی، مسعود انشایی، ماشاءالله عباسپور، محمد هاتفی شرق، کاظم نظافت، فرزین آقا جعفری، حسن اعتباریان، قاسم آزادی، مسعود عباسچی، نادر افشار جوان و دهها شهید دیگر که جان شریف خود را در راه وطن و مکتب

اسلام در طبق اخلاص قرار دادند و تقدیم حضرت دوست نمودند و از طرف دیگر همچنین تعداد کثیری از کارکنان یگان‌های شناور شرکت کننده در این درگیری به درجه رفیع جانبازی نیز رسیدند... منبع : ۲۷
فروردین ۱۳۹۹ روزنامه ایران ش ۷۳۲۳

با دخالت مستقیم آمریکا در جنگ تحمیلی و تجهیز دوباره ارتش عراق توسط حامیانش و تصرف شهر فاو از طرف عراق که در آن به میزان وسیع از سلاحهای شیمیایی استفاده کرد و عراق با روحیه تازه‌ای که از حمایت مؤثر امریکا و نیز پیروزی فاو به دست آورده بود، حمله با سلاحهای شیمیایی را ادامه داد و توانست کلیه اراضی تصرف شده را از ایران پس بگیرد. ۷۶.

در ۲۵ اسفند ۱۳۶۶/۱۶ مارس ۱۹۸۸، صدام و رهبران بعثی عراق شهر کردنشین حلبچه و روستاهای اطراف آن را، به دلیل همکاری نیروهای کرد با قوای ایران، بمباران شیمیایی کردند. **در این فاجعه پنج هزار غیرنظامی قربانی شدند.**



بمباران شیمیایی حلبچه در ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ توسط نیروی هوایی حکومت بعث عراق در واکنش به آنچه که همکاری کردها با نیروهای ایرانی و خیانت به صدام نامیده می‌شد، صورت گرفت. این بمباران طلیعه‌ی عملیات گسترده‌ای به نام عملیات انفال بود که بر ضد ساکنان مناطق کردنشین عراق انجام گرفت. در پی عملیات والفجر ۱۰ و تصرف بخش‌هایی از کردستان عراق بدست نیروهای ایران در اواخر سال ۱۳۶۶ که منجر به استقبال مردم این مناطق از نیروهای ایرانی شد، صدام به پسرعمویش علی حسن المجید معروف به علی شیمیایی، دستور بمباران شیمیایی این مناطق را داد. در پی این حمله حدود پنج هزار تن از مردم حلبچه که غیرنظامی بودند کشته شدند.

ائتلاف صدام و غرب علیه انسانیت در حلبچه

حمله شیمیایی به حلبچه که به کشتار حلبچه یا جمعه خونین هم شناخته می‌شود، یک نسل‌کشی مردم کرد بود که در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۸۸ (برابر با ۲۶ اسفند ماه سال ۱۳۶۶) به وسیله بمباران شیمیایی

توسط نیروهای دولتی عراقی در شهر حلبچه کردستان عراق در طی
روزهای پایانی جنگ ایران و عراق اتفاق افتاد.

شرح حمله

پیش از حملات شیمیایی، شهر به مدت دو روز با بمب‌های متعارف
بمباران شد. ظاهراً علی حسن المجید می‌خواست شیشه ساختمان‌های
شهر را بشکند، تا امکان مقاومت در مقابل گازهای سمی به حداقل
برسد. این حمله ۴۸ ساعت بعد از اینکه آن شهر تحت تصرف نیروهای
ایران در آمد، انجام شد. نیروی هوایی عراق از انواع مواد شیمیایی علیه
حلبچه استفاده کرد: گازهای اعصاب مانند وی ایکس، سارین و تابون،
و گاز خردل، که از زمان جنگ جهانی اول از آن استفاده شده است.

همچنین، یک مقام بلند پایه عراقی در فروردین ماه سال ۱۳۶۷ در دیدار
خود با خاویر پرز دکوئیاری، دبیرکل سازمان ملل، به صورت رسمی اعتراف
به استفاده عراق از سلاح شیمیایی می‌نماید.



mellace-ebrahim.ir

عملکرد حقوق بشری آمریکا و اسرائیل

این حمله نزدیک به ۳۲۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر را کشت و نزدیک به ۷۰۰۰ هزار تا ۱۰۰۰۰ هزار نفر را زخمی کرد که اکثراً از غیرنظامیان بودند؛ صدها تن دیگر بر اثر عواقب، بیماری‌ها و نقص جسم در هنگام تولد در سال‌ها پس از حمله کشته شدند. حادثه‌ای که به صورت رسمی به عنوان نسل‌کشی مردم کرد عراق شناخته شد و هنوز به عنوان بزرگترین حمله شیمیایی مستقیم به یک منطقه شهرنشین در تاریخ باقی مانده است. عراق با وجود شواهد مسلم و انکارناپذیر، به کار بردن مواد شیمیایی را انکار کرد، اما در پی ارائه مدارک موثق از سوی ایران و بررسی کارشناسان اعزامی از سوی سازمان ملل، شورای امنیت برای اولین بار در ۹ اردیبهشت ۱۳۶۷ / مه ۱۹۸۸ قطعنامه ۶۱۲ را به اتفاق آرا تصویب کرد. این قطعنامه، ضمن محکوم کردن شدید به کار بردن سلاح‌های شیمیایی، هر دو طرف را از استفاده این سلاح‌ها منع کرد. ذکر نام ایران در کنار عراق در استفاده از این سلاح‌ها، نوعی همسویی با عراق و امریکا و سبب کم شدن فشار افکار عمومی بر آن‌ها می‌شد. ۷۷

نقطه اوج تلاشهای خصمانه امریکا برضد ایران، حمله موشکی ناو امریکایی مستقر در خلیج فارس، به نام وینسنس، به هواپیمای مسافربری ایرباس ایران در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ / ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ بود؛ در این حمله، همه ۲۹۰ سرنشین هواپیما کشته شدند.

ایران در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت، خواستار تشکیل جلسه فوری برای رسیدگی به این موضوع شد و در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ / ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۸ پس از استماع سخنان وزیر امور خارجه ایران و معاون رئیس جمهوری امریکا، در جلسه شماره ۲۸۲۱ شورا، طرح قطعنامه ۶۱۶ به تصویب رسید. در این قطعنامه شورای امنیت از شورای «سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری» خواست به این موضوع رسیدگی کند.

علاوه بر فاجعه حمله به هواپیمای مسافربری، به طور کلی حمایت جهانی از عراق به اوج خود رسید و امریکایی‌ها با بمباران سکوهای ایران، عملاً و آشکارا به نفع عراق وارد جنگ شدند، فرانسه و شوروی

پیشرفته‌ترین هواپیماهای جنگنده را در اختیار عراق گذاشتند، کویت و عربستان نیز به کمک‌های مالی خود به این کشور افزودند و آلمان مواد شیمیایی مورد نیاز در ساخت تسلیحات شیمیایی را در اختیار عراق گذاشت. [۷۸] [۷۹] در این اوضاع، امام خمینی (ره) در نامه‌ای به مسئولان لشکری و کشوری، در ۲۵ تیر ۱۳۶۷ / ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۸ اعلام کرد باتوجه به ضربات سنگین بر قوای ایران و نامه فرمانده سپاه در ۲ تیر ۱۳۶۷ / ۲۳ ژوئن ۱۹۸۸ و اینکه تهیه مایحتاج نظامی بسیار دشوار است، و نیز باتوجه به استفاده گسترده دولت عراق از سلاح‌های شیمیایی و نبود وسایل خنثی‌کننده آن و حضور امریکا در خلیج فارس، قطعنامه ۵۹۸ را می‌پذیرد.

پذیرش قطعنامه طی نامه‌ای با امضای رئیس جمهوری ایران، در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ / ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۸ به دبیرکل سازمان ملل تسلیم شد. [۸۰] در این نامه تصریح شده است که تجاوز به ایران ابعاد بی سابقه‌ای یافته و باعث کشیده شدن سایر کشورها و حتی غیر نظامیان بی‌گناه به جنگ شده است و جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیتی که برای جان

انسان‌ها و اجرای عدالت و برقراری صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی قائل است، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را می‌پذیرد.

امام خمینی. (ره) در ۲۹ تیر همان سال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را به اطلاع مردم رساند. [۸۱] بعد از پذیرش قطعنامه، مذاکرات صلح به وزارت خارجه سپرده شد که مبنای آن قرارداد الجزایر بود. ۸۲.

۱۱ - اقدامات سیاسی ایران پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸

پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایران، اقدامات و تلاشهای سیاسی برای اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ و برقراری آتش‌بس آغاز شد.

دبیرکل سازمان ملل تلاش کرد با دعوت از وزیران خارجه ایران و عراق مذاکرات صلح را در مقر سازمان ملل پیش برد.

سفر وزیر امورخارجه ایران به سازمان ملل برای شرکت در نخستین دور مذاکرات، در شرایطی انجام شد که نیروهای عراق همچنان در خاک ایران حضور داشتند و در عملیات مشترک با گروههای تروریستی مستقر در عراق، در منطقه غرب کشور، تجاوز به خاک ایران را آغاز کرده بودند.

هم زمان طارق عزیز، وزیر خارجه عراق، در مصاحبه‌ای، بدون اشاره به ادامه تجاوز و پیشروی قوای عراقی در خاک ایران، بر مذاکرات مستقیم، به عنوان پیش‌شرط عراق برای دستیابی به هرگونه توافقی برای اجرای آتش‌بس، تأکید کرد؛ از این‌رو، وزیر خارجه ایران در نخستین ملاقات با دبیرکل سازمان ملل، باتوجه به کارشکنی عراق در روند صلح، اعلام کرد که تا زمانی که نیروهای عراقی در خاک ایران باشند، با آتش‌بس موافقت نخواهد شد. [۸۳] اما موقعیت ایران، در پی مقابله قوای نظامی با مهاجمان و به عقب راندن آنان از جبهه‌های غرب و جنوب — که به عملیات مرصاد موسوم شد — به تدریج بهبود یافت و با این تغییر اوضاع و بر اثر فشارهای بین‌المللی به عراق، مبنی بر لزوم پذیرش آتش‌بس، سرانجام این کشور در ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ / ۶ اوت ۱۹۸۸ طی نامه‌ای به دبیرکل اعلام کرد که در صورت اعلام رسمی موافقت ایران با مذاکرات مستقیم، عراق نیز با آتش‌بس موافقت خواهد کرد.

وزیر خارجه ایران نیز با تأکید بر اینکه مذاکرات مستقیم پس از اعلام آتش‌بس آغاز شود، با پیشنهاد عراق موافقت کرد و مقرر شد دبیر کل

سازمان ملل در گزارشی به اعضای شورای امنیت، زمان برقراری آتش‌بس را اعلام کند. سرانجام در نشست غیررسمی با اعضای شورای امنیت، تاریخ برقراری آتش‌بس ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ / ۲۰ اوت ۱۹۸۷ اعلام شد. ۸۴ با وجود دشواری فراوان، سرانجام در تاریخ مقرر، آتش‌بس میان دو کشور برقرار شد، اما برای تحکیم آن، اجرای بند یکم قطعنامه ۵۹۸ مبنی بر عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی الزامی بود و این امر بدون مذاکرات سیاسی بین دو کشور تحقق نمی‌یافت. به همین سبب، دبیرکل از وزیران خارجه دو کشور خواست در مذاکرات شرکت کنند. [۸۵] مخالفت دولت عراق برای شرکت در جلسات، موجب تأخیر در برگزاری آن شد، ولی سرانجام با اعلام آمادگی این کشور و سفر وزیران خارجه به ژنو در ۳ شهریور ۱۳۶۷ / ۲۵ اوت ۱۹۸۸ نخستین دور مذاکرات آغاز شد. [۸۶] برای ایران عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی مهم‌ترین موضوع مذاکره بود، در حالی که عراقی‌ها لایروبی اروندرود و آزادی کشتیرانی را با آتش‌بس مرتبط می‌دانستند و حتی تلویحاً تهدید می‌کردند که در صورت موافقت نکردن با لایروبی و آزادی کشتیرانی، آتش‌بس به مخاطره خواهد افتاد.

بر همین اساس، وزیر خارجه ایران در ملاقاتی با دبیرکل اعلام کرد که ایران با هر طرحی که قرارداد الجزایر را مخدوش کند مخالف است. [۸۷][۸۸] در واقع، از همان نخستین دور مذاکرات، عراقی‌ها در روند پیشرفت آن، به انحای گوناگون کارشکنی و عملاً تلاش می‌کردند مفاد قرارداد الجزایر را نادیده بگیرند.

بازگشت دبیرکل سازمان ملل به نیویورک و ادامه کارشکنی عراق سبب شد دومین دور مذاکرات بدون نتیجه پایان یابد.

ایران نیز با آگاهی از ماهیت رفتارهای عراق و تلاش این کشور برای حذف نقش سازمان ملل، تلاش کرد تا ادامه مذاکرات در نیویورک و تحت نظارت شخص دبیرکل انجام پذیرد، اما پس از دعوت دبیرکل از وزیران خارجه دو کشور، دولت عراق به بهانه اینکه نیویورک شهر بی‌طرفی برای انجام مذاکرات نیست، با محل آن مخالفت کرد که موجب تأخیر کار شد و سرانجام، دبیرکل محل مذاکرات را نیویورک و تاریخ آن را ۳۱ شهریور ۱۳۶۷ / ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ اعلام کرد. [۸۹] عراقی‌ها در اولین نشست، با مستمسک قرار دادن مجدد محل مذاکرات و اینکه

نیویورک شهر بی طرفی نیست، در روند مذاکرات اخلاص ایجاد کردند و مذاکرات نیویورک همچنان بی نتیجه پایان یافت. دبیر کل، برای پیشگیری از خطر جدی شکستن آتش بس و با تأکید بر ضرورت عقب نشینی به عنوان تنها راه، محل دور جدید مذاکرات را ژنو اعلام کرد. ۹۰.

از ۱۰ آبان ۱۳۶۷ / اول نوامبر ۱۹۸۸ ادامه مذاکرات در ژنو پیگیری و در مجموع، هفت دور مذاکره فشرده با حضور دبیر کل و نماینده او انجام شد. در هفتمین دور مذاکرات که در ۲۰ آبان ۱۳۶۷ / ۱۱ نوامبر ۱۹۸۸ برگزار شد، گام های مثبتی در خصوص کمیته بین المللی صلیب سرخ و حل مسئله اسرا برداشته شد، اما موضوعات مهمی مانند تفسیر آتش بس، زمان خروج نیروها و لایروبی اروندرود همچنان لاینحل باقی ماند. ادامه مجادلات در مذاکرات سبب سرخوردگی سازمان ملل شد به گونه ای که گمان می رفت دبیر کل شورای امنیت موضوع مذاکرات را رها کند و این به زیان ایران و به سود عراق بود. [۹۱]

دور جدید مذاکرات در پی سفر نماینده ویژه دبیر کل به بغداد و ارسال نامه‌های وزیران خارجه ایران و عراق به دبیرکل، مجدداً در ۲۸ بهمن ۱۳۶۷/ ۱۷ فوریه ۱۹۸۹ در نیویورک، با حضور وزرای خارجه دو کشور و دبیرکل، آغاز شد. دو طرف در این مذاکرات توافق کردند ادامه گفتگوها در سطح وزیران، زیرنظر دبیر کل، از ۳۱ فروردین ۱۳۶۸/ ۲۰ آوریل ۱۹۸۹ در ژنو برگزار شود. ۹۲.

در دور جدید مذاکرات در ژنو نیز در حد فاصل اردیبهشت تا آبان ۱۳۶۸/ آوریل تا نوامبر ۱۹۸۹ هیچ پیشرفتی حاصل نشد.

دبیرکل نیز تلویحاً به شکست مذاکرات اشاره و اعلام کرد که غلبه بر مشکلات و موانع موجود، جز با عزم جدی دو طرف مذاکره می‌سر نخواهد شد. [۹۳] اما به‌رغم شکست مذاکرات، در صحنه بین‌المللی، صلح‌طلبی ایران در مقابل کارشکنی‌های عراق آشکار شد. همچنین سازمان ملل نشان داد در شرایط خاص حاکم بر آتش‌بس، تمایل جدی به اجرای قطعنامه ندارد و دست‌کم فاقد ابزارهای لازم برای اعمال فشار بر عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ است.

در این میان، ایران برای احقاق حق خود با مقاومت در برابر کارشکنی های عراق، اجازه سوءاستفاده از موقعیت نه جنگ نه صلح را نداد. با وجود توقف در روند مذاکرات، در پی سفر الیاسون، نماینده دبیرکل، در آبان ۱۳۶۸ / نوامبر ۱۹۸۹ به تهران و بغداد، ملاقاتهای متعددی در سطوح مختلف انجام گرفت.

پس از آن دبیرکل گزارش نتایج این سفر را در ۱۷ آذر / ۸ دسامبر همان سال، در جلسه ای خصوصی به اطلاع اعضای شورای امنیت رساند. عراقی ها با توجه به اوضاع داخلی ایران پس از رحلت امام خمینی. (ره) در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، با این تصور که روند بی ثباتی سیاسی در ایران آغاز شده است، با تهدید ایران تلاش می کردند قرارداد الجزایر را نادیده انگاشته ایران را به پذیرش صلحی تحمیلی وادار کنند، اما مقاومت ایران سبب شد تا عراق طرح پیشنهادی صدام را در ۱۵ دی ۱۳۶۸ / ۵ ژانویه ۱۹۹۰ ارائه کند.

صدام به مناسبت شصت و نهمین سالگرد تأسیس ارتش عراق، طرح صلح خود را مطرح کرد، با این مفاد: مبادله کلیه اسرای مجروح و معلول و نیز کلیه اسیرانی که تا ۱۳۶۱ ش / ۱۹۸۲ اسیر شده‌اند؛ ملاقات مقام های ایرانی و عراقی در تهران و بغداد برای حل اختلاف و درک بهتر دیدگاههای طرفین، گشودن مرزهای دو کشور و فراهم کردن تمهیدات لازم برای زائران اماکن متبرکه در دو کشور.

کشورهای عربی، به ویژه عربستان سعودی و کویت و اردن و مصر و مغرب، از این طرح استقبال کردند، اما ایران اعلام کرد که در این پیشنهاد، به موضوع عقب نشینی نیروها اشاره نشده است و هیچ مطلب جدیدی را شامل نمی شود. ۹۴

محتوای این پیشنهاد اگرچه بیانگر خط مشی عراق مبنی بر حذف سازمان ملل از روند مذاکرات و تأکید بر مذاکرات مستقیم بود، و در گذشته نیز بارها تکرار شده بود، اما تلاش عراق را برای حل و فصل

اختلافات نشان می‌داد. در عین حال، آنچه در این اوضاع روی داد، بروز تنش در مناسبات امریکا و عراق بود که منشأ آن نگرانی از افزایش توان نظامی عراق و تهدیدهای عراق و اسرائیل بر ضد یکدیگر بود.

۱۲.۱ - نامه رئیس‌جمهور عراق به ایران

در چنین شرایطی (که فضای بین‌المللی به شدت برضد عراق شکل می‌گرفت و تهدیدهای متقابل عراق و اسرائیل، احتمال وقوع درگیری مجدد را در منطقه افزایش داده بود) در یکم اردیبهشت ۱۳۶۹ / ۲۱ آوریل ۱۹۹۰ نامه‌ای محرمانه از سوی رئیس‌جمهوری عراق، از طریق یاسر عرفات برای رهبر انقلاب و رئیس‌جمهوری ایران ارسال شد. [۹۵] صدام حسین در این نامه، ضمن ابراز نگرانی از فتنه‌انگیزیهای دشمنان عراق و ایران، با تأکید بر خطر صهیونیسم و برخی قدرتهای جهانی، خواستار ملاقات و مذاکرات مستقیم سران دو کشور، به انگیزه دستیابی به صلح پایدار گردید. این نامه از سوی رئیس‌جمهور ایران بی‌پاسخ نماند و مقامات ایران ضمن تأکید مجدد بر اینکه در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلح پایدار می‌اندیشند، با اظهار تأسف عمیق از تحمیل هشت سال جنگ

بر دو کشور ایران و عراق، هرگونه اقدام از جمله ملاقات و مذاکره را منوط به حفظ اعتبار قطعنامه مذکور دانستند. ۹۶

در ۸ مرداد/ ۳۰ ژوئیه همان سال، صدام حسین نامه دیگری فرستاد و در آن مجموعه پیشنهادهایی کرد که اولین آن‌ها دیدار سران دو کشور بود. هدف وی از این پیشنهادهای حل و فصل جامع مشکلات در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ بود. ۹۷

وی همچنین خواستار حذف تعیین هیئتی بی‌طرف برای تحقیق درباره مسئولیت جنگ شد و آن را مانعی بر سر راه صلح دانست و بر تحقق صلحی واقعی و جامع و سریع تأکید ورزید. ۹۸

در ۱۷ مرداد/ ۸ اوت همان سال، رئیس‌جمهوری ایران پیشنهاد ملاقات با صدام حسین را رد کرد و خاطرنشان نمود که ملاقات در صورتی مؤثر است که کلیه مسائل عمده بین طرفین حل و فصل شود.

وی پیشنهاد صدام حسین برای تعیین مرز آبی در اروندرود را مخالف با مفاد قرارداد الجزایر دانست. ۹۹

یک هفته بعد، صدام حسین از موضع پیشین در باره ارون‌درو
عقب‌نشینی کرد و در ۲۳ مرداد / ۱۴ اوت همان سال با ارسال نامه‌ای
خواستار حل و فصل مناقشه براساس قرارداد الجزایر شد و متعاقب آن
تبادل اسرا و عقب‌نشینی نیروهای عراقی آغاز گردید.

۱۲.۲ - دلایل پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵

وی درخصوص تضمین صلح و امنیت در خلیج فارس و تحقق منطقه‌ای
عاری از ناوگان‌ها و نیروهای بیگانه نیز اعلام همکاری نمود. [۱۰۰] به نظر
می‌رسد اقدام عراق در پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵، به چند دلیل صورت
گرفت:

۱) (با حمله عراق به کویت و تصرف این کشور، اهمیت نقض قرارداد
۱۹۷۵ که عمدتاً به منظور راهیابی گسترده‌تر عراق به شمال خلیج فارس
بود، کاهش یافت. پیروزی به‌دست آمده نیز پیامدهای ناشی از پذیرش
قرارداد مذکور را، که عراق به علت آن جنگ را شروع کرده بود، تحت
الشعاع قرار داد.

۲) جلوگیری از بهره‌مندی احتمالی امریکا از ایران برضد عراق، به دلیل شرایط نه جنگ نه صلح و خصومت‌های دیرینه بین ایران و عراق.

۳) عدم توان نظامی عراق در صورت تداوم و تشدید درگیری نظامی در کویت به دلیل اینکه عراق بیش از سی لشکر در مرز ایران داشت و با پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ آن‌ها را به کویت و مرز عربستان و همچنین ترکیه گسیل کرد.

۴) تمایل عراق برای نزدیک شدن به ایران به لحاظ موضع ضدامریکایی این کشور و اشتراک موضع در مسئله نفت و کسب حمایت این کشور در شرایط بحرانی در صورت تداوم محاصره سیاسی و اقتصادی یا درگیری نظامی با غرب. [۱۰۱]

سرانجام دبیرکل سازمان ملل از هر دو کشور خواست تا مواضع خود را در موضوع بررسی مسئولیت مخاصمه اعلام کنند و خود نیز با گروهی از کارشناسان خبره مشورت کرد و پس از ملاحظه اسناد و مدارک مرتبط با موضوع، در گزارش ۹ دسامبر ۱۹۹۱ / ۱۸ آذر ۱۳۷۰ عراق را متجاوز اعلام

نمود. بند هفتم قطعنامه ۵۹۸ نیز ناظر بر تعیین خسارت و مبتنی بر گزارش هیئت اعزامی دبیرکل بود.

در اجرای بند هشتم قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد، که ناظر بر ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس بود، جمهوری اسلامی ایران با دبیرکل، دستیار او و بعضی مقامات کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس مذاکرات مفصلی کرد، ولی پس از حمله عراق به کویت در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ / ۲ اوت ۱۹۹۰، نظر آن‌ها به کلی دگرگون شد و با مخالفت اکثر آن‌ها این بند از قطعنامه، که متضمن حضور عراق در این ترتیبات بود، به اجرا در نیامد. ۱۰۲

۱۳ - عملیات سرنوشت‌ساز

از نیمه دوم ۱۳۶۵ ش، ایران برای عملیاتی سرنوشت‌ساز آماده شد. در این زمان، عراق در پی جبران شکست فاو بود. نیروهای ایران، منطقه ابوالخصیب در جنوب شلمچه را برای اجرای عملیات انتخاب کردند تا

از تجربه سه ساله عملیات آبی - خاکی سپاه پاسداران در جنوب استفاده شود و شبه جزیره فاو به طور کامل از اشغال عراق آزاد شود، همچنین راه دریایی عراق از خور عبدالله مسدود و بصره از جنوب محاصره گردد. [۱۰۳] [۱۰۴] سپاه پاسداران در نظر داشت عملیات را بلافاصله پس از عملیات والفجر ۸ در سه منطقه هور، شرق بصره و ابوالخصب انجام دهد ولی به دلیل محدودیتهای نظامی، عملیات به منطقه ابوالخصب محدود شد. [۱۰۵] برای اجرای این عملیات، در منطقه مذکور تاکتیک ویژه‌ای لازم بود که در محور اصلی عملیات قرار گیرد.

اصل غافلگیری بسیار مهم بود، اما این اصل تحقق نیافت و با آغاز عملیات، نیروهای عراقی تنگه اصلی عبور نیروها را مسدود کردند.

در نتیجه، عملیات والفجر ۱۰ نتیجه‌ای نداشت و به کربلای ۴ تغییر نام داد. [۱۰۶] ناکامی در عملیات والفجر ۱۰ و باقی ماندن ۲۱۰ گردان آماده عملیات در منطقه، موفقیت نسبی عملیات کربلای ۴ در محور شلمچه، وجود عقبه یگان‌ها در منطقه و نقش آن در غافلگیری دشمن و بالاخره ناکارآمدی سایر روش‌ها، موجب سرعت در تصمیم‌گیری در مورد

عملیات بعدی شد و عملیات بزرگ کربلای ۵، بعد از سیزده روز، در ۱۹ دی ۱۳۶۵ در منطقه شلمچه با هدف آزادسازی این منطقه آغاز گردید. [۱۰۷] دفاع از این منطقه عملیاتی برعهده لشکر سوم عراق بود.

سه لشکر پیاده، پنج لشکر مکانیزه و سه لشکر زرهی در این منطقه مستقر شدند و با شروع عملیات به تدریج چند لشکر دیگر عراقی به منطقه اعزام شدند.

شش لشکر گارد ریاست جمهوری از جمله این لشکرها بودند. [۱۰۸] برای بازپس‌گیری فاو، نیروهای عراقی در خط فاو تجمع کرده بودند. [۱۰۹] عملیات کربلای ۵ از پنج محور و آبراهه پرورش ماهی در منطقه شلمچه آغاز شد و با درهم‌شکستن خط نخست دفاعی ارتش عراق و پیشروی در محورهای تعیین‌شده، موفقیت‌های چشمگیری به‌دست آورد و پس از چهار شبانه‌روز جنگ شدید در شرق بصره، علائم شکست نیروهای عراقی ظاهر گردید. [۱۱۰] [۱۱۱] [۱۱۲] [۱۱۳] پس از هشت شبانه‌روز درگیری سنگین، قرارگاه قدس، آخرین نقطه‌ای که عراق همچنان به حفظ آن امیدوار بود، فرو ریخت و نیروهای عراق مجبور

شدند تا نهر جاسم، سومین رده دفاعی در شلمچه، عقب‌نشینی و جزایر بوارین را تخلیه کنند. [۱۱۴] مقاومت عراقی‌ها در نهر جاسم باتوجه به اهمیت آن، همه جانبه و شدید بود.

عواملی از قبیل عدم موفقیت برخی یگان‌ها، حملات شدید عراق، ضعف یگانهای عملیاتی ایران در پشتیبانی و تدارکات، موجب تسلط عراق و مانع از پیشروی نیروهای ایرانی گردید. [۱۱۵]

جنگ با شدت بیشتری تا پانزده روز ادامه یافت و در روز پانزدهم نیروهای عملیاتی توانستند خطوط دفاعی به‌دست آمده را تثبیت نمایند.

نیروهای عمل‌کننده خطوط دفاعی نیروهای عراقی را درهم شکستند و در شرق نهر جاسم مستقر شدند. [۱۱۶] [۱۱۷] [۱۱۸] ارتش عراق از مجموع ۱۹۲ تیپ خود ۹۴ تیپ را وارد عملیات کرد.

۱۳.۱ - خسارات و تلفات

در این عملیات شش تیپ به طور کامل و ۲۲ تیپ تا بیش از ۶۰٪ منهدم شدند و باقی مانده یگان‌ها هم از ۱۰ تا ۶۰٪ آسیب دیدند. در این عملیات بسیاری از نیروهای ایرانی به شهادت رسیدند.

یگانهای سپاه پاسداران در این عملیات ۶۵۱، ۷ تن شهید، ۲۹۹، ۵۳ تن مجروح و ۵۲۹، ۳ تن مفقود داشت. [۱۱۹] در طول پانزده روز عملیات، عراق برای افزایش فشار بر ایران بر شدت بمباران شهرها افزود و نیروهای هوایی عراق به ۴۱ شهر ایران ۲۹۹ بار حمله کردند که ۹۱۸، ۱ تن از مردم غیرنظامی کشته و ۶۵۸، ۷ تن مجروح شدند و بیشترین حمله. (۳۷ بار) به شهر قم صورت گرفت. [۱۲۰] عملیات کربلای ۵، دو نتیجه مهم داشت: اولاً معلوم شد عراق بدون حمایت بین‌المللی در جنگ شکست می‌خورد و ثانیاً نمی‌توان خواستهای مشروع ایران را به طور کامل نادیده گرفت. همین نگرانی‌ها موجب تشدید نگرانی امریکا و تحریم اقتصادی و تسلیحاتی ایران شد و قوای نظامی امریکا وارد خلیج فارس گردیدند تا از پیروزی قطعی ایران در جنگ جلوگیری کنند.

[۱۲۱] [۱۲۲] پس از پایان عملیات کربلای ۵، اوضاع جبهه‌ها و خطوط دفاعی به‌گونه‌ای بود که ادامه عملیات را ضرورت می‌بخشید.

دو عملیات تکمیلی کربلای ۵ و کربلای ۸ در همین منطقه انجام شد، اما به موفقیت چشمگیری دست نیافت. [۱۲۳] ارتش عملیات کربلای ۶ را در منطقه سومار و عملیات کربلای ۷ را در حاج‌عمران، هم‌زمان با دو عملیات کربلای ۵ سپاه پاسداران، در جنوب اجرا کرد ولی نتوانست مانع حرکت نیروهای عراق از این مناطق به طرف منطقه عملیاتی جنوب شود. ۱۲۴در ۱۳۶۶ ش، منطقه عملیاتی ایران در تعقیب متجاوز تغییر کرد؛ به بن‌بست رسیده بود. [۱۲۵] هدف استراتژیک ایران در منطقه جنوب، شهر مهم بصره بود و هورالهوریزه، شرق بصره و شبه‌جزیره فاو محورهای مواصلاتی به این شهر بودند.

نیروهای ایران هر سه محور را به‌کار گرفته بودند و شناسایی محور جدید و یافتن ابتکاری نو به زمان نیاز داشت و از این‌رو، سپاه ترجیح داد جبهه جدیدی بگشاید تا با به‌دست آوردن زمان، در خلال آسیب رساندن به سازمان رزمی ارتش عراق به طرح جدیدی برسد. [۱۲۶]

باوجود درک مشترک فرماندهان نظامی از بن‌بست جبهه جنوبی و لزوم جلوگیری از توقف جنگ، تغییر استراتژی عملیات از جنوب به شمال آسان نبود. در این میان، اعلام آمادگی قرارگاه رمضان مبنی بر پیشبرد جنگ در جبهه شمال تا حدی راه‌گشای وضع موجود بود. [۱۲۷] در جبهه شمالی اهداف متعددی دنبال می‌شد که تأمین امنیت مرزها بخشی از آن بود. مسدود کردن گذرگاههای مورد استفاده نیروهای ضدانقلاب و عناصر نفوذی، از اهداف دیگر بود.

با مسدود شدن عابر مرزها، عملیات نامنظم نیروهای عراقی محدود می‌شد و فعالیت عناصر ضدانقلاب و انجام دادن اقداماتی از قبیل کمین، ترور، گروگان‌گیری، بمب‌گذاری و مین‌گذاری در استانهای کردستان و آذربایجان غربی به شدت کاهش می‌یافت. از سوی دیگر، وجود منابع و تأسیسات اقتصادی عراق در کرکوک و سلیمانیه بر اهمیت این جبهه می‌افزود. ۱۲۸ کرکوک بعد از بغداد و بصره مهم‌ترین شهر عراق محسوب می‌شد و عملیات در اربیل، امنیت انتقال نفت عراق را به سواحل ترکیه در دریای مدیترانه به خطر می‌انداخت.

تصرف سلیمانیه، ضمن آنکه گامی برای تسخیر کرکوک بود، برای برخی مقاصد، از جمله کمک به معارضان کُرد در افزایش فشار بر حکومت عراق، هدفی استراتژیک تلقی می‌شد. از پاییز ۱۳۶۴ ش با اعلام آمادگی جدّی کردهای معارض دولت عراق برای همکاری با قوای مسلح ایران، سپاه پاسداران به منظور هدایت جنگهای نامنظم، قرارگاه رمضان را تشکیل داد و نیروهای مسلح ایران درصدد برآمدند تا در زمستان نیز جبهه شمالی را فعال نگه دارند و با این تدبیر اجرای عملیات همزمان در دو جبهه جنوبی و شمالی را می‌سر سازند. ۱۲۹در طول هشت سال جنگ، در محور اربیل چهار عملیات منظم و ده عملیات نامنظم انجام شد. از چهار نبرد منظم، سه نبرد در محور فرعی رواندوز و یک نبرد در محور فرعی سیدکان صورت گرفت. در محور سلیمانیه نیز، در طول جنگ سیزده عملیات منظم و یک عملیات نامنظم انجام شد که از مجموع عملیات منظم، دو عملیات در محور فرعی پَنْجُوین - چُوارتا، شش عملیات در محور فرعی ماووت، دو عملیات در محور فرعی قلعه دیزین و دو عملیات در محور فرعی حلبچه صورت گرفت. در محور کرکوک نیز دو عملیات نامنظم انجام شد. ۱۳۰

در حدود یک سال بعد از تشکیل قرارگاه رمضان، اولین اقدام مهم و راهبردی قرارگاه در ۱۹ مهر ۱۳۶۵ برضد تأسیسات نفتی شهر کرکوک و پایگاه هوایی آن انجام شد.

این عملیات، که فتح یک نامیده شد، آغاز جنگی نامنظم در چارچوبی معین و باهدفی مشخص بود.

این استراتژی، نیروهای دشمن را فعال‌تر می‌کرد و عملیات در این جبهه می‌توانست موجب تجزیه نیرو و فرماندهی ارتش عراق شود. [۱۳۱] فرض این بود که ارتش عراق به‌طور هم‌زمان توان ایستادگی در برابر حمله نیروهای ایران در دو جبهه را ندارد.

عملیات والفجر ۸ و والفجر ۹ صحت نسبی این فرض را نشان داده بود، ولی عقب‌نشینی از منطقه عملیاتی والفجر ۹، به دلیل ضعف تدابیر پدافندی، شروع سلسله عملیات پیش‌بینی شده را یک سال به عقب انداخت و در زمستان ۱۳۶۵ ش در جبهه شمالی عملیات مهمی صورت نگرفت. ۱۳۲

در فروردین ۱۳۶۶، وقتی محورهای جبهه جنوبی مسدود گردید، مرحله جدید جنگ در جبهه شمالی آغاز شد. ۱۳۳

در ابتدای ۱۳۶۶ ش، در محور سلیمانیه - ماووت دو عملیات منظم و نامنظم طراحی و اجرا شد. موفقیت در عملیات نامنظم به نتایج عملیات منظم بستگی داشت و عملیات منظم زمانی شروع شد که توان رزمی یگانهای عمل کننده، به دلیل جنگ فرسایشی چهار ماهه، در جنوب کاهش یافته بود. از همه مهم تر اینکه صعب العبور بودن منطقه و عدم احداث عقبه ها و جاده ها موجب شد که نیروهای ایران قبل از مواجهه با نیروهای عراق، درگیر آماده سازی شرایط برای نبرد شوند.

در نتیجه تنها بخشی از نتایج عملیات کربلای ۱۰ به دست آمد و نیروهای عمل کننده نتوانستند به نیروهای عمل کننده در عملیات نامنظم فتح ۵ در درون عراق ملحق شوند. [۱۳۴] **با آغاز سال ۱۳۶۶ ش، ناوگان دریایی امریکا و شوروی وارد خلیج فارس شدند، به این ترتیب، جبهه جدیدی در مرزهای جنوبی کشور گشوده شد.**

و توجه فرماندهان به جبهه دریایی و انتقال بخشی از توان نیروهای مسلح به آنجا موجب فرعی شدن جبهه زمینی گردید.

با وجود اجرای دو عملیات نصر ۴ و ۷ در جبهه شمالی تا آذر ماه، جبهه زمینی فرعی بود و جبهه دریایی. (خلیج فارس) موردنظر بود.

پس از آذر ۱۳۶۶، اگرچه عملیات نصر ۸ و بیت المقدس ۲ و ۳ در جبهه شمالی اجرا شد، چون اوضاع مطلوب نبود اجرای استراتژی برگزیده در این جبهه ناقص ماند. ۱۳۵

عراقی‌ها با به کارگیری سلاحهای کشتار جمعی و حملات منظم و گسترده به مناطق کردنشین، زمینه فعالیت‌های چریکی را به حداقل رساندند. [۱۳۶] مشکلات ناشی از نبرد زمستانی در کوهستانهای اطراف ماووت سبب شد که منطقه نبرد از ماووت به حلبچه منتقل شود و عملیات والفجر ۱۰ در روزهای پایانی ۱۳۶۶ ش به اوج در آید. [۱۳۷] [۱۳۸] دو عملیات بیت المقدس ۴ و ۶ نیز در این جبهه، در دو محور حلبچه و ماووت با موفقیت انجام شد، ولی عملیات والفجر ۱۰، که به آزادسازی

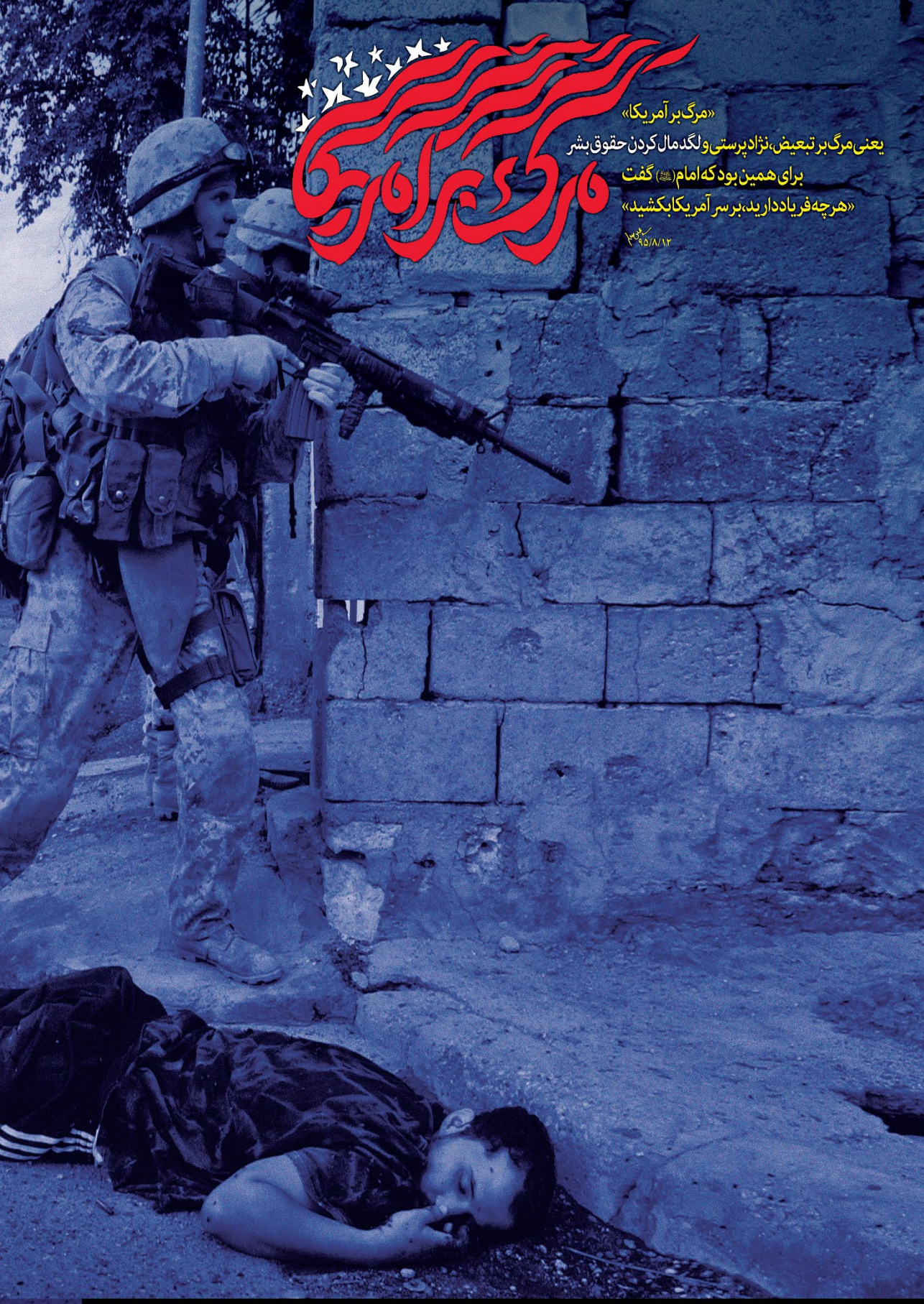
شهرهای حلبچه و خرمال انجامید، آخرین اقدام مهم در مرحله تعقیب متجاوز بود.[۱۳۹][۱۴۰] در جریان آزاد سازی شهر حلبچه، نیروی هوایی عراق در اقدامی غیرانسانی و با هدف انتقام از مردم کُرد حلبچه، این شهر را بمباران شیمیایی کرد، که در این جنایت هولناک بیش از پنج هزار نفر از مردم بی‌گناه این شهر به شهادت رسیدند. ۱۴۱

۱۴ - بمباران شهرها در سال پایانی جنگ

اواخر ۱۳۶۶ ش و اوایل ۱۳۶۷ ش با قدرت‌نمایی کامل عراق در حمله به مناطق مسکونی و به اصطلاح جنگ شهرها همراه بود.

افزایش توان نظامی عراق و کاهش توان اقتصادی و نظامی ایران شکاف عمیقی میان توانمندیهای نظامی ایران و اهداف سیاسی کشور ایجاد کرده بود.

حضور نظامی امریکا در منطقه و هم‌روی نفتکشهای عراقی، باعث افزایش قدرت نظامی این کشور می‌شد. [۱۴۲][۱۴۳]



هزار گریه بر آمریکا

«مرگ بر آمریکا»

یعنی مرگ بر تبعیض، نژادپرستی و لگد مال کردن حقوق بشر

برای همین بود که امام (ره) گفت

«هر چه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید»

۹۵/۸/۱۴

جنگ شهرها در ۸ اسفند ۱۳۶۶ با بمباران دوباره تهران شروع شد و تا ۱۱ فروردین ۱۳۶۷ ادامه داشت.

در این مرحله، عراق از موشکهای دوربرد ساخت شوروی استفاده کرد، که با سفر نخست‌وزیر ترکیه به دو کشور متوقف گردید، ولی به فاصله چند روز، مرحله پایانی جنگ شهرها در ۲۱ فروردین ۱۳۶۷، از طرف عراق آغاز شد و در اول اردیبهشت ۱۳۶۷ بعد از سقوط فاو، پایان یافت.

در این مدت، عراق بین ۱۹۰ تا ۲۰۰ فروند موشک به شهرهای ایران و جمهوری اسلامی ایران نیز نزدیک به پنجاه فروند موشک به شهرهای عراق شلیک کرد. ۱۴۴ بر اثر حملات موشکی به شهرهای ایران، نزدیک به هشتاد هزار تن مجروح یا کشته شدند. [۱۴۵] [۱۴۶] مهم‌ترین هدف عراق از بمباران شهرها تضعیف روحیه مردم ایران، کاهش اراده نیروهای حاضر در جبهه‌های جنگ، خنثی نمودن عملیات نظامی ایران و جبران شکست ارتش عراق بود تا ضمن بالابردن هزینه‌های جنگ، دولت ایران را به مذاکره و پایان دادن به جنگ وا دارد. ۱۴۷.

ویژگی این دوره، تشدید تنش بین ایران و آمریکا در خلیج فارس بود. در اواخر ۱۳۶۵ ش، کویت از پنج عضو دائم شورای امنیت برای هم‌روی نفتکش‌های این کشور دعوت کرد. ۱۴۸

در اول مرداد ۱۳۶۶، نخستین کاروان نفتکش‌های کویتی با هم‌روی کشتی‌های جنگی امریکایی پس از طی مسافتی در نزدیکی جزیره فارسی به می‌ن برخورد کرد و یکی از نفتکش‌های کویتی به شدت آسیب دید. [۱۴۹] دو ماه بعد، یک کشتی ایرانی به بهانه اینکه مشغول می‌ن‌گذاری در خلیج فارس بوده است، هدف حمله بالگردهای امریکایی قرار گرفت. پانزده روز بعد، قایق‌های تندرو سپاه پاسداران با بالگردهای امریکایی درگیر شدند. [۱۵۰] اصابت دو موشک کرم ابریشم به نفتکش امریکایی در بندر احمدی کویت پاسخی به اقدامات آمریکا بود که در دو روز متوالی صورت گرفت. آمریکا به سکوی نفتی رشادت در خلیج فارس حمله کرد که با حمله موشکی مجدد به پایانه بندر احمدی روبه‌رو شد.

بعد از آن، تاحدود شش ماه، درگیری نظامی شدیدی بین ایران و امریکا رخ نداد. [۱۵۱] مرحله دوم درگیری از ۲۵ فروردین ۱۳۶۷ آغاز شد.

زمانی که عراقی‌ها خود را برای حمله همه‌جانبه به شبه‌جزیره فاو آماده می‌کردند، یک فروند کشتی جنگی امریکایی، هنگام برگشت از هم‌رؤی کشتیهای کویتی در مرکز خلیج فارس، به مین برخورد کرد و سه تن از سرنشینان آن مجروح شدند. [۱۵۲] چهار روز بعد، امریکا سکوهای رشادت و سلمان را محاصره کرد و به آتش کشید و ناوچه جوشن و سهند را غرق کرد. همچنین، هواپیماهای امریکایی ناوچه سبلان را، که هواپیماهای مهاجم امریکایی را هدف حمله قرار داده بود، بمباران کردند. در همین روز، قایق‌های تندروی سپاه پاسداران با ناوگان امریکایی درگیر شدند و به یک فروند کشتی تدارکاتی امریکایی، یک فروند نفتکش انگلیسی و یک فروند کشتی قبرس آسیب شدیدی وارد کردند. بعد از این درگیری گسترده، امریکا پروازهای تجسی خود را بر فراز شهرهای جنوبی ایران از سرگرفت و ناو وینسنس را وارد خلیج فارس کرد.

در اوایل تیر ۱۳۶۷، تنش در خلیج فارس افزایش یافت و ناو وینسنس هواپیمای مسافربری ایران را در خلیج فارس هدف قرار داد و ۲۹۰ مسافر و خدمه آن کشته شدند. ۱۵۳

توضیح مختصری از عملکرد سیستم‌های پدافندی

برخی از سامانه‌ها، مستقلاً و با استفاده از دستگاه IFF (Identification Friend Or Foe) یا (شناسایی دوست از دشمن) اقدام به شناسایی هواگرد خواهند کرد. برخی از سامانه‌های پدافند هوایی نیز اطلاعات لازم در خصوص دوست یا دشمن بودن هدف را از طریق رادارهای پیش‌اطار و در مواردی از SOC ها و حتی cp ها دریافت می‌کنند. در خصوص سامانه‌های پدافند هوایی دریاپایه نیز استعلام از مرکز فرماندهی یا ناو سرفرماندهی، رادارهای پرنده و حتی رادارهای موجود در منطقه و استفاده از کتابچه برنامه زمانبندی پروازها می‌تواند در تشخیص درست هدف مؤثر باشد. در صورتی که هدف ناشناس تشخیص داده شود، هواپیماهای شکاری و رهگیر با هدف مشاهده از نزدیک هواگرد و شناسایی آن و در صورت متخاصم

بودن با هدف درگیری با آن به پرواز در می‌آیند. در واقع هواپیماهای رهگیر و شکاری، اولین لایه مرسوم در پدافند هوایی محسوب می‌شوند و موشک‌های پدافند هوایی سطح به هوا (زمین پایه و دریا پایه) لایه‌های بعدی پدافند هوایی به حساب می‌آیند.

در صورتی که به هر دلیل، لایه‌های فوق موفق به انهدام هواگرد مهاجم نشوند، لایه‌های آخر که توپ‌های ضد هوایی در کنار دوش پرتاب‌ها با کالیبرهای مختلف می‌باشند به دفاع از نقطه یا منطقه آسیب پذیر می‌پردازند.



ابهامات عملکرد پدافندی ناو وینسنس

اما درباره عملکرد ناو وینسنس ابهاماتی وجود دارد که به آن پرداخته خواهد شد. هواپیمای ایرباس A-۳۰۰B-۲۰۳-۱۲ ایرانی به شماره پرواز ۶۵۵ و شناسه IR ۶۵۵IR به خلبانی کاپیتان محسن رضاییان ۳۸ ساله به مقصد دبی، ۲۹۰ مسافر (شامل ۳۹ مسافر غیر ایرانی و ۶۶ کودک) را در خود جای داده بود. در آن ایام، هفته‌ای دو پرواز از تهران به دبی از سوی «ایران ایر» انجام می‌شد. مطابق برنامه مدون، پروازهای فوق پس از برخاستن از تهران، جهت سوخت‌گیری و دریافت برخی خدمات در فرودگاه بندر عباس به زمین می‌نشست و پس از انجام موارد فوق به مقصد دبی پرواز می‌کرد. در روز یکشنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۷، مطابق برنامه قبلی، هواپیمای فوق مرحله اول پرواز (تهران- بندر عباس) را در ساعت ۵:۱۰ (به وقت UTC)، به پایان رساند. اما مرحله دوم (بندرعباس - دبی) به دلیل مشکل گمرکی یکی از مسافران با ۲۰ دقیقه تأخیر انجام شد. مسیر پروازی هواپیمای فوق با مشخصات (qw۵q,A۵A) پیش بینی شده بود.

مارکس بر آمریکا

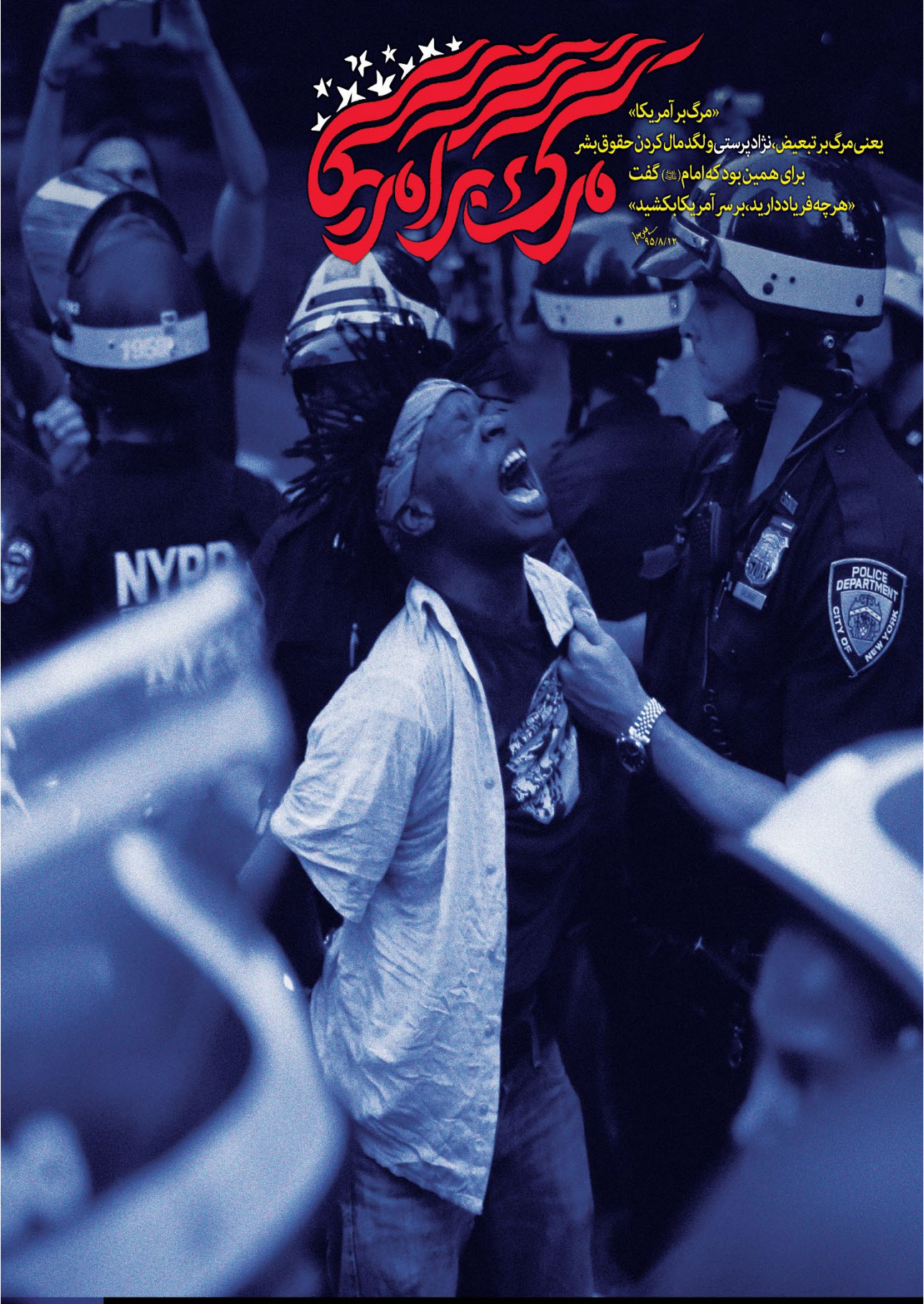
«مرگ بر آمریکا»

یعنی مرگ بر تبعیض، نژادپرستی و لگدمال کردن حقوق بشر

برای همین بود که امام (ره) گفت

«هر چه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید»

۳۰/۸/۱۳۵۷



کاپیتان محسن رضاییان با سابقه هفت هزارساعت پرواز که دو هزارساعت آن با ایرباس بوده، از باند فرودگاه بندر عباس و در جهت ۲۰۶ درجه، با هماهنگی برج مراقبت در ساعت ۰۶:۴۷ (به وقت UTC) به پرواز در می‌آید. پس از Take Off، کاپیتان رضاییان ضمن تماس با دفتر ایران ایر در بندرعباس با فرکانس ۱۳۱/۸ مگاهرتز اعلام وضعیت می‌کند. در ساعت ۰۶:۴۹ (به وقت UTC) در تماس با برج ارتفاع خود را ۳۵۰۰ پایی گزارش می‌دهد. ضمن اینکه خلبان رضاییان در فرکانس ۱۳۳/۴ مگاهرتز و در ساعت ۰۶:۵۱ (به وقت UTC) با برج مرکزی کنترل تهران (Tehran ACC) تماس برقرار کرد و حضور در ارتفاع هفت هزارپایی را اطلاع داد. آخرین تماس ثبت شده هواپیمای ایرباس با برج بندرعباس و هفت ثانیه پس از تماس با برج مرکزی کنترل تهران، انجام شد.

انهدام هواپیما نیز در ساعت ۰۶:۵۴ دقیقه (به وقت UTC) و در حال صعود از ارتفاع ۱۲ هزارپا به ۱۴ هزارپا انجام شد. اولین اکو (ECHO) یا بلیپ (BLIP) هواپیمای مسافری ایرباس بر روی اسکوپ رادار

تجسس (SEARCH) در ساعت ۱۷:۱۰ به وقت تهران توسط اپراتور رادار تجسس هوایی ناو وینسنس مشاهده می‌شود. در حالی که شناسایی آن هنوز انجام نشده بود به دلیل شرایط خاص منطقه‌ای، اپراتور رادار سرچ بلافاصله افسر مسئول بخش پدافند هوایی ناو را مطلع می‌سازد، او نیز کاپیتان راجرز، فرمانده ناو جنگی ۱/۲ میلیارد دلاری را با خبر می‌کند. حضور یک فروند «اف-۱۴» ایرانی در منطقه و وحشت آمریکایی‌ها از شرایط خاص حاکم بر منطقه، تصمیمات فرمانده راجرز را با بی‌تدبیری همراه می‌کند.



شرایط خاص منطقه چیست؟

جنگ عراق علیه ایران، حضور ده‌ها ناو جنگی آمریکایی در خلیج فارس و دریای عمان، درگیری نابرابر قایق‌های توپدار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران با بالگردهای آمریکایی و نیز ناوچه اسکورت وینسنس، حضور یک فروند «اف-۱۴» ایرانی در منطقه از جمله مواردی بود که شرایط را غیر عادی به نظر می‌رساند. تقابل ما بین آمریکا و ایران نیز به مرحله نظامی رسیده بود؛ حمله نیروی دریایی آمریکا به کشتی «ایران اجر»، حمله به سکوهای نفتی رسالت و رشادت (۱۹ اکتبر ۱۹۸۷) سکوهای نفتی نصر، س لمان و مبارک (۱۸ آوریل ۱۹۸۸) درگیری با قایق‌های توپدار ایرانی و چند مورد دیگر وضعیت بین ایران و آمریکا را به شدت متشنج کرده بود.

ضمن اینکه در همان ایام حوادثی همچون حمله به ناو «استارک» از سوی هواپیمای عراقی ترس شدیدی را بر آمریکایی‌ها مستولی کرده بود. مخصوصاً این که آنها انتظار حمله از سوی دوست خود عراق را نداشتند. هرچند که عراقی‌ها با عذرخواهی و پرداخت غرامت سعی در

جبران داشتند، اما مجموع این حوادث بر آمریکایی‌ها تاثیر گذار بود. آنها هزاران کیلومتر دورتر از کشور خود و در آب‌های سرزمینی کشورهای در حال جنگ هشت ساله، خود را همچون طعمه‌ای برای طرفین جنگ می‌دانستند و این با برنامه ریزی و اهداف سیاستمداران آمریکایی تناقض داشت، زیرا سیاستمداران آمریکایی، سربازان خود را جهت حفظ منافع آمریکا به خلیج فارس و دریای عمان فرستاده بودند، اما نظامیان آمریکایی به فکر جان خود بودند و نه تأمین منافع کشور خود، برای همین نظامیان فوق متأثر از شرایط آن زمان، تصمیمات غیر عقلانی و شتابزده را تجربه می‌کردند.



از جمله تصمیمات غیرمنطقی و شتابزده که توسط فرمانده راجرز فرمانده ناو وینسنس اعمال شده بود، تنظیم تمام کانال‌های ارتباطی ناو بر روی فرکانس‌های نظامی، من جمله فرکانس ۲۴۳ مگاهرتز بود، در حالی که ارتباط با هواپیمای مسافربری ایرانی از روی یک فرکانس غیر نظامی ممکن بود.

سامانه‌های پدافند هوایی ناو وینسنس

ناو وینسنس علاوه بر در اختیار داشتن رادارهای مختلف با کاربری‌های گوناگون و سامانه‌های پدافند هوایی توپخانه‌ای، از وجود سامانه‌های پدافند هوایی موشکی ایجس (AEGIS) و استاندارد (STANDARD) که از پیشرفته‌ترین سامانه‌های پدافند هوایی موشکی در یاپایه آن زمان محسوب می‌شد، بهره می‌برد.

سامانه پدافند هوایی ایجس که سلاحی سطح به هوا و دریایاپایه جهت مقابله با موشک‌های ضدکشتی و انواع هواگرد می‌باشد، دارای یک رادار چند منظوره، سامانه‌های کنترل سلاح و کنترل آتش، رایانه

مخصوص تجزیه و تحلیل، سکوی پرتاب موشک، موشک و سایر موارد است. موشک PRIM^۲(استاندارد) که از هدایت دستوری همراه با امکان ناوبری بصری خودکار و هدایت اینرسی در بخش میانی مسیر و هدایت آشیانه‌یابی در بخش نهایی مسیر برخوردار است. دارای اشتراکاتی در نوع بهره‌گیری در سامانه پدافندهوایی استاندارد نیز است. در واقع، استاندارد تلاشی در جهت نوسازی سامانه پدافندهوایی کشتی‌های مجهز به ایجس نیز محسوب می‌شود که بعدها بصورت کامل جایگزین ایجس می‌گردد. «رادار -AIAN/SPY» نیز مراحل کشف و تعقیب هدف را انجام می‌دهد.

سامانه پدافندهوایی دریاپایه استاندارد نیز که در اکثر فریگیته‌ها و رزمناوهای غربی از آن استفاده می‌شود و در دوسری برد متوسط (دارای موتور سوخت جامد) و برد افزایش یافته یا بلند (دارای موتور دو تراستی سوخت جامد همراه با بوستر سوخت جامد) شناخته می‌شود. این سامانه قابلیت هماهنگی عملیاتی با سامانه ایجس را داراست.

مارکیز امریکا

«مرگ بر آمریکا»

یعنی مرگ بر تبعیض، نژادپرستی و لگدمال کردن حقوق بشر

برای همین بود که امام (ره) گفت

«هر چه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید»

شماره ۹۵/۸/۱۲



آن دسته از موشک‌هایی که قابلیت بهتری در هماهنگی با ایجس دارند و با سامانه آدابتور جهت به کارگیری علیه موشک‌های کروز ضد کشتی استفاده می‌شوند با عنوان (-SM۶۶RIM-۲C) شناخته می‌شود.

عملکرد پدافندهوایی ناو وینسنس در مواجهه با ایرباس ایرانی

فرمانده راجرز پس از اطلاع از مشاهده اکوی هدف برروی اسکوپ رادار سرچ(جستجو) اعلام آماده باش می‌کند و به اپراتور ارتباط رادیویی ناو دستور می‌دهد که به هواپیمای مشاهده شده در رادار پیغام خطر مبنی بر عدم ورود به حریم ناو داده شود. پیغام‌های خطر (۳خطر) در عرض کمتر از ۵ دقیقه برای هواپیمای ایرباس فرستاده شده بود. با توجه به عدم پاسخگویی ایرباس ایرانی به اخطارهای فوق و همچنین عدم دریافت پاسخ از سوی IFF(دستگاه شناسایی دوست از دشمن) و همزمانی وقایع رخ داده با این موضوع و شرایط خاص منطقه‌ای منجر به این شد که سامانه‌های پدافند هوایی موشکی ناو وارد عمل شده و دو فروند موشک سطح به هوا به سمت هواپیمای مسافربری شلیک کند.

The crime of flying



شلیک به کودکان

۱۲ تیر

سالروز جنایت جنگی آمریکا در حمله به هواپیمای
مسافربری ایران ایر بر فراز خلیج فارس

روز سه شنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۷ (۲۷ آگوست ۱۹۸۸ میلادی) پس از توقف بی دلیلی در منطقه خلیج فارس، یک فروتن هواپیمای مسافربری ایران ایر (۶۵۵) توسط یک فروتن هواپیمای جنگی آمریکا (۷۳۰۳۱) شلیک شد و در خلیج فارس سقوط کرد. در این حادثه ۲۹۰ نفر کشته شدند و ۲۹۱ نفر زخمی شدند. این حادثه یکی از فجایع تاریخ است.

در اینجا چند سوال مطرح می شود؟

- ۱- آیا اقدامات انجام شده از سوی فرمانده راجرز برای شناسایی و تفکیک اهداف و اطمینان از متخاصم بودن هدف کافی بود؟
- ۲- آیا کاپیتان رضاییان تعمداً در عدم پاسخگویی به پیام‌های ارسالی از سوی ناو وینسنس داشت؟
- ۳- آیا کارکنان پدافند هوایی ناو از طرق دیگر نمی‌توانستند به نوع هواپیما یا هواگرد مشاهده شده در اسکوپ و نوع عمل (خصمانه یا عدم خصمانه) پی برد؟
- ۴- آیا تفاوت بین هواپیمای اف ۱۴ و هواپیمای مسافربری ایرباس از طریق اطلاعات دریافتی از رادار سرچ و تراک قابل درک نیست؟
- ۵- آیا اصلاً هواپیمای مسافربری ایرانی عمل خصمانه‌ای از خود نشان داده بود؟

۶- چرا به استعلام از ناوهای مستقر در منطقه اهمیت کافی داده نشد؟
و آیا نمی‌شد از هواپیماهای شکاری و رهگیر آمریکایی مستقر در منطقه
جهت شناسایی استفاده کرد؟

پاسخ به چند سوال

در بررسی اقدامات انجام شده از ناو وینسنس قصور فرمانده راجرز غیر
قابل انکار به نظر می‌رسد. نخستین اقدام مؤثر راجرز که می‌توانست از
این جنایت هولناک جلوگیری کند مراجعه به کتابچه راهنمای پروازهای
زمان بندی شده که از سوی ایکائو تهیه شده و در اختیار راجرز بود،
می‌باشد. او به کتابچه فوق که حاوی اطلاعات مفیدی در خصوص
پروازها، نوع هواپیماهای مسافربری، کریدور پروازی، مبدا و مقصد
زمان پروازی است مراجعه نکرد.

چرا که اگر نگاه مختصری نیز به دفترچه فوق داشت متوجه می‌شد که
در آن زمان مطابق برنامه مندرج در کتابچه فوق «پرواز ۶۵۵»
می‌بایستی با عبور از آسمان خلیج فارس انجام می‌شد.

هنگامی که آمریکا

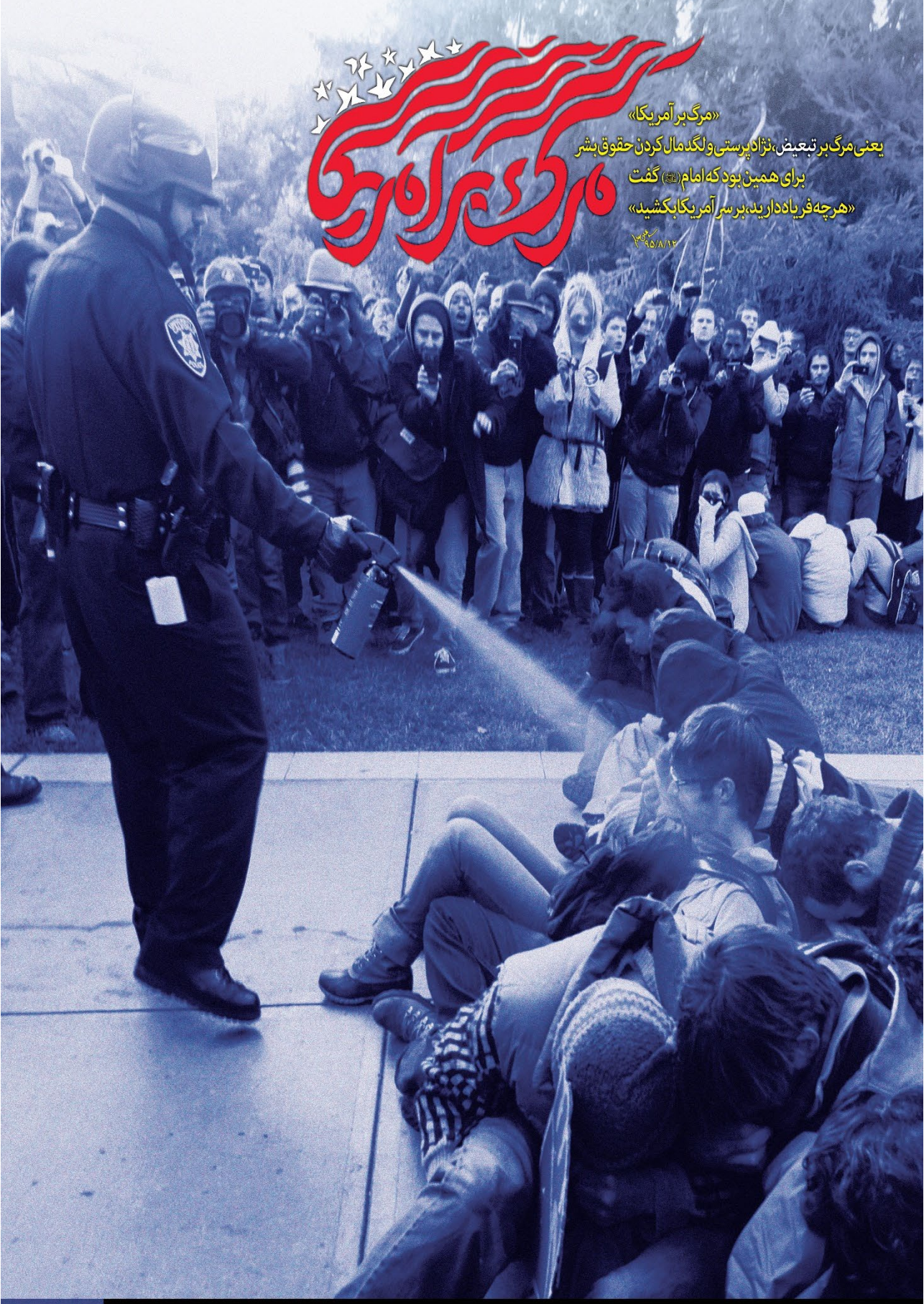
«مرگ بر آمریکا»

یعنی مرگ بر تبعیض، نژادپرستی و لگدمال کردن حقوق بشر

برای همین بود که امام (ره) گفت

«هر چه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید»

۳۰/۵/۱۴



مسئله دوم فرکانس مورد استفاده در ارسال پیام ناو وینسنس بود که همانگونه که اشاره شد نظامی و غیرقابل استفاده توسط هواپیمای مسافربری بود. راجرز می‌توانست ارسال پیام در فرکانس‌های غیرنظامی را نیز بیازماید. با توجه به این مطلب و عدم دریافت پیام‌های ارسالی از سوی ناو وینسنس به هواپیمای مسافربری ایرباس، تعمدی در پاسخگویی از سوی ایرباس وجود نداشت زیرا ایرباس پیامی از سوی ناو وینسنس دریافت نکرد.

البته راجرز بی‌تدبیری دیگری نیز از خود نشان داد. او می‌توانست به استعلام انجام شده با سایر ناوها و کشتی‌های حاضر در منطقه توجه بیشتری داشته باشد. استعلامی که در آن ناوهای مونتگمری و سایدز هواپیما را با احتمال بالا تجاری اعلام می‌کنند. یا اینکه با مرکز فرماندهی خود و سایر ناوهای حاضر در منطقه مکالمه‌ای داشته باشد. براساس گزارش کمیته حقیقت یاب ایکائو، اپراتورهای رادار ناو هواپیمابر فورستال نیز هواپیمای مزبور را به عنوان یک هواپیمای تجاری شناسایی کرده بودند.



«مرگ بر آمریکا»

یعنی مرگ بر تبعیض، نژادپرستی و لگد مال کردن حقوق بشر

برای همین بود که امام (علیه السلام) گفت

«هر چه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید»

سپهر
۱۳۹۵/۸/۱۲



مسئله بعدی تشخیص نوع هواپیما از اکوی روی اسکوپ (صفحه نشاندهنده علائم راداری) است. با بلیپ مشاهده شده از هدف، رایانه رادار اطلاعاتی نظیر سمت، برد، ارتفاع و سرعت هواگرد را نشان می‌دهد. (اطلاعات مشاهده شده پس از ردیابی یا TRACK دقیق‌تر محاسبه می‌شود).

بنابراین با توجه به اینکه هواپیمای ایرباس در حال اوج گرفتن بود، لذا هر لحظه ارتفاع نشان داده شده توسط رادار بیش از لحظه قبل می‌باشد. پس احتمال حمله انتحاری و انجام عمل خصمانه نیز منتفی است. ضمن این که با مقایسه سرعت هواپیما می‌توان متوجه غیر نظامی بودن هواپیما و تفاوت آن با «اف ۱۴» شد. تفاوت ابعاد «اف ۱۴» و ایرباس نیز از طریق رادار قابل مشاهده است (طول اف ۱۴، ۸۲ فوت و ۱۸ اینچ و طول ایرباس فوق ۱۷۷ فوت و ۵ اینچ است).

ضمن اینکه پس از قفل راداری بر روی هدف (LOCK ON) و انجام عمل ردیابی (Track)، صدای خاص ناشی از انعکاس امواج ارسالی (اثر داپلر Doppler effect) مشخص کننده نوع هواگرد است و

تفاوت میان صدای حاصل از امواج برگشتی از بالگرد، هواپیمای ملخ دار، موشک، هواپیمای مسافربری توربوجت، هواپیمای جنگی و سایر هر کدام به تفکیک قابل تشخیص توسط اپراتور رادار ردیابی (Track) است. نکته مهم‌تر این که مدت‌ها بعد از این فاجعه روزنامه نیویورک تایمز فاش نکرد که ناو وینسنس و هواپیمای مسافربری ایرباس هردو در آبهای فلات قاره ایران و آب‌های سرزمینی ایران حضور داشتند. با توجه به این که کاپیتان رضاییان، یقیناً از حضور در آسمان ایران مطلع بود، لذا انتظار دریافت اخطار و حتی مورد هدف قرار گرفتن بر فراز دریای خودی (Territorial sea) را نداشت.



سایر امکانات راداری ناو وینسنس

سامانه های راداری (SPYA)، رادار شناسایی دشمن (-۳۲SLQ)، مرکز راداری تحلیل و شناسایی دشمن و هدف نما (IR GMT)، دستگاه کامل شناسایی دوست از دشمن (IFF)، دستگاه شناسایی و تفکیک امواج مختلف دریافتی (از نظر طول موج، نوع دستگاه فرستنده و...)، دستگاهای مخصوص شنود مکالمات رادیویی و... از دیگر امکانات راداری ناو جنگی وینسنس به شمار می‌رود.

در خوشبینانه‌ترین حالت باید بگوییم که فرمانده راجرز نتوانست از آنها به خوبی بهره ببرد یا با بی‌تدبیری و ضعف آموزش خود منجر به بروز فاجعه‌ای بزرگ شد. اما اگر چنین مسئله‌ای صحیح باشد، این سوال مطرح می‌شود؛ که اگر این حادثه بر اثر بی‌تدبیری فرمانده راجرز و عدم تشخیص نوع هواپیما رخ داد، پس چرا راجرز پس از پایان مأموریت به دریافت مدال نائل شد؟ دریافت این مدال فقط با یک دلیل توجیه پذیراست. فرمانده راجرز در مأموریت محوله موفق ظاهر شد و به دلیل موفقیت در مأموریت فوق مورد تقدیر قرار گرفت.



«مرگ بر آمریکا»

یعنی مرگ بر تبعیض، نژادپرستی و لگدمال کردن حقوق بشر

برای همین بود که امام (ره) گفت

«هر چه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید»

شعبه ۳
۹۵/۸/۱۲



مأموریت محوله راجرز چه بوده که او از پس آن با موفقیت برمی‌آید؟

در بررسی عملکرد ناو وینسنس هیچ نکته غیرعادی و خارق‌العاده (غیر از یک مورد) مشاهده نمی‌شود که منجر به کسب مدال و تقدیر شود. تمام اقدامات انجام شده ناو وینسنس از قبیل هدایت و برنامه‌ریزی میدانی برای سایر ناوچه‌ها، هدایت و برنامه‌ریزی اسکورت برخی از کشتی‌ها، حضور در رزمایش‌های دریایی و سایر موارد از وظایف اولیه هرناوی در حد و اندازه ناو وینسنس محسوب می‌شود، فقط یک نکته باقی می‌ماند. ناو وینسنس در اجرای مأموریت انهدام هواپیمای مسافربری ایرانی که از رده‌های بالاتر فرماندهی ارتش آمریکا ابلاغ شده بود، موفق ظاهر شد. با بررسی مسائل رخ داده در آن سال‌ها متوجه می‌شویم که آمریکا از حمایت پنهان رژیم بعثی فراتر رفته و به جنگ رودر رو با ایران وارد شده بود. اما برای اینکه افکار عمومی دنیا از این جنایت آمریکا، بیش از پیش تحت تاثیر قرار نگیرد، آمریکایی‌ها ادعا کردند که ناو وینسنس یک فروند «اف ۱۴» ایرانی را ساقط کرده است، ادعایی که در عرض ۲۴ ساعت دروغ بودن آن برای جهانیان ثابت شد.



۱۶ - حملات پایانی عراق

عراقی‌ها از فرصت درگیری امریکا با ایران در خلیج فارس استفاده کردند و با تشدید بمباران شهرها و نفتکش‌ها، کوشیدند با تغییر موازنه جنگ بر روی زمین و تغییر راهبرد دفاعی به حمله، ابتکار عمل را در جنگ در دست بگیرند و با بازپس‌گیری مناطق تحت تصرف ایران شرایط لازم را برای پایان جنگ فراهم کنند. [۱۵۴] توان رزمی عراق، که در ۱۳۶۶ ش با خرید و تولید جنگ‌افزارهای جدید و ترمیم سازماندهی نظامی افزایش یافته بود، در اوایل ۱۳۶۷ ش نمایان شد. ۱۵۵

هر چند ارتش عراق در سلسله عملیات ایران در جبهه شمالی آسیبه‌ای فراوان دید، درگیری نیروهای ایران در پدافند گسسته جبهه‌های متعدد سبب شد تا قدرت واکنش آن‌ها در برابر هجوم ارتش عراق به فاو کاهش یابد. به خصوص که عراق تمرکز قوای خود را در فاو، برای جلوگیری از سقوط حلبچه، برهم نژده بود. ۱۵۶در آغاز ۱۳۶۷ شمسی، عراق با استفاده از برتری نظامی خود در جنوب و با اتکا به حمایت روانی و سیاسی و تبلیغاتی ناشی از حضور نظامی امریکا در خلیج فارس توانست روحیه لازم را برای خروج از وضع پدافندی و کسب ابتکار عمل به دست آورد و حملات گسترده‌ای انجام دهد. [۱۵۷]



نخستین حمله جدید عراق در منطقه فاو صورت گرفت!؟

ارتش عراق در ۲۸ فروردین ۱۳۶۷، با دو سپاه هفتم و گارد و یگانهای نیروی دریایی خود شامل ده لشکر و ۲۶ تیپ، به منطقه عملیاتی والفجر ۸ هجوم برد.

این حمله کاملاً غافلگیرانه بود و عراق به طور گسترده از سلاحهای شیمیایی استفاده کرد. [۱۵۸][۱۵۹] در این عملیات، نیروهای عراقی از عقبه خشکی برخوردار بودند، در حالی که نیروهای ایران در آن سوی آب می جنگیدند و تنها به یک پل بر روی اروندرود متکی بودند.

در هر حال، خطوط گوناگون دفاعی نیروهای ایران در برابر آتش شدید و آمادگی کامل نیروهای عراقی بعد از ۴۸ ساعت مقاومت سقوط کرد.

سقوط فاو نشان دهنده برتری کمی عراق از نظر نیرو و تجهیزات و نیز تغییر استراتژی آن از پدافند به آفند در پایان جنگ بود. [۱۶۰] ۳۸ روز پس از حمله به فاو، ارتش عراق در ۴ خرداد ۱۳۶۷ با سه سپاه. (گارد ریاست جمهوری از محور آبراهه پرورش ماهی شلمچه، لشکر سوم از

محور جاده شلمچه و لشکر هفتم از محور جزیره ام الطویل) با پشتیبانی واحدهای توپخانه زرهی و هوایی وارد عمل شد و شلمچه در هشت ساعت سقوط کرد. ۱۶۱.

۱۶.۱ - مقابله ایران

ایران برای مقابله با برتری عراق در جبهه‌های جنگ، در ۲۲ خرداد ۱۳۶۷ عملیات بیت‌المقدس ۷ را با ده یگان سپاه پاسداران، در منطقه شلمچه اجرا کرد که با پیشروی سریع نیروهای ایران همراه بود، اما به دلیل ورود یگانهای مجرب عراق به منطقه و انجام چند ضدحمله، نیروهای ایرانی، برای جلوگیری از تلفات بیشتر، به مواضع قبلی عقب‌نشینی کردند. [۱۶۲][۱۶۳]

عراق در ادامه حملات خود در ۲۴ خرداد ۱۳۶۷، در محور ماووت (جبهه شمالی) وارد عمل شد و پس از ۸ روز درگیری، بخشی از این منطقه را از دست ایران خارج کرد. [۱۶۴] همچنین در ۲۹ خرداد ۱۳۶۷، عراق در اقدامی مشترک با سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به مهران حمله

کرد. در این عملیات، نیروهای عراقی به پشتیبانی یک لشکر، ارتفاعات قلعه آویزان را، که بر شهر مهران مسلط بود، تصرف کردند و نیروهای سازمان یاد شده، با برخورداری از حمایت یگانهای عراق، وارد شهر مهران شدند. [۱۶۵][۱۶۶][۱۶۷]

یگانهایی از گارد ریاست جمهوری، لشکر سوم و لشکر ششم عراق در آن عملیات شرکت داشتند و از بامداد ۴ تیر ۱۳۶۷ با گشودن آتش سنگین بر خطوط دفاعی و عقبه‌های منطقه، حمله به جزایر مجنون را آغاز کردند و تا ۱۱ صبح همان روز در محورهای اصلی و فرعی در جزیره شمالی به هم پیوستند.

با سقوط جزایر جنوبی و شمالی، نیروهای ایران مناطق ابوداگر و تُرابه را تخلیه کردند.

ارتش عراق در محورهای طلائیه و کوشک، با پیشروی در خاک ایران، حملات فرعی خود را آغاز کرد و با تصرف جاده اهواز به خرمشهر و بستن این جاده، چندین پل و قسمتی از ریلهای راه‌آهن را تخریب کرد.

با آغاز شب، نیروهای عراقی از محور طلائیه به سمت مرز عقب‌نشینی،
و در حوالی نوار مرزی مواضع خود را تثبیت کردند. [۱۶۸][۱۶۹]

عراق پس از بازپس‌گیری کلیه مناطق تصرف شده در جبهه‌های جنوب،
به جبهه‌های شمالی حمله کرد و در ۷ تیر ۱۳۶۷، ارتفاعات شاخ شمیران
در منطقه دربندیخان را تصرف نمود. ۱۷۰

نیروهای ایران برای تمرکز توان خود و خارج کردن ابتکار عمل از دست
عراق، مناطق حاج‌عمران، ماووت و پنجوین را تخلیه کردند. [۱۷۱] ارتش
عراق ضمن اشغال این مناطق به حملات خود ادامه داد و طی هشت
روز کلیه مناطق شمالی را که ایران در ۱۳۶۶ ش و اردیبهشت ۱۳۶۷ با
عملیات کربلای ۱۰، نصر ۴، نصر ۸ و بیت‌المقدس ۶ تصرف کرده بود،
پس گرفت. ۱۷۲

در تیر ۱۳۶۷، نیروهای عراقی به غرب عین‌خوش، موسیان و جنوب
دهلران حمله کردند و پادگان عین‌خوش، منطقه زبیدات - شرهانی و

شهر دهلران را اشغال نمودند و عراق اعلام کرد پنج هزار تن از نیروهای لشکرهای ۲۱ و ۷۷ ایران را به اسارت گرفته است. ۱۷۳

در ۲۷ تیر ۱۳۶۷، جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. [۱۷۴] سه روز پس از پذیرش رسمی قطعنامه، ارتش عراق در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ از دو محور شلمچه و کوشک وارد خاک ایران شد و حدود سی کیلومتر از جاده اهواز - خرمشهر را تصرف کرد و با استفاده از نیروهای کماندویی و زرهی از دو محور شلمچه و جاده اهواز - خرمشهر، خرمشهر را محاصره نمود و تا پنج کیلومتری قرارگاه کربلا پیشروی کرد.

هدف عراق از این تهاجم اشغال مناطقی از ایران و به اسارت در آوردن نظامیان بیشتری بود تا در زمان مذاکره بعد از جنگ، به عنوان برگ برنده از آن استفاده کند و در تبادل اسرا موقعیت برتری داشته باشد. [۱۷۵] [۱۷۶] [۱۷۷] مردم ایران در پی این اقدام احساس خطر کردند و برای مقابله با نیروهای عراقی بسیج شدند.

در شرایطی که خرمشهر و اهواز در آستانه اشغال بودند، امام خمینی (ره) در پیامی به نیروهای مسلح، بر تداوم مبارزه و مقاومت در برابر نیروهای عراقی تأکید کردند. [۱۷۸] با انتشار پیام امام، خطوط دفاعی جدید تشکیل گردید و از پیشروی نیروهای عراق جلوگیری شد و در بعد از ظهر همان روز، با توقف نیروهای عراقی، پادگان حمید از اشغال خارج شد. [۱۷۹] عراق با مشاهده بسیج عمومی در ایران و ناکامی نیروهای عراقی در برخی جبهه‌ها، پس از ۲۴ ساعت رسماً دستور عقب‌نشینی از جبهه‌های جنوب را صادر کرد. [۱۸۰] و در ۳ مرداد ۱۳۶۷، عقب‌نشینی از جبهه‌های میانی و غربی ایران را اعلام نمود. [۱۸۱]

در حالی که آخرین نیروهای عراقی از منطقه خارج می‌شدند، سازمان مجاهدین خلق. (منافقین)، به قصد رسیدن به تهران در ۳۳ ساعت و سرنگون کردن نظام جمهوری اسلامی ایران، در ۳ مرداد ۱۳۶۷، با ۲۵ تیپ، حمله به شهرهای کرد و اسلام‌آباد را آغاز کردند. آن‌ها در چند ساعت این دو شهر را تصرف و به سوی کرمانشاه حرکت کردند.

نیروهای ایران با آگاهی از جهت پیشروی آنان در منطقه حسن‌آباد، روی ارتفاعات چهارزبر خط دفاعی تشکیل دادند و با نیروهای مهاجم، که حدود پنج هزار نفر بودند، درگیر شدند. ۱۸۲

با ناکامی نیروهای عراقی در پشت ارتفاعات چهارزبر، نیروهای ایرانی برای بازپس‌گیری مناطق اشغال شده، عملیات مرصاد را در ۶ مرداد ۱۳۶۷ آغاز کردند. در برخی محورها، نیروهای ایرانی یگانهای عراقی را غافلگیر کردند و آسیب‌های فراوانی به آنها رساندند. خلبانهای هوانیروز نیز با گشودن آتش سنگین بر روی دشمن زمینه فروپاشی مواضع آنها را فراهم ساختند.

شهر اسلام‌آباد آزاد شد و نیروهای مجاهدین خلق (منافقین) ضمن تحمل تلفات با به‌جا گذاشتن ادوات نظامی متواری شدند. [۱۸۳] با توقف عملیات نظامی، مقدمات آتش‌بس بر اساس قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد فراهم آمد و در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ به‌طور رسمی آتش‌بس میان دو کشور در جبهه‌های جنگ برقرار شد و جنگ پس از هشت سال به پایان رسید. ۱۸۴

رام خمینی:

استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحققات



۱. ↑حسین یکتا، «وضعیت نظام بین‌المللی در آستانه جنگ ایران و عراق در ریشه‌های تهاجم»، ج ۱، ص ۳۴-۳۵، نگاه، ش ۱۵ و ۱۶ (شهریور و مهر ۱۳۸۰).

۲. ↑متن نامه‌های مبادله شده بین رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۸-۷۴، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹ ش.

۳. ↑فرهاد درویشی، «تمهیدات سیاسی و نظامی عراق برای آغاز جنگ»، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۴۷، در ریشه‌های تهاجم، موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۴. ↑منوچهر پارسادوست، نقش عراق در شروع جنگ، ص ۲۵۹-۳۹۵، تهران ۱۳۶۹ ش.

۵. ↑نبیه اصفهانی، «یومیات الصراع و الحرب: ۱۹۴۷-۱۹۸۰»، السياسة الدولیه، ش ۶۳، ص ۱۱۸. (ژانویه ۱۹۸۱).

۶. ↑اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، ج۱، ص ۳-۴، تهران ۱۳۶۷ ش.

۷. ↑آذرمیدخت مشایخ فریدنی، مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مناسبات دو کشور، ص ۲۰۹-۲۶۸، تهران ۱۳۶۹ ش.

۸. ↑اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، ج۱، ص ۵۱۲، تهران ۱۳۶۷ ش.

۹. ↑محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ج۱، ص ۱۰۶، تهران ۱۳۸۴ ش.

۱۰. ↑اصغر جعفری ولدانی، ایران و حقوق بین‌الملل: «بررسی حقوقی عهدنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق»، ج۱، ص ۱۰۸، تهران ۱۳۸۰ ش.

۱۱. ↑اصغر جعفری ولدانی، ایران و حقوق بین‌الملل: «بررسی حقوقی عهدنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق»، ج۱، ص ۱۰۹، تهران ۱۳۸۰ ش.

۱۲. ↑اسماعیل منصوری لاریجانی، بررسی حقوقی - سیاسی تجاوز

رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۰۶ - ۱۰۹، تهران (بی تا).

۱۳. ↑اسماعیل منصوری لاریجانی، بررسی حقوقی - سیاسی تجاوز

رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۳، تهران (بی تا).

۱۴. ↑بهمن بختیاری، «حقوق بین الملل و جنگ ایران و عراق»، ج ۱،

ص ۹۸-۹۵، ۱۳۶۸ ش.

۱۵. ↑عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق

علیه جمهوری اسلامی ایران (تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران)،

ج ۱، ص ۶۶-۶۸، تهران ۱۳۷۴ ش.

۱۶. ↑ابراهیم انوری تهرانی، «تمهیدات رهبران عراق برای تجاوز به

قلمرو ایران»، در بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع: مقالات ارائه شده

به کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع (تهران، ۱۹-۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۷)،

ج ۲، ص ۲۷-۲۹، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع،

۱۳۶۸ ش.

۱۷. ↑هوشنگ طالع، تجاوز عراق، خیانت خودی، حمایت بیگانه، ج۱، ص ۱۴۴-۱۵۶، لنگرود ۱۳۸۰ ش.

۱۸. ↑تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، نوشته نسرین مصفا و دیگران، ص ۳۲-۳۸، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۶۶ ش.

۱۹. ↑اسماعیل منصوری لاریجانی، بررسی حقوقی - سیاسی تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، ج۱، ص ۱۰۲- تهران (بی‌تا.).

۲۰. ↑علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج۱، ص ۴۹-۵۰، تهران ۱۳۸۰ ش.

۲۱. ↑مهدی انصاری و دیگران، روزشمار جنگ ایران و عراق، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مقدمه، ص ۲۹، ۱۳۷۲ ش.

۲۲. ↑منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، ج۱، ص ۲۲، تهران ۱۳۷۱ ش.

۲۳. ↑ تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، نوشته نسرین مصفا و دیگران، ص ۹۶، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۶۶ ش.

۲۴. ↑ علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۷۱-۷۵، تهران ۱۳۸۰ ش.

۲۵. ↑ بهمن بختیاری، «حقوق بین‌الملل و جنگ ایران و عراق»، ج ۱، ص ۹۶، ۱۳۶۸ ش.

۲۶. ↑ ناصر فرشادگهر و حمدالله آصفی، «فسخ یک جانبه عهدنامه ۱۹۷۵ از سوی عراق و موضع هر یک از دو طرف عهدنامه»، در بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱.

۲۷. ↑ تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۱۸، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر حقوقی، ۱۳۶۱-۱۳۶۷ ش.

۲۸. ↑اسماعیل منصوری لاریجانی، بررسی حقوقی - سیاسی تجاوز

رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۵۷، تهران (بی تا).

۲۹. ↑تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی

ایران، ج ۱، ص ۱۱۵، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر حقوقی، ۱۳۶۱-۱۳۶۷

ش.

۳۰. ↑تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی

ایران، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر حقوقی، ۱۳۶۱-۱۳۶۷

ش.

۳۱. ↑جمشید ممتاز، «حق طبیعی دفاع مشروع در جنگ عراق با

ایران»، در بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، مقالات ارائه شده به

کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع (تهران، ۱۹-۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۷)، ج ۱،

ص ۱۸۵-۱۹۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸

ش.

۳۲. ↑روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ج ۷، ص ۵۷۸ - ۵۷۹، صحیفه نور، تهران، ج ۷، ۱۳۷۳ ش، ج ۸، ۱۳۷۳ ش، ج ۱۹، ۱۳۶۸ ش، ج ۲۰، ۱۳۶۹ ش.

۳۳. ↑علی بنی‌لوحی، مبانی دفاع از دیدگاه امام خمینی در دفاع مقدس با تحلیلی مقایسه‌ای، ج ۱، ص ۷۰-۷۲، (تهران) ۱۳۷۸ ش.

۳۴. ↑علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۹۷-۹۸، تهران ۱۳۸۰ ش.

۳۵. ↑عباس نصرآوی، «النتائج الاقتصادية للحرب العراقية - الايرانية»، ج ۱، ص ۲۳، المستقبل العربی، ش ۸۹ (ژوئیه ۱۹۸۶).

۳۶. ↑منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، ج ۱، ص ۴۸۶، تهران ۱۳۷۱ ش.

۳۷. ↑منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، ج ۱، ص ۴۹۱-۴۹۲، تهران ۱۳۷۱ ش.

۳۸. ↑مجدی حماد، «الاتحاد السوفیتی و الحرب تقدیر موقف»، ج۱،

ص ۸۸ - ۹۲، السیاسه الدولیه، ش ۶۳ (ژانویه ۱۹۸۱).

۳۹. ↑رضا موسی‌زاده، «کمک‌های آمریکا به عراق: یک دیدگاه

حقوقی»، در دعاوی ایران، ج۱، ص ۵۲۰.

۴۰. ↑علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری

اسلامی ایران، ج۱، ص ۱۰۵ - ۱۱۸، تهران ۱۳۸۰ ش.

۴۱. ↑علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری

اسلامی ایران، ج۱، ص ۱۱۹، تهران ۱۳۸۰ ش.

۴۲. ↑علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری

اسلامی ایران، ج۱، ص ۱-۲۶، تهران ۱۳۸۰ ش.

۴۳. ↑سعید خالوزاده، «حمایت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی

کشورهای قدرتمند از عراق در طول جنگ با جمهوری اسلامی ایران»،

در دعاوی ایران: بررسی کمک‌ها و حمایت‌های غرب به ویژه آمریکا از

صدام حسین در جنگ تحمیلی، ج ۱، ص ۴۶۸-۴۶۹، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳ ش.

۴۴. ↑ منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، ج ۱، ص ۵۰۳-۵۰۴، تهران ۱۳۷۱ ش.

۴۵. ↑ منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، ج ۱، ص ۵۵۵، تهران ۱۳۷۱ ش.

۴۶. ↑ منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، ج ۱، ص ۵۵۰، تهران ۱۳۷۱ ش.

۴۷. ↑ محیی‌الدین مصباحی، «چهارچوب مواضع شوروی»، در بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، مقالات ارائه شده به کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع (تهران، ۱۹-۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۷)، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۲۹، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸ ش.

۴۸. ↑علی سمیعی، کارنامه توصیفی عملیات هشت سال دفاع مقدس، ج ۱، ص ۱۳۷، تهران ۱۳۸۲ ش.

۴۹. ↑عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران (تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران)، ج ۱، ص ۹۰-۹۱، تهران ۱۳۷۴ ش.

۵۰. ↑تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، نوشته نسرين مصفا و دیگران، ص ۹۷، پانویس ۳۳، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۶۶ ش.

۵۱. ↑اسماعیل منصوری لاریجانی، بررسی حقوقی - سیاسی تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۱، تهران (بی تا).

۵۲. ↑علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۵۹، تهران ۱۳۸۰ ش.

۵۳. ↑منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، ج ۱، ص ۵۰۳، تهران ۱۳۷۱ ش.

۵۴. ↑منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، ج ۱، ص ۵۱۸، تهران ۱۳۷۱ ش.

۵۵. ↑موسی کاظمی، «تحلیل آماری جنگ شهرها»، در تأملی در جنگ ایران و عراق: چند مسئله راهبردی (مجموعه مقالات)، به اهتمام مجید مختاری، ج ۱، ص ۱۸۳، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰ ش.

۵۶. ↑تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، نوشته نسرین مصفا و دیگران، ص ۹۹، پانویس ۳۹ تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۶۶ ش.

۵۷. ↑ تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، نوشته

نسرین مصفا و دیگران، ص ۱۳۶، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۶۶ ش.

۵۸. ↑ منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و

ایران، ج ۱، ص ۵۴۶-۵۵۰، تهران ۱۳۷۱ ش.

۵۹. ↑ حسین یکتا، «وضعیت نظام بین‌المللی در آستانه جنگ ایران

و عراق در ریشه‌های تهاجم»، ج ۱، ص ۹۹، نگاه، ش ۱۵ و ۱۶ (شهریور و

مهر ۱۳۸۰).

۶۰. ↑ تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، نوشته

نسرین مصفا و دیگران، ص ۱۰۰-۱۰۱، پانویس ۴۱، تهران: دانشگاه

تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی،

۱۳۶۶ ش.

۶۱. ↑تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۱۶۴، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر حقوقی، ۱۳۶۱-۱۳۶۷ ش.

۶۲. ↑علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۳، تهران ۱۳۸۰ ش.

۶۳. ↑سعید خالوزاده، «حمایت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورهای قدرتمند از عراق در طول جنگ با جمهوری اسلامی ایران»، در دعاوی ایران: بررسی کمک‌ها و حمایت‌های غرب به ویژه آمریکا از صدام حسین در جنگ تحمیلی، ج ۱، ص ۴۸۳، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳ ش.

۶۴. ↑رضا موسی‌زاده، «کمک‌های آمریکا به عراق: یک دیدگاه حقوقی»، در دعاوی ایران، ج ۱، ص ۵۲۰.

۶۵. ↑علی سمیعی، کارنامه توصیفی عملیات هشت سال دفاع مقدس، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۵۹، تهران ۱۳۸۲ ش.

۶۶. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ص ۱۶۲-۱۶۳، تهران ۱۳۷۹ ش.

۶۷. ↑علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۴۱، تهران ۱۳۸۰ ش.

۶۸. ↑عباس ملکی، «جنگ تحمیلی و شورای امنیت سازمان ملل متحد»، ج ۱، ص ۱۸۱، مجله سیاست خارجی، سال ۲، ش ۲ (فروردین و خرداد ۱۳۶۷).

۶۹. ↑عباس ملکی، «جنگ تحمیلی و شورای امنیت سازمان ملل متحد»، ج ۱، ص ۱۸۲، مجله سیاست خارجی، سال ۲، ش ۲ (فروردین و خرداد ۱۳۶۷).

۷۰. ↑عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران (تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران)، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۴، تهران ۱۳۷۴ ش.

۷۱. ↑عباس ملکی، «جنگ تحمیلی و شورای امنیت سازمان ملل متحد»، ج ۱، ص ۱۸۱، مجله سیاست خارجی، سال ۲، ش ۲ (فروردین و خرداد ۱۳۶۷).

۷۲. ↑علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۲۴۸-۲۴۹، تهران ۱۳۸۰ ش.

۷۳. ↑محمد مهدی بهداروند، بسترهای پذیرش قطعنامه ۵۹۸، ج ۱، ص ۲۱۹، قم ۱۳۸۳ ش.

۷۴. ↑بهرام نوازی، الگوهای رفتاری ایالات متحده امریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰)، ج ۱، ص ۲۰۱، تهران ۱۳۸۳ ش.

۷۵. ↑عبدالحلیم ابوغزاله، الحرب العراقیه الایرانیه، ۱۹۸۰-۱۹۸۸، ص ۲۲۹-۲۳۰. (بی جا: بی نا)، ۱۹۹۴

۷۶. ↑رضا موسی زاده، «کمک های آمریکا به عراق: یک دیدگاه حقوقی»، در دعاوی ایران، ج ۱، ص ۵۲۵.

۷۷. ↑ منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، ج ۱، ص ۶۴۹-۶۵۱، تهران ۱۳۷۱ ش.

۷۸. ↑ علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۲۷۷، تهران ۱۳۸۰ ش.

۷۹. ↑ سعید خالوزاده، «حمایت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورهای قدرتمند از عراق در طول جنگ با جمهوری اسلامی ایران»، در دعاوی ایران: بررسی کمک‌ها و حمایت‌های غرب به ویژه آمریکا از صدام حسین در جنگ تحمیلی، ج ۱، ص ۴۶۱-۵۱۷، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳ ش.

۸۰. ↑ علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۲۷۷-۲۷۸، تهران ۱۳۸۰ ش.

۸۱. ↑ روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ج ۱۱، ص ۲۳۸-۲۴۱، صحیفه نور، تهران، ج ۷، ۱۳۷۳ ش، ج ۸، ۱۳۷۳ ش، ج ۱۹، ۱۳۶۸ ش، ج ۲۰، ۱۳۶۹ ش.

۸۲. ↑علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۵۳۲ - ۵۵۴، تهران ۱۳۸۰ ش.

۸۳. ↑علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۷، تهران ۱۳۸۰ ش.

۸۴. ↑علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۲۹۷-۳۳۱، تهران ۱۳۸۰ ش.

۸۵. ↑علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۳۳۳، تهران ۱۳۸۰ ش.

۸۶. ↑علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۳۳۴، تهران ۱۳۸۰ ش.

۸۷. ↑علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۷، تهران ۱۳۸۰ ش.

۸۸. ↑فتحی‌علی حسین، «تسویه الصراع العراقی الایرانی»، ص ۱۲۰،

السیاسه الدولیه، ش ۹۵ (ژانویه ۱۹۸۹).

۸۹. ↑علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری

اسلامی ایران، تهران ۱۳۸۰ ش.

۹۰. ↑علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری

اسلامی ایران، ج ۱، ص ۳۵۲-۳۶۰، تهران ۱۳۸۰ ش.

۹۱. ↑علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری

اسلامی ایران، ج ۱، ص ۳۶۲-۴۱۰، تهران ۱۳۸۰ ش.

۹۲. ↑علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری

اسلامی ایران، ج ۱، ص ۴۱۴-۴۲۰، تهران ۱۳۸۰ ش.

۹۳. ↑علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری

اسلامی ایران، ج ۱، ص ۴۲۳-۴۴۵، تهران ۱۳۸۰ ش.

۹۴. ↑حسن ابوطالب، «المفاوضات العراقية الايرانية بينالجمود و الحركه»، ج۱، ص ۱۸۲-۱۸۳، السياسه الدوليه، ش ۱۰۰ (آوريل ۱۹۹۰).

۹۵. ↑محمد دروديان، پايان جنگ: بررسى و تحليل رويدادهای سياسى - نظامى جنگ از عمليات والفجر ۱۰ تا اشغال كويت، ج۱، ص ۲۴۹ - ۲۵۶، تهران ۱۳۸۰ ش الف.

۹۶. ↑متن نامه‌های مبادله شده بين رؤسای جمهورى اسلامى ايران و جمهورى عراق ۱۳۶۹، ج۱، ص ۲۵-۲۷، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سياسى و بين‌المللى، ۱۳۶۹ ش.

۹۷. ↑گاه‌شمار جنگ عراق و ايران ۱۹۸۷: از دى‌ماه ۱۳۶۵ تا آذر ۱۳۶۶، ترجمه پيروز ايزدى، به‌كوشش محمود يزدان‌فام، تهران: دانشكده فرماندهى و ستاد سپاه پاسداران، ۱۳۷۷ ش.

۹۸. ↑متن نامه‌های مبادله شده بين رؤسای جمهورى اسلامى ايران و جمهورى عراق ۱۳۶۹، ج۱، ص ۵۱-۵۷، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سياسى و بين‌المللى، ۱۳۶۹ ش.

۹۹. ↑ متن نامه‌های مبادله شده بین رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۵-۶۹، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹ ش.

۱۰۰. ↑ متن نامه‌های مبادله شده بین رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۷۱-۷۳، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹ ش.

۱۰۱. ↑ محمد درودیان، پایان جنگ: بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰، تهران ۱۳۸۰ ش الف.

۱۰۲. ↑ علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۴۹۶-۴۹۹، تهران ۱۳۸۰ ش.

۱۰۳. ↑ علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۲۳۱، تهران ۱۳۸۰ ش.

۱۰۴. ↑ محسن رشید، گزارش کوتاه، ج ۱، ص ۶۸، تهران ۱۳۸۰ ش.

۱۰۵. ↑ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹- ۲۹ مرداد ۱۳۶۷، ص ۷۶، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۰۶. ↑ محسن رشید، گزارش کوتاه، ج ۱، ص ۶۸، تهران ۱۳۸۰ ش.

۱۰۷. ↑ محمد درودیان، «طراحی و انجام عملیات کربلای ۵»، ج ۱، ص ۳-۲، سند مورخ فروردین ۱۳۶۶، ش ۶۶۱، موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۱۰۸. ↑ ابوالقاسم حبیبی، «گزارش اجمالی سیوهشت عملیات جنگ»، ج ۱، ص ۱۲۵، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹ ش (جزوه تکثیرشده).

۱۰۹. ↑ محمد درودیان، «طراحی و انجام عملیات کربلای ۵»، ج ۱، ص ۱۳، سند مورخ فروردین ۱۳۶۶، ش ۶۶۱، موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۱۱۰. ↑گاه‌شمار جنگ عراق و ایران ۱۹۸۷: از دی‌ماه ۱۳۶۵ تا آذر ۱۳۶۶،

ترجمه پیروز ایزدی، ج ۱، ص ۴-۲، به‌کوشش محمود یزدان‌فام، تهران:

دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، ۱۳۷۷ ش.

۱۱۱. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی

نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ص ۲۵۲، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۱۲. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی

نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ص ۲۵۶، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۱۳. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی

نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ص ۲۷۱-۲۷۲، تهران ۱۳۷۹

ش.

۱۱۴. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی

نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ص ۲۸۱، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۱۵. ↑حسین اردستانی، «عملیات کربلای ۵»، ج ۱، ص ۶۳، سند مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۱، ش ۱۳۶۹، موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۱۱۶. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۸۵، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۱۷. ↑محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، تهران ۱۳۷۶ ش.

۱۱۸. ↑محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، ص ۱۷۴، تهران ۱۳۷۶ ش.

۱۱۹. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ص ۲۸۶-۲۸۸، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۲۰. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۱۱، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۲۱. ↑محسن رشید، گزارش کوتاه، ج ۱، ص ۶۹، تهران ۱۳۸۰ ش.

۱۲۲. ↑محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس، ص ۱۷۶، تهران ۱۳۷۶ ش.

۱۲۳. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۸۸، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۲۴. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ج۱، ص ۳۰۲-۳۰۳، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۲۵. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ج۱، ص ۳۱۴، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۲۶. ↑محسن رشید، گزارش کوتاه، ج۱، ص ۶۹، تهران ۱۳۸۰ ش.

۱۲۷. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ص ۳۱۵، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۲۸. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹-۲۹ مرداد ۱۳۶۷، ص ۸۴، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۲۹. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹- ۲۹ مرداد ۱۳۶۷، ص ۸۴، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۳۰. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹- ۲۹ مرداد ۱۳۶۷، ص ۸۴، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۳۱. ↑حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ص ۲۲۶، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۳۲. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹- ۲۹ مرداد ۱۳۶۷، ص ۱۰۲، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۳۳. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹- ۲۹ مرداد ۱۳۶۷، ص ۱۰۲، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۳۴. ↑روزشمار جنگ ایران و عراق، نویسندگان: مهدی انصاری و دیگران، ج ۱، ص ۳۰۲-۳۰۸، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۲ ش -.

۱۳۵. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹- ۲۹ مرداد ۱۳۶۷، ص ۱۰۲، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۳۶. ↑کمال حسینی، «گزارش عملیات بیت المقدس ۳»، سند مورخ آبان ۱۳۶۷، ش ۶۷۵، موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۱۳۷. ↑داود رنجبر، «عملیات والفجر ۸»، ج ۱، ص ۴-۸، سند مورخ ۱۳۶۶ ش، ش ۱۶۳۷، موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۱۳۸. ↑روزها و رویدادها، تهیه و تنظیم دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، ج ۳، ص ۵۶۹-۵۷۲، تهران: زهد، ۱۳۷۷ ش.

۱۳۹. ↑ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹- ۲۹ مرداد ۱۳۶۷، ص ۱۰۲، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۴۰. ↑ محمد درودیان، شلمچه تا حلبچه: بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ در سال ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۱۷- ۲۴۵، تهران ۱۳۸۴ ش.

۱۴۱. ↑ علی سمیعی، کارنامه توصیفی عملیات هشت سال دفاع مقدس، ج ۱، ص ۴۶۱-۴۶۲، تهران ۱۳۸۲ ش.

۱۴۲. ↑ محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس، تهران ۱۳۷۶ ش.

۱۴۳. ↑ محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس، ص ۱۹۲، تهران ۱۳۷۶ ش.

۱۴۴. ↑ محمدحسین جمشیدی، «جنگ شهرها»، ج ۱، ص ۵۴ - ۵۵،
تاریخ جنگ: فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ش ۱۱ (بهار
۱۳۷۵).

۱۴۵. ↑ موسی کاظمی، «تحلیل آماری جنگ شهرها»، ج ۱، ص ۱۷۱، در
تأملی در جنگ ایران و عراق: چند مسئله راهبردی (مجموعه مقالات)،
به اهتمام مجید مختاری، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز
مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰ ش.

۱۴۶. ↑ عبدالحلیم ابوغزاله، الحرب العراقيه الايرانيه: ۱۹۸۰ - ۱۹۸۸، ج ۱،
ص ۲۴۰-۲۴۲، (بی جا: بی نا)، ۱۹۹۴.

۱۴۷. ↑ محمدحسین جمشیدی، «جنگ شهرها»، ج ۱، ص ۵۵ - ۵۹،
تاریخ جنگ: فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ش ۱۱ (بهار
۱۳۷۵).

۱۴۸. ↑ محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، ص ۱۷۹، تهران ۱۳۷۶ ش.

۱۴۹. ↑ روزشمار جنگ ایران و عراق، نویسندگان: مهدی انصاری و دیگران، ج ۱، ص ۶۲، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۲ ش -.

۱۵۰. ↑ محمد بکایی، دلیران دریا، ج ۱، ص ۱۲، تهران ۱۳۷۴ ش.

۱۵۱. ↑ محمود یزدان‌فام، «سیمای خلیج فارس در واپسین سال جنگ ایران و عراق»، ج ۱، ص ۸۹، نگاه، ش ۱۵ و ۱۶ (شهریور و مهر ۱۳۸۰).

۱۵۲. ↑ حسین اردستانی، تنبیه متجاوز: بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، ص ۳۹۰، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۵۳. ↑ محمود یزدان‌فام، «سیمای خلیج فارس در واپسین سال جنگ ایران و عراق»، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۰، نگاه، ش ۱۵ و ۱۶ (شهریور و مهر ۱۳۸۰).

۱۵۴. ↑محمد درودیان، پایان جنگ: بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت، ج۱، ص ۵۸، تهران ۱۳۸۰ ش الف.

۱۵۵. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، کارنامه نبردهای زمینی، ص ۱۵۴-۱۵۵، تهران ۱۳۸۱ ش.

۱۵۶. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹- ۲۹ مرداد ۱۳۶۷، ص ۱۰۲، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۵۷. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹- ۲۹ مرداد ۱۳۶۷، تص ۱۰۶، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۵۸. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹- ۲۹ مرداد ۱۳۶۷، ص ۶۷، تهران ۱۳۷۹ ش.

۱۵۹. ↑محمد درودیان، پایان جنگ: بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت، ج ۱، ص ۶۶، تهران ۱۳۸۰ ش الف.

۱۶۰. ↑محمد درودیان، خونین شهر تا خرمشهر، ج ۱، ص ۷۲، تهران ۱۳۸۰ ش ب.

۱۶۱. ↑محمد درودیان، خونین شهر تا خرمشهر، ج ۱، ص ۸۵، تهران ۱۳۸۰ ش ب.

۱۶۲. ↑محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس، تهران ۱۳۷۶ ش.

۱۶۳. ↑محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس، ص ۲۰۲، تهران ۱۳۷۶ ش.

۱۶۴. ↑محمد درودیان، پایان جنگ: بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت، ج ۱، ص ۹۷، تهران ۱۳۸۰ ش الف.

۱۶۵. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، راهنمای عملیات‌های جنگ هشت ساله، ص ۱۶۳، تهران ۱۳۶۹ ش.

۱۶۶. ↑محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، تهران ۱۳۷۶ ش.

۱۶۷. ↑محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، ص ۲۰۲، تهران ۱۳۷۶ ش.

۱۶۸. ↑محمد درودیان، پایان جنگ: بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت، ج۱، ص ۱۰۰-۱۰۱، تهران ۱۳۸۰ ش الف.

۱۶۹. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دفتر سیاسی، رویدادها و تحلیل، ش ۴۵، ص ۱۳ (۲۵ تیر ۱۳۶۷)، ش ۴۶ (۲۹ مرداد ۱۳۶۷).

۱۷۰. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، راهنمای عملیات‌های جنگ هشت ساله، ص ۹۰، تهران ۱۳۶۹ ش.

۱۷۱. ↑محمد درودیان، پایان جنگ: بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت، ج۱، ص ۱۱۵، تهران ۱۳۸۰ ش الف.

۱۷۲. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، راهنمای عملیات‌های جنگ هشت ساله، ص ۹۰، تهران ۱۳۶۹ ش.

۱۷۳. ↑ محمد درودیان، پایان جنگ: بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت، ج ۱، ص ۱۱۶، تهران ۱۳۸۰ ش الف.

۱۷۴. ↑ علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۲۷۹، تهران ۱۳۸۰ ش.

۱۷۵. ↑ محمد درودیان، خونین شهر تا خرمشهر، ج ۱، ص ۱۷۵، تهران ۱۳۸۰ ش ب.

۱۷۶. ↑ محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس، تهران ۱۳۷۶ ش.

۱۷۷. ↑ (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس، ص ۲۰۷ - ۲۰۸.

۱۷۸. ↑روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ج ۲۰، ص ۲۴۵، صحیفه نور، تهران، ج ۷، ۱۳۷۳ ش، ج ۸، ۱۳۷۳ ش، ج ۱۹، ۱۳۶۸ ش، ج ۲۰، ۱۳۶۹ ش.

۱۷۹. ↑محمد درودیان، پایان جنگ: بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت، ج ۱، ص ۱۷۸، تهران ۱۳۸۰ ش الف.

۱۸۰. ↑خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ، ص ۹، ش ۱۲۵، ۱ مرداد ۱۳۶۷.

۱۸۱. ↑خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ص ۱، ش ۱۲۸، ۴ مرداد ۱۳۶۷.

۱۸۲. ↑سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دفتر سیاسی، رویدادها و تحلیل، ش ۴۶، ص ۱۷، ش ۴۵، ص ۱۳ (۲۵ تیر ۱۳۶۷)، ش ۴۶ (۲۹ مرداد ۱۳۶۷).

۱۸۳. ↑محمد شبانی، «عوامل مؤثر بر شکست سازمان مجاهدین خلق در عملیات فروغ جاویدان»، ج ۱، ص ۹۳، فصلنامه دفاعی و امنیتی، ش ۳۱ (تابستان ۱۳۸۱).

۱۸۴. ↑محمد درودیان، پایان جنگ: بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت، ج ۱، ص ۲۱۲، تهران ۱۳۸۰ ش الف.



فهرست کشورها و مناطق بر پایه پهناوری

	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
—	زمین	۱۴۸,۹۴۰,۰۰۰	۱۰۰٪
۱	 روسیه	۱۷,۰۹۸,۲۴۶	۱۱,۴۸٪
—	جنوبگان	۱۴,۲۰۰,۰۰۰	۹,۴٪
۲	 کانادا	۹,۹۸۴,۶۷۰	۶,۷٪
۳	 ایالات متحده آمریکا	۹,۸۲۶,۶۷۵	۶,۵٪
۴	 چین	۹,۵۹۶,۹۶۰	۶,۴٪
۵	 برزیل	۸,۵۱۵,۷۶۷	۵,۷۱٪
۶	 استرالیا	۷,۷۴۱,۲۲۰	۵,۱۶٪
۷	 هند	۳,۲۷۸,۲۶۳	۲,۱۲٪
۸	 آرژانتین	۲,۷۸۰,۴۰۰	۱,۸۶٪
۹	 قزاقستان	۲,۷۲۴,۹۰۰	۱,۸۳٪
۱۰	 الجزایر	۲,۳۸۱,۷۴۱	۱,۶٪
۱۱	 جمهوری دموکراتیک کنگو	۲,۳۴۴,۸۵۸	۱,۵۲٪
—	 گرینلند (دانمارک)	۲,۱۶۶,۰۸۶	۱,۴۵٪
۱۲	 عربستان سعودی	۲,۱۴۹,۶۹۰	۱,۴۴٪
۱۳	 مکزیک	۱,۹۶۴,۳۷۵	۱,۳۱٪
۱۴	 اندونزی	۱,۹۰۴,۵۶۹	۱,۲۹٪
۱۵	 سودان	۱,۸۶۱,۴۸۴	۱,۲۶٪
۱۶	 لیبی	۱,۷۵۹,۵۴۰	۱,۱۹٪
۱۷	 ایران	۱,۶۴۸,۱۹۵	۱,۱٪
۱۸	 مغولستان	۱,۵۶۴,۱۱۶	۱,۰۵٪

	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
۱۹	 پرو	۱,۲۸۵,۲۱۶	۰,۸۶٪
۲۰	 چاد	۱,۲۸۴,۰۰۰	۰,۸۶٪
۲۱	 نیجر	۱,۲۶۷,۰۰۰	۰,۸۵٪
۲۲	 آنگولا	۱,۲۴۶,۷۰۰	۰,۸۳٪
۲۳	 مالی	۱,۲۴۰,۱۹۲	۰,۸۳٪
۲۴	 آفریقای جنوبی	۱,۲۱۹,۰۹۰	۰,۸۲٪
۲۵	 کلمبیا	۱,۱۳۸,۹۱۰	۰,۷۶٪
۲۶	 اتیوپی	۱,۱۰۴,۳۰۰	۰,۷۴٪
۲۷	 بولیوی	۱,۰۹۸,۵۸۱	۰,۷۳٪
۲۸	 موریتانی	۱,۰۳۰,۷۰۰	۰,۶۹٪
۲۹	 مصر	۱,۰۰۱,۴۵۰	۰,۶۷٪
۳۰	 تانزانیا	۹۴۷,۳۰۳	۰,۶۳٪
۳۱	 نیجریه	۹۲۳,۷۶۸	۰,۶۲٪
۳۲	 ونزوئلا	۹۱۲,۰۵۰	۰,۶۱٪
۳۳	 پاکستان	۸۸۲,۳۶۳	۰,۵۹٪
۳۴	 نامیبیا	۸۲۴,۲۹۲	۰,۵۵٪
۳۵	 موزامبیک	۷۹۹,۳۸۰	۰,۵۳٪
۳۶	 ترکیه	۷۸۳,۵۶۲	۰,۵۱٪
۳۷	 شیلی	۷۵۶,۱۰۲	۰,۵۱٪
۳۸	 زامبیا	۷۵۲,۶۱۲	۰,۵۱٪
۳۹	 میانمار	۶۷۶,۵۷۸	۰,۴۵٪
۴۰	 افغانستان	۶۵۲,۸۶۴	۰,۴۴٪
۴۱	 سودان جنوبی	۶۴۴,۳۲۹	۰,۴۱٪

	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
۴۲	 فرانسه	۶۴۳,۸۰۱	۰,۴۳٪
۴۳	 سومالی	۶۳۷,۶۵۷	۰,۴۲٪
۴۴	 جمهوری آفریقای مرکزی	۶۲۲,۹۸۴	۰,۴۱٪
۴۵	 اوکراین	۶۰۳,۵۵۰	۰,۴٪
۴۶	 ماداگاسکار	۵۸۷,۰۴۱	۰,۳۹٪
۴۷	 بوتسوانا	۵۸۲,۰۰۰	۰,۳۹
۴۸	 کنیا	۵۸۰,۳۶۷	۰,۳۸٪
۴۹	 یمن	۵۲۷,۹۶۸	۰,۳۵٪
۵۰	 تایلند	۵۱۳,۱۲۰	۰,۳۴٪
۵۱	 اسپانیا	۵۰۵,۳۷۰	۰,۳۳٪
۵۲	 ترکمنستان	۴۸۸,۱۰۰	۰,۳۲٪
۵۳	 کامرون	۴۷۵,۶۵۰	۰,۳۱
۵۴	 پاپوا گینه نو	۴۶۲,۸۴۰	۰,۳۱
۵۵	 سوئد	۴۵۰,۲۹۵	۰,۳٪
۵۶	 ازبکستان	۴۴۷,۴۰۰	۰,۳٪
۵۷	 عراق	۴۴۶,۵۵۰	۰,۲۹
۵۸	 پاراگوئه	۴۳۸,۳۱۷	۰,۲۹٪
۵۹	 زیمبابوه	۴۰۶,۷۵۲	۰,۲۷٪
۶۰	 نروژ	۳۹۰,۷۵۷	۰,۲۶
۶۱	 ژاپن	۳۸۶,۲۲۴	۰,۲۱٪
۶۲	 آلمان	۳۷۷,۹۱۵	۰,۲۵٪
۶۳	 جمهوری کنگو	۳۵۷,۵۸۱	۰,۲۳٪
۶۴		۳۴۲,۰۰۰	۰,۲۲

	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
۶۵	 فنلاند	۳۳۸,۱۴۵	۰,۲۲٪
۶۶	 ویتنام	۳۳۱,۳۴۰	۰,۲۲٪
۶۷	 مالزی	۳۳۰,۸۰۳	۰,۲۲٪
۶۸	 ساحل عاج	۳۲۲,۴۶۲	۰,۲۱
۶۹	 لهستان	۳۱۲,۶۸۵	۰,۲٪
۷۰	 عمان	۳۰۹,۵۰۰	۰,۲٪
۷۱	 ایتالیا	۳۰۲,۰۶۸	۰,۲٪
۷۲	 فیلیپین	۳۰۰,۰۰۰	۰,۲٪
۷۳	 اکوادور	۲۸۳,۵۶۱	۰,۱۸
۷۴	 بورکینافاسو	۲۷۴,۲۰۰	۰,۱۸٪
۷۵	 نیوزیلند	۲۶۸,۸۳۸	۰,۱۸٪
۷۶	 گابن	۲۶۷,۶۶۸	۰,۱۷٪
—	 صحرای غربی	۲۶۶,۰۰۰	۰,۱۷
۷۷	 گینه	۲۴۵,۸۵۷	۰,۱۶٪
۷۸	 بریتانیا	۲۴۴,۳۷۶	۰,۱۶٪
۷۹	 اوگاندا	۲۴۱,۵۵۰	۰,۱۶٪
۸۰	 غنا	۲۳۸,۵۳۷	۰,۱۶٪
۸۱	 رومانی	۲۳۸,۳۹۸	۰,۱۶٪
۸۲	 لائوس	۲۳۶,۸۰۰	۰,۱۵٪
۸۳	 گویان	۲۱۴,۹۶۹	۰,۱۴٪
۸۴	 بلاروس	۲۰۷,۶۰۰	۰,۱۳٪
۸۵	 قرقیزستان	۱۹۹,۹۴۹	۰,۱۳٪
۸۶	 سنگال	۱۹۶,۷۱۲	۰,۱۳

	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
۸۷	 سوریه	۱۸۵,۱۸۰	۰,۱۲٪
۸۸	 کامبوج	۱۸۱,۰۳۵	۰,۱۲٪
۸۹	 اروگوئه	۱۷۶,۲۱۵	۰,۱۱٪
۹۰	 سورینام	۱۶۳,۸۲۰	۰,۱٪
۹۱	 تونس	۱۶۳,۶۱۰	۰,۱٪
۹۲	 بنگلادش	۱۴۸,۴۶۰	۰,۰۹٪
۹۳	 نپال	۱۴۷,۱۸۱	۰,۰۹٪
۹۴	 تاجیکستان	۱۴۴,۱۰۰	۰,۰۹٪
—	 سومالی‌لند	۱۳۷,۶۰۰	۰,۰۹٪
۹۵	 یونان	۱۳۱,۹۵۷	۰,۰۸٪
—	 انگلستان	۱۳۰,۳۹۵	۰,۰۸٪
۹۶	 نیکاراگوئه	۱۳۰,۳۷۳	۰,۰۸٪
۹۷	 کره شمالی	۱۲۰,۵۳۸	۰,۰۸٪
۹۸	 مالاوی	۱۱۸,۴۸۴	۰,۰۷٪
۹۹	 اریتره	۱۱۷,۶۰۰	۰,۰۷٪
۱۰۰	 بنین	۱۱۴,۷۶۳	۰,۰۷٪
۱۰۱	 هندوراس	۱۱۲,۴۹۲	۰,۰۷٪
۱۰۲	 لیبریا	۱۱۱,۳۶۹	۰,۰۷٪
۱۰۳	 بلغارستان	۱۱۰,۸۷۹	۰,۰۷٪
۱۰۴	 کوبا	۱۰۹,۸۸۴	۰,۰۷٪
۱۰۵	 گواتمالا	۱۰۸,۸۸۹	۰,۰۷٪
۱۰۶	 ایسلند	۱۰۳,۰۰۰	۰,۰۶٪
۱۰۷	 کره جنوبی	۱۰۰,۴۳۲	۰,۰۶٪

	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
۱۰۸	 مجارستان	۹۳,۰۲۵	۰,۰۶
۱۰۹	 پرتغال	۹۲,۲۲۵	۰,۰۶
—	 گویان فرانسه	۹۰,۰۰۰	۰,۰۶
۱۱۰	 اردن	۸۹,۳۱۸	۰,۰۵
۱۱۱	 صربستان	۸۸,۴۹۹	۰,۰۵
۱۱۲	 جمهوری آذربایجان	۸۶,۶۰۰	۰,۰۵٪
۱۱۳	 اتریش	۸۳,۸۷۸	۰,۰۵٪
۱۱۴	 امارات متحده عربی	۸۳,۶۰۰	۰,۰۵
۱۱۵	 جمهوری چک	۷۸,۸۷۱	۰,۰۵٪
—	 اسکاتلند	۷۸,۳۸۷	۰,۰۵٪
۱۱۶	 پاناما	۷۵,۳۲۰	۰,۰۵
۱۱۷	 سیرالئون	۷۲,۳۰۰	۰,۰۴
۱۱۸	 جمهوری ایرلند	۷۰,۲۷۳	۰,۰۴
۱۱۹	 گرجستان	۶۹,۷۰۰	۰,۰۴٪
۱۲۱	 سری لانکا	۶۵,۶۱۰	۰,۰۴٪
۱۲۲	 لیتوانی	۶۵,۲۸۶	۰,۰۴
۱۲۳	 لتونی	۶۴,۵۹۴	۰,۰۴٪
—	 سوالبارد	۶۲,۰۴۵	۰,۰۴٪
۱۲۴	 توگو	۵۶,۷۸۵	۰,۰۳٪
۱۲۵	 کرواسی	۵۶,۵۹۴	۰,۰۳٪
۱۲۶	 بوسنی و هرزگوین	۵۱,۲۰۹	۰,۰۳
۱۲۷	 کاستاریکا	۵۱,۱۰۰	۰,۰۳٪
۱۲۸	 اسلواکی	۴۹,۰۳۵	۰,۰۳

	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
۱۲۹	 جمهوری دومینیک	۴۸,۶۷۰	۰,۰۳
۱۳۰	 استونی	۴۵,۳۳۹	۰,۰۳٪
۱۳۱	 دانمارک	۴۲,۹۴۷	۰,۰۲
۱۳۲	 هلند	۴۱,۸۶۵	۰,۰۲٪
۱۳۳	 سوئیس	۴۱,۲۹۱	۰,۰۲٪
۱۳۴	 بوتان (کشور)	۳۸,۳۹۴	۰,۰۲
۱۳۵	 گینه بیسائو	۳۶,۱۲۵	۰,۰۲٪
—	 تایوان	۳۵,۹۸۰	۰,۰۲
۱۳۶	 مولداوی	۳۳,۸۴۷	۰,۰۲٪
۱۳۷	 بلژیک	۳۰,۵۲۸	۰,۰۲٪
۱۳۸	 لسوتو	۳۰,۳۵۵	۰,۰۲٪
۱۳۹	 ارمنستان	۲۹,۷۴۳	۰,۰۲٪
۱۴۰	 جزایر سلیمان	۲۸,۸۹۶	۰,۰۱٪
۱۴۱	 آلبانی	۲۸,۷۴۸	۰,۰۱٪
۱۴۲	 گینه استوایی	۲۸,۰۵۱	۰,۰۱٪
۱۴۳	 برونیدی	۲۷,۸۳۴	۰,۰۱٪
۱۴۴	 هائیتی	۲۷,۷۵۰	۰,۰۱٪
۱۴۵	 رواندا	۲۶,۳۳۸	۰,۰۱٪
۱۴۶	 مقدونیه شمالی	۲۵,۷۱۳	۰,۰۱٪
۱۴۷	 جیبوتی	۲۳,۲۰۰	۰,۰۱٪
۱۴۸	 بلیز	۲۲,۹۶۵	۰,۰۱٪
—	 اسرائیل	۲۲,۱۴۵	۰,۰۱٪
۱۴۹	 السالوادور	۲۱,۰۴۱	۰,۰۱٪

	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
۱۵۰	 ولز	۲۰,۷۷۹	۰,۰۱٪
۱۵۱	 اسلوونی	۲۰,۲۷۳	۰,۰۱٪
—	 کالدونیای جدید	۱۸,۵۷۵	۰,۰۱٪
۱۵۲	 فیجی	۱۸,۲۷۲	۰,۰۱٪
۱۵۳	 کویت	۱۷,۸۱۸	۰,۰۱٪
۱۵۴	 اسواتینی	۱۷,۳۶۳	۰,۰۱٪
۱۵۵	 تیمور شرقی	۱۴,۸۷۴	۰,۰۰۹٪
۱۵۶	 باهاما	۱۳,۸۸۰	۰,۰۰۹٪
—	 ایرلند شمالی	۱۳,۸۴۳	۰,۰۰۹٪
۱۵۷	 مونته‌نگرو	۱۳,۸۱۲	۰,۰۰۹٪
۱۵۷	 وانواتو	۱۲,۱۸۹	۰,۰۰۸٪
—	 جزایر فالکلند	۱۲,۱۷۳	۰,۰۰۸٪
۱۵۸	 قطر	۱۱,۵۸۶	۰,۰۰۷٪
۱۵۹	 گامبیا	۱۱,۲۹۵	۰,۰۰۷٪
۱۶۰	 جامائیکا	۱۰,۹۹۱	۰,۰۰۷٪
—	 کوزوو	۱۰,۸۸۷	۰,۰۰۷٪
۱۶۱	 لبنان	۱۰,۴۵۲	۰,۰۰۷٪
۱۶۲	 قبرس	۹,۲۵۱	۰,۰۰۶٪
—	 پورتوریکو	۹,۱۰۰	۰,۰۰۵٪
—	 آبخاز	۸,۶۶۵	۰,۰۰۵٪
—	 جزایر گالاپاگوس	۷,۸۸۰	۰,۰۰۵٪
—	 سرزمین‌های جنوبی و جنوبگانی فرانسه	۷,۷۴۷	۰,۰۰۵٪

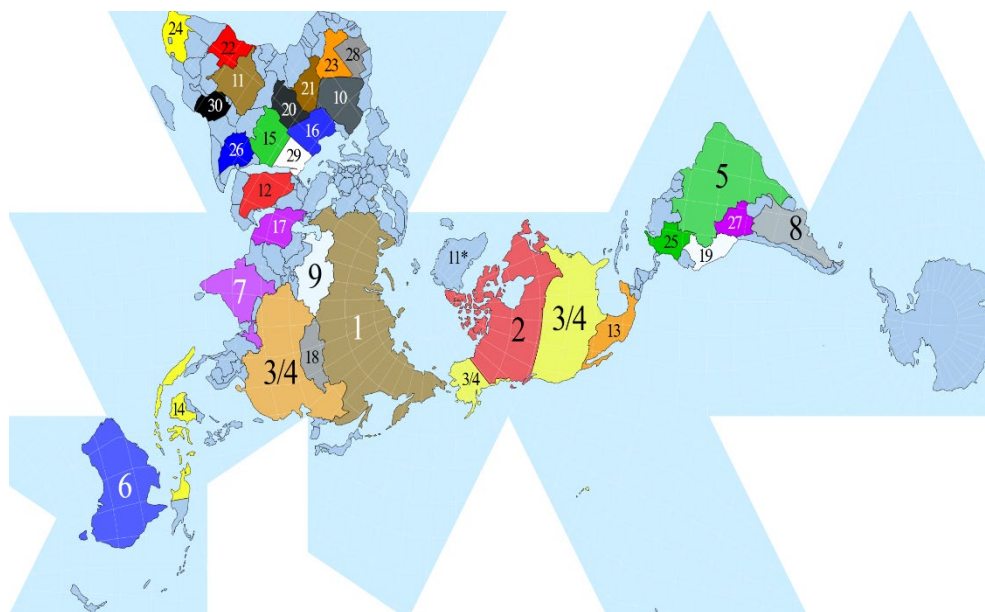
	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
—	 جزایر کوچک حاشیه‌ای ایالات متحده آمریکا	۷,۷۰۰	۰,۰۰۵٪
۱۶۳	 فلسطین	۶,۰۲۰	۰,۰۰۴٪
۱۶۴	 بروئی	۵,۷۶۵	۰,۰۰۳٪
۱۶۵	 ترینیداد و توباگو	۵,۱۲۷	۰,۰۰۳٪
—	 پلی‌نزی فرانسه	۴,۱۶۷	۰,۰۰۳٪
—	 ترانس‌نیستریا	۴,۱۶۳	۰,۰۰۲٪
۱۶۶	 کیپ ورد	۴,۰۳۳	۰,۰۰۲٪
—	 جورجیای جنوبی و جزایر ساندویچ جنوبی	۳,۹۰۳	۰,۰۰۲٪
—	 اوستیای جنوبی	۳,۹۰۰	۰,۰۰۲٪
۱۶۷	 ساموآ	۲,۸۴۲	۰,۰۰۱٪
۱۶۸	 لوکزامبورگ	۲,۵۸۶	۰,۰۰۱٪
—	 رئونین	۲,۵۱۰	۰,۰۰۱٪
۱۶۹	 موریس	۲,۰۴۰	۰,۰۰۱٪
۱۷۰	 کومور	۱,۸۶۱	۰,۰۰۱٪
۱۷۱	 جزیره گوادلوپ	۱,۷۰۵	۰,۰۰۱٪
—	 جزایر فارو	۱,۳۹۳	۰,۰۰۰۹٪
—	 هنگ کنگ	۱,۱۱۴	۰,۰۰۰۸٪
—	 مارتینیک	۱,۱۰۲	۰,۰۰۰۷٪
۱۷۲	 سائوتومه و پرنسیپ	۹۶۴	۰,۰۰۰۶٪
—	 جزایر تورکس و کایکوس	۹۴۸	۰,۰۰۰۶٪
۱۷۳	 کیریباتی	۸۱۱	۰,۰۰۰۵٪

	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
—	 آنتیل هلند	۸۰۰	۰٫۰۰۰۵
۱۷۴	 بحرین	۷۷۸	۰٫۰۰۰۵٪
۱۷۵	 دومینیکا	۷۵۰	۰٫۰۰۰۵٪
۱۷۶	 تونگا	۷۴۷	۰٫۰۰۰۵٪
۱۷۷	 سنگاپور	۷۳۶	۰٫۰۰۰۴
۱۷۸	 ایالات فدرال میکرونزی	۷۰۲	۰٫۰۰۰۴٪
۱۷۹	 سنت لوسیا	۶۱۶	۰٫۰۰۰۴
—	 جزیره من	۵۷۲	۰٫۰۰۰۳٪
۱۸۰	 گوآم	۵۴۱	۰٫۰۰۰۳٪
۱۸۱	 آندورا	۴۶۸	۰٫۰۰۰۳٪
—	 جزایر ماریانای شمالی	۴۵۷	۰٫۰۰۰۳٪
۱۸۲	 پالائو	۴۵۹	۰٫۰۰۰۳٪
۱۸۳	 سیشل	۴۵۷	۰٫۰۰۰۳٪
—	 کوراسائو	۴۴۴	۰٫۰۰۰۲٪
۱۸۴	 آنتیگوآ و باربودا	۴۴۲	۰٫۰۰۰۲٪
۱۸۵	 باربادوس	۴۳۱	۰٫۰۰۰۲٪
—	 جزیره هرد و جزایر مکدونالد	۴۱۲	۰٫۰۰۰۲٪
—	 سنت هلنا، اسنشن و تریستان دا کونا	۳۹۴	۰٫۰۰۰۲
۱۸۶	 سنت وینسنت و گرنادینها	۳۸۹	۰٫۰۰۰۲٪
—	 یان ماین	۳۷۷	۰٫۰۰۰۲٪
—	 جزایر ویرجین ایالات متحده	۳۴۷	۰٫۰۰۰۲٪
۱۸۷	 گرنادا	۳۴۵	۰٫۰۰۰۲٪

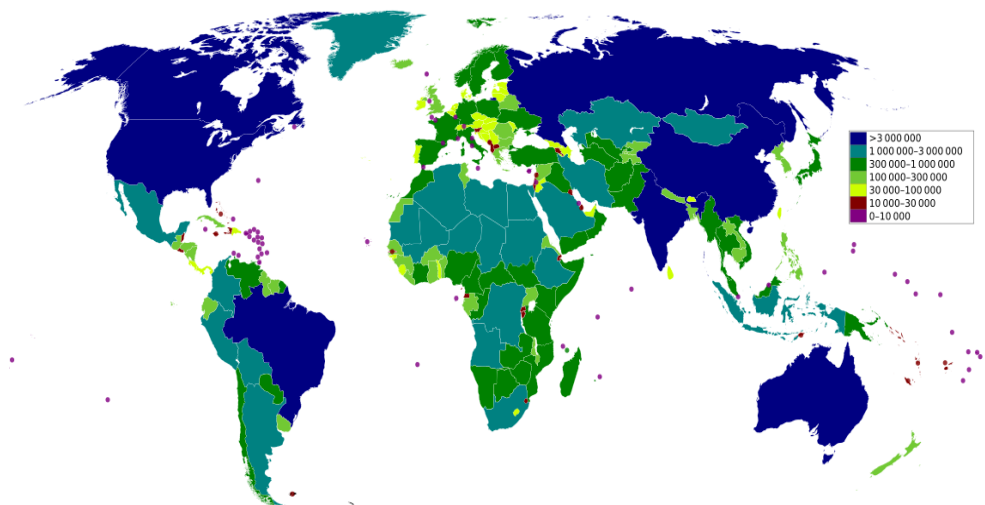
	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
۱۸۸	 مالت	۳۱۵	۰٫۰۰۰۲٪
۱۸۹	 مالدیو	۳۰۰	۰٫۰۰۰۲٪
—	 جزایر کیمن	۲۶۴	۰٫۰۰۰۱٪
۱۹۰	 سنت کیتس و نویس	۲۶۱	۰٫۰۰۰۱٪
—	 نیووی	۲۶۰	۰٫۰۰۰۱٪
—	 آکراتاری و داکیلیا	۲۵۴	۰٫۰۰۰۱٪
—	 سنت پیر و ماژلان	۲۴۲	۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزایر کوک	۲۳۶	۰٫۰۰۰۱٪
—	 ساموای آمریکا	۱۹۹	۰٫۰۰۰۱٪
۱۹۱	 جزایر مارشال	۱۸۱	۰٫۰۰۰۱٪
—	 آروبا	۱۸۰	۰٫۰۰۰۱٪
۱۹۲	 لیختن اشتاین	۱۶۰	۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزایر ویرجین بریتانیا	۱۵۱	۰٫۰۰۰۱٪
—	 والیس و فوتونا	۱۴۲	-۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزیره کریسمس	۱۳۵	-۰٫۰۰۰۱٪
—	 جرزی	۱۱۶	-۰٫۰۰۰۱٪
—	 مونتسرات	۱۰۳	-۰٫۰۰۰۱٪
—	 آنگویلا	۹۱	-۰٫۰۰۰۱٪
—	 گرنزی	۷۸	-۰٫۰۰۰۱٪
۱۹۳	 سان مارینو	۶۱	-۰٫۰۰۰۱٪
—	 قلمرو اقیانوس هند بریتانیا	۶۰	-۰٫۰۰۰۱٪
—	 برمودا	۵۴	-۰٫۰۰۰۱٪
—	 سنت مارتین	۵۳	-۰٫۰۰۰۱٪

	کشور / منطقه	وسعت در کیلومتر مربع	نهفتند درصد از کل
—	 جزیره بووه	۴۹	۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزایر پیت کرن	۴۷	۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزیره نورفک	۳۶	۰٫۰۰۰۱٪
—	 سنت مارتین	۳۴	۰٫۰۰۰۱٪
—	 ماکائو	۳۳	۰٫۰۰۰۱٪
۱۹۴	 تووالو	۲۶	۰٫۰۰۰۱٪
۱۹۵	 نائورو	۲۱	۰٫۰۰۰۱٪
—	 سنت بارثلمی	۲۱	۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزایر کوکوس	۱۴	۰٫۰۰۰۱٪
—	 توکلانو	۱۲	۰٫۰۰۰۱٪
۱۹۶	 جبل طارق	۶٫۸	۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزیره ویک	۶٫۵	۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزیره کلیپرتون	۶	۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزیره ناواسا	۵٫۴	۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزیره‌های آشمور و کارتیر	۵	۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزایر کورال	۳	۰٫۰۰۰۱٪
—	 جزایر اسپراتلی	۲	۰٫۰۰۰۱٪
۱۹۷	 موناکو	۲٫۰	۰٫۰۰۰۱٪
۱۹۸	 واتیکان	۰٫۴۹	۰٫۰۰۰۱٪

نقشه دیماکسیون جهان با ۳۰ کشور و قلمرو پهناور بر پایه پهناوری



نقشه کشورهای جهان بر پایه پهناوری



جداول و نقشه های بالا و لیست فهرستی از کشورهای جهان و قلمروهای وابسته آنهاست که بر اساس مساحت کل، شامل زمین و آب، رتبه‌بندی شده‌اند در ذیل همین صفحه آمده است، نشان دهنده ۱۹۸ کشوری هستند که به عنوان کشور عضو سازمان ملل هستند. بسیاری از این کشورها اندازه یک روستای کوچک هم نمی باشند؟! و مساحت خیلی کمی با جمعیت به اندازه چند صد نفر بیشتر ندارند و اکثر این کشورها تحت قیومیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... قدرتهای بزرگ می باشند. یکی از دلایلی که ما ادعا داریم بیش از ۸۰ کشور در جنگ کمک صدام بودند، وجود همین کشورهای ذره بینی در پهنه گیتی هستند، که به عنوان پایگاه های جاسوسی، محل دیوی سلاح، بنادر، نصب رادارهای جاسوسی و... بوده اند که از طریق قدرت های بزرگ پشتیبان رژیم صدام ، عملا این کشورها هم پشتیبان و کمک صدام بودند و این طور می توان نتیجه گرفت، که غیر از چند کشور دوست و همراه زمان جنگ تحمیلی، بقیه کشورهای دنیا در مقابل نظام اسلامی ایران قرار داشتند که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در خدمت و کمک رسانی به استکبار جهانی و کشور عراق بودند.

کوچک ترین کشور های دنیا که از وجودشان بی خبر بودید

بیش از ۲۰۰ کشور در دنیا وجود دارد که ما مطمئن هستیم دست کم یک بار درباره ی آن ها شنیده ایم. اما کشورهایی بر روی سیاره ی ما هست که اصلاً نمی دانستیم وجود دارند. این کشورها مساحت بسیار کمی دارند و جمعیت بعضی از آن ها بیشتر از چند خانوار نیست.

پالائو / Palau



مساحت: ۴۵۹ کیلومتر مربع _ جمعیت: ۲۱,۳۴۷ نفر

جمهوری پالاو یک کشور جزیره ای است که از بیش از ۳۰۰ جزیره در اندازه های مختلف تشکیل شده است. پالاو یکی از شگفت انگیزترین مکان های روی زمین است: جنگل های بارانی آن مملوء از گیاهان و پرندگان منحصر به فرد است و آب های آن محل زندگی ۱۳۰ گونه ی در خطر انقراض از کوسه ها است. اما چشمگیرترین نقطه ی آن دریاچه ای با بیش از ۲ میلیون عروس دریایی است. البته جای نگرانی نیست، چون این عروس های دریایی توانایی نیش زدن را از دست داده اند.



مساحت: ۴۶/۲۶۱ کیلومتر مربع _ جمعیت: ۱،۱۹۰ نفر

نیووی یک کشور جزیره ای در منطقه ی اقیانوسیه است. علیرغم داشتن مناظر شگفت انگیز، گردشگری در این کشور رواج ندارد. به همین دلیل این کشور بیشتر به کمک های خارجی تکیه دارد، به ویژه از سوی نیوزلند. پایتخت نیووی، دهکده ی کوچکی با جمعیتی کمتر از ۶۰۰ نفر است. این جزیره اما برای خود فرودگاه و یک سوپرمارکت واقعی دارد که تنها سوپرمارکت در کل این کشور است.

سنت کیس و نویس / Saint Kitts and Nevis



مساحت: ۲۶۱ کیلومتر مربع _ جمعیت: ۵۲،۳۲۹ نفر

این کشور از ۲ جزیره تشکیل شده است: سنت کیس و نویس. یکی از منابع اصلی درآمد این کشور برنامه ی اعطای شهروندی آن است که به هر کسی که دست کم ۲۵۰ هزار دلار برای سرمایه گذاری در صنعت شکر این کشور داشته باشد، می تواند شهروندی آن را به دست آورد. یک راه دیگر برای دریافت شهروندی این کشور خرید ملکی در یکی از این دو جزیره است که ارزش آن کمتر از ۴۰۰ هزار دلار نباشد.

شاهزاده نشین هات ریور / The Principality of Hutt River



مساحت: ۷۵ کیلومتر مربع _ جمعیت: ۳۰ نفر

شاه نشین هات ریوز یک ریزکشور است که در استانی به همین نام در استرالیا قرار دارد و توسط لئونارد کسلی پایه گذاری شده که تصمیم گرفت مزرعه ی خودش را یک کشور جدید و مستقل اعلام کند. این کشور گرچه توسط کشورهای دیگر دنیا به رسمیت شناخته نمی شود، اما پول، تمبر و گذرنامه ی مخصوص به خود را دارد. در بخش های مختلف آن، گردشگران می توانند سردیس های اعلیحضرت شاهزاده لئونارد اول را ببینند.

تووالو / Tuvalu



مساحت: ۲۶ کیلومتر مربع

جمعیت: ۱۰,۹۵۹ نفر

تووالو یکی از کوچک ترین و فقیرترین کشورهای دنیا است. این کشور کوچک اگر دامنه ی اینترنتی tv. را دریافت نکرده بود، وضعیت اقتصادی آن می توانست به مراقب فاجعه بارتر باشد، چرا که این دامنه هر ساله میلیون ها دلار نصیب بودجه ی این کشور می کند.

نائورو / Nauru



مساحت: ۲۱ کیلومتر مربع _ جمعیت: ۹,۵۹۱ نفر

نائورو کوچک ترین جمهوری مستقل و کوچک ترین کشور جزیره ای روی سیاره ی ما است. نائورو نه پایتختی رسمی دارد و نه سیستم حمل و نقل عمومی و مردم آن با وسایل نقلیه ی شخصی خود در تمام ۴۰ کیلومتر جاده ی آن تردد می کنند. مشکلات زیست محیطی نائورو سبب شده این کشور محبوبیتی در میان گردشگران نداشته باشد. یکی دیگر از «رکورد»های نائورو جمعیت چاق آن است: نرخ چاقی در این کشور کوچک بیش از ۷۰ درصد است.

شاهزاده نشین سبورگا / The Principality of Seborga



مساحت: ۹۱/۴ کیلومتر مربع _ جمعیت: ۳۱۲ نفر

این ریزکشور در قلمرو ایتالیا قرار دارد و مارچلوی اول بر آن حکومت می کند. شاهزاده نشین سبورگا در حقیقت روستایی به همین نام در نزدیکی مرز فرانسه است. این کشور که به رسمیت شناخته نشده، ارتشی متشکل از ۳ نفر دارد: وزیر دفاع و ۲ مرزبان.

جمهوری مولوسیا / The Republic of Molossia



مساحت: ۵۵/۰ کیلومتر مربع _ جمعیت: ۷ نفر

جمهوری خودخوانده ی مولوسیا یک ریزکشور است که توسط کوین بو در ایالت نوادای آمریکا پایه گذاری شد. جمعیت آن متشکل از خود

کوبین بو، خانواده اش، ۳ سگ، یک گربه و یک خرگوش است. مولوسیا سرود ملی، نشان ملی و پرچم مخصوص به خود را دارد. آن ها حتی برای برخی جرایم جدی مجازات اعدام تعیین کرده اند. مولوسیا گذرنامه ی مخصوص به خود را صادر می کند و حتی یک برنامه ی فضایی دارد. در ماه مه ۲۰۱۷، این جمهوری ۴۰ ساله شد.

شاهزاده نشین سیلند / The Principality of Sealand



مساحت: ۰/۰۴ کیلومتر مربع _ جمعیت: ۲۷ نفر

کشور سیلند که به رسمیت شناخته نشده، یک سکوی دریایی است که در فاصله ی حدوداً ۱۰ کیلومتری از ساحل بریتانیا قرار دارد. یک شاهزاده ی خودخوانده به نام ریجنت بر سیلند حکومت می کند و هر کسی در آن می تواند کنت، بارون یا حتی دوک شود. در حقیقت هر کسی می تواند با پرداخت چند صد پوند بریتانیا از طریق وبسایت این کشور برای خود یک لقب اشرافی خریداری کند.

نظام مستقل مالت / Sovereign Military Order of Malta



مساحت: ۰/۱۲ کیلومتر مربع _ جمعیت: ۱۱۳،۵۰۰ نفر

علاوه بر شهر واتیکان، یک ریز کشور دیگر هم در قلمرو رم وجود دارد که نظام مستقل مالت نام دارد. این کشور تنها ۳ ساختمان دارد که ۲ ساختمان آن در رم و دیگری در جزیره ی مالت قرار دارد. این کشور پول، تمبر، شماره پلاک خودرو و گذرنامه ی مخصوص به خود را دارد. این کشور که به عنوان جمهوری مالت شناخته می شود ، در واقع از نظر فنی یک کشور جزیره ای است. ببینید ، مالت از سه جزیره بزرگ تشکیل شده است که در مجموع به عنوان مالت نامیده می شود. سه جزیره ، بدون ترتیب خاصی ، عبارتند از Comino، Malta و Gozo. هر چند ممکن است برای یکی از جزایر با نام کشور جمعی گیج کننده به نظر برسد ، اما اهمیت بیشتری به جزیره مالت داده نمی شود. مالت یک کشور اروپای جنوبی در ۵۰ مایلی جنوب سیسیل است. مالت تنها ۱۲۲ مایل مربع زمین دارد و پایتخت آن ، والتا ، کوچکترین پایتخت اتحادیه اروپا است. مالت یکی از مقاصد گردشگری محبوب ، دارای قدیمی ترین بناهای مستقل در جهان است. مالت یکی از کوچکترین کشورهای جهان و یکی از پرجمعیت ترین کشورها است. جمعیت تخمینی ۴۲۲۰۰۰ نفر آن تنها در ۱۲۲ مایل مربع ، با تراکم جمعیت ۱۵۶۲

نفر در کیلومتر مربع (۴,۰۷۷ در مایل مربع) ، که رتبه هفتم جهان را دارد ، پراکنده شده است. پایتخت والتا است ، اما بزرگترین شهر بیرکیرکارا با ۲۲۰۰۰ نفر جمعیت است.

واتیکان



شاید تصور آن دشوار باشد ، اما کشوری در جهان کوچکتر از پارک مرکزی نیویورک و کشوری با جمعیت کمتر از یک مدرسه دبیرستانی وجود دارد. بر اساس خشکی ، شهر واتیکان **اولین کشور کوچک جهان** است که تنها ۲/۰ مایل مربع وسعت دارد و تقریباً ۱۲۰ برابر کوچکتر

از جزیره منهن است. با در نظر گرفتن جمعیت این کشور و تقسیم آن بر مجموع مایل مربع در مرزهای کشور ، می توانیم تعداد افراد را در رابطه با میزان زمین مشخص کنیم. . اندازه جمعیت شهر واتیکان در حال حاضر حدود هزار نفر تخمین زده می شود.

موناکو



موناکو جایی که لقب **دومین کشور کوچک جهان** را دارد کشوری است که در امتداد ساحل رودخانه همیشه زیبا فرانسه واقع شده است. موناکو به عنوان کشوری مقصد برای خوش گذرانی ثروتمندان است. کشوری پر از مهمانی، قمار و استراحت فراوان است. موناکو واقع در نزدیکی فرانسه و در امتداد ساحل دریای مدیترانه ، دومین کشور

کوچک در کل جهان است. کشور موناکو تنها دارای نقطه صفر هفتاد و هشت مایل مربع است که با توجه به فعالیتهای گردشگری مداوم و ماجراهای شلوغ ، باور آن دشوار است. با وجود ابعاد بسیار کوچک فیزیکی موناکو ، این کشور اروپایی همچنان در بین کسانی که پولدار هستند واقعا محبوب می باشد.

نائورو



جزیره نائورو که کمتر شناخته شده است ، کشوری جزیره ای است که در حقیقت شگفت انگیز می باشد. از نظر جغرافیایی نزدیک استرالیا و در اقیانوس آرام ، نائورو با وجود عدم اتصال به سرزمین اصلی استرالیا

بخشی از قاره استرالیا است. نائورو کشوری است که تنها از ۸ نقطه در یک مایل مربع تشکیل شده است و این کشور را نه تنها سومین کشور کوچک در سراسر جهان بلکه کوچکترین کشور جزیره ای می کند.

تووالو



جزیره تووالو با مساحت تقریبی ده مایل مربع ، در ساحل استرالیا نیز قرار دارد. برخلاف نائورو ، تووالو به دلیل این واقعیت که جزیره نیمه دور است ، صنعت گردشگری سودآوری ندارد. با وجود این ، حدود ده هزار نفر در جزیره تووالو استرالیا زندگی و کار می کنند.

سان مارینو



جمهوری سان مارینو ،یک ایالت کوچک است که در شبه جزیره ایتالیا واقع شده است. سان مارینو یکی از اعضای شورای اروپا است و کوچکترین عضو آن با جمعیتی در حدود ۳۳،۳۴۴ نفر بر اساس برآوردهای سال ۲۰۱۸ است.

این منطقه دارای مساحت کل در حدود ۲۳/۶ مایل است. به دلیل اندازه کوچک آن ، تراکم جمعیت بسیار زیاد است و تقریباً ۱۳۴۷ نفر در مایل مربع است.از کل جمعیت ، حدود ۴۸۰۰ نفر خارجی هستند. بسیاری از این ساکنان از ایتالیا مهاجرت کرده اند. تقریباً ۱۲۰۰۰ بومی سان مارینو (یا سامارینیز) در مناطق دیگر جهان از جمله ایتالیا ، ایالات متحده و فرانسه زندگی می کنند.

لیختن اشتاین



برای پیدا کردن این کشور باید ذره‌بین بردارید و روی نقشه دنبال نقطه‌ای کوچک بین سوئیس و اتریش بگردید. لیختن اشتاین یک ایالت کوچک در اروپا است. بر اساس برآوردهای سال ۲۰۱۷، لیختن اشتاین دارای ۳۵۵۴۷ نفر جمعیت در ۶۲ مایل مربع مساحت است. لیختن اشتاین یکی از کم جمعیت‌ترین کشورها با حدود ۵۸۷/۹ نفر در هر مایل مربع است. لیختن اشتاین چهارمین کشور کوچک اروپایی از نظر جمعیت و کوچکترین کشوری است که با دو کشور هم مرز است. تقریباً یک سوم جمعیت کشور در کشور دیگری متولد شده‌اند.

بیشتر جمعیت خارجی از اتریش ، آلمان و سوئیس می آیند. زبان رسمی لیختن اشتاین آلمانی است و گویش آلمانی بیشتر رایج است. دین رسمی این کشور کاتولیک می باشد.

جزایر مارشال



جزایر مارشال تنها هفتاد مایل مربع را تشکیل می دهد. در نتیجه ، این کشور جزیره ای هفتمین کشور کوچک جهان است. جزایر مارشال ، کشوری است که در اقیانوس آرام واقع شده است. این کشور وابسته به ایالات متحده است ، به این معنی که ایالات متحده به جزایر مارشال دفاع ، یارانه و خدمات اجتماعی ارائه می دهد. با این حال ، جزایر

مارشال در نتیجه توافقنامه انجمن آزاد با ایالات متحده دارای حاکمیت کامل هستند این کشور همچنین عضو سازمان ملل متحد و جامعه اقیانوس آرام میباشد. جزایر مارشال از ۲۹ جزیره مرجانی تشکیل شده است. مساحت کل جزایر مارشال کمی بیش از ۷۰ مایل مربع است. بر اساس برآوردهای جمعیتی از سال ۲۰۱۶، جمعیت این کشور جزیره ۵۳/۰۶۶ نفر است - که نسبت به آخرین سرشماری انجام شده در ۲۰۱۱ اندکی کاهش یافته است. پایتخت جزایر مارشال ماژورو است. این جزیره مرجانی از ۶۴ جزیره تشکیل شده است. این شهر نه تنها پایتخت بلکه بزرگترین شهر نیز می باشد. اگرچه مساحت آن تنها ۳/۷ مایل مربع است، اما نزدیک به ۲۸۰۰۰ نفر در ماژورو زندگی می کنند. در سراسر کشور، تقریباً سه چهارم جمعیت در مناطق شهری زندگی می کنند. بیشتر مردم بومی مارشال هستند. با این حال، ساکنان دیگر از مناطقی از جمله فیلیپین، چین و ایالات متحده مهاجرت کرده اند. در جزایر مارشال دو زبان رسمی وجود دارد. این زبانها مارشالیایی و انگلیسی هستند که هر دو به طور مکرر صحبت می شوند.

بیش از نیمی از جمعیت متعلق به کلیسای متحد مسیح - جماعتی در جزایر مارشال هستند. ساکنان دیگر در مجالس خدا ، کلیسای کاتولیک روم و کلیسای عیسی مسیح مقدسین روزهای اخیر شرکت می کنند. همچنین تعدادی از ادیان کوچک دیگر نیز وجود دارد.

سنت کیتس و نویس



هشتمین کشور کوچک جهان سنت کیتس و نویس است که در مجموع کشوری جزیره ای به مساحت صد و یک مایل مربع است. یک کشور دو جزیره ای در جزایر لوارد هند غربی است. سنت کیتس و نویس تنها ۲۶۱ کیلومتر مربع (۱۰۴ مایل مربع) زمین دارد که رتبه ۲۰۷

را در جهان دارد و تراکم جمعیتی نسبتاً بالایی ۱۶۴ نفر در کیلومتر مربع (۴۲۴ متر در مایل مربع) دارد که ۶۴ امین زمین مرتفع است. یک کشور دو جزیره ای در جزایر لوارد هند غربی است. سنت کیتس و نویس تنها ۲۶۱ کیلومتر مربع (۱۰۴ مایل مربع) زمین دارد که رتبه ۲۰۷ را در جهان دارد و تراکم جمعیتی نسبتاً بالایی ۱۶۴ نفر در کیلومتر مربع (۴۲۴ متر در مایل مربع) دارد که ۶۴ امین زمین مرتفع است.

مالدیو



مالدیو یک کشور جزیره ای اروپایی است که تقریباً صد و پانزده مایل مربع را شامل می شود. مالدیو دارای نهمین مساحت کوچک از همه

کشورهای جهان است. جمهوری مالدیو و با عنوان جزایر مالدیو ،
کشوری جزیره ای در منطقه اقیانوس هند و دریای عرب است. این
کشور از ۲۷ جزیره دریایی بین مجمع الجزایر چاگوس و جزیره مینیکوی
، ۲۵۰ مایلی جنوب غربی هند تشکیل شده است.

بزرگترین شهر و پایتخت مالدیو ماله است که جمعیت آن ۶۳۰۰۰ نفر
تخمین زده می شود. پس از آن شهر ادو (۳۲۰۰۰ نفر) و فووه م الله
(۱۲۰۰۰ نفر) قرار دارند. اینها تنها شهرهایی هستند که جمعیت آنها
بیش از ۱۰ هزار نفر است. مردم مالدیو دارای هویتی هستند که ترکیبی
از فرهنگ افرادی است که در جزایر مستقر شده اند. اعتقاد بر این است
که اولین ساکنان سریلانکا و جنوب هند بودند. مردم مالدیو از نظر
قومی با شبه قاره هند مرتبط هستند و از نظر قومی به نام Dhivehi
شناخته می شوند. حدود ۷۰ هزار کارگر خارجی در مالدیو و همچنین
۳۳ هزار مهاجر غیرقانونی وجود دارد که حدود یک سوم کل جمعیت
را تشکیل می دهند. بیشتر کارگران و مهاجران از نپال بنگلادش و
سریلانکا هستند.

جمعیت جهان به تفکیک کشورها (آمار جمعیت جهان)

جدول زیر، کشورهای پرجمعیت جهان به ترتیب نشان می‌دهد. البته همه ۲۳۴ مورد جدول جمعیتی، شامل کشورها نیستند بلکه برخی از موارد جزایر یا مناطقی وابسته به کشورهای دیگرند.

نرخ رشد سالانه جمعیت نیز در جدول ذکر شده و انتظار می‌رود که در سال بعد جمعیت کشور مورد نظر با توجه به آن افزایش یا کاهش داشته باشد. همچنین تراکم جمعیت هم تعداد افرادی در یک کیلومتر مربع در کشور مورد نظر زندگی می‌کنند را نشان داده و به نوعی شاخص شلوغی آن کشور است.

سهم جهانی نیز مشخص می‌کند که کشور مورد چند درصد از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده است. مقادیر صفر درصد این مورد، در واقع سهمی کمتر از ۰/۰۱٪ داشته و واقعا صفر نیستند.

سهم جهانی	تراکم	نرخ رشد	جمعیت ۲۰۲۳	کشور (یا وابستگی) های جهان	
17.76%	481	0.81%	1,428,627,663	هند	1
17.72%	152	0.02%	1,425,671,352	چین	2
4.23%	37	0.50%	339,996,563	ایالات متحده آمریکا	3
3.45%	153	0.74%	277,534,122	اندونزی	4
2.99%	312	1.98%	240,485,658	پاکستان	5
2.78%	246	2.41%	223,804,632	نیجریه	6
2.69%	26	0.52%	216,422,446	برزیل	7
2.15%	1,329	1.03%	172,954,319	بنگلادش	8
1.80%	9	0.19%	144,444,359	روسیه	9
1.60%	66	0.75%	128,455,567	مکزیک	10
1.57%	127	2.55%	126,527,060	اتیوپی	11
1.53%	338	0.53%	123,294,513	ژاپن	12

13	فیلیپین	117,337,368	1.54%	394	1.46%
14	مصر	112,716,598	1.56%	113	1.40%
15	کنگو	102,262,808	3.29%	45	1.27%
16	ویتنام	98,858,950	0.68%	319	1.23%
17	ایران	89,172,767	0.70%	55	1.11%
18	ترکیه	85,816,199	0.56%	112	1.07%
19	آلمان	83,294,633	0.09%	239	1.04%
20	تایلند	71,801,279	0.15%	141	0.89%
21	انگلستان	67,736,802	0.34%	280	0.84%
22	تانزانیا	67,438,106	2.96%	76	0.84%
23	فرانسه	64,756,584	0.20%	118	0.80%
24	آفریقای جنوبی	60,414,495	0.87%	50	0.75%
25	ایتالیا	58,870,762	0.28%	200	0.73%
26	کنیا	55,100,586	1.99%	97	0.68%

27	میانمار	54,577,997	0.74%	84	0.68%
28	کلمبیا	52,085,168	0.41%	47	0.65%
29	کره جنوبی	51,784,059	0.06%	533	0.64%
30	اوگاندا	48,582,334	2.82%	243	0.60%
31	سودان	48,109,006	2.63%	27	0.60%
32	اسپانیا	47,519,628	0.08%	95	0.59%
33	آرژانتین	45,773,884	0.58%	17	0.57%
34	الجزایر	45,606,480	1.57%	19	0.57%
35	عراق	45,504,560	2.27%	105	0.57%
36	افغانستان	42,239,854	2.70%	65	0.53%
37	لهستان	41,026,067	2.93%	134	0.51%
38	کانادا	38,781,291	0.85%	4	0.48%
39	مراکش	37,840,044	1.02%	85	0.47%
40	عربستان سعودی	36,947,025	1.48%	17	0.46%

41	اوکراین	36,744,634	45%	63	0.46%
42	آنگولا	36,684,202	3.08%	29	0.46%
43	ازبکستان	35,163,944	1.55%	83	0.44%
44	یمن	34,449,825	2.24%	65	0.43%
45	پرو	34,352,719	0.89%	27	0.43%
46	مالزی	34,308,525	1.09%	104	0.43%
47	غنا	34,121,985	1.93%	150	0.42%
48	موزامبیک	33,897,354	2.81%	43	0.42%
49	نپال	30,896,590	1.14%	216	0.38%
50	ماداگاسکار	30,325,732	2.41%	52	0.38%
51	ساحل عاج	28,873,034	2.53%	91	0.36%
52	ونزوئلا	28,838,499	1.90%	33	0.36%
53	کامرون	28,647,293	2.63%	61	0.36%
54	نیجریه	27,202,843	3.80%	21	0.34%
55	استرالیا	26,439,111	1.00%	3	0.33%

56	کره شمالی	26,160,821	0.35%	217	0.33%
57	تایوان	23,923,276	0.13%	676	0.30%
58	مالی	23,293,698	3.10%	19	0.29%
59	بورکینافاسو	23,251,485	2.55%	85	0.29%
60	سوریه	23,227,014	4.98%	126	0.29%
61	سری لانکا	21,893,579	0.28%	349	0.27%
62	مالاوی	20,931,751	2.58%	222	0.26%
63	زامبیا	20,569,737	2.76%	28	0.26%
64	رومانی	19,892,812	1.19%	86	0.25%
65	شیلی	19,629,590	0.13%	26	0.24%
66	قزاقستان	19,606,633	1.08%	7	0.24%
67	چاد	18,278,568	3.13%	15	0.23%
68	اکوادور	18,190,484	1.05%	73	0.23%
69	سومالی	18,143,378	3.10%	29	0.23%
70	گواتمالا	18,092,026	1.39%	169	0.22%

71	سنگال	17,763,163	2.58%	92	0.22%
72	هلند	17,618,299	0.31%	522	0.22%
73	کامبوج	16,944,826	1.06%	96	0.21%
74	زیمبابوه	16,665,409	2.11%	43	0.21%
75	گینه	14,190,612	2.39%	58	0.18%
76	رواندا	14,094,683	2.31%	571	0.18%
77	بنین	13,712,828	2.70%	122	0.17%
78	بوروندی	13,238,559	2.71%	516	0.16%
79	تونس	12,458,223	0.83%	80	0.15%
80	بولیوی	12,388,571	1.35%	11	0.15%
81	هائیتی	11,724,763	1.21%	425	0.15%
82	بلژیک	11,686,140	0.26%	386	0.15%
83	اردن	11,337,052	0.45%	128	0.14%
84	دومینیکن	11,332,972	0.93%	235	0.14%
85	کوبا	11,194,449	0.16%	105	0.14%

86	سودان جنوبی	11,088,796	1.61%	18	0.14%
87	سوئڈ	10,612,086	0.59%	26	0.13%
88	هندوراس	10,593,798	1.54%	95	0.13%
89	چک	10,495,295	0.01%	136	0.13%
90	آذربایجان	10,412,651	0.53%	126	0.13%
91	یونان	10,341,277	0.42%	80	0.13%
92	پاپوآ گینه نو	10,329,931	1.85%	23	0.13%
93	پرتغال	10,247,605	0.23%	112	0.13%
94	مجارستان	10,156,239	1.90%	112	0.13%
95	تاجیکستان	10,143,543	1.92%	72	0.13%
96	امارات متحدہ عربی	9,516,871	0.80%	114	0.12%
97	بلاروس	9,498,238	0.39%	47	0.12%
98	اسرائیل	9,174,520	1.51%	424	0.11%
99	رفتن	9,053,799	2.32%	166	0.11%

100	اتریش	8,958,960	0.22%	109	0.11%
101	سوئیس	8,796,669	0.64%	223	0.11%
102	سیرا لئون	8,791,092	2.15%	122	0.11%
103	لائوس	7,633,779	1.39%	33	0.09%
104	هنگ کنگ	7,491,609	0.04%	7,135	0.09%
105	صربستان	7,149,077	1.00%	82	0.09%
106	نیکاراگوئه	7,046,310	1.41%	59	0.09%
107	لیبی	6,888,388	1.12%	4	0.09%
108	پاراگوئه	6,861,524	1.19%	17	0.09%
109	قرقیزستان	6,735,347	1.58%	35	0.08%
110	بلغارستان	6,687,717	1.39%	62	0.08%
111	ترکمنستان	6,516,100	1.33%	14	0.08%
112	السالوادور	6,364,943	0.45%	307	0.08%
113	کنگو	6,106,869	2.29%	18	0.08%
114	سنگاپور	6,014,723	0.65%	8,592	0.07%

115	دانمارک	5,910,913	0.49%	139	0.07%
116	اسلواکی	5,795,199	2.69%	121	0.07%
117	آفریقای مرکزی	5,742,315	2.92%	9	0.07%
118	فنلاند	5,545,475	0.09%	18	0.07%
119	نروژ	5,474,360	0.74%	15	0.07%
120	لیبیا	5,418,377	2.18%	56	0.07%
121	فلسطین	5,371,230	2.31%	892	0.07%
122	لبنان	5,353,930	2.47%	523	0.07%
123	نیوزلند	5,228,100	0.83%	20	0.06%
124	کاستاریکا	5,212,173	0.60%	102	0.06%
125	ایرلند	5,056,935	0.67%	73	0.06%
126	موریتانی	4,862,989	2.68%	5	0.06%
127	عمان	4,644,384	1.49%	15	0.06%
128	پاناما	4,468,087	1.35%	60	0.06%

129	کویت	4,310,108	0.97%	242	0.05%
130	کرواسی	4,008,617	0.54%	72	0.05%
131	اریتره	3,748,901	1.76%	37	0.05%
132	گرجستان	3,728,282	0.43%	54	0.05%
133	مغولستان	3,447,157	1.44%	2	0.04%
134	مولداوی	3,435,931	4.98%	105	0.04%
135	اروگوئه	3,423,108	0.01%	20	0.04%
136	پورتوریکو	3,260,314	0.24%	368	0.04%
137	بوسنی و هرزگوین	3,210,847	0.70%	63	0.04%
138	آلبانی	2,832,439	0.35%	103	0.04%
139	جامائیکا	2,825,544	0.06%	261	0.04%
140	ارمنستان	2,777,970	0.09%	98	0.03%
141	گامبیا	2,773,168	2.48%	274	0.03%
142	لیتوانی	2,718,352	1.15%	43	0.03%

143	قطر	2,716,391	0.79%	234	0.03%
144	بوتسوانا	2,675,352	1.71%	5	0.03%
145	نامیبیا	2,604,172	1.45%	3	0.03%
146	گابن	2,436,566	1.99%	9	0.03%
147	لسوتو	2,330,318	1.06%	77	0.03%
148	گینه بیسائو	2,150,842	2.15%	76	0.03%
149	اسلوونی	2,119,675	0.01%	105	0.03%
150	مقدونیه شمالی	2,085,679	0.38%	83	0.03%
151	لتونی	1,830,211	1.10%	29	0.02%
152	گینه استوایی	1,714,671	2.37%	61	0.02%
153	ترینیداد و توباگو	1,534,937	0.25%	299	0.02%
154	بحرین	1,485,509	0.90%	1,955	0.02%
155	تیمور شرقی	1,360,596	1.44%	91	0.02%

156	استونی	1,322,765	0.25%	31	0.02%
157	موریس	1,300,557	0.08%	641	0.02%
158	قبرس	1,260,138	0.69%	136	0.02%
159	اسواتینی	1,210,822	0.76%	70	0.02%
160	جیبوتی	1,136,455	1.39%	49	0.01%
161	تجدید دیدار	981,796	0.80%	393	0.01%
162	فیجی	936,375	0.71%	51	0.01%
163	کومور	852,075	1.83%	458	0.01%
164	گویان	813,834	0.63%	4	0.01%
165	بوتان	787,424	0.64%	21	0.01%
166	جزایر سلیمان	740,424	2.23%	26	0.01%
167	ماکائو	704,149	1.29%	23,472	0.01%
168	لوکزامبورگ	654,768	1.11%	253	0.01%
169	مونته نگرو	626,485	0.10%	47	0.01%

170	سورینام	623,236	0.84%	4	0.01%
171	کابو ورد	598,682	0.93%	149	0.01%
172	صحرای غربی	587,259	1.96%	2	0.01%
173	میکرونزی	544,321	0.98%	778	0.01%
174	مالت	535,064	0.33%	1,672	0.01%
175	مالدیو	521,021	0.53%	1,737	0.01%
176	برونئی	452,524	0.78%	86	0.01%
177	باهاما	412,623	0.64%	41	0.01%
178	بلیز	410,825	1.37%	18	0.01%
179	گوادلوپ	395,839	0.02%	234	0.00%
180	ایسلند	375,318	0.65%	4	0.00%
181	مارتینیک	366,981	0.14%	346	0.00%
182	مایوت	335,995	3.03%	896	0.00%
183	وانواتو	334,506	2.38%	27	0.00%

184	گویان فرانسه	312,155	2.49%	4	0.00%
185	پلینزی فرانسه	308,872	0.85%	84	0.00%
186	کالدونیای جدید	292,991	1.05%	16	0.00%
187	باربادوس	281,995	0.13%	656	0.00%
188	سائوتومه و پرنسیپ	231,856	1.97%	242	0.00%
189	ساموآ	225,681	1.48%	80	0.00%
190	کوراسائو	192,077	0.48%	433	0.00%
191	سنت لوسیا	180,251	0.22%	295	0.00%
192	گوام	172,952	0.69%	320	0.00%
193	کیریباتی	133,515	1.74%	165	0.00%
194	گرانادا	126,183	0.59%	371	0.00%
195	تونگا	107,773	0.86%	150	0.00%
196	سیشل	107,660	0.51%	234	0.00%

197	آروبا	106,277	0.16%	590	0.00%
198	سنت وینسنت و گرنادین	103,698	0.24%	266	0.00%
199	جزایر ویرجین ایالات متحده	98,750	0.72%	282	0.00%
200	آنتیگوا و باربودا	94,298	0.57%	214	0.00%
201	جزیره من	84,710	0.23%	149	0.00%
202	آندورا	80,088	0.33%	170	0.00%
203	دومینیکا	73,040	0.42%	97	0.00%
204	جزایر کیمن	69,310	0.88%	289	0.00%
205	برمودا	64,069	0.18%	1,281	0.00%
206	گرینلند	56,643	0.31%	0	0.00%
207	جزایر فارو	53,270	0.34%	38	0.00%

208	جزایر ماریانای شمالی	49,796	0.49%	108	0.00%
209	سنت کیتس و نویس	47,755	0.21%	184	0.00%
210	تورکس و کایکوس	46,062	0.79%	48	0.00%
211	سینت مارتن	44,222	0.11%	1,301	0.00%
212	ساموآی آمریکایی	43,914	0.81%	220	0.00%
213	جزایر مارشال	41,996	1.03%	233	0.00%
214	لیختن اشتاین	39,584	0.65%	247	0.00%
215	موناکو	36,297	0.47%	24,360	0.00%
216	سن مارینو	33,642	0.05%	561	0.00%
217	جبل الطارق	32,688	0.12%	3,269	0.00%
218	سنت مارتین	32,077	0.90%	605	0.00%

219	جزاير ويرجين بريتانيا	31,538	0.74%	210	0.00%
220	كارايب هلند	27,148	0.45%	83	0.00%
221	پالائو	18,058	0.02%	39	0.00%
222	جزاير كوك	17,044	0.19%	71	0.00%
223	انگويلا	15,899	0.26%	177	0.00%
224	نائورو	12,780	0.88%	639	0.00%
225	واليس و فوتونا	11,502	0.60%	82	0.00%
226	تووالو	11,396	0.74%	380	0.00%
227	سنت بارتلمى	10,994	0.25%	524	0.00%
228	سنت پير و ميكلون	5,840	0.38%	25	0.00%
229	سنت هلنا	5,314	1.12%	14	0.00%
230	مونتسرات	4,386	0.09%	44	0.00%

231	جزایر فالکلند	3,791	0.29%	0	0.00%
232	نیوئه	1,935	0.05%	7	0.00%
233	توکلائو	1,893	1.18%	189	0.00%
234	سریر مقدس	518	1.57%	1,295	0.00%

جمعیت جهان به تفکیک قاره ها

جمعیت دنیا در ۶ قاره کره زمین هم تنوع خاص خود را دارد که در جدول مرتب

شده زیر می‌توانید آن را مشاهده کنید.

	قاره	جمعیت ۲۰۲۳	نرخ رشد	تراکم	سهم جهانی
1	آسیا	4,753,079,727	0.64%	153	59.10%
2	آفریقا	1,460,481,772	2.37%	49	18.20%
3	اروپا	742,272,652	-0.17%	34	9.20%
4	آمریکا جنوبی	664,997,121	0.72%	33	8.30%
5	آمریکا شمالی	378,904,407	0.54%	20	4.70%
6	اقیانوسیه	45,575,768	1.19%	5	0.60%

مَلَّتِيْ كِه بَا تَوَكَّلْ بِه خُدا آوَا زِهِي عَزَّتْ خُوِيْش رَا بِه فَلَکْ رَسَانْدِه، تَنْ بِه خَفَّتْ وَ خَوَارِيْ نَمِيْدِهْد. اَلَا وَ اِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ جَلْبَهُ لِيَعُوْدَ الْجَوْرُ اِلَى اَوْطَانِهِ وَ يَرْجِعَ الْبَاطِلُ اِلَى نِصَابِهِ (خطبه ۲۲ نهج البلاغه)

چنان‌که میدانید دشمن متجاوز پس از رانده شدن از میهن عزیز اسلامی‌مان، بار دیگر با تکیه به کمک دشمنان جهانی اسلام، تجاوز خود را از سر گرفته و از چند نقطه به درون مرزها رخنه کرده است.

نیت پلید او آن است که پیش از اجرای قطعنامه‌ی ۵۹۸ و استقرار آتش‌بس، موضع برتر را از لحاظ جغرافیایی به دست آورد و در مذاکرات پیرامون مواد قطعنامه، به اتکاء همین موضع برتر، با زورگویی و قلدری، شرایطی را مطرح و ناروایی را بر ملت شجاع و انقلابی ما تحمیل کند. او که بارها در میدان نبرد، برق صلابت و قدرت الهی رزمندگان ما را دیده و بارها با عجز و ذلت، آتش‌بس را از ملت ایران التماس کرده، اکنون مغرور از قدرتی موقت و زودگذر، طبیعت جنگ‌طلب خود را آشکار میکند و بی‌آنکه از تجربه‌ی تلخ آتش‌افروزی‌اش درسی گرفته

باشد یک بار دیگر ابلهانه قدم به بیشه‌ی شیران خدا نهاده و با پای خویش به سمت پرتگاه به پیش می رود. حامیان صدام که با اسلام و ملت انقلابی ایران کینه‌ای آشتی‌ناپذیر دارند، همانها که تا دیروز ریاکارانه از صلح دم میزدند و ما را بر نپذیرفتن قطعنامه‌ی ۵۹۸ شماتت میکردند، امروز به طمع افتاده‌اند که ایران اسلامی را به امضای قراردادی خفت‌بار مجبور کنند، و لذا برخلاف ادعاهای قبلی و ظاهری خود، حاکم سُبک‌سر و مغرور و نابخرد بغداد را در خفا به ادامه‌ی تجاوز و تأخیر در اجرای قطعنامه‌ی ۵۹۸ تشویق میکنند.

اینان همانهایی هستند که در طول هشت سال جنگ، همواره او را با پول و سلاح و تبلیغات کمک کرده‌اند و اکنون میکوشند که نتیجه‌ی آن همکاری‌های جنایت‌آلود خود را در ضعف و شکست اسلام و ایران به دست آورند. ابرقدرت‌های شرق و غرب امید بسته‌اند که ملت انقلابی ما را شکست‌خورده معرفی کنند؛ جهان‌خواران امید بسته‌اند که پرچم آزادی مسلمین را که به دست توانای ملت ما برافراشته شده است، سرنگون کنند؛ دیوان آدمی‌خوار امید بسته‌اند که نور خدا را در میهن ما

و برق امید را در دل ملت‌های مستضعف خاموش کنند. آنها نیروهای خود را بر روی هم گذاشته‌اند و به هر شیوه‌ی جنایت‌آمیز متوسل میشوند تا جمهوری اسلامی را دچار شکست نظامی و سپس شکست سیاسی کنند و از ملت مبارز و انقلابی ما انتقام بگیرند. آنها به این گمان باطل که ملت ایران از جنگ خسته شده است، نقشه کشیده‌اند که این ملت سرافراز و سربلند را به ذلت بکشانند و آتش کینه‌ی ده ساله‌ی خود را فرو نشانند.

آنان نمیدانند که ملتی خداجوی و فداکار که زنجیر بندگی ابرقدرت‌ها را پاره کرده و بر اوج قلّه‌ی عبودیت خدا برآمده، هرگز تن به ذلت نخواهد داد. آن کوردلان ندانسته‌اند که «لِلّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»، (سوره مبارکه المنافقون آیه ۸) ملتی که با توکل به خدا و اعتماد به نفس، آوازه‌ی عزّت خویش را به فلک رسانده، هرگز تن به خفت و خواری نخواهد داد.

آری «هیئات ممّا الذّله ابی الله ذلک و رسوله طابت و طهرت» (اللهوف
على قتلى الطفوف، ص: ۹۷؛ اثبات الوصیة، ص: ۱۶۶)؛ آنان فراموش
کرده‌اند که در هشت سال قبل که این توطئه‌ی خباثت‌آمیز عیناً به
دست حزب بعث عفلقی آغاز شده بود، چگونه با قدرت انقلابی و ایمان
اسلامی مردم نقش‌برآب گشت؛ آنان فداکاری ملّت ما را که در
سخت‌ترین اوضاع به یاری نیروهای مسلّح خود شتافت و صحنه‌ی
نبرد را به مزبله‌ی اجساد متجاوزان عراقی مبدّل ساخت، از یاد برده‌اند؛
آنان ندانسته‌اند که در هنگامه‌ی جهاد فی‌سبیل‌الله، مردم از هر قشر و
گروه سر از پا نشناخته و بی‌قرار، به مقابله با دشمن می‌شتابند و جان
خود را سپر بلای اسلام و انقلاب و میهن عزیز میکنند؛ آری آنان امام ما
و ملّت ما را نشناخته‌اند.

امام خامنه‌ای

پیام به ائمه جمعه سراسر کشور

۰۲/۰۵/۱۳۶۷



تدبیر امام روح‌الله...

از جمله تدبیرهای امام خمینی رحمه الله در دوران جنگ تحمیلی، بسیج همگانی و سازمان‌دهی مردم و نیروهای مسلح، گسترش تشکیلات نظامی، ایجاد هماهنگی و انسجام در نیروهای مسلح، هماهنگی و بکارگیری امکانات پشت جبهه، مقابله با عوامل بازدارنده داخلی و تبلیغات دشمن، تفویض برخی اختیارات و تشویق به نبرد بود.



مروری بر تعداد قطعنامه‌های صادر شده توسط

شورای امنیت سازمان ملل

الف) قطعنامه ۴۷۹ در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰م مطابق با ۶ مهر ۱۳۵۹ ه. ش

این قطعنامه از ایران و عراق می‌خواهد از هرگونه کاربرد بیشتر زور به فوریت خودداری کنند و مناقشه خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل حل نمایند و از آن‌ها مصرانه می‌خواهد هر پیشنهاد مناسب در مورد میانجی‌گری، سازش یا توسل به نهادهای منطقه‌ای یا دیگر راه‌های مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود را که اجرای تعهداتشان براساس منشور ملل متحد تسهیل کند، بپذیرند و از کلیه کشورهای دیگر می‌خواهد حداکثر خویشتن‌داری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود خودداری کنند.

شورای امنیت در ششمین روز آغاز جنگ و حمله عراق به ایران، این قطعنامه را صادر می‌کند و در آن از لفظ «وضعیت» استفاده می‌کند. در قطعنامه ۴۷۹ سخنی از نقض تمامیت ارضی ایران نشده و پیشنهاد

آتش‌بس هم نداده و از نیروهای اشغالگر هم نخواستۀ خاک طرف دیگر را ترک کنند. عراق این قطعنامه را بلافاصله پذیرفت ولی ایران اعلام کرد تا زمانی که نیروهای ارتش بعثی عراق در داخل خاک ایران هستند، قطعنامه فوق قابل قبول نیست. (سید داود سید آقائی، بررسی ابعاد حقوقی جنگ ایران و عراق، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸)

ب) قطعنامه ۵۱۴ در ۱۲ جولای ۱۹۸۲م مطابق با ۲۳ تیرماه ۱۳۶۱ ه.ش

این قطعنامه زمانی تصویب می‌شود که آزادسازی بسیاری از مناطق تحت اشغال در عملیات ثامن الائمه و بویژه در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت المقدس شرایط سیاسی- نظامی را تحت الشعاع قرار داده است. این قطعنامه خواستار آتش‌بس و خاتمه فوری کلیه عملیات نظامی و عقب کشیدن نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی است و صرفاً یک «توصیه» است. این قطعنامه مربوط به زمانی است که نیروهای عراق مشغول استحکام مواضع خود در داخل ایران بودند و سخنی در مورد معرفی متجاوز و آغازگر جنگ و تنبیه او به میان نیاورده است و برای نخستین بار از برقراری آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروها و تشکیل

نیروی پاسدار صلح و استقرار آن‌ها سخن به میان آمده است. (نقش سازمان ملل در جنگ ایران و عراق، ص ۴۸۱)

ج) قطعنامه ۵۲۲ در اول اکتبر ۱۹۸۲م مطابق با ۱۲ مهرماه ۱۳۶۱ ش.

این قطعنامه خواستار آتش‌بس فوری و پایان دادن به کلیه عملیات نظامی است و بر عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی مجددا تاکید می‌کند. در فاصله قطعنامه قبلی تا این قطعنامه دو عملیات عمده رمضان و مسلم بن عقیل انجام شد. تصویب این قطعنامه به دلیل فشار عملیاتی ایران به عراق و فشار سیاسی عراق به شورای امنیت برای جلوگیری از پیشرفت‌های ایران است. به دنبال این قطعنامه، ارتش عراق بر حملات هوایی خود علیه مناطق مسکونی، کشتی‌های تجاری و نفت‌کش‌ها افزود.

د) قطعنامه ۵۴۰ در ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳م مطابق با ۹ آبان ماه ۱۳۶۲ ش.

در این قطعنامه از دبیر کل خواسته شده است تا به کوشش‌های میانجی‌گرانه خود میان طرفین به منظور نیل به حل اختلاف به نحو کامل و عادلانه و شرافتمندانه که مورد قبول هر دو طرف باشد، ادامه

دهد. همچنین خواسته است فوری کلیه عملیات نظامی علیه هدف‌های غیر نظامی از جمله شهرها و مناطق مسکونی متوقف شود و طرفین متخاصم بلافاصله به خصومت در منطقه خلیج [فارس] من جمله خطوط دریایی و آبراه‌های قابل کشتیرانی، بنادر، پایانه‌ها، تأسیسات دور از ساحل و همه بنادری که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دریا راه دارند، پایان دهند و به تمامیت ارضی دیگر کشورهای ساحلی احترام بگذارند.

(عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴، ص ۹۷-۱۰۱)

در فاصله قطعنامه ۵۲۲ تا ۵۴۰ چند عملیات بزرگ از جمله محرم و والفجرهای ۱ تا ۴ انجام می‌شود و باز هم شورا با هدف جلوگیری از پیروزی‌های ایران، این قطعنامه را صادر می‌کند.

(آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس، ص ۱۵۸)

ه) قطعنامه ۵۵۲ در اول ژوئن ۱۹۸۴م مطابق با ۱۱ خرداد ۱۳۶۳ ه.ش

این قطعنامه از کلیه دولت‌ها می‌خواهد تا براساس حقوق بین‌المللی حق کشتیرانی آزاد احترام بگذارند و حملات اخیر به کشتی‌های بازرگانی را در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی محکوم می‌کند.

شورای امنیت برای اولین بار از لفظ خلیج استفاده و عمداً کلمه فارس را حذف می‌کند. این قطعنامه پس از حملات عراق و ناامن کردن تردد کشتی‌های تجاری در خلیج فارس و با شکایت کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله کویت، عربستان، قطر، بحرین و امارات از ایران صادر می‌شود در حالی که عراق به ۷۱ کشتی تجاری حمله کرده بود.

عملیات بزرگ خیبر در اسفندماه ۱۳۶۲ و تصرف جزایر مجنون عراق توسط رزمندگان اسلام از دلایل دیگر صدور این قطعنامه بود. (بررسی ابعاد حقوقی جنگ ایران و عراق، ص ۱۳۸)

و) قطعنامه ۵۸۲ در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶م مطابق با ۵ اسفند ۱۳۶۴ ه.ش

این قطعنامه نسبت به اعمال نخستینی که باعث شروع نزاع بین ایران و عراق شد و نسبت به تداوم آن، به خصوص حمله به اراضی و بمباران

مراکز صرفاً غیر نظامی و حمله به کشتی‌های بی‌طرف یا هواپیماهای غیر نظامی و نقض حقوق بشر به خصوص استفاده از سلاح‌های شیمیایی، ابراز تأسف می‌کند.

این قطعنامه از جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌خواهد که فوراً آتش‌بس را برقرار و تمام عملیات جنگی خود را در زمین، دریا و هوا متوقف کنند و تمام نیروهای خود را بی‌درنگ به مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگردانند و بر مبادله همه اسرای جنگی تأکید می‌شود. (حمد عبدالعزیز کواری، عملکرد شورای امنیت در جنگ عراق و ایران، ترجمه محمد علی عسگری، ۱۳۸۷، ص ۴۹۵)

در فاصله این قطعنامه تا قبلی (۵۵۲) عملیات‌های مختلفی در منطقه عمومی آبادان و فاو عراق (والفجر ۸) انجام می‌شود که تعادل امنیتی، نظامی و سیاسی دنیا و شورای امنیت را مختل می‌کند. رزمندگان اسلام تا این قطعنامه ۳ مورد از خواسته‌های به حق خود را از شورای امنیت گرفتند.

ز) قطعنامه ۵۸۸ در ۱۸ اکتبر ۱۹۸۶م مطابق با ۱۹ مهرماه ۱۳۶۵ ه.ش

این قطعنامه به خاطر طولانی شدن و تشدید منازعه از جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌خواهد که به طور کامل و بدون درنگ قطعنامه ۵۸۲ را که در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ تصویب شد، اجرا کنند. (آشنایی با معارف جنگ، ص ۱۵۹)

اعلام آتش‌بس توسط شورای امنیت سازمان ملل

به دنبال موافقت عراق با تعیین زمان آتش‌بس، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در جلسه نهم ملاقات با دبیر کل سازمان ملل در روز ۱۶/۵/۱۳۶۷، پاسخ مثبت ایران را مبنی بر قبول برقراری آتش‌بس اعلام کرد. با تصمیم مقامات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و رژیم بعث عراق نسبت به تاریخ اجرای آتش‌بس، سرانجام در فاصله کمتر از دو هفته از تعیین زمان برقراری آتش‌بس تا اجرای آن، کلیه تلاش‌های دبیر کل سازمان ملل برای استقرار نیروهای ناظر بر آتش‌بس (یونیماک) در جبهه‌های جنگ و در پایتخت دو کشور انجام گرفت و

[illegible]

دلیل برتری ارتش بعث عراق در ماه های پایانی جنگ



از جمله پرسش هایی که درباره جنگ ایران و عراق مطرح است این است که چرا رژیم بعث عراق در ماه های پایانی جنگ نسبت به نیروی نظامی جمهوری اسلامی ایران برتری پیدا کرده بود؟!

مهم‌ترین عوامل این برتری چنین بود:

۱- اتفاق نظر بین‌المللی به ویژه شوروی و امریکا برای پایان دادن به جنگ.

۲- استفاده وسیع عراق از سلاح‌های شیمیایی و سکوت مجامع جهانی در برابر این اقدام عراق.

۳- بسته شدن راه‌کارهای عملیاتی و ضرورت یافتن راه‌کارهای جدید که نیاز به تجهیزات پیشرفته داشت و فنآوری آن در اختیار جمهوری اسلامی نبود.

۴- عدم تمرکز تجهیزات نظامی موجود در کشور در سازمانی که عمل کننده اصلی در جنگ بود (سپاه).

۵ - مهم‌تر از همه، عقب‌ماندگی اساسی ایران از نظر تجهیزات نظامی پیشرفته بود. به ویژه بعد از سال ۱۳۶۳ به دو علت توازن ابزارهای پیشرفته به نفع عراق سنگینی می‌کرد:

۱- تحریم همه‌جانبه کشورهای جهان در واگذاری تجهیزات هر چند عمومی نظامی به ایران. ۲- کاهش توان اقتصادی کشور برای خرید اقلام نظامی.

البته افزایش روزافزون توان نظامی عراق امر مبهمی نبود که ایران در ارزیابی‌های نظامی خود از آن غافل شده باشد، ولی توجه به یک امر مهم ضروری است و آن اینکه هم‌زمان با تحولاتی که با پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ حاصل شد - و بیشتر از خسارتی که ایران به ارتش عراق وارد کرد - نظام جهانی به تجهیز و تقویت عراق پرداخت. به عنوان مثال، پس از آنکه آشکار شد عراق توان پیشروی در خاک ایران را ندارد، فرانسه در بهمن ۱۳۵۹ اقدام به فروش هواپیماهای میراژ به عراق کرد. همچنین پس از آنکه توان نظامی ایران در طرح‌ریزی عملیات خیبر مشخص شد، سلاح‌های شیمیایی به طور گسترده به عراق فروخته شد و برای فشار بیشتر به ایران و تهدید جریان فروش نفت و محدود ساختن منابع ارزی ایران، فرانسه هواپیماهای سوپر اتاندارد و موشک‌های اگزوسه را به عراق فروخت.

دوم اسفند

هفته



دفاع مقدس مظهر حماسه، معنویت و دینداری،
آرمان خواهی، ایثار و از خودگذشتگی، ایستادگی و پایداری
و مقاومت، و مظهر تدبیر و حکمت است.

۱۳۸۸/۰۶/۲۴

این روند پس از عملیات بدر با فروش میگ ۲۵ روسی ادامه یافت و پس از عملیات کربلای ۵ سلاح‌های شیمیایی موثرتر و کشنده‌تر همچون سیانور، به عراق داده شد.

در سال ۱۳۶۶ نیز با تغییراتی در بُرد موشک‌های اسکاد - بی، عراق توانست تهران و شهرهای دورتر را هدف قرار دهد. در حقیقت تحولات نظامی عراق از توان داخلی آن کشور ناشی نمی‌شد بلکه قدرت‌های بزرگ اصلی‌ترین عامل در تجهیز و تقویت عراق بودند.

عراق، کشور توسعه نیافته‌ای که در آغاز جنگ فاقد فذآوری پیشرفته نظامی بود، در طول جنگ از انواع سلاح‌ها و ادوات نظامی پیشرفته که دارای جدیدترین فذآوری‌ها بودند، بهره‌مند شد.

این سلاح‌ها در پی هر پیروزی نیروهای ایران در اختیار عراق قرار می‌گرفت. همچنین، امریکا همزمان با تحریم اقتصادی ایران در ۳ آبان ۱۳۶۶، قطعات رایانه‌ای پیشرفته که عراق را قادر می‌کرد بُرد موشک‌های اسکاد - بی را به ۱۲۰۰ کیلومتر برساند، در اختیار این کشور قرار داد.

علاوه بر آن، سایر کشورها نیز در مقاطع مختلف انواع مهمات، خودرو، تجهیزات مخابراتی و ... را در اختیار عراق قرار دادند.

این در حالی بود که چند دفتر وزارتی و شرکت‌های دولتی ایران در کشورهای غربی به ویژه انگلستان به بهانه خرید سلاح برای ایران بسته شد. از سوی دیگر، ایران به طور کامل در تحریم تسلیحاتی، تجهیزاتی و اقتصادی غرب و امریکا بود.

حتی دولت سوئد برای جلوگیری از فروش قایق موتوری با ظرفیت پایین به جمهوری اسلامی، فشار زیادی به شرکت‌های سوئدی و مراکز ایرانی در سوئد وارد آورد. همچنین هر بازرگان غربی که احتمال داده می‌شد واسطه خرید برای ایران است، دستگیر می‌شد و تحت فشار قرار می‌گرفت.

منبع: بررسی از کتاب پرسشها و پاسخها (جنگ ایران و عراق)؛

ص ۷۹-۸۱؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ فرهاد درویشی

دفاع
مقدس



ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آت همه هنر آفرینی و اختراعات
و پیشرفت‌ها داشته باشیم. ان شاء الله در شرایط بهت — رزمینه کافی
برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم.

ناگفته‌هایی از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

آلن فریدمن (نویسنده و محقق امریکایی): «امریکا به پیشنهاد ویلیام کیسی (رئیس سیا)، تحویل بمب‌های خوشه‌ای به عراق را در اولویت قرار داد زیرا این سلاح را مناسب‌ترین و کارآمدترین سلاح برای در هم شکستن امواج انسانی مدافعان ایرانی می‌دانست.

به اعتقاد او این بمب‌ها می‌توانست به یک قدرت تصاعدی واقعی و مؤثر علیه قوای ایرانی تبدیل شود. در واقع این بمب‌ها از لحاظ تکنیکی جزء سلاح‌های متعارف محسوب می‌شوند اما در میدان نبرد همانند سلاح‌های نامتعارفی چون سلاح‌های شیمیایی می‌توانند موجب کشتار وسیعی شوند. چنانچه این بمب‌ها درست عمل کنند می‌توانند در وسعتی به اندازه ۱۰ برابر زمین فوتبال هر کسی را کشته یا مجروح کنند. عملاً این بمب‌ها چرخ‌گشت‌های هوایی هستند و هر چیزی را در سر راه خود خرد می‌کنند.» جنگ ایران و عراق یکی از پیچیده‌ترین جنگ‌های جهان و منطقه بود و ما اکنون در شرایطی قرار گرفته‌ایم که لحظه به لحظه اسرار و ناگفته‌هایی از این جنگ منتشر

می شود. بخشی از حقیقت، درون جنگ ماست و بخشی دیگر آن در دست ۲۶ کشوری است که چرخ های ماشین جنگی عراق را روغن می زدند. که به گوشه هایی از ا اشاره می کنیم:

۱) خواب و خیال دشمن در مورد ایران:

تا نیم ساعت دیگر کمر ایران خواهد شکست

وفیق السامرایي(مسئول بخش ایران در استخبارات عراق):

«رأس ساعت ۱۲ روز ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) صدو نود و دو فروند هواپیمای جنگنده نیروی هوایی عراق، به طرف اهدافشان در خاک ایران به پرواز در آمدند. در همین لحظه فرمانده کل قوا، صدام حسین در حالی که چفیه قرمز رنگ به سر داشت و نوار فشنگ به دور کمر خود بسته بود، بی آنکه درجات نظامی اش را نصب کرده باشد، وارد اتاق عملیات شد.»عدنان خیر الله» وزیر دفاع به او چنین گفت: «سرور من! جوانها بیست دقیقه قبل به پرواز در آمدند» صدام به او پاسخ داد: « تا نیم ساعت دیگر کمر ایران خواهد شکست.»

هویت و گارد



۲) کمکهای تسلیحات نظامی:

شوروی بزرگترین تأمین کننده نیازهای تسلیحاتی عراق

روزنامه القبس چاپ کویت:

«شوروی یک پل هوایی برای حمل اسلحه و مهمات به عراق برقرار کرده است. گورباچف با ارسال نامه ای به برخی سران عرب، به آنان اطمینان داده است که شوروی اجازه نخواهد داد عراق در جنگ با ایران شکست بخورد.» «در نوامبر ۱۹۸۳ بین هزار تا هزار و دویست مشاور نظامی شوروی به عراق برگشتند و ۴۰۰ فروند تانک T۵۵ و ۲۵۰ فروند تانک T۱۲ به عراق داده شد و مقادیر عظیمی موشک گراد، فراگ ۷، سام ۹ و اسکادبی در راه بود. عراق تنها کشوری بود که از بلوک شرق به موشک اسکادبی مجهز شد.»

«در سال ۱۹۸۳ شوروی بار دیگر تحویل سلاح در حجم وسیع را به عراق از سر گرفت و تمامی تجهیزاتی را که عراق در طی دو سال نخست جنگ با ایران در صحنه نبرد از دست داده بود جایگزین کرد.»

چالز فیلیپ دیوید (نویسنده کتاب جنگ خلیج فارس توهم پیروزی):

«شوروی با ۶۱٪ بزرگترین تأمین کننده نیازهای تسلیحاتی عراق است.»

انگلستان و ساخت شبکه پناهگاه های زیر زمینی برای صدام:

«در ژوئن ۱۹۸۲ صدام تصمیم گرفت برنامه پرهزینه ساخت شبکه پناهگاه های زیرزمینی را به اجرا بگذارد تا بتواند منابع استراتژیک خود را از خطر حملات هوایی مصون بدارد. بر این اساس شرکت های انگلیسی طرحی را ارائه کردند که به موجب آن برای ۴۸ هزار سرباز پناهگاه امن ساخته می شد. هر پناهگاه تونل پولادین داشت و می توانست تا ۱۲۰۰ نفر را در خود جای دهد. یکی از آنها در کنار کاخ ریاست جمهوری بنا شده بود. و پر از تجهیزات الکترونیکی، کامپیوتر، تله پرینت و شبکه های ارتباطی بود و دفتر صدام را با تمام نقاط عراق در تماس دائم قرار می داد. حفاظت از این پناهگاه به گونه ای بود که اگر کسی به داخل آنها رخنه می کرد دوربین های ویدیوئی او را می دیدند و مسلسل های خودکار نصب شده بر روی دیوار ها بر سر و روی او گلوله می باریدند. در راستای همین همکاری ها شرکت مارکنی انگلیس

فرستنده های مایکروویو نظامی در اختیار عراق قرار داد و شرکت راکال نیز متعهد شد تا کارخانه تولید پیشرفته ترین رادیوی نظامی جهان را به نام جاگوار در عراق احداث نماید.»

مین های ضد نفر ایتالیایی

آلن فریدمن (محقق و نویسنده امریکایی):

«در یکی از پیچیده ترین خلاف کاری ها در رم، میلیون ها مین مرگ بار با استفاده از یک شرکت قلابی در سنگاپور به عراق فرستاده شدند. عراق به کمک یکی از شعبات بانک «لاوورو» در شمال ایتالیا ۹ میلیون مین ضد نفر به ارزش ۲۵ میلیون دلار خریداری نمود. این مین ها ساخت شرکت «والسلا» بود که ۵۰ درصد آن تحت مالکیت شرکت فیات، گروه صنعتی بزرگ ایتالیا و تحت کنترل جیانی آنیلی ۷۲ ساله بود که امروزه نیز به عنوان پادشاه بدون تاج و تخت ایتالیا معروف است. برخی از مین هایی که عراق دریافت نمود از نوع بسیار وحشتناکی است که به راحتی می توان آنها را از هلی کوپتر پخش کرد

یا به سادگی روی سطح بیابان انداخت. اگر کسی روی این مین ها پا می گذاشت پای قربانی تا مچ یا حتی ران پا قطع می شد.»

فرانسه و فروش جنگنده های میراژ

کنت تیرمن (محقق و نویسنده امریکایی):

« در ژانویه ۱۹۸۱، تحویل ۶۰ فروند میراژ F۱ مجهز به موشک که ابتدا از سوی والری ژیسکاردستن معلق شده بود آغاز گشت. در ژوئیه همان سال فرانسه بنی صدر و مسعود رجوی را به عنوان پناهنده سیاسی پذیرفت. رجوی، پاریس را به ستاد اپوزیسیون ایران تبدیل کرد.

به دنبال خروج دیپلمات های فرانسه از تهران در سال ۱۹۸۲ فرانسه اقدام به تحویل ۵ فروند هواپیمای سوپر اتاندارد مجهز به موشک های اگزوست به عراق کرد.»

آلن فریدمن:

«تحويل سلاح تقريباً به صورت روزمره ادامه داشت . یکی از پایگاه های ناتو که در مرکز فرانسه احداث شده بود به صورت مرکز بارگیری آنتونوف های نیروی هوایی عراق در آمد. این هواپیماها روزانه به این فرودگاه می آمدند و موشک های ساخت فرانسه، بمب های خوشه ای، فیوز و تجهیزات رادار را با خود به عراق می بردند. سازمانهای اطلاعاتی فرانسه در سال ۱۹۸۶ بر آورد کردند که اگر سه هفته از ارسال کمک به عراق خودداری کند، آن کشور شکست خواهد خورد.»

خمساره های دو زمانه فرانسه

کنت تیرمن (محقق و نویسنده امریکایی):

«معامله ۱/۶ میلیارد دلاری طرح ولکان یکی از شیرین ترین معاملات فرانسه با عراق بود. ۸۳ تویی که موضوع قرارداد ولکان بود برای طیف وسیعی از مقاطعه کاران تسلیحاتی فرانسه درآمد تولید می کرد. در

همین راستا عراق از شرکت فرانسوی TRT یک فیوز فوق العاده پیشرفته و پیچیده خرید که با نصب آن بر روی دماغه خمپاره ، موجب میشد تا خمپاره درست قبل از رسیدن به زمین منفجر شود.

یکی از افراد ارتش فرانسه که خمپاره اندازهای عراقی را در بیابان های بصره آموزش می داد می گوید: «با یک بار آتش آنها هم ایرانیها را تا فاصله یک کیلومتری درو می کردند. همین سلاح بود که جلوی امواج انسانی ایران را گرفت؛ درست مانند نبرد «وردن» در جنگ جهانی اول، آنها مدام آتش میکردند و ایرانیها واقعا قتل عام می شدند.»

مصر کانالی برای فروش تسلیحات ناتو

آلن فریدمن (محقق و نویسنده امریکایی):

«در طول دهه ۸۰ حسنی مبارک رئیس جمهور مصر حدود ۳/۵ میلیارد دلار موشک و تسلیحات به عراق فروخت که صدام از پرداختن بهای آن امتناع کرد. در سال ۱۹۸۴ او با همکاران خود در دولت مصر به توافق

رسید تا با عراق بر روی برنامه سری موشک های بالستیک دارای قابلیت هسته ای همکاری کند. این برنامه پروژه کندور ۲ نام گرفت. مبارک در ملاقات خود با بوش در سال ۱۹۸۶، مصر را به کانالی برای صدور انواع گوناگون فناوری های موشکی ناتو که شرکت های پوشش اروپا به بغداد قاچاق می-کردند تبدیل ساخت.»

بلژیک و ساخت پایگاه های نظامی برای عراق

«صدام در ژوئن ۱۹۸۲ قراردادی به ارزش ۸۳۰ میلیون دلار با یک شرکت بلژیکی به نام سیکسکو امضا کرد. هدف از این طرح پر هزینه که به نام رمزی پروژه ۵۰۵ خوانده می-شد. آن بود که برای جنگنده های پیشرفته عراقی ۸۰۰ پناهگاه در عمق ۵۰ متری زمین احداث گردد. سیکسکو که از اعتبارات صادراتی دولتی بلژیک استفاده می نمود طی ۴ سال ۱۷ پایگاه هوایی و چند مقر نظامی در عراق ایجاد نمود. میراث های عراق در جریان جنگ با ایران از همین پناهگاه ها خارج می شدند و به پرواز در آمدند. از دیگر شرکای صدام ساییترا کنسرسیوم

بلژیکی بود که با جدیت تمام روی پروژه-های عکاشات و القائم کار می-کرد و یکی از بزرگترین کارخانه های آزمایشی و تولید فسفات جهان را در این دو منطقه بنا نمود.»

(۳) کمکهای هسته ای و سلاحهای غیر متعارف:

همکاری های هسته ای برزیل

کنت تیمرمن (محقق و نویسنده امریکایی):

«در همان حال که فرانسه مشغول تکمیل راکتورهای هسته ای در عراق بود، صدام با برزیل قرار داد ۱۰ ساله همکاری هسته-ای امضا کرد. این قرارداد که در سال ۱۹۷۲ بسته شد به قدری محرمانه بود که دولت بعدی برزیل مدعی شد از محتوای آن بی خبر بوده است. در یکی از تبصره های قرارداد که به درخواست صدام گنجانده شده بود، برزیل متعهد میشد مقادیر زیادی اورانیوم طبیعی و غنی شده با درصد کم، تکنولوژی هسته ای، تجهیزات و آموزش مربوطه را در اختیار عراق قرار دهد.»

فرانسه و اعطای یک بمب اتمی به عراق

وفیق السامرای (مسئول اسبق بخش ایران در استخبارات عراق):

«کمکهای خارجی فرانسه به عراق به جایی رسید که فرستاده آنها به بغداد آمد وبا وزیر دفاع وقت، عدنان خیر الله ملاقات نمود و به او گفت:

«فرانسه به طور جدی زمینه اعطای یک بمب اتمی به عراق را بررسی می نماید. می توان برای مجبور کردن ایران به توقف جنگ این بمب را به هدف مشخصی پرتاب کرد.» من تا سال ۱۹۸۴ نسخه ای از این گزارش را که با امضای وزیر دفاع برای صدام ارسال شده بود، در یک صندوق ویژه نگهداری می کردم.» حسین کامل (رئیس صنایع دفاع عراق) در این خصوص می گوید: «واقعیت این است که تلاش ما ساختن بمب اتم بود. منتها با قدرت کم. به این خاطر اگر موفق به پیروزی در جنگ نشدیم آن را علیه ایران به کار ببریم. صدام سال ۱۹۹۰ را برای استفاده از بمب اتم در منطقه جنوبی جنگ تعیین کرده بود. آن روز تنها چیزی که برای صدام اهمیت داشت به پایان رساندن ساخت بمب اتم و استفاده از آن علیه ایران بود.»

بمب خوشه ای کارآمد ترین سلاح برای درهم شکستن امواج انسانی

آلن فریدمن (نویسنده و محقق امریکایی):

«امریکا به پیشنهاد ویلیام کیسی (رئیس سیا)، تحویل بمب های خوشه ای به عراق را در اولویت قرار داد زیرا این سلاح را مناسب ترین و کارآمد ترین سلاح برای در هم شکستن امواج انسانی مدافعان ایرانی میدانست. به اعتقاد او این بمب ها می توانست به یک قدرت تصاعدی واقعی و مؤثر علیه قوای ایرانی تبدیل شود.

در واقع این بمبها از لحاظ تکنیکی جزء سلاح های متعارف محسوب می شوند اما در میدان نبرد همانند سلاح های نامتعارفی چون سلاح های شیمیایی می توانند موجب کشتار وسیعی شوند.

چنانچه این بمب ها درست عمل کنند می توانند در وسعتی به اندازه ۱۰ برابر زمین فوتبال هرکسی را کشته یا مجروح کنند. عملاً این بمب ها چرخ گوشت های هوایی هستند و هر چیزی را در سر راه خود خرد میکنند.»

آلن فریدمن (محقق و نویسنده امریکایی):

«کارلوس کاردوئن رئیس صنایع کاردوئن، به تدریج منافع سرشاری از فناوری بمب خوشه ای و تشویق مقامات ارشد شیلی برای ارسال آن به عراق به دست آورد. او تا آن زمان بمب های خوشه ای به ارزش نیم میلیارد دلار از طریق شیلی به عراق فروخته بود...»

به وی اجازه داده شده بود که مقدار زیادی ماده زیرکونیوم را از ایالات متحده وارد کند. این ماده از مواد اصلی تشکیل دهنده بمبهای کوچکی بود که در داخل بمب خوشه ای قرار داده می شد.

او به دلایل متعددی از صدام و پینوشه (رئیس جمهور دیکتاتور شیلی) سپاس گذار بود، چرا که صدام بهترین مشتری او بود که در رؤیاهایش میتوانست داشته باشد و پینوشه با توسعه تسلیحاتی شیلی او را به نوعی ثروتمند ساخته بود.»



خاکِ پارسه را در آغوش می‌فشارم
تا آرزوهای من در آنجا
سبز شود

۴) کمکهای اطلاعاتی:

پیوند ماهواره ای امریکا و عراق

کنت تیمرمن محقق و نویسنده امریکایی:

«پیوند ماهواره ای در صدر موافقت های بلند مدت عراق و آمریکا بود در مورد تحرکات نیروی هوایی ایران نیز اطلاعات با ارزشی در اختیار ارتش عراق قرار می گرفت، این اطلاعات را آواکس های آمریکایی مستقر در ریاض، به کمک پرسنل آمریکایی از منطقه نبرد جمع آوری می کردند در همین راستا مجتمع پیشرفته و پر هزینه ای در بغداد ساخته شد تا اطلاعات مستقیماً از ماهواره دریافت شده و پردازش بهتری از اطلاعات بر روی عکس ها صورت پذیرد.» سر لشکر وفیق السامرای (مسئول اسبق بخش ایران در استخبارات عراق): «این عکس ها به گونه ای بود که ما به راحتی می توانستیم تصاویر سربازانی که در پادگان های ایران در حال آموزش هستند را مشاهده کنیم، حتی کسی که در رژه، دست و پایش را به اشتباه حرکت می داد در این عکس ها مشخص بود . هنگامیکه کارخانه های سیمان را بررسی می

کردیم ، تعداد کیسه هایی که در روی کامیون ها قرار داشت را به راحتی
شمارش می کردیم، در عین حال ماهواره ها نتایج حملات هوایی و
موشکی را نیز گزارش می دادند.»

زمامداران عربستان و دادن گزارشهای محرمانه ایران به عراق

مجله ژون آفریک مورخ ۹ ژوئن ۱۹۸۲:

«زمامداران عربستان درست یک ماه مانده به شروع جنگ، هنگام
استقبال از صدام به وی هدیه شاهانه ای دادند و آن گزارشی بود که از
سوی دستگاه های سری امریکا تهیه شده بود و در آن اوضاع اقتصادی،
اجتماعی و نظامی ایران تشریح شده بود.

علاوه بر آن اطلاعات دقیقی درباره وضعیت ارتش ایران، تعداد نفرات
آن، مواضع و تجهیزات قابل بهره برداری آن و اطلاعات مختلف دیگر
که بسیار محرمانه بود به او منعکس کردند. خلاصه آنکه یک نقشه
کامل تهاجم تهیه شده بود.»

دراختیار قرار دادن امکانات شناسایی

بر اساس عملیات سیاه رادیو های کد گذاری شده ای در اختیار خلبانان عراقی قرار داده شد تا آنها امکان ارتباط با افسران مستقر در کشتی های امریکایی در خلیج فارس را داشته باشند. یک افسر بازنشسته در این رابطه گفت: «هدف این بود که هواپیماهای عراقی بر فراز خلیج فارس بتوانند با افسران ما تماس بگیرند. این روابط روزانه باعث شد تا هواپیماهای عراقی بتوانند نفت کش ها و کشتی های تجاری به مقصد ایران را شناسایی کنند و این امر کمک زیادی به عراقی ها در انتخاب اهداف شان می کرد.»

۵) کمکهای نیروی انسانی:

«سودان در اواسط دی ماه ۶۱ صدها تن از سربازان ارتش خود را به جبهه های جنگ علیه ایران اعزام نمود. همچنین بدستور جعفر نمیری رئیس جمهور سودان در شهر خارطوم پایتخت این کشور و پاره ای از شهرهای دیگر دفاتری جهت ثبت نام برای اعزام نیرو به جبهه های

جنگ علیه ایران دائر گردیده است. جعفر نمیری در مصاحبه با مجله الیوسف چاپ قاهره اذعان میدارد که اعزام نیرو به عراق طبق تصمیمات کنفرانس سران عرب صورت گرفته است.» سرلشکر وفیق السامرائی (مسئول اسبق بخش ایران در استخبارات عراق): «در جهت کمک به عراق، یمن تیپ پیاده العروبه را به عراق فرستاده بود. اردن نیز نیروی الیرموک را به عراق گسیل داشت و سودان داوطلبانی را اعزام داشت که در جبهه شرقی رودخانه میسان در خط مقدم جبهه فعالیت می کردند.»

۶) کمکهای مالی:

پول، نفت و خاک کویت در خدمت صدام

دکتر «فواص بدر»، اقتصاد دان مستقل کویتی: «کویت در جریان جنگ عراق علیه ایران قریب به ۱۵ میلیون دلار پول نقد به عنوان وام بلاعوض در اختیار بغداد قرار داده است و این جدا از نفتی بود که کویت برای عراق صادر می کرد.»

«افسران نیروی هوایی کویت اذعان کردند که نیروی هوایی عراق از پایگاه هوایی علی السام کویت در طول جنگ به کرات استفاده میکرده است. این پایگاه چون در رأس خلیج قرار داشت راه عراق را برای هدف قرار دادن سکوهای نفتی خارک ۲۰۰ کیلومتر کوتاه تر می کرد و این امر به خلبانان عراقی کمک شایانی می نمود.»

۷) کمکهای شیمیایی:

مقام نخست آلمان در توسعه تسلیحات شیمیایی عراق

تیمر من محقق و نویسنده امریکایی: «شرکت آلمانی کارل کولمب سر انجام ۶ خط تولید سلاح شیمیایی جداگانه به نام احمد، محمد، عیسی، عانی، مدای و قاضی در مجتمع سامره ایجاد کرد. اولین آنها در سال ۱۹۸۳ و آخرین شان در سال ۱۹۸۶ تکمیل شدند.

از گاز خردل و اسید پروسیک تا گازهای عصبی سارین و تابون در این کارخانه تولید می شدند و در خمپاره ها، راکتها و گلوله های توپ جاسازی می شدند. بی تردید این بزرگترین کارخانه سلاح شیمیایی در جهان بود.»

رادیو بی بی سی به نقل از مجله اشپیگل:

«هیچ کشوری به اندازه آلمان چنین کمک تحقیقاتی و تولیدی به عراق در تهیه یک نوع سلاح کشنده و تعیین کننده نکرده است.»

سوئیس و ساخت کارخانه فرآوری اورانیوم

کنت تیمرمن (محقق و نویسنده امریکایی):

«عراقی ها یک شرکت سوئیسی به نام شرکت مهندسی آلسا الو سوئیس را اجیر کردند تا کار بر روی پروژه اورانیوم را آغاز کند... در طول پروژه کارکنان شرکت با هیچ کس تماس نداشتند و طرح آنها در کمال خفا انجام می گردید. بعدها معلوم شد که این شرکت واحد تولیدی خاصی در کارخانه القائم عراق ایجاد کرده تا به استخراج نمک های فلوئور و از جمله فلوئور آمونیم از اسید فسفریک مایع بپردازد. آن طور که کار پیش می رفت القائم به صورت پروژه ای کلیدی در تولید سلاح هسته ای عراق در می آمد و این علاوه بر هزینه اولیه پروژه یعنی تولید مقادیر عظیم مواد شیمیایی برای استفاده در سلاح مرگبار گاز سمی بود.»

کمک های شیمیایی و بیولوژیک امریکا به عراق

شبکه تلویزیونی ABC امریکا:

«صدام حسین از یک شرکت امریکایی به نام «آل کولاک» در باتیمور بیش از ۵۰۰ تن ماده شیمیایی به نام «فیودی گلیکول» خریداری نمود که این ماده به گونه ای بود که در صورت مخلوط شدن با اسید کلریدریک به گاز خردل تبدیل می گردید.»

بنابر گزارشی، شرکت های خصوصی امریکا در دهه ۸۰ با گرفتن مجوز از طرف وزارت بازرگانی امریکا نمونه هایی از مواد بیولوژیکی و میکروبی را به عراق صادر کرده اند که این مواد از نوع ضعیف شده نبوده و قادر به تولید مثل بوده اند.

در میان آنها میکروب سیاه زخم، طاعون و همچنین یک باکتری سمی به نام «ستریدیوم باتولینی» به چشم می خورد.»

کشف دخالت اسپانیا در تولید سلاح های شیمیایی عراق

«در یکی از عکس هایی که در مجله تایم به چاپ رسید و شهرت بسیاری کسب کرد، هیأت سازمان ملل و روزنامه نگاران غربی با ماسک ضد گاز در حال بررسی یکی از بمب های شیمیایی کارنکرد عراقی بودند

اگر فیوز الکتریکی آن عمل کرده بود این بمب هم مثل بقیه منفجر می شد. به هر حال مأموران سازمان ملل علائمی از روی بمب پیدا کردند و با رد یابی قضیه معلوم شد که جداره بمب ساخت کشور اسپانیا بوده است.

فیوزها نیز ساخت یک شرکت اسپانیایی بودند. اگر فیوزها بی عیب و نقص بود و تمام بمب ها در جبهه نبرد منفجر می شد کشف دخالت دولت اسپانیا در برنامه تولید سلاح های شیمیایی عراق چندان آسان به نظر نمی رسید.»

۸) کاهش قیمت نفت و قطع صدور نفت ایران:

گری سیک (مشاور امنیت ملی کاخ سفید):

«تا موقعی که نفت ایران صادر میشود، جنگ ادامه خواهد یافت.

بنابراین باید جریان صدور نفت ایران را قطع کرد.»

ویلیام فایر، نظریه پرداز غربی:

«ما با ایران چه کنیم؟»

هرچه پول در رگ های عراق تزریق شد، نتیجه نداده است. اگر عراق از

دست برود، فردا کویت و پس فردا هم سعودی نیز خواهد رفت. تنها

یک روزنه ی امید هست.

با سقوط قیمت نفت ایران بر شکست میشود و ماشین جنگی آن از

کار می افتد. شاید این درمان کارگر شد و این آخرین شانس ماست.»

۹) کمک‌های مجامع بین‌المللی:

نامه وزارت خارجه امريکا به هیأت نمایندگی دفتر اروپایی سازمان ملل،

۱۴ مارس ۱۹۸۴

«وزارت خارجه به نماینده امريکا در سازمان ملل دستور می‌دهد که حمایت سایر هیأت‌های نمایندگی غربی در سازمان ملل را جلب نمایند تا در مورد پیش‌نویس قطعنامه ایران که استفاده عراق از جنگ افزار شیمیایی را محکوم می‌کند "رأی ممتنه" دهند. در غیر این صورت، ایالات متحده جریان این قطعنامه را متوقف سازد.»

ریچارد مورفی: «تا زمانی‌که عراق از سلاح شیمیایی در دفاع از خاک خود و در مقیاس محدود استفاده می‌کند توسلش به این سلاح "قابل درک" می‌باشد.»

روزنامه لس آنجلس تایمز: «تا آن زمانی که تنها ایرانیان قربانی حملات شیمیایی بودند چه در سازمان ملل و چه در پایتخت‌های کشور‌های بزرگ جهان عملاً عزم و اراده سیاسی کافی برای محکوم کردن اینگونه اقدامات وجود نداشت.»

۱۰) دخالت مستقیم آمریکا در جنگ تحمیلی

ما اگر می‌خواهیم واقعاً به جنگ ایران و عراق بپردازیم و پدیده جنگ را بررسی کنیم، تاریخ جنگ را تحلیل کنیم و بتوانیم از جنگ دریافت‌هایی برای امروز و آینده‌مان داشته باشیم نیاز به این داریم که جنگ را همه‌جانبه و از زاویه دید همگان ببینیم و علاوه بر اینکه جنگ را از نظر طرفین مخاصمه ببینیم باید کشورها و گروه‌ها و افرادی که در این میان به نفع یکی از طرفین داشتند فعالیت می‌کردند تا موازنه را تغییر دهند یا برتری یکی نسبت به دیگری را ایجاد کنند، بررسی شوند.

دولت آمریکا به جهت اینکه منافعش بعد از انقلاب اسلامی در منطقه به خطر افتاده بود و دل‌خوشی از انقلاب اسلامی نداشت مخصوصاً بعد از قضیه لانه جاسوسی که تقابل ایران و آمریکا شروع شد، سعی کرد با دامن زدن به اختلافات، عراق را به جنگ با ایران وادارد و این کشور را همراهی کند و حتی در سال‌های آخر جنگ آمریکا در خلیج فارس به‌طور مستقیم با ایران دست به مقابله زد.

برهمن اساس، در بهار سال ۱۹۸۲ که عراق در آستانه شکست بود ایرانی‌ها شکافی را بین خطوط دفاعی عراق در امتداد مرز بین بغداد در شمال و بصره در جنوب پیدا کرده بودند، ایران اگر در این حمله بزرگ این خطوط را می‌شکافت موفقیت بزرگی را به دست می‌آورد که منجر به شکست نهایی عراق می‌شد.

بعد اطلاعات ماهواره‌ای را می‌گوید که مشخص کردند ایرانی‌ها این خطوط دفاعی را شناسایی کردند و در حال استقرار نیرو هستند.

در این زمان تصمیم گرفتیم که از طریق دولت ریگان جلوی شکست عراق را بگیریم و ریگان مجبور شد تا بی‌طرفی را کنار بگذارد و مداخله کند. در واقع این سند نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها نه تنها بی‌طرف نبودند بلکه مشورت نظامی در زدن اهداف ایران را هم می‌دادند.

منبع : کتاب «اتحاد شوم»



مانده برپای وطن

در دفاع مقدس نقش پشت جبهه به قدر جبهه
اهمیت داشت. برخی با حمایت‌های فرهنگی و
تلیقاتی دائم مشغول خنثی‌سازی عملیات روانی
دشمن بودند، از شعر و شعار و پذیرایی از جنگ‌زده‌ها،
تا ماندن مردم شهرها زیر موشک باران دشمن، مثل
دزفول؛ یکی از موارد افتخارآمیز پشت
جبهه، ماندن مردم اهالی شهرهای زیر
موشک باران بعضی از شهرها بود.

عمرها
۹۵/۶/۳۱
ویراسته با سلیقه
@MASHREGH

و اما اعترافات دشمنان در مورد امام و ایران

هراس غرب از رهبری امام خمینی(ره)

کنت دامارانش (رئیس سابق سازمان جاسوسی فرانسه):

«ایران یکی از قدرت های واقعی منطقه است که دارای ذخایر عظیم نفت در قلمرو وسیع و پرجمعیت خود می باشد؛ هزاران سال است که این امپراطوری به عنوان قدرت مسلط کل منطقه شناخته شده است. اکنون در زمان آیت الله خمینی این قدرت چند برابر شده است.»

روحیه جسارت و شهادت نیروهای ایرانی

کنت دمارانش: «ایرانی ها افراد سرسخت خاورمیانه اند که وقتی دارای احساسات مذهبی می شوند، دو برابر خطرناک می شوند. اکنون شناخت، مطالعه و نبرد با آنها در سطوح مختلف، بیشتر از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. در حال حاضر ایرانیان شیعه به خوبی برای مبارزه، که همیشه بخش جدایی ناپذیر تاریخ، فرهنگ و مذهب آنها بوده است ، آماده شده اند.»

«در اردوگاه های اسرای ایرانی افرادی را دیدیم که قاطعانه برای فدا کردن جان خود در راه اعتقادات شان آمادگی داشتند. آن منظره منادی جنگ جهانی چهارم بود که ما فقط درک نا مشخصی از آن در ذهن داریم. اعتقادات مذهبی این افراد برای سوق دادن آنها به سوی انجام کارهایی که به طرزغیر قابل باوری سخت بودند، نقش بسزایی داشته است.»

خبرگزاری فرانسه -۱۳۶۳/۱/۳: «تاکتیک های نظامی ایران از نظر جسارت و شهامت ، در تاریخ مورد استفاده قرار خواهد گرفت.»

منابع:

۱- جنگ جهانی چهارم، دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت

۲- کنت دمارانش، دیوید ای، اندلمن/سهیلا کیانتاژ/اطلاعات

۳- کسوف، آخرین روزهای CIA

۴- مارک پری/غلامحسین صالحیار/اطلاعات

- ۵- سیاست امریکا در قبال ایران طی دوره جنگ تحمیلی
- ۶- مجتبی تهامی، گل محمد بهمنی، فتح الله رسولی/وزارت امور خارجه
- ۷- آغاز تا پایان جنگ(سالنمای تحلیلی)
- ۸- محمد درودیان/مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۹- رویارویی استراتژی ها
- ۱۰- حسن اردستانی/دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۱- ریشه های تهاجم(علل و زمینه های شروع جنگ)
- ۱۲- فرهاد درویشی و گروه نویسندگان/مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۱۳- امریکا و بر اندازی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۴- کامران غضنفری/نشرکيا
- ۱۵- جنگ از نگاهی دیگر(بررسی تحولات سیاسی - اجتماعی)
- ۱۶- محمد مهدی بهداروند. احمد سوداگر/مؤسسه فرهنگی خادم الرضا
- عليه السلام

۱۸- سوداگری مرگ

۱۹- کنت ار تیرمن/احمد تدین/مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

۲۰- ما اعتراف می کنیم

۲۱- محسن صفی/حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

۲۲- ویرانی دروازه شرقی

۲۳- وفیق السامرایي/عدنان قارونی/مرکز فرهنگی سپاه

۲۴- دعاوی ایران

۲۵- آلن فریدمن/گروه مترجمان/مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۲۶- جنگ ایران و عراق

۲۷- ابوغزاله/ناددر نوروز شاد/مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

هیلاری کلینتون، داعش را خودمان ساختم



همان طوری که در طول ۸ سال دفاع مقدس، آمریکا رهبری بلوک غرب را برای درهم شکستن و شکست انقلاب نوپای نظام جمهوری اسلامی را تدارک دیده بود، وزیر خارجه سابق آمریکا، هیلاری کلینتون در کتاب خود با عنوان "گزینه‌های دشوار" سخنان غافلگیر کننده‌ای را مطرح ساخته و اذعان کرده است که داعش در واقع ساخته دست آمریکا با هدف تقسیم خاورمیانه است. به نوشته روزنامه الاهرام، هیلاری کلینتون، وزیر خارجه سابق آمریکا در کتاب خاطرات خود که اخیراً در آمریکا چاپ شد، نوشته است: ما وارد جنگ عراق، لیبی و سوریه شدیم

و همه چیز بر وفق مراد و بسیار خوب بود اما ناگهان انقلاب مصر در ۳۰ ژوئن رخ داد و همه چیز ظرف ۷۲ ساعت تغییر کرد... من به ۱۱۲ کشور جهان سفر کرده بودم و با برخی از دوستان این توافق حاصل شد تا به محض اعلام تاسیس داعش این گروه به رسمیت شناخته شود اما ناگهان همه چیز فروپاشید. توافق شده بود تا دولت اسلامی(داعش) در روز ۵ / ۷ / ۲۰۱۳ اعلام شود و ما منتظر اعلام تاسیس آن بودیم تا ما و اروپا هرچه سریعتر آن را به رسمیت بشناسیم. منبع : به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۳

ترامپ: هیلاری کلینتون داعش را ساخت

نامزد جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا رقیب دموکرات خود را مسئول ظهور داعش دانست و اعلام کرد سیاست‌های "احمقانه" کلینتون داعش را خلق کرد.

دونالد ترامپ، نامزد جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا در مصاحبه با برنامه "۶۰ دقیقه" شبکه سی بی اس نیوز

گفت: هیلاری کلینتون (نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا) با سیاست‌های احمقانه‌اش داعش را اختراع کرد. او مسئول ظهور داعش است. کلینتون، باراک اوباما را راهنمایی کرد چرا که فکر نمی‌کنم اوباما چیزی بداند و بلد باشد. فکر می‌کنم اوباما به کلینتون تکیه کرده است همانطور که برنی سندرز گفت قوه تشخیص و قضاوت کلینتون بسیار بد است. او از قوه تشخیص و قضاوت و غریزه‌های بدی برخوردار است. ترامپ افزود: ما قصد داریم علیه داعش اعلان جنگ کنیم. ما باید از شر داعش خلاص شویم. من می‌خواهم نیروهای زمینی اندکی در میدان نبرد داشته باشیم. ما باید اطلاعات باورنکردنی را که نیاز داریم، جمع‌آوری کنیم که متأسفانه در حال حاضر از این آگاهی بی‌بهره هستیم. ما در آنجا پرسنل نخواهیم داشت. ما کشورهای مجاور به ویژه ناتو را در این کار شرکت می‌دهیم، چرا که بیشتر از آنچه که باید از ناتو حمایت می‌کنیم اما آنها آنچه را که انتظار می‌رود انجام نمی‌دهند. ما باید از شر داعش خلاص شویم. ترامپ و پنس این مصاحبه را پیش از آغاز کنوانسیون ملی جمهوری خواهان که قرار است امروز (دوشنبه) در کلوند برگزار شود انجام دادند.



۳۰ آبان سالروز اعلام رسمی پایان حکومت داعش
توسط شهید شهید قاسم سلیمانی

طومار داعش را به هم پیچید

شاهکار سردار سپهبد شهید، حاج قاسم سلیمانی

داعش نابود شد، اما نیومده بود برای نابود شدن!...

داعش را نساخته بودن که برای یه سال و دو سال و چند سال!

داعش تجهیز شده بود برای ماندن، برای بودن!

ابوبکر البغدادی رفته بود تل آویو زیر نظر موساد،

آموزش سخن وری و حکومت داری دیده بود!

اومده بود که حکومت کنه!

اسمش: دولت اسلامی عراق و شام بود،،،

دولت بود دوووولللتت ، دقت کن دولت بود...

دولت نیاز به عقبه فکری عقیدتی سیاسی نظامی و امنیتی داره!

فقط عربستان ۵۰ میلیارد دلار پول نقد داده بود!

امارات متحده هم ۵۰ میلیارد دلار پول داده بود!

کویت و قطر و بحرین هم همینطور!

غول ترين سرويس هاي جاسوسي دنيا

موساد اسرائيل

ام آي ۶ انگليس

سيا آمريكا

مسئول تغذيه اطلاعاتي و امنيتي داعش و... بودن!

اردن محل آموزش اينها بود!

ژاپن با آن ته فرهنگ انسانيش،

هزاران تويوتا داد به داعش!

فرانسه، انگليس، آلمان و... سلاح هاي مدرن و اتوماتيك ميدادند! ...

تركيه مسول ترانسفر (نقل انتقال) نيروي انساني و ادوات و خريد نفت

از داعش بود!

آمريكا، تجهيزات نظامي و تسليحاتي را مستقيم برايشان از راه هوا در

وسط درگيريها خالي مي كرد، مخوف ترين تجهيزات نظامي از آسمان

براشون هلي برد مي شد!

از کجاش بگم؟ کل آمریکا و اروپا و کانادا و استرالیا و ناتو و... به داعش
"کمک رسانی تجهیزاتی، مالی، فکری و عملیاتی" می کردند...

جدیدترین نسل موشک های ضد زره (تاو) را می دادن به داعش...
قیمت این موشک ها آنقدر بالاست، گاهی از قیمت اون تانکی که
میزدن گرون تر در میومد!... با ضد زره (موشک تاو)، داعش آدم
میزد!... میدونی یعنی چی؟...

یعنی مردم و مدافعان حرم پودر می شدند... پودر!

فرمانده میدان و خط شکن هاشون ریش قرمزهای چچنی بودن!...
برید تو یکی از این کنسرت ها، صدا تا روشن فکر و بیارید به خط کنید
یه ریش قرمز چچنی بزارید جلوشون! ... از اون اولی تا اون آخری، صد
تاشون شلوارهاشونو خیس میکنن!... همینایی که فقط ادعا دارن و
طلبکارن! تو یه فقره جنایت جنگی در اسپایکر عراق، ۱۷۰۰ نفر جوان را
در یه روز دست بسته سلاخی کردن! ... داعش این بود!

داعش یه شبه از تو "لپ لپ" و "شانسی" در نیومده بود... ادوارد
اسنودن پیمانکار "nsa" رسماً گفت داعش محصول پروژه ای به اسم

"لانه زنبور" در سرویس های اطلاعاتی غرب بود! ... هیلاری کلینتون در کتاب گزینه های دشوار، رسماً گفت داعش را ما ساختیم و برای رسمیت دادن به داعش شخصا خودم به "۱۲۰ کشور" سفر کردم! ... ترامپ رسماً گفت داعش را اوباما و آمریکا ایجاد کرد!... داعش این بود!...

کل هالیوود و کارگردانانش در اختیارش بود تا با بهترین فیلم برداری و صحنه های ویژه، فیلم هایی از اسارت، سربردن، سوزاندن، تکه تکه کردن انسانها را در سراسر دنیا مخابره و باپخش آن القای "وحشت" و "ترس" و "اضطراب" را به همه ی جهان مخابره کنند و در سراسر دنیا از "جنايات شان پخش مستقيم" داشته باشند.... کل دنيای كفر و الحاد و نفاق تمام ظرفيت شونو از ۱۲۰ کشور آوردن تو میدان، تا ایران و دوستان ایران (محور مقاومت) رو نابود کنند، اما...

...اما فکر اینجاشو نکرده بودید آقای اتاق فکر سازمان سیا و اتاق عملیات پنتاگون! و مکروا و مکر الله والله خير الماکرين... سوره آل عمران / ۵۴... و آنان دست به فریب زدند و خدا هم مکر کرد و خداوند بهترین مکر کنندگان است...

و نیز می فرماید: ...یخادعون الله و هو خادعهم سوره النساء / ۱۴۲...
آنان با خدا مکر و حيله کردند و خدا نیز با آنان مکر می کند... انهم
یکیدون کیدا. واکید کیدا... سوره الطارق / ۵۱ - ۶۱ ... همانا آنان دست
به مکر و حيله زدند و من هم (با آنان) مکر می کنم...

امام خامنه ای رهبر معظم انقلاب در وصف شهید حاج قاسم سلیمانی
فرمودند: او به کمک ملت های منطقه توانست همه نقشه های
نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا را خنثی کند، این آدم توانست
درمقابل تشکیلات که با پول و با توانایی های دیپلماسی آمریکایی و
زورگویی های آمریکا روی کشورهای ضعیف داشتند، قد علم کند که
نقشه هایی که تهیه شده بود را در منطقه غرب آسیا خنثی کند... نقشه
آمریکا در عراق، سوریه و لبنان به کمک این شهید عزیز خنثی شد....
بیانات - ۱۸ دی ۱۳۹۸

حملات مقدس

به روایت آمار

۱۳۶۰

۱۶ عملیات

۱۳۵۹

۷ عملیات

۱۳۶۲

۱۰ عملیات

۱۳۶۱

۸ عملیات

۱۳۶۴

۱۴ عملیات

۱۳۶۳

۲ عملیات

۱۳۶۶

۲۶ عملیات

۱۳۶۵

۱۲ عملیات

۱۳۶۷

۵ عملیات

پیچیده ترین
آبی و خاکی جهان (والفجر ۸)

۲

خونین ترین جنگ بعد از
جنگ جهانی دوم

۱

موفق ترین تک تیرانداز
(عبدالرسول زرین)

۴

طولانی ترین جنگ متعارف
قرن بیستم

۳

بیشترین اسیر گرفته شده با
ملیت های مختلف توسط یک کشور

۶

بزرگترین عملیات هوایی قرن
(عملیات اچ ۳)

۵

کشورهای حامی ایران

کشورهای حامی عراق



لیبی



کره شمالی



سوریه



چین



روسیه



آمریکا

تعداد شهدا: ۲۱۳,۲۵۵ نفر

۳۰,۸۱۷

سال ۳۰ به بالا

۲۲,۷۰۳

سال ۲۹ تا ۳۴

۸۷,۱۰۶

سال ۲۳ تا ۲۰

۶۵,۵۷۵

سال ۱۹ تا ۱۵

۷,۵۸۲

سال ۱۴ به پایین



لهستان



عربستان



فرانسه



آفریقای جنوبی



مصر



سنگاپور

فقط نام بزرگترین حامیان ذکر شده است



۵۰,۰۰۰ نفر

کشته و زخمی در ۳۷۸ حمله شیمیایی توسط عراق



۵۵۲,۸۸۸

جانیاز



۴۲,۰۴۱

اسرای ایرانی



آرام‌شان نگذارید که آرام تان نمی‌گذارند

امام خمینی (ره) برای تامین امنیت و حفظ آرامش مردم در مقابل توطئه دشمنان می‌فرمایند: «همه مسئولان و مردم باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی‌تان -به خیال خودشان- بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور. همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر لحظه‌ای آرام گذارید، لحظه‌ای آرام تان نمی‌گذارند...»

با آغاز تجاوز رژیم بعث عراق به مرزهای ایران در سال ۱۳۵۹، بلوک غرب و شرق بلافاصله به حمایت مالی و اقتصادی از صدام پرداختند و با پرداخت بیش از ۶۰ میلیارد دلار به رژیم بعث، نیازهای مالی و اقتصادی این رژیم را در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران تامین کردند. متعاقب این حمایت‌های مالی بود که صدام توانست به تحرکات خود در مرزهای ایران ادامه دهد.

به اعتراف رسانه‌های غربی، کمک‌های مالی به رژیم بعث عراق نه تنها آتش جنگ را فروزان نگه داشت، بلکه باعث تحمیل جنایت‌ها و تلفات سنگین در طول هشت سال جنگ تحمیلی شد.

اعتراف کشورهای غربی به تامین هزینه‌های عراق در جنگ تحمیلی

اندکی بعد از پایان جنگ ایران و عراق، روزنامه "آبزرور" چاپ لندن در تاریخ ۱ مهر ۱۳۶۹ در مقاله‌ای ضمن اعتراف به تامین نیازهای مالی و اقتصادی رژیم بعث توسط دولت‌های غرب و شرق، نوشت: «اگر عربستان سعودی، اروپا و شوروی به منظور کمک به عراق... نیروهای نظامی، لوازم یدیکی و پول روانه نمی‌کردند، ایران متحمل این همه تلفات در جنگ نمی‌شد.»

بنابر گزارش رادیو آمریکا در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۶۹: «این عراق بود و نه ایران که از کمک‌های کلان نظامی و مالی خارجی برخوردار شد و این کمک‌ها به صدام حسین امکان داد که یک ماشین نظامی بیافریند... هشت سال بعد زمانی که میان این دو کشور آتش‌بس برقرار شد شمار

نفرت نظامی عراق از یک میلیون تجاوز می‌کرد. به این معنا که صدام حسین توانسته بود در عرض هشت سال نیروهای نظامی‌اش را چهار برابر کند و پول لازم برای این کار از سوی سعودی‌ها و کویتی‌ها تأمین شده بود. نه تنها از سوی آن‌ها بلکه البته از سوی شوروی و همچنین از فرانسه- آلمان غربی- ژاپن و سرانجام از امریکا.»

بنابر اعترافات مقامات و رسانه‌های امریکایی، دولت امریکا در دوران جنگ تحمیلی، به طور مستقیم و غیرمستقیم حامی مالی و اقتصادی رژیم بعث عراق بود.

بنابر گزارش رادیو امریکا در ۲۲ مرداد ۱۳۶۹: «امریکا در سال ۱۹۸۳ نام عراق را از فهرست حامی تروریسم حذف کرد و به این ترتیب زمینه برای سود گرفتن عراق از سوبسیدها، اعتبارات و تضمین‌های وامی دولت فدارل را هموار ساخت... عراق با رضایت و کمک گه‌گاهی امریکا به چنین قدرتی دست یافت و از یک داد و ستد گسترده محصولات کشاورزی امریکا... فروش نفت به پالایشگران امریکایی برای تأمین بودجه نظامی و... بهره گرفت.»

رادیو امریکا در گزارش دیگری به تاریخ ۶ مهر ۱۳۶۹ بار دیگر از تلاش امریکا برای حذف رژیم بعث عراق از لیست کشورهای حامی تروریسم به منظور تامین نیارهای مالی و اقتصادی این رژیم پرده برمی‌دارد و می‌گوید: «در سال ۱۹۸۳ امریکا نام عراق را از لیست کشورهای حامی تروریسم حذف کرد؛ ناگهان اعتبارات از سوی بانک بین‌المللی صادرات و واردات و تضمین وام‌های بین‌المللی از سوی مؤسسه اعتبارات بازرگانی به جانب بغداد آغاز شد.»

رادیو امریکا در گزارشی دیگر به تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۶۹ در مورد اعتبارات امریکا به رژیم بعث برای رفع نیازهای مالی و اقتصادی این کشور می‌گوید: «از سال ۱۹۸۳ دولت ریگان دادن اعتبار به عراق را برای خریدن غله از امریکا آغاز کرد. این‌گونه اعتبارات از سیصد و هفتاد میلیون دلار آغاز و تا سال ۱۹۸۹ تا یک میلیارد و دویست هزار دلار بالا رفت.»

خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز ضمن اعتراف به حمایت‌های مالی امریکا از رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی از تلاش‌های امریکا برای خنثی سازی تحریم‌ها علیه رژیم بعث پرده برمی‌دارد و می‌گوید: «از سال ۱۹۸۴

امریکا وام‌های بانکی وارداتی و صادراتی به عراق داده و چندین میلیارد دلار اعتبار این کشور را برای خرید محصولات کشاورزی امریکا از جمله گندم، برنج، ذرت، تنباکو و چوب تضمین کرده است. در سال‌های اخیر دولت امریکا سعی کرده است تا تلاش‌های کنگره را جهت اعمال تحریم‌هایی علیه عراق خنثی کند.»

روزنامه "کریسچن ساینس مانیتور" نیز در گزارشی از اعتبارات مالی امریکا به رژیم بعث پرده برمی‌دارد و می‌نویسد: «بین سال ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰ بانک صادرات و واردات امریکا ۲۶۰ میلیون به عراق اعتبار داد تا اعتبار نیازمندی‌های خود را از امریکا تأمین کند.» این روزنامه تأمین نیازهای مالی رژیم بعث عراق توسط امریکا بین سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹ را بالغ بر یک میلیارد دلار ذکر می‌کند و می‌نویسد: «بین سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹ عراق بیش از هر کشور دیگری از اعتبارات کشاورزی که شرکت اعتبارات کالاهای مصرفی می‌داد بهره‌مند شد که در سال ۱۹۸۹ بالغ بر یک میلیارد و یکصد میلیون دلار بود.»

بخش دیگری از اعترافات، به نقش امریکا در جنایت‌های شیمیایی رژیم بعث عراق می‌پردازد و فاش می‌کند که چگونه امریکا با کمک‌های مالی خود، در جنایت شیمیایی رژیم بعث عراق علیه ایران نقش‌آفرینی کرد. روزنامه "هرالد تریبون" چاپ انگلیس به نقل از آرتور شلنجر مشاور جان اف کندی، رئیس جمهور اسبق امریکا با اشاره به سیاست پشتیبانی امریکا از رژیم بعث هنگام استفاده صدام از بمب‌های شیمیایی، در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۶۹ می‌نویسد: «در حالی که صدام مشغول دست زدن به چنین عملیاتی [عملیات شیمیایی] بود، وام بانک‌های امریکایی به عراق برای خرید محصولات کشاورزی بالغ بر یک میلیارد دلار بود.»

حمایت‌های مالی کشورهای عربی از رژیم بعث

علاوه بر کشورها و دول غربی، کشورهای عربی هم به طور همه جانبه از رژیم صدام حمایت مالی می‌کردند. بنابر گزارش رادیو امریکا در ۲۳ بهمن ۶۹: «امیرنشین‌های خلیج فارس تقریباً ۳۰ میلیارد دلار یعنی بیش از نیمی از کمک‌های مالی عراق را تأمین می‌کردند...»

رادیو اسرائیل در تاریخ ۱ مرداد همان سال در مورد کمک‌های مالی کویت به رژیم بعث عراق فاش کرد:

«کویت به منظور تقویت عراق در جنگ با ایران میلیاردها دلار پول در اختیار صدام حسین قرار داد.» بنابر گزارش رادیو اسرائیل: «صدام برای ادامه جنگ علیه ایران در حدود ۶۰ میلیارد دلار از کشورهای خارجی وام گرفت که دست‌کم چهل میلیارد دلار آن از کشورهای عرب و از جمله چهارده میلیارد دلار آن از کویت بود.»

رادیو امریکا نیز در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۶۹ در مورد کمک‌های اقتصادی کویت به رژیم بعث در طول جنگ تحمیلی گفت: «کویت در جنگ ۸ ساله در خلیج فارس معادل ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار به عراق کمک مالی داد.» بنابر گزارش رادیو امریکا کویت علاوه بر کمک مالی به رژیم بعث سعی کرد با جلوگیری از فروش نفت ایران، اقتصاد ایران را تضعیف کند، در این رابطه رادیو امریکا می‌گوید:

«کویت علاوه بر حمایت از عراق در جنگ از سال ۱۹۸۶ به بعد با اشباع عمومی بازارهای نفتی جهان، از افزایش بهای نفت از ۱۵ تا ۱۷ دلار بابت

هر بشکه جلوگیری کرد و به این ترتیب درآمدهای نفتی ایران را تقلیل بخشید.» "فواص بدر" اقتصاددان مستقل کویتی نیز در یک کنفرانس خبری در مقر سازمان ملل در ۱۶ آذر ۱۳۶۹ کمک‌های نقدی کویت به رژیم بعث عراق را نزدیک به پانزده میلیارد دلار ذکر کرد و اظهار داشت: «کویت در جنگ عراق علیه ایران قریب به پانزده میلیارد دلار پول نقد به عنوان وام بلاعوض در اختیار عراق قرار داد... کمک مالی کویت به عراق جدای از نفتی بود که کویت برای عراق صادر می‌کرد.»

عربستان سعودی نیز یکی دیگر از حامیان مالی صدام در جنگ تحمیلی علیه ایران بود. کمک‌های مالی عربستان سعودی به رژیم بعث عراق به حدی بود که "خالد بن سلطان بن عزیز" وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی عربستان سعودی گفت:

«عربستان در جنگ حتی نوشابه‌های عراق را تأمین می‌کرد.» بنابر گزارش خبری رادیو امریکا در ۱۶ شهریور ۱۳۶۹ «عربستان سعودی میلیاردها دلار به صدام حسین کمک کرد تا با ایران بجنگد.»

خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز در گزارش خبری خود در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ به نقل از فهد پادشاه عربستان اعلام کرد: «اگر عراق می‌گوید افراد خود را فدا کرده است ما نیز با پول، سلاح‌های پیشرفته و همکاری بین‌المللی در این فداکاری سهمیم بوده‌ایم.»

تلویزیون دولتی عربستان نیز در گزارشی ضمن اعتراف به کمک مالی عربستان به رژیم بعث عراق می‌گوید: «عربستان سعودی، کویت و امارات عربی متحده در دوران جنگ تمامی امکانات مالی خود را در اختیار صدام حسین قرار دادند.»

خبرگزاری رویترز در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۶۹ رقم دقیق کمک‌های مالی عربستان به عراق را به نقل از پادشاه عربستان بیش از ۲۷ میلیارد دلار بصورت کمک‌های نظامی و اقتصادی اعلام کرد.

بنابر گزارش خبرگزاری رویترز "ملک فهد" در این رابطه اعتراف کرد: «ارزش کل اعتبارات، وام‌های بی‌بهره و سایر کمک‌هایی که به شکل محموله‌های نفتی با تجهیزات به عراق به عمل آمده بیش از ۵/۲۷ میلیارد دلار است.»

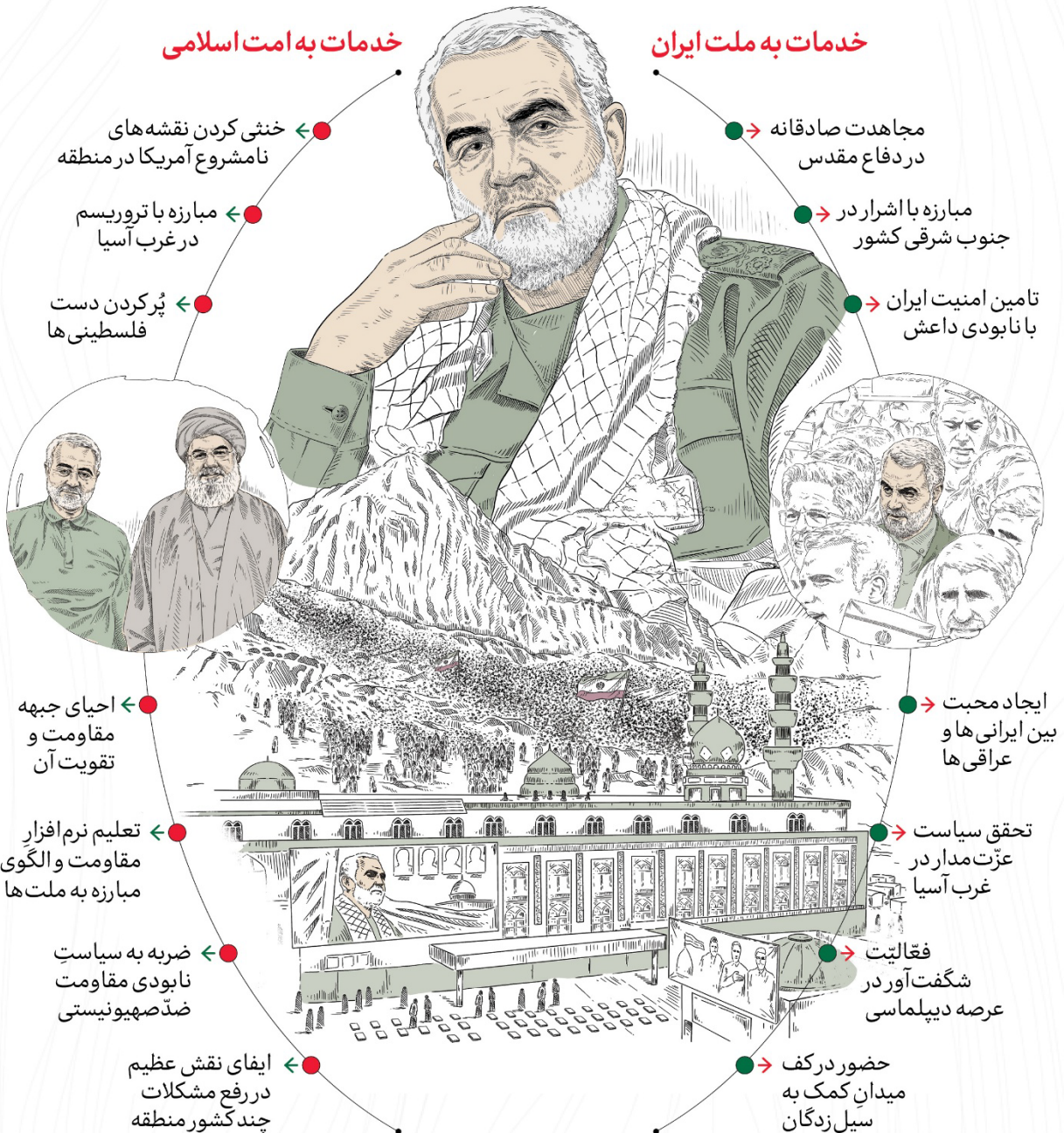


ملک فهد در ادامه اعترافات خود اقرار کرد: «این اقلام شامل ۸۴/۵ میلیارد دلار اعتبار، ۷۵/۶ میلیارد دلار کمک به صورت تولید نفت از جانب عراق در اثنای جنگ با ایران، ۲۵/۹ میلیارد دلار وام بدون بهره و ۷۴/۲ میلیارد دلار تجهیزات نظامی و حمل و نقل می‌شود.»

بدین ترتیب و طبق اعترافات رسانه‌ها و مقامات غربی و عربی، این دولت‌ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم، منابع مالی خود را در اختیار رژیم بعث عراق قرار دادند تا صدام با بهره‌گیری از این منابع مالی، هشت سال علیه ملت ایران آتش‌افروزی کند.

احیای جبهه مقاومت

حضرت آیت الله خامنه‌ای در آستانه چهارمین سالگرد شهادت شهید سلیمانی، با تأکید بر اینکه مقاومت نزدیک به سه ماهه اخیر غزه به علت وجود جبهه مقاومت است، گفتند: مهمترین نقش شهید سلیمانی، احیای جبهه مقاومت در منطقه است. (۱۴۰۲/۱۰/۱۰)
در این اطلاع‌نگاشت «خدمات فراوان شهید سلیمانی به ملت ایران و امت اسلامی» به روایت رهبر معظم انقلاب مرور شده است.



رزمنده بی نشان رفتید، شهید گمنام برگشتید، بی ادعا رفتید، چند تکه استخوان برگشتید، خیلی ها یادشان رفته شما گمنام ها با دست خالی به آتش زدید و با یک کلاش خالی چشم دشمن را کور کردید و به جهان ثابت کردید ایرانی مسلمان دین و سرزمین اش را با چنگ و دندان حفظ می کند.

خیلی ها یادشان رفته شماها برای چه گمنام شدید. یادشان رفته توی مجنون چقدر عاشق رفت روی هوا. چقدر خیبری دادید تا خیبری شدید. چقدر روی مین غلطیدید تا لشکری راهش را در قلب دشمن باز کند. چقدر شقایق پرپر شد تا ناموس همین ها که امروز از عالم و آدم طلبکارند، عروسک خیمه شب بازی عرب ها نشود. شما با همین گمنامی تان چه کارها که نکردید! روزی که توی شناسنامه های تان دست می بردید تا کربلایی شوید، روزی که دست و دامن پدر و مادر گریان تان را می بوسیدید تا به رفتن تان دل بدهند، به خدا فکر همه جایش را کرده بودید. ما ساده ایم و نمی دانیم. ما همه چیز را دو دو تا چار تا می کنیم و جواب های کودکا نه می گیریم.

ما راز گمنام شدن را بلد نیستیم و خیال می کنیم هر کس که نفس می کشد زنده است و آن که جانش را برداشته و رفته برنده این میدان است.

وقتی می رفتید همه از رفتن تان اشک می ریختند. حالا هم که آمده اید همه بغض کرده اند. آن روز، روز رفتن، روز دست از جان شستن بود، مادران همسران، پدرتان، فرزندان، برادرتان، خواهرتان با اشک بدرقه تان می کردند. حالا ولی هیچ کدام نیستند. نیستند و نمی دانند کجایید که بیایند. آسمان با حسرت به تماشایان ایستاده بود وقتی عزم سفر کرده بودید و کوله باران را می بستید .

آن زمان درست وقتی که با لبخند به اشک های بی صدای مادران و پدران و همسران تان نگاه می کردید، وقتی پیشانی فرزند دو ماهه خود را می بوسیدید، آسمان با حسرت به تماشای تان ایستاده بود. وقتی از همه دوستان، پدر و مادر و آن همه خاطره شیرین تنها با تبسمی دل بریدید، شاید نه...



حتما فکرش را می کردید و می دانستید که سال های سال بعد تنها با چند تکه استخوان، یک کوله پستی هزار تکه، قمقمه ای پوسیده و یک عکس کوچک از مرادتان، بر روی دست های لرزان و بی قرار و ناشناس مردم شهری که با همه خیابان ها و زیرگذرها و پل ها و میدان هایش کوچک می نمود، تشییع می شوید. این غریبه ها که امروز تابوت های سبک تان را بر شانه می کشیدند، چقدر دل شان برای سنگینی حضورتان تنگ شده بود، چقدر گریه کردند برای خودشان! چقدر شرمگین بودند! شما که پر کشیده بودید پس چرا این قدر دیر آمدید و حالا که آمدید چرا این قدر غریب؟

اینجا کسی حرف شما را نمی فهمد و لبخند شما را به جا نمی آورد. اینجا همه در پی نامند. گمنامی را هنر نمی دانند، بی نام و نشان بودن را دوست ندارد. اینجا آدم ها به آب و آتش می زنند تا شناخته شوند. کسی برای تان یک هورای خشک و خالی هم نکشید. کاش حداقل مادران تان بودند و می دیدند چه دسته گل هایی تحویل بهشت داده اند و بهشتیان چطور عزیز دردانه های شان را تحویل می گیرند.

از شما چه پنهان توی این سالها، چند سالی هست که ما هم کلی مدال گرفتیم. توی مسابقات ورزشی، المپیادها، جشنواره های داخلی و خارجی با فرش های قرمز و بنفش و صورتی اما شما شهدای گمنام و بی نشان، لبخند زدید، خوشحال شدید دوباره لبخند زدید و شاید توی دل تان می گفتید اگر مدال های ما را می دیدید چه کار می کردید؟ راست هم می گفتید، اگر می گفتید، اگر به روی مان می آوردید...!!!

راستی اگر مدال های شما را می دیدیم شاید امروز این قدر به خودمان غره نمی شدیم. این قدر توی بوق و کرنا نمی کردیم. این قدر برای مدال های کوچک دنیائی منت سر مردم نمی گذاشتیم و از خلف وعده مسئولان و نگرفتن خانه و ماشین و سکه و سفر حج شان توی سر و مغزمان نمی زدیم و...

شاید اگر مردم شما را می شناختند این قدر برای کم کردن روی برادر و خواهر و همسایه شان حرص نمی زدند. اما شما گمنامید. راه تان را پیدا کرده اید که گمنام شده اید. حالا هر کدام از شما در تمام نقاط سرزمینی که برایش به آب و آتش زدید به ما لبخند می زنید.

هفتاد و یک سال
کف نهاد

رعنا و ایستاده
جان هابه کف نهاده
رفتند و ماندن برجا،
ماخیل شرمساران



ای کاش همه نام ها گم می شد در راه روشن، ظهور . یکی می گفت:
هنوز هم وقتی هوا ابری می شه، مادران تان نگران تان می شوند. هنوز
هم روزی هزار بار کوچه را از اول تا آخر گز می کنند و همان طور که
روضه حضرت علی اکبر(ع) را زیر لب زمزمه می کنند، منتظرند تا شما
با همان لباس خاکی بی درجه، با همان لبخند و سر و موی خاکی و با
همان چفیه و تسبیح و انگشتر و کوله پشتی از راه برسید. این روزها
خیلی ها، خیلی جاها برایتان یادواره می گیرند. برایتان اشک می ریزند.
وصیت نامه نورانی تان را بارها می خوانند. اما خیلی ها هم یادشان
به شما نیست . اصلا انگار نه انگار که دیوانه ای با لشگری تا بن دندان
مسلح، صدها هزار سرباز وفادار و کوهی از مهمات و تسلیحات پیشرفته
به خاک کشورشان حمله کرده بود. انگار یادشان رفته ده ها پدرخوانده
حریص، هر روز توی اتاق های گرم کاخ های سیاه شان برای چاه های
نفت ما نقشه می کشیدند و برای ذره ذره معادن و ذخایر سرزمین
مردم زجرکشیده سرزمین مان دندان تیز کرده بودند. انگار نه انگار که
می خواستند تهران را چهار روزه به یکی از استانهای عراق تبدیل کنند.



مردم یادشان رفته چطور خرمشهرمان را خونین شهر کردند. انگار نه انگار
که در طی قرن ها هر دیکتاتوری هر گاه با عیالش دعوايش می شد، دق
دلی اش را سر ایران عزیز ما خالی می کرد و برای اینکه ثابت کند خیلی
هم بی عرضه نیست، تکه ای از این خاک، از این سرزمین را ظرف چند
روز از نقشه می برید و به مرزهای کشورش وصله میزد تا امروز همه بچه
های ایران با چشم های بسته، کتاب تاریخ شان را ورق بزنند و از مرور

این همه خیانت، بلاهت از پادشاهان سلسله وطن فروشان و زن بارگان خشم شان را قورت بدهند.

شاید خیلی ها یادشان رفته که به برکت خون شما و نفس گرم امام (ره) بود که برای اولین بار طی این دویست سال حتی یک وجب از خاک سرزمین اسلامی مان جدانشد و اشغال نشد. از شما چه پنهان! صدای شکستن استخوانهای دشمن به گوش می رسد. اما به شرط این که دقت کنیم با دشمنان قسم خورده جمهوری اسلامی چگونه برخورد کنیم. به نکاتی که نظریه پرداز امریکائی نقل کرده توجه کنید.

فرانسیس فوکویاما در سه کنفرانس جهانی تورنتو (کانادا) و واشنگتن (آمریکا) و اورشلیم (رژیم جعلی اسرائیل) کتاب پایان تاریخ، خود را ارائه نمود. این کتاب در برابر کتاب «برخورد تمدنها» اثر ساموئل هانتینگتون است. فوکویاما مدعی است: خرده تمدن ها و فرهنگ های جزئی به دست فرهنگ غالب بلعیده می شوند و رسانه ها ؛ دنیا را به سمت دهکده ی واحد جهانی پیش می برند و به ناچار دنیا درگیر جنگی خان مان سوز خواهد بود بنا براین

باید کشوری را به عنوان کدخدا بپذیریم وی تلاش می کند که اثبات کند که کدخدا ، آمریکا است. فرانسیس فوکویاما می گوید:

این نبرد حتمی است ولی برنده ی آن الزاما غرب نخواهد بود و در صورت بی توجهی غرب به راه حل پیشنهادی، برنده نبرد آخر الزمان ، شیعیان هستند!؟ فوکویاما در کنفرانس اورشلیم با عنوان بازشناسی هویت شیعه می گوید : شیعه ، پرنده ای است که بال پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ما است. پرنده ای که دو بال دارد : یک بال سبز و یک بال سرخ. بال سبز ، مهدویت و عدالت خواهی و بال سرخ شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد. و شیعه را فنا ناپذیر نموده است. شیعه ، بُعد سومی نیز دارد که اهمیتش بسیار است. این پرنده ، زرهی به نام ولایت پذیری دارد و قدرتش با شهادت دو چندان می شود . شیعه ، عنصری است که هرچه او را از بین می برند ، بیشتر می شود. برای جلوگیری از پیروزی شیعه در نبرد آخرالزمان ، از هم اینک ابتدا ولایت فقیه را خط بزنید تا این را خط نزنید نمی توانید یه ساحت قدسی کربلا و مهدویت آسیب برسانید ابتدا ولایت فقیه را خط بزنید. در گام بعدی

شهادت طلبی را به لذت طلبی و رفاه طلبی تبدیل کنید. اگر این دورا خط زدید، خود به خود اندیشه های امام زمانی از جامعه ی شیعه بیرون می رود. ای خواهران و برادران عزیز! رسالت امروز شما بسی سنگین تر است!

اگر دیروز، ما با تهاجمی نظامی دشمن مواجه بودیم ، امروز با شبیخون فرهنگی او مواجهیم ، که این برای هر جامعه ایی ، حربه یی بس برنده تر است. از این رو خود را موظف و مکلف بدانیم تا با توکل به خدا و با سلاح ایمان ، علم ، عفت ، پاکدامنی، ایثار ، شجاعت و شهامت و با الگوپذیری از سیره زندگی ائمه معصومین(ع) و با اطاعت کامل و بی چون و چرا از ولایت مطلقه ی فقیه و یاری از فرهنگ والای شهدا، دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب را در رسیدن به هدف شان که همانا شکست انقلاب و نابودی اسلام است ، ناکام گذاشته و با جدیت و تلاش ، شاهد بالندگی و گسترش روز افزون اسلام و انقلاب در سرتاسر جهان بوده و زمینه ی ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) را فراهم آوریم. اگر آنان که رفتند حسینی بودند و جهادی علی وار کردند، شمایی که ماندید، هنری زینبی دارید تا زیباییی حضورتان را بر چشمان ناباور قافله باختگان به تصویر بکشید.



و در آخر با سخنانی از مقام معظم رهبری کتاب را این گونه به پایان می‌رسانیم. **بزرگترین درس دفاع مقدس این بود که نشان داد، یک ملت در سایه اتحاد، ایمان و حسن ظن به خداوند متعال و اعتقاد به صدق وعده الهی، می‌تواند از همه گذرگاههای دشوار عبور و با ایستادگی در مقابل دشمن، او را وادار به عقب نشینی و شکست کند.**

"یادمان شهدای شرق کارون ۹۳/۱/۶"

پایان... التماس دعا... ناصرکاوه

امام خمینی علیه السلام:

ما در جنگ برای
یک لحظه هم نادم و
پشیمان از عملکرد
خود نیستیم. ما در جنگ
ابته ابر قدرت‌ها را
شکستیم.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۳ و ۲۸۴

